

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

تاریخ اسلام (۲)

رشته علوم و معارف اسلامی

پایه یازدهم

دوره دوم متوسطه

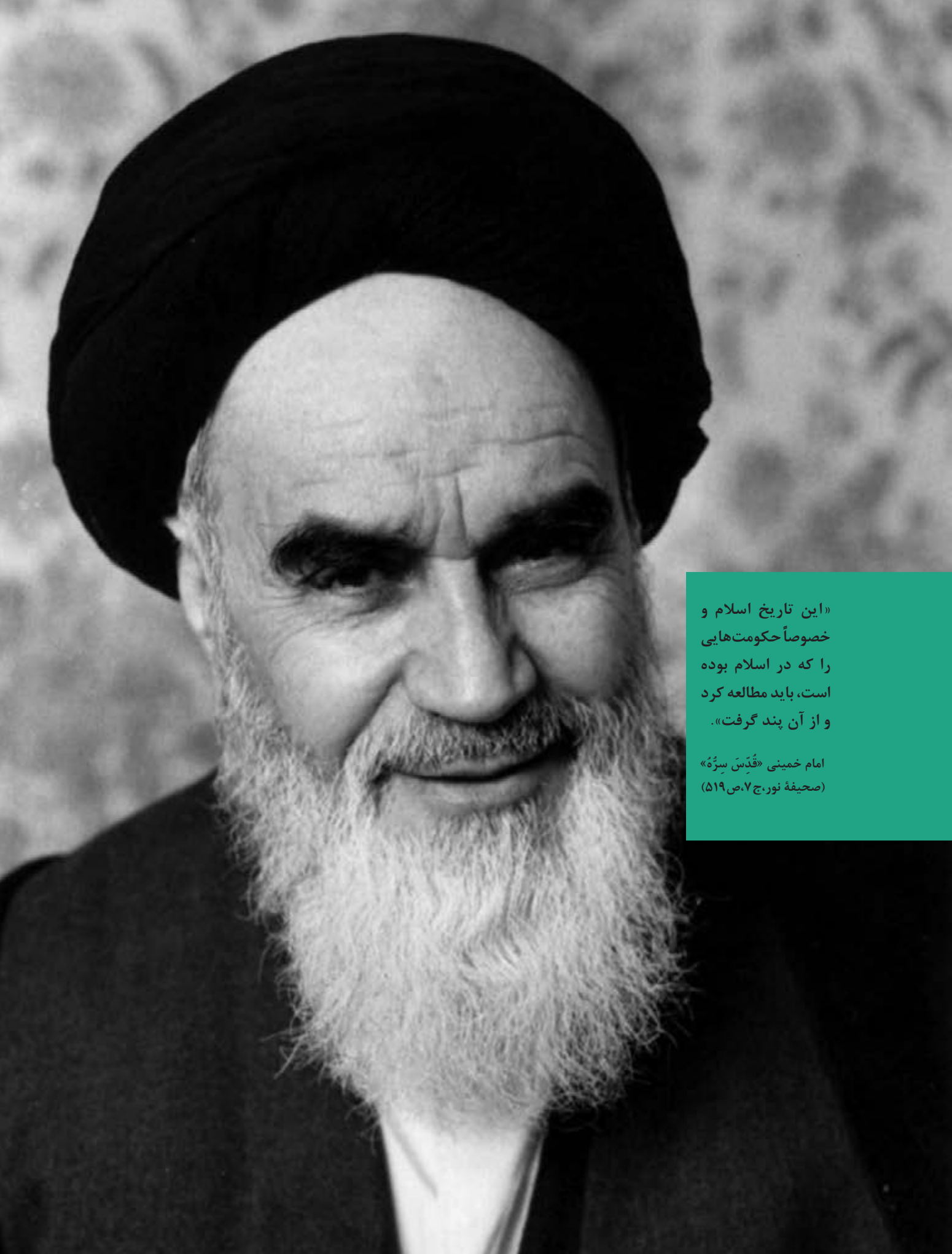




وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب: تاریخ اسلام (۲) - پایه یازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۱۲۳۳
پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: منوچهر امیری مقدم، اسماعیل باغستانی، داود بهرامسری، حمیدرضا تمدن، مهدی حاجیان، عبدالرضا فرخ، سیده سمیه طباطبایی، ریحانه سادات حسینی، رامین دولت‌آبادی، سیده طاهره آقامیری (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
مدیریت آماده‌سازی هنری: زهرا طاهری پور (درس ۱ تا ۱۱) و محمدرضا جباری (درس ۱۲ تا ۱۴) (اعضای گروه تألیف)
شناسه افزوده آماده‌سازی: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
نشان‌های سازمان: احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری) - مریم کیوان (طراح جلد) - مهلا مرتضوی (طراح گرافیک و صفحه‌آرا) - فاطمه باقری‌مهر، الهام جعفرآبادی، شهلا دالایی، زینت بهشتی شیرازی و راحله زادفتح‌اله (امور آماده‌سازی)
ناشر: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ هشتم ۱۴۰۴

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۳۲۰۶-۵
ISBN: 978-964-05-3206-5



«این تاریخ اسلام و
خصوصاً حکومت‌هایی
را که در اسلام بوده
است، باید مطالعه کرد
و از آن پند گرفت».

امام خمینی «قَدِّسَ سِرُّهُ»
(صحیفه نور، ج ۷، ص ۵۱۹)

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان، ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست

درس ۱	امام صادق علیه السلام (۱)	۱
درس ۲	امام صادق علیه السلام (۲)	۱۱
درس ۳	امام کاظم علیه السلام	۱۸
درس ۴	امام رضا علیه السلام	۲۸
درس ۵	امام جواد علیه السلام	۳۸
درس ۶	امام هادی علیه السلام	۴۷
درس ۷	امام حسن عسکری علیه السلام	۵۷
درس ۸	امام مهدی علیه السلام	۶۵
درس ۹	منابع تاریخ اسلام و ایران	۷۵
درس ۱۰	ظهور و گسترش تمدن ایرانی — اسلامی	۹۰
درس ۱۱	حکومت، جامعه و اقتصاد در عصر خوارزمشاهیان، مغول — تیموری ... ۱۰۲	
درس ۱۲	فرهنگ و تمدن اسلامی (۱)	۱۱۷
درس ۱۳	فرهنگ و تمدن اسلامی (۲)	۱۳۲
منابع و مأخذ		۱۴۰

سخنی با دبیران ارجمند

همکار گرامی در ادامه مباحث کتاب تاریخ اسلام ۱، کتاب حاضر در بخش اول، سیره و ابعاد زندگی پیشوایان معصوم علیهم السلام از دوران امام صادق علیه السلام تا پایان غیبت صغری را مورد بررسی و تحلیل قرار می دهد. بخش دوم کتاب مربوط به منابع تاریخ اسلام و ایران و تاریخ ایران از آغاز تمدن اسلامی تا انتهای دوران مغول – تیموری مورد بررسی قرار می گیرد. بخش سوم کتاب هم به موضوع فرهنگ و تمدن اسلامی اختصاص یافته است. مطالب کتاب شامل چند محور اصلی است:

- رخدادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوران زندگی ائمه علیهم السلام
- جریان های فکری شکل گرفته در این محدوده زمانی و موضع اهل بیت علیهم السلام در مقابل آنها
- فعالیت های علمی و فرهنگی امامان معصوم علیهم السلام
- بررسی نحوه عملکرد ائمه علیهم السلام متناسب با شرایط خاص زمان خود
- تاریخ ایران در دوران ابتدایی تمدن اسلامی
- بررسی تاریخ ایران از غزنویان تا انتهای دوران مغول – تیموری
- دوره های پیدایش، شکوفایی، رکود فرهنگ و تمدن اسلامی و دوره خیزش پس از انقلاب اسلامی

برای اجرای مفید و مؤثر و تأمین اهداف مورد نظر از طرح این مباحث، توجه به چند نکته شایسته است:

۱ به دلیل تخصصی بودن مباحث و مطالب کتاب، ضروری است مدرسان کتاب، دانش آموخته رشته های تاریخ و تاریخ اسلام و تاریخ تشیع باشند.

۲ محتوای کتاب مشتمل بر مهم ترین محورهای قابل بحث در زندگانی پیشوایان معصوم علیهم السلام و از اهمیت زیادی برخوردار است. از این رو، شایسته است دبیران محترم با بهره مندی از اطلاعات کافی و فراتر از مطالب کتاب، نیازهای علمی دانش آموزان را به خوبی پاسخ دهند. در انتهای کتاب، منابع مورد ارجاع و استناد و نیز منابعی که مطالعه آنها مفید به نظر می رسد، معرفی شده اند. مطالعه این منابع به دبیران عزیز توصیه می شود.

۳ عنایت داشته باشید هدف آموزش تاریخ به ویژه در مقطع تحصیلی متوسطه، فقط انتقال دانش به مخاطبان در قالب پاره ای اخبار و گزاره های تاریخی نیست؛ بلکه در مرتبه اول مقصود ایجاد انگیزه و علاقه در دانش آموزان برای مطالعه و تحقیق مداوم و مستمر در تاریخ است و در مرتبه دوم هدف عبرت آموزی و بهره گیری از تاریخ در زندگی، بر مبنای درک و شناخت تحولات تاریخی و تجزیه و تحلیل آن است.

۴ دستیابی به هدف فوق، بیش، روش و ابتکار خاص خود را در دو بخش تدریس و ارزشیابی اقتضا می کند و از طریق روش سنتی آموزش تاریخ؛ مانند سخنرانی صرف دبیر و تبدیل کتاب درسی به انبوهی از پرسش و پاسخ های جزئی و منفصل از هم، محقق شدنی نیست و نیازمند به کارگیری روش های متنوع و فعال تدریس است. جلب مشارکت دانش آموزان در فرایند

یاددهی - یادگیری و ترغیب و تشویق آنان به پرسشگری و شرکت در مباحثه کلاسی، روش مؤثر و مفیدی برای آموزش تاریخ است. به خاطر داشته باشید که تقویت مهارت گفت‌وگو، اظهار نظر و بیان تحلیل‌های مستدل و مستند از جمله هدف‌های آموزش درس تاریخ است و چنان که روشن است بخش‌های فکر کنید و پاسخ دهید برای مباحثه و تأمل بیشتر در نظر گرفته شده است.

۵ مباحث کتاب در قالب سیر تاریخی تنظیم و سامان‌دهی شده‌اند. بنابراین، مطالب درس‌ها را به شکل پیوستار و در قالب فرایندی از تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با نظم علی و معلولی ارائه دهید و از طرح پدیده‌های تاریخی به صورت وقایع منفرد و مجزا از یکدیگر پرهیز کنید؛ چرا که تبدیل درس تاریخ به گزاره‌های جزئی و بی‌ارتباط با هم در خوشبینانه‌ترین حالت به انباشت ذهنی موقت مجموعه‌ای از اسامی و تاریخ‌ها خواهد انجامید و کارکرد شناختی و نگرشی چندانی نخواهد داشت.

۶ در تدوین مباحث کتاب تلاش شده است، زمینه‌ها، ریشه‌ها، علت‌ها و پیامدهای حوادث و تحولات تاریخی دوران زندگی پیشوایان معصوم بحث و بررسی گردد و ضرورت دارد هنگام تدریس این گونه مباحث مورد توجه و تأکید بیشتر قرار گیرد.

۷ مباحثی از محتوای کتاب در قالب یک توضیح، بیشتر بدانید، فکر کنیم و پاسخ دهیم، فعالیت، جست‌وجو، بحث و گفت‌وگو، کاوش خارج از کلاس و استنباط تاریخی ارائه شده است که ارزش و اعتباری همانند سایر مباحث کتاب دارند و لازم است در فرایند تدریس و ارزشیابی مستمر مورد توجه قرار گیرند؛ فقط در ارزشیابی نوبت اول و پایانی از این قسمت‌ها پرسشی طرح نمی‌شود.

۸ برخی از اطلاعات تاریخی در قالب نمودار یا تصویر، خط زمان نقشه ارائه شده است. این موارد صرفاً جهت ارائه اطلاعات بیشتر به دانش‌آموزان می‌باشد و هرچند به دانش‌آموزان در فهم مطالب کمک می‌کند اما جزو محتوای آموزش نیست، لذا مورد ارزشیابی قرار نمی‌گیرند.

۹ پرسش‌های نمونه در پایان هر درس، تنها بخشی از مطالب آن درس را پوشش می‌دهند و نباید ارزشیابی به آنها محدود شود.

۱۰ در ارزشیابی چه ارزشیابی مستمر و چه ارزشیابی پایانی، مباحث و موضوع‌های اساسی و اصلی کتاب مانند: زمینه‌ها، علت‌ها، هدف‌ها، نتایج و پیامدهای رویدادها و تحولات تاریخی مورد تأکید و توجه قرار گیرد.

مؤلف کتاب، کارشناسان و اعضای شورای برنامه‌ریزی گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی از طریق رمزبانه سریع پاسخ نظرسنجی کتاب درسی همواره پذیرای پیشنهادها و انتقادهای شما خواهند بود.

گروه حکمت و معارف اسلامی دفتر تألیف
کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری



سخنی با دانش آموزان عزیز

- کتاب تاریخ اسلام (۲) در بخش اول سیره و ابعاد زندگی پیشوایان معصوم از دوران امام صادق علیه السلام تا پایان «غیبت صغری» را دربرمی گیرد. بخش دوم کتاب مربوط به «منابع تاریخ اسلام و ایران» و «تاریخ ایران از آغاز تمدن اسلامی تا انتهای دوران مغول - تیموری» مورد بررسی قرار می گیرد. بخش سوم کتاب هم به موضوع «فرهنگ و تمدن اسلامی» مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد. البته به سبب گستردگی رخدادهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوران مذکور، به ناچار مهم ترین تحولات و فعالیت های امامان معصوم علیهم السلام مورد بررسی قرار گرفته است. توصیه می شود با راهنمایی دبیر ارجمند خویش و با استفاده از مآخذ پایانی کتاب، مطالعه و پژوهش را ادامه دهید.
 - توجه داشته باشید هدف درس و کتاب تاریخ، انباشته کردن حافظه شما از پاره ای اسامی، تاریخ ها و رویدادها بدون درک رابطه آنها نیست؛ بلکه مقصود شناخت روند مهم ترین تحولات تاریخی و تفکر و تأمل درباره آنهاست. به همین منظور در لابه لای متن هر درس پرسش هایی در قالب «فعالیت»، «جست و جو»، بحث و گفت و گو، کاوش خارج از کلاس، استنباط تاریخی و «فکر کنید و پاسخ دهید» آمده است تا ضمن عمیق تر کردن فرایند یادگیری، شما را به تأمل و تفکر در پدیده ها و تحولات تاریخی وادار کند.
 - مطالبی که با عنوان یک توضیح، بیشتر بدانید، برای مطالعه در لابه لای متن درس ها گنجانده شده اند، اهمیت و اعتباری همچون سایر مباحث کتاب دارند و تنها در ارزشیابی نوبت اول و پایانی از این قسمت ها پرسشی طرح نمی شود.
 - نقشه ها، نمودارها، جدول ها و عکس های کتاب بخشی از محتوا را تشکیل می دهند و تأثیر زیادی در فرایند یادگیری دارند. بنابراین، لازم است به دقت مطالعه و یا ملاحظه شوند.
- پیشنهادهای و انتقادهای شما را از طریق رزمینه نظرسنجی پذیرا خواهیم بود.

گروه حکمت و معارف اسلامی دفتر تألیف
کتاب های درسی عمومی و متوسطه نظری

دوران امامت امام صادق علیه السلام به لحاظ سیاسی بسیار حساس و پرفراز و نشیب بود. در این دوران خلافت قدرتمند بنی امیه پس از سال‌ها حکومت از بین رفت و بنی عباس که از تبار عباس بن عبدالمطلب بودند، به حکومت رسیدند. آنان با بهره گرفتن از دو عنصر تعیین کننده یعنی تعداد فراوان ایرانیان ناراضی و محبوبیت علویان و خاندان پیامبر ﷺ در میان مردم موفق شدند، قدرت را در اختیار گرفته و تا سال ۶۵۶ ق. حکومت کنند.

انتظار می‌رود پس از مطالعه این درس به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

۱ عواملی که موجب انحطاط و زوال بنی امیه شد چه بود؟

۲ بنی عباس چگونه موفق شد قدرت را به دست بگیرد؟

۳ نقش ایرانیان در به قدرت رسیدن بنی عباس چگونه بود؟

اوضاع سیاسی دوران امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام سال ۱۱۴ ق. به امامت رسید. در این زمان همچنان هشام بن عبدالملک خلافت می‌کرد. عملکرد هشام، قیام‌های زید بن علی بن حسین علیه السلام و یحیی بن زید را در پی داشت. پس از مرگ هشام دولت اموی چندان دوام نیاورد^۱ و بنی عباس که از مدت‌ها قبل فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی خود را مخفیانه آغاز کرده بودند، توانستند دولت عباسی را در عراق پایه‌ریزی کنند. مهم‌ترین عوامل زوال دولت اموی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱ **اختلافات داخلی بنی امیه:** از زمانی که اختلافات و درگیری‌های داخلی خاندان اموی بر سر جانشینی، مطرح شد، راه برای توطئه آنها بر ضد یکدیگر هموار گردید. در دوران حکومت هشام بن عبدالملک نزاع‌های داخلی آغاز شد. هشام ولیعهد خود، ولید دوم - ولید بن یزید - را تهدید کرد، پس از چندی هشام درگذشت. با مرگ او ولید دوم به خلافت رسید و کینه و دشمنی خود را نسبت به پسرعموهایش - فرزندان هشام - آشکار نمود.

پس از آن رقابت شدیدی میان امویان در گرفت و به کشته شدن ولید دوم در زمان حکومتش انجامید. بدین ترتیب همبستگی و اتحاد میان امویان که پشتوانه‌ای محکم برای قدرت آنها بود از بین رفت و حتی زمانی که مروان دوم به خلافت رسید، به رغم تلاش بسیار موفق نشد اوضاع را سامان دهد. این گسستگی امویان را در سراسیمگی سقوط قرار داد تا آنجا که در مقابل عباسیان به زانو درآمدند.

۱. دولت بنی امیه پس از هشام بن عبدالملک تنها هفت سال دوام آورد و از نشانه‌های تزلزل آن، جابه‌جایی چهار خلیفه در طول این مدت است که عبارت است از: ۱- ولید بن یزید بن عبدالملک (ولید دوم). ۲- یزید بن ولید بن عبدالملک (یزید ناقص). ۳- ابراهیم بن ولید بن عبدالملک؛ ۴- مروان بن حمار که به علت جان‌سختی‌اش در جنگ‌ها به «مروان حمار» معروف شد.

۲ رفتارهای خلاف شرع و دین : دولت امویان در تمام دوران حکومت خود، کارهای خلاف شرع و عرف جامعه اسلامی انجام می دادند تا جایی که به تدریج محبوبیت خود را از دست دادند. در عصر اموی خلفا هیچ مانعی در صدور احکام خلاف قرآن و سنت پیامبر ﷺ نمی دیدند.

گرایش به تجمل گرایی و بنای کاخ های مجلل به سبک امپراطوری روم و ایران رواج یافت. توجه به عیاشی، خرید کنیزان و میگساری در میان آنها متداول شد و آنان را از اداره امور کشور و مردم غافل کرد و مدیریت سرزمین های پهناور اسلامی به سلیقه و امیال وزرا و درباریان واگذار می شد. به عنوان مثال ولید بن یزید به عیاشی و بی پروایی در میان امویان معروف بود. وی را بدترین خلیفه بنی امیه توصیف کرده اند. چنین اقداماتی از سوی خلفای اموی که خود را جانشین پیامبر ﷺ و حاکم جامعه اسلامی معرفی می کردند، موجب رویگردانی بسیاری از مسلمانان از آنان شد.

یک توضیح

پس از سقوط دولت اموی و به قدرت رسیدن بنی عباس یکی از بزرگان بنی امیه درباره زوال ملک و حکومتشان چنین می گوید : «ما به لذایذ و خوش گذرانی ها پرداختیم و از رسیدگی به امور مردم و انجام وظایف حکومت کوتاهی کردیم، به مردم ظلم کردیم و آنان از عدل و انصاف ناامید شدند و آرزو کردند از دست ما راحت شوند. به خراج پردازان جفا کردیم. آنان از ما جدا شدند و خراج نپرداختند و در نتیجه زمین ها و املاک ما از بین رفت و خزانه ما تهی شد. به وزرای خود اطمینان کردیم و آنان خواسته ها و منافعشان را بر منافع ما مقدم داشتند و امور مملکتی را خودسرانه اداره کردند و گزارش های آنها را از ما پوشیده داشتند. پرداخت مقرری و حقوق نظامیان را به تأخیر انداختیم، لذا وقتی که دشمنان به جنگ ما آمدند به علت فقدان سرباز و پیاده از رویارویی با آنان ناتوان شدیم. بی خبری ما از اوضاع کشور از مهم ترین اسباب زوال حکومت ما بود.»^۱

۳ ظلم و ستم امویان نسبت به اهل بیت علیهم السلام : بنی امیه نسبت به اهل بیت پیامبر ﷺ که مورد احترام و توجه مردم بودند؛ ظلم و ستم فراوان روا داشت. آنان ضمن طرد خاندان پیامبر ﷺ از صحنه اجتماع، فجیع ترین برخوردها و شکنجه ها را اعمال نمودند. حوادث غم باری که در سال ۶۱ ق. با شهادت امام حسین علیهم السلام در کربلا رخ داد و همین طور نهضت های مختلفی که بعد از آن اتفاق افتاد و همه با شکست روبه رو شد، وضعیت را برای شیعیان و علویان سخت نمود و شدیدترین فشارها و محدودیت ها را برای علویان و دوستداران آنها در پی داشت. سرانجام تلاش های معترضان عمومی نسبت به رفتار خشونت آمیز خلفای بنی امیه نسبت به خاندان پیامبر ﷺ آشکار شد. در ابتدا اعتراضات در مجالس خصوصی صورت می گرفت؛ اما به تدریج جنبه عمومی و اجتماعی پیدا کرد و در نهایت به حرکت های انقلابی خون باری تبدیل شد.

۴ شورش های عاملان اموی : یکی دیگر از عوامل سقوط بنی امیه، قیام ها و شورش هایی بود که از طرف عاملان بنی امیه در مناطق مختلف شکل می گرفت. این افراد در ابتدا به عنوان حاکم آن منطقه انتخاب می شدند، اما در ادامه علیه خود خلیفه قیام می کردند. خلفای اموی تمام تلاش خود را جهت سرکوب شورش ها به کار می گرفتند و همین امر آنها را از کشورداری و رسیدگی به امور مردم غافل می کرد.

۵ موروئی شدن حکومت : معاویه پس از خود، پسرش را به جانشینی انتخاب کرد، بدین ترتیب خلافت موروئی را پایه گذاری کرد. موروئی کردن خلافت بدین معناست که تعیین جانشین توسط سلطان پیشین صورت می گیرد و یکی از فرزندان یا اعضای خاندان

پادشاه به عنوان جانشین تعیین می‌شود. دستاورد چنین اقدامی، استبداد و خودخواهی خلفا بود. یکه تازی آنان تا جایی پیش رفت که خود را قدرت مطلق می‌دانستند و حتی جایگاهی برتر از جایگاه پیامبر ﷺ برای خویش قائل بودند. معاویه می‌گفت: «زمین متعلق به خداست و من خلیفه خدایم و هر چه از مال خدا بگیرم متعلق به من است و هر چه واگذارم رواست».

۶ تعصب عربی امویان: اصل برابری و مساوات میان تمام انسان‌ها و نژادها یکی از اصول اساسی و مهمی بود که پیامبر ﷺ در طول رسالت خود برای برقراری آن تلاش کرد. با این وجود، تعصبات نژادی هنوز در بسیاری از قبایل عرب، همچون بنی امیه وجود داشت. امویان نژاد عرب را برتر می‌دانستند و به مسلمانان غیر عرب – که به آنها موالی گفته می‌شد – به چشم حقارت می‌نگریستند. شرکت موالی در سپاه، اجباری و بدون دریافت مزد و استفاده از غنیمت بود. در زمان حجاج بن یوسف حتی اسلام آنها نیز پذیرفته نبود و همچون مسلمانان غیر عرب از آنها جزیه^۱ گرفته می‌شد. این سیاست تبعیض میان عرب و موالی موجب شد تا نارضایتی میان آنان فراگیر شود، به طوری که هر کس علیه حکومت شورش می‌کرد، به او می‌پیوستند.

۷ قیام‌ها و مبارزات ائمه و شیعیان: قیام امام حسین ﷺ، توأین، مختار، زید بن علی و یحیی بن زید، افشاگری‌های امام سجّاد ﷺ و حضرت زینب و شیعیانی چون حُجر بن عدی و میثم تمار، مشروعیت بنی امیه را زیر سؤال برد. این قیام‌ها و افشاگری‌ها، ماهیت ضد دینی و انسانی بنی امیه را برای همه آشکار کرد و توده مردم را نسبت به امویان بدبین نمود و آنان را به موضع‌گیری بر ضد خلفای اموی واداشت.

تلاش مستمر ائمه هم‌عصر با امویان و تبلیغ تفکر شیعی به‌ویژه نظریه سیاسی آن، مبنی بر الهی بودن حکومت اهل بیت ﷺ و نامشروع بودن خلافت امویان به تدریج بنی امیه را در معرض تهدید جدی قرار داد.

بیشتر بدانید



زید فرزند امام سجّاد ﷺ است، او حدود سال ۷۵ متولد و در بین سال‌های ۱۲۰ تا ۱۲۲ شهید شده است. دشمنی و ستم فراوان هشام بن عبدالملک نسبت به علویان و شیعیان سبب شد تا زید تصمیم به قیام بگیرد. وی در صفر سال ۱۲۲ ق. قیام خود را در کوفه آغاز کرد و در نبردی نابرابر با سپاهیان اموی به شهادت رسید. سر او را به دروازه دمشق آویزان کردند، جسدش را در کوفه بردار کرده و بعدها سوزانیدند.^۲ امامان معصوم ﷺ زید را به جهت دانش، تقوا و شجاعت ستوده‌اند.



برخی از آثار علمی همچون تفسیر غریب القرآن، مناسک حج و مجموعه‌ای فقهی و حدیثی منسوب به زید است.^۳ پس از زید، در بین پیروان او دانشمندانی پدید آمدند که به تنظیم عقاید زیدیه پرداختند و بدین ترتیب مذهب زیدیه پدید آمد. از عقاید آنها مبارزه با شمشیر و جهاد علنی در هر شرایطی می‌باشد. زیدیه در مراکش، طبرستان و یمن حکومت‌هایی تشکیل دادند که دیرپاترین آنها دولت زیدیه یمن است. اکنون نیز در یمن و جنوب کشور عربستان مذهب زیدیه پیروان زیادی دارد.

۱. جزیه مالیات غیر مسلمانان از اهل کتاب ساکن در سرزمین‌های اسلامی به دولت اسلامی برای تأمین جان و حفظ دین خود و کسب حمایت دولت اسلامی است.

۲. طبری، محمد بن جریر، تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۹۷-۵۰۴

۳. شوشتری، محمد تقی، قاموس الرجال، ج ۴، ص ۲۶۲

شکل‌گیری خلافت عباسیان

عباسیان شاخه‌ای از خاندان مشهور بنی‌هاشم بودند. نسب آنان به عباس بن عبدالمطلب عموی پیامبر گرامی اسلام می‌رسد. به همین دلیل به بنی‌عباس یا عباسیان معروف شدند. محمد بن علی، نخستین فرد از خاندان بنی‌عباس بود که فعالیت سیاسی و تبلیغاتی، علیه حاکمیت امویان را شروع کرد. جد او، عبدالله بن عباس، صحابی برجسته و شاگرد امیرمؤمنان علی (علیه السلام) بود که در سال ۷۶ق در طائف در گذشت. پسرش علی که از همه فرزندان عبدالله مشهورتر است به همراه خانواده خود در روستای حُمیمه در نزدیکی پایتخت امویان - شام - اقامت کرد. محمد بن علی و جانشینانش از همین روستا، فعالیت‌های سری و سازمان‌یافته‌ای را با هدف دستیابی به قدرت، هدایت می‌کردند. این فعالیت‌ها نخست از عراق آغاز شد، اما خیلی زود دامنه آن به ایران رسید و بر منطقه خراسان متمرکز شد.

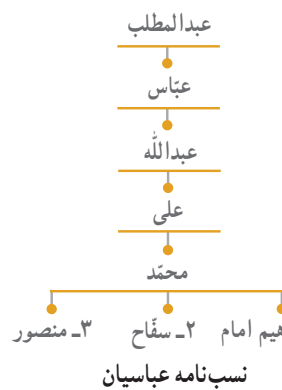
عباسیان تشکیلات مخفیانه‌ای را به نام «سازمان دعوت عباسی» پدید آوردند. این تشکیلات دارای سلسله مراتب دقیق و منسجمی بود و از سرکرده، ۱۲ نفر نقیب^۱، ۱۲ نفر جانشین نقبا و دعوت‌گران عادی با داعیان، سامان یافته بود. هر داعی تعدادی کارگزار داشت. این تشکیلات در همه شهرهای بزرگ نفوذ داشت. بدین ترتیب کار دعوت با موفقیت و سریع‌تر پیش رفت.^۲ محمد بن علی به داعیان اعزامی به عراق، خراسان و سایر مناطق سفارش می‌کرد:

۱ بدون اینکه نام کسی را ببرند، مردم را به شعار «الرضا من آل محمد» دعوت کنند.

۲ مناقب خاندان رسالت و مظلومیت آنان و اینکه اسلام حقیقی نزد آنان است را ترویج کنند.

وی با طرح این شعار با مهارت دعوت خود را به علویان پیوند داد و با بهره‌گرفتن از شعاری امیدبخش و چندپهلوی فعالیت تبلیغی خود را آغاز نمود. محمد بن علی بن عباس در سال ۱۲۵ق. درگذشت و فرزندش - ابراهیم امام - جانشین او شد و سرکردگان دعوت با او بیعت کردند.

ابراهیم امام در یک اقدام شجاعانه برخی از فرماندهان کهنه‌کار را تغییر داد و رهبر جوان یعنی ابومسلم خراسانی و ابوسلمه خَلال را به سرکردگی دعوت برگزید.



شعار فریبنده «الرضا من آل محمد»

این شعار مبهم که به معنای «دعوت به یکی از آل محمد (علیهم السلام) که همگان بدو راضی باشند» می‌توان تعریف کرد، در ایجاد وحدت و یکدلی میان طرفداران بنی‌عباس و پیروان علوی بسیار مؤثر بود زیرا هرگونه بحث و اختلاف تفرقه‌انگیز برای تعیین خلیفه تا فرا رسیدن موعد مقرر مسکوت می‌ماند. همچنین با طرح این شعار نام امام و خلیفه مورد نظر پنهان می‌ماند و بدین ترتیب جان وی از تعرض امویان حفظ می‌شد. عباسیان با طرح این نقشه، از محبت و شور و اشتیاق مردم به اهل بیت (علیهم السلام) برای تبلیغات خود بهره بردند و انقلابیون و مردم ستم‌دیده و رنج‌کشیده را که به دنبال چاره می‌گشتند، فریب دادند و در نهایت مردم به خلافت بنی‌عباس گردن نهادند.

چرا خراسان؟

همان‌طور که اشاره شد عباسیان، خراسان را به عنوان مناسب‌ترین مکان برای تمرکز دعوت جدید انتخاب کردند. دلایل انتخاب

۱. نقیب به معنای سردمدار، سردسته، رئیس و بزرگ‌تر یک گروه یا قوم است.

۲. نائمناس، اخبار الدولة العباسية، ص ۲۴۱

۳. واژه «الرضا» هر چند مصدر است، اما در اینجا معنای اسم مفعول داشته و به معنای «المرضى» یعنی فرد پسندیده و مورد رضایت است.

این منطقه را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد :

۱. سرزمین خراسان، پس از فتح آن در عصر خلیفه سوم، محل استقرار و سکونت تعداد زیادی از مسلمانان شد. آنان براساس قرآن و سنت نبوی به خاندان پیامبر علاقه‌مند بودند و برای استمرار فتوحات مناطق شرقی، در خراسان حضور داشتند.
۲. تعداد زیادی از مسلمانان این سرزمین را موالی تشکیل می‌دادند. اینان مسلمانان غیر عرب، اعم از ایرانی و غیرایرانی بودند که پس از اسلام آوردن، همراه با عرب‌های مسلمان در فتوحات شرکت می‌کردند.
۳. رفتارهای نژادپرستانه امویان با مسلمانان غیر عرب (موالی) موجبات نارضایتی آنان را فراهم کرد که در این زمان به سود عباسیان تمام شد.
۴. امکان شناخت دقیق اهل بیت علیهم‌السلام برای ساکنان خراسان (به علت دوری از کوفه و مدینه) کمتر فراهم بود؛ از این رو بنی‌عباس می‌توانستند خود را به عنوان آل محمد معرفی کنند.

یک توضیح

محمد بن علی بن عباس در بیان علت برگزیدن این سرزمین می‌گوید : «مردم کوفه و پیرامونش، شیعه علی بن ابیطالب اند و بصریان پیروان عثمان اند. مردم جزیره یا خوارج اند یا مسلمانانی با خلق و خوی مسیحیان و یا عربانی همچون عجمان و اهل شام جز آل ابوسفیان و اطاعت بنی مروان، کسی را نمی‌شناسند. دشمنی آنان با ما ریشه‌دار و نادانی‌شان زیاد است. مردم مکه و مدینه پیرو ابوبکر و عمر اند ولی بر شما باد خراسان، زیرا در آنجا جمعیت بسیار و شجاعت آشکار است. دل‌هایشان پاک است؛ زیرا اختلافات مذهبی و دسته‌بندی‌های سیاسی و تعصب قبیله‌ای بدان جا راه نیافته است... بر آنان ستم می‌شود و آنان صبر می‌کنند و امید رهایی دارند»^۱.

نقش ابو مسلم خراسانی در جنبش عباسیان

ابو مسلم خراسانی، سردار نام‌آور عباسی، سهم زیادی در براندازی حکومت امویان و به قدرت رسیدن عباسیان برعهده داشت. درباره نام، نسب و نژاد ابو مسلم و زادگاه او اختلاف زیادی وجود دارد.^۲ در اینکه او برده بوده یا آزاد نیز اتفاق نظر وجود ندارد. ابو مسلم از هوش و ذکاوت زیادی برخوردار بود، به همین دلیل در حالی که بسیار جوان بود، از سوی ابراهیم امام برای ریاست نهضت در خراسان برگزیده شد.^۳ همین امر مخالفت بزرگان دعوت عباسی را برانگیخت. ابو مسلم در رمضان سال ۱۲۹ ق. قیامش را در خراسان آغاز کرد. قیام‌کنندگان با برافراشتن پرچم‌های سیاه و پوشیدن لباس سیاه و افروختن آتش بر فراز کوه آغاز قیام را اعلام کردند.^۴ پس از آن ابو مسلم به همراه سپاهیان به سوی مرو پایتخت امویان در خراسان حرکت کرد و پس از تصرف مرو، بر دیگر شهرهای خراسان و ایران نیز چیره شد. در این زمان که کار عباسیان به سرعت در حال پیشرفت بود، مروان حمار (آخرین خلیفه اموی) از

۱. مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ص ۲۹۳-۲۹۴

۲. نام اصلی او - چنان که در یک سکه هم آمده - عبدالرحمان بن مسلم است؛ ولی بعضی گفته‌اند این نام را ابراهیم امام بر او نهاد. نام وی ابراهیم بن عباس بوده است. حتی یک نام ایرانی نیز برایش نوشته‌اند که عبارت است از : زاذان پسر پنداد هرمز. روایات درباره نژاد وی نیز بین ترک، کرد، عرب و فارس مختلف است؛ بنگرید به : الله اکبری، محمد، عباسیان از بعثت تا خلافت ص ۱۴

۳. ابن قتیبه دینوری : عبدالله بن مسلم، الامامة والسياسة، ج ۲، ص ۱۵۶

۴. آغاز قیام، پس از اقامه نماز عید فطر از روستای سفیدنج در چهار فرسخی مرو بود؛ (طبری، تاریخ طبری، ج ۷، ص ۳۵۶)

وخامت اوضاع آگاهی یافت و در نخستین اقدام ابراهیم امام را دستگیر و او را به قتل رساند. ابومسلم در جهت دستیابی به اهداف خود از هیچ اقدامی فروگذار نمی‌کرد. وی تعداد زیادی را کشت، به طوری که وقتی از او علت کشتارهایش را سؤال کردند، بدون آنکه انکار کند پاسخ داد، همه برای تحکیم قدرت عباسی بودند. ابومسلم تمام مخالفان خود را اگرچه از طرف شیعیان امام علی (ع) بود، نیز به سختی در هم می‌شکست. به عنوان نمونه مقابله با شریک بن شیخ المهری است. وی رهبر شیعیان بخارا بود که علیه عباسیان قیام کرد و گفت: «ما با عباسیان بیعت نکردیم که خون‌ها بریزیم و به غیر حق عمل کنیم». ابومسلم یکی از فرماندهان خود را برای سرکوبی مخالفان و کشتن شریک به آنجا فرستاد و قیام شریک با قساوت سرکوب شد.^۱

مبنای عملکرد ابومسلم، دستورات ابراهیم بود که به وی چنین فرمان داده بود: «تو مردی از اهل بیت ما هستی، به آنچه سفارش می‌کنم عمل کن... (در وفاداری به ما) نسبت به هر کس شک کردی و در کار هر کس که شبهه نمودی، او را به قتل برسان و اگر توانستی که در خراسان یک نفر عرب زبان هم باقی نگذاری چنین کن.^۲ و هر جا بچه‌ای را دیدی که طول قد او پنج وجب است و مورد سوءظن تو بود او را به قتل برسان».^۳ با سقوط خراسان، نیروهای بنی عباس، عراق را نیز طی جنگ‌هایی که به شکست مروان حمار انجامید، فتح کردند. کوفه نیز در نیمه محرم سال ۱۳۲ ق. سقوط کرد. پیش از آن، بقایای خاندان عباسی، مخفیانه به کوفه آمده بودند. پس از آنکه کوفه به تصرف طرفداران بنی عباس درآمد، یکی از داعیان برجسته عباسی به نام ابوسلمه خَلال^۴ — معروف به وزیر آل محمد — از مردم برای «ابوالعباس سَفّاح»، برادر ابراهیم امام، بیعت گرفت و بدین‌سان در سال ۱۳۲ ق. خلافت عباسی با مرکزیت کوفه رسماً آغاز شد.

فعالیت

درباره زندگی ابومسلم خراسانی و اهمیت شخصیت او در تاریخ و ادبیات مطلبی تهیه کنید.

خلفای عباسی

جنبش بنی عباس با بهره گرفتن از دو عنصر تعیین‌کننده یعنی تعداد فراوان ایرانیان ناراضی و محبوبیت علویان و خاندان پیامبر (ص) در میان مردم به پیروزی قطعی رسید. این تغییر حکومت نه تنها منجر به تغییر خلافت شد، بلکه به تغییرات گسترده در نظام اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در جهان اسلام انجامید. پیروزی عباسیان به رغم امیدها و انتظاراتی که از آنها می‌رفت سرآغاز یک دوره طولانی از ناامیدی و ناراضی در میان مردم و به خصوص شیعیان شد. اولین خلیفه معاصر امام صادق (ع)، سَفّاح بود که حدود ۴ سال حکومت کرد. پس از وی منصور به قدرت رسید.

۱. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۳۶

۲. وی ترس آن را داشت که عرب‌های خراسان — برخلاف ایرانی‌ها — با پیشرفت دعوت عباسی همراهی نکنند.

۳. ابن اثیر، عزالدین علی، الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۲۸۵

۴. ابوسلمه خَلال، حفص بن سلیمان مشهور به وزیر آل محمد، داعی بزرگ عباسی که در براندازی خلافت اموی نقش بسیار داشت، به علت اشتغال به صرافیه به خَلال شهرت یافت. وی از توانگران کوفه بود که برای پیشرفت دعوت عباسی از بنل مال دریغ نکرد. ابوسلمه سه یا چهار ماه پس از پیروزی عباسیان کشته شد. گزارش‌های مربوط به مرگ او مغشوش است. اما دست ابوجعفر منصور برادر خلیفه عباسی سَفّاح در طرح توطئه قتل او آشکار است. ظاهراً علت کشتن ابوسلمه هراس از قدرت و نفوذ او بوده است (رجوع کنید به دائرة المعارف بزرگ اسلامی مدخل ابوسلمه).

دوران حکومت سَفّاح و منصور اوج اقتدار خلافت و تمرکز قدرت مذهبی، سیاسی و نظامی در دست خلفا بود. برخی از اقدامات منصور عبارت بود از:

۱. بنای شهر بغداد (مدینه السلام)

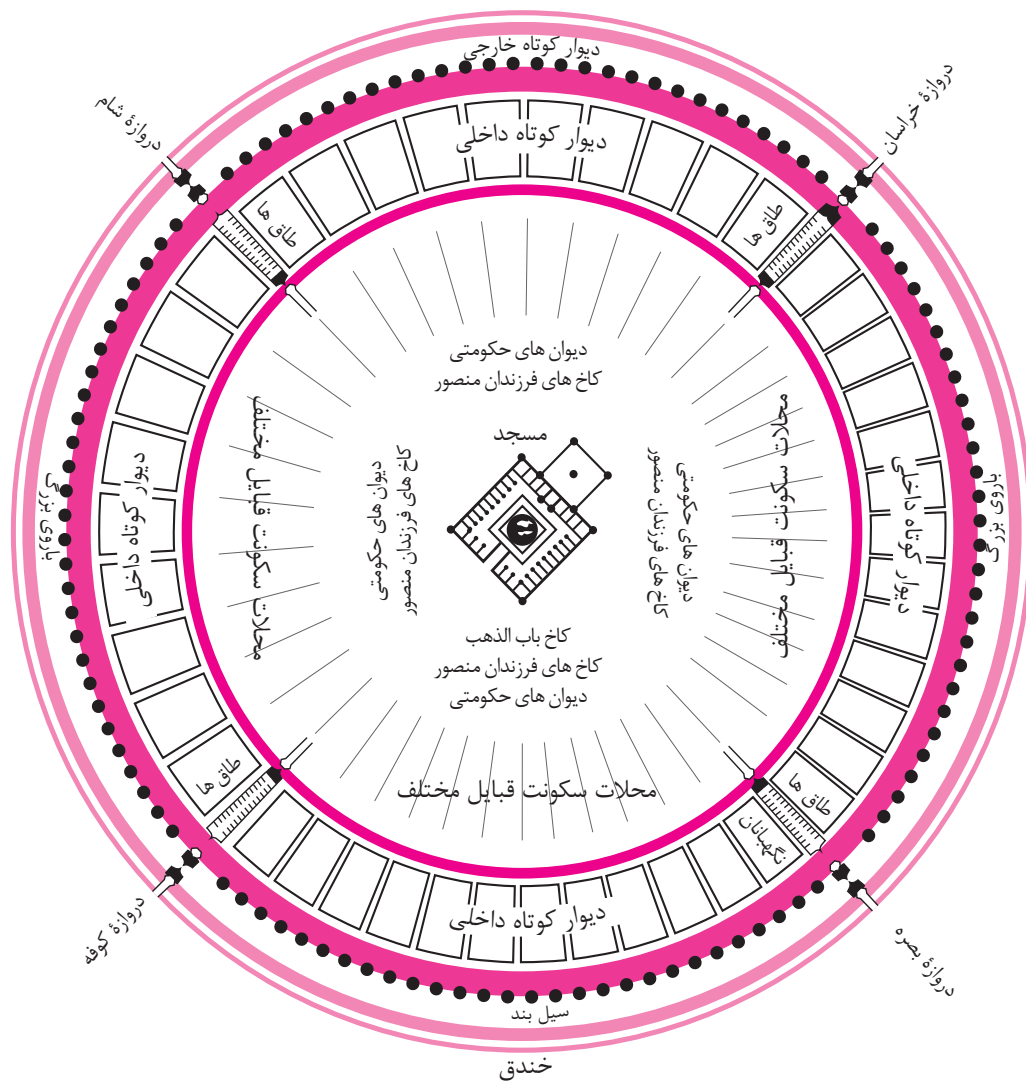
حکومت عباسیان از کوفه آغاز شد. سَفّاح در جستجوی مکان مناسبی برآمد تا مرکز حکومت خود را به آنجا انتقال دهد، زیرا مردم کوفه به اهل بیت علیهم السلام و علویان علاقه مند بودند. شام نیز مناسب نبود زیرا آنان به امویان گرایش داشتند، به لحاظ اقتصادی نیز منطقه شام به پای عراق نمی رسید. سَفّاح در ابتدا به مکانی در نزدیکی کوفه - موسوم به هاشمیه - نقل مکان کرد. پس از مدت کوتاهی از آنجا به شهر انبار، در شمال کوفه و در کنار رود فرات رفت و در مکان جدید، شهری ساخت که به هاشمیه انبار معروف شد. پس از سَفّاح برادرش منصور در جست و جوی مکان مناسبی به عنوان پایتخت بود؛ زیرا او احساس می کرد که در کوفه و هاشمیه نمی تواند دولت عباسی پایدار ایجاد کند. وی پس از بررسی های اولیه، شهر بغداد را برگزید. بغداد واژه ای ایرانی مرکب از دو جزء «بغ» و «داد» به معنای خداداد و آفریده خداست. موقعیت بغداد از نظر آب و هوا، وجود مزارع فراوان در اطراف آن، قرار گرفتن آن در میان بین النهرین و راه های ارتباطی به اطراف، دلایل انتخاب این شهر به عنوان پایتخت بود. بنای شهر با حضور بیش از صد هزار کارگر به همراه معمارانی که از نقاط مختلف به آنجا آمده بودند، طی سه مرحله به انجام رسید.

نقشه اصلی شهر به صورت یک دایره طراحی شد. مرکز آن مسجد و قصر قرار داشت و اطراف آن هم محلات و ادارات مختلف بنا گردید. در چهار سمت آن چهار دروازه قرار داده شد. گرد شهر هم خندقی پر از آب به عرض شش متر حفر شد. بدین ترتیب این شهر رفته رفته به یکی از باشکوه ترین شهرهای جهان تبدیل شد.

یک توضیح

مقدّسی از مورخان و جغرافی دانان مشهور قرن چهارم، شهر بغداد را چنین توصیف کرده است: «بغداد مرکز اسلام است و مدینه السلام در آنجا است. همه خوبی و زیبایی و هر ظرافت در آنجا و هر ماهری از آنجاست. هر دل هوای آن دارد... مشهورتر از آن است که وصف شود. بهتر و برتر از آن است که ستایش شود. خلیفگان پس از او بر آن افزودند. هنگام ساختن مدینه السلام درباره زمستان و تابستان و باران و پشه و هوای آن بررسی کردند. مردانی در آنجا چهار فصل سال را خفتند تا آن را بشناسند. چون با خردمندان رایزنی کرد، گفتند: صلاح چنین است که در چهار سَوج - ناحیه - دجله فرود آیی، تا در نخلستان و نزدیک آب باشی. هرگاه در یک سَوج خشک سالی یا ویرانی رخ دهد، دیگری آن را جبران کند. چون تو در صُرّات - نام نهری است - باشی آذوقه از فرات به وسیله کشتی و به وسیله کاروان ها در خشکی از مصر و شام و بادیه به تو خواهد رسید، محصولات چین نیز از راه دریا و محصولات موصل و روم از راه دجله خواهند رسید. پس تو در میان چند نهر خواهی بود که دشمن جز با کشتی یا از راه پل بر دجله و فرات به تو نخواهد رسد».^۱

۱. مقدّسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ج ۱، ص ۱۶۶



طرح شهر بغداد که منصور بنا کرد - بازسازی بر اساس دانشنامه جهان اسلام، ج ۳، مدخل بغداد، ص ۵۴۲

۲. بهره گرفتن از ایرانیان در صحنه سیاسی

دوره اول حکومت خلفای عباسی که از خلافت سقاح تا پایان خلافت مأمون (از سال ۱۳۲ تا سال ۲۱۸ ق.) را در برمی گیرد دوران اقتدار خلافت عباسی بود. در طول این دوره خلفای عباسی برای اداره قلمرو وسیع حکومت اسلامی، ایرانیان را به کار گرفتند. زیرا جامعه ایرانی فرهنگ و تمدن کهنی داشت که در آن نظام اداری و نهادهای حکومتی به خوبی شکل گرفته بود. از این رو در صدساله نخست خلافت عباسی ایرانیان در مناصب مختلف حکومت عباسیان از وزارت تا اشتغال در نهادهای مختلف اداری، سیاسی و نظامی حضور گسترده ای داشتند. افزون بر این بسیاری از مشاوران خلفا و معلمان فرزندانشان ایرانی بودند. از خاندان های نامدار که در تحولات سیاسی سده نخست حاکمیت بنی عباس بسیار اثرگذار بودند می توان به خاندان برمکیان و خاندان سهل اشاره کرد. اوضاع داخلی: یکی از ویژگی های دوران سقاح و منصور قیام های متعددی بود که از طرف مخالفان به وقوع پیوست.

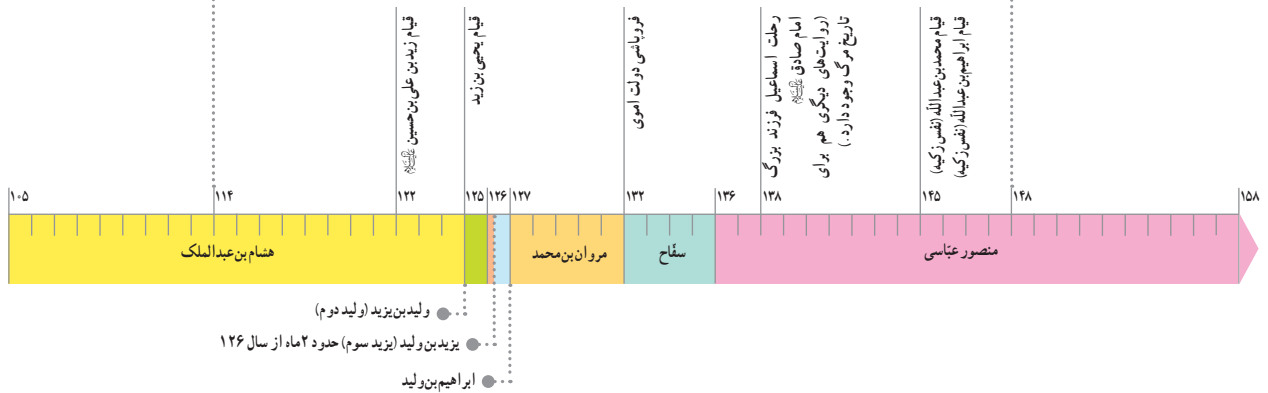
قیام‌هایی که علیه خلافت عباسی به وقوع پیوست

قیام‌کننده	زمان	شرح
شریک بن شیخ مَهری	سال ۱۳۲	نخستین قیام گزارش شده در زمان سَفّاح است. این قیام به وسیله سپاهی که از طرف ابو مسلم فرستاده شده بود، سرکوب شد.
راوندیه	سال ۱۴۱ یا ۱۳۷ یا ۱۳۶	راوندیه اعتقاد داشتند پس از ابراهیم امام، ابو مسلم به امامت رسیده است. آنها عقاید پیچیده‌ای داشتند و در ظاهر به منصور علاقه‌مند بودند اما درواقع قصد هلاکت او را داشتند. آنها پس از مرگ ابو مسلم به کاخ منصور حمله بردند اما با ورود یکی از سرداران منصور موفق نشدند او را بکشند.
سنباد	سال ۱۳۷	سنباد از اشراف نیشابور بود که در مدت کوتاهی سپاهیان زیادی جذب کرد. او تصمیم گرفت از منصور، قاتل ابو مسلم خون‌خواهی کند. او همچنین نسبت به سیاست‌های عباسیان معترض بود.
اسحاق ترک	دقیقاً مشخص نیست.	به خون‌خواهی ابو مسلم آغاز شد.
مردم طبرستان	سال ۱۴۲ و ۱۴۳	وسعت این قیام به گونه‌ای بود که منصور را به اعلام جهاد وادار کرد.
محمد بن عبدالله (نفس زکیه)	سال ۱۴۵	از نوادگان امام حسن (علیه السلام) و نخستین قیام علوی علیه خلافت بنی عباس بود. پدر وی عبدالله با نسبت دادن لقب مهدی به فرزندش مردم را به بیعت فرا خواند. این قیام با لشکرکشی عباسیان به مدینه و پراکنده شدن مردم از حمایت محمد به شکست انجامید.
ابراهیم بن عبدالله	سال ۱۴۵	برادر نفس زکیه که در بصره قیام کرد. این قیام به نتیجه نرسید و در نزدیکی کوفه کشته شد.
استادسیس	سال ۱۵۰	به گفته یعقوبی، استادسیس ادعای پیامبری داشت. او به همراه مردان جنگی خود توانست بر سراسر خراسان تسلط یابد؛ اما درنهایت از سپاه عباسی شکست خورد.

اوضاع خارجی در دوران منصور: در دوران منصور آرامش نسبی در مرزهای مسلمانان با رومی‌ها حاکم بود. خلیفه با بهره‌برداری از آرامش نسبی برای مقابله با حمله احتمالی رومیان به بازسازی دژها و سنگربندی مجدد آن مناطق پرداخت. از دیگر رخدادهای این دوره، احیای حکومت اموی در اندلس بود. پس از آنکه بنی عباس، خلافت بنی امیه را سرنگون کرد، تعقیب و نابودی باقی‌مانده امویان آغاز شد؛ در نتیجه هر یک از امویان برای رهایی از مرگ در جستجوی پناهگاه بودند. در این زمان شخصی به نام عبدالرحمن از نوادگان هشام بن عبدالملک از دست ایشان گریخت و آهنگ اندلس کرد. او در سال ۱۳۷ ق. وارد اندلس شد. و موفق شد برخی از قبایل عرب ساکن را با خود همراه سازد. عبدالرحمن قدرت را به دست گرفت و سلسله اموی اندلس را تأسیس کرد. فاصله زیاد اندلس تا مرکز خلافت عباسیان مانع از اقدام سریع و مؤثر بنی عباس برای تصرف اندلس شد و هنگامی که نیروهای عباسی به آنجا اعزام شدند، عبدالرحمن با کمک ساکنان محلی اندلس سپاه عباسی را شکست داد.

خلفای هم عصر امام صادق علیه السلام

امامت امام صادق علیه السلام ۱۱۴ - ۱۴۸ ق.



نمودار وقایع دوره امامت امام صادق علیه السلام

پرسش‌های نمونه

- ۱ سه مورد از عوامل زوال دولت امویان را برشمارید.
- ۲ در مورد نسب عباسیان توضیح دهید.
- ۳ سلسله مراتب تشکیلات مخفیانه عباسیان چگونه بود؟
- ۴ توصیه‌های محمد بن علی به داعیان عباسی چه بود؟
- ۵ چرا خراسان به عنوان مرکز دعوت عباسی انتخاب شد؟



دوران طولانی امامت امام صادق علیه السلام با وجود آنکه سال‌هایی پرتلاطم و آشوب‌زده بود، بهترین و مناسب‌ترین موقعیت را برای تقویت پایه‌های اعتقادی و مذهبی تشیع فراهم آورد. امام با آرامی و بدون ورود آشکار به فعالیت‌های سیاسی به‌سوی ایجاد جریان فرهنگی فراگیر در جامعه اسلامی حرکت کرد. در این زمان با آغاز نهضت علمی گسترده، شاگردان زیادی در محضر امام صادق علیه السلام پرورش یافتند و با نظارت بر عملکرد و تنظیم خط‌مشی آنها الگوهای مرفعی در جامعه اسلامی تربیت کرد تا هر کدام در مسیر روشن به فعالیت بپردازند.

انتظار می‌رود با مطالعه درس به سؤالات زیر پاسخ داده شود :

۱ چرا امام صادق علیه السلام به نهضت علمی روی آورد؟

۲ چرا مذهب شیعه دوازده امامی را مذهب جعفری می‌نامند؟

مواضع امام صادق علیه السلام در برابر جریان‌های سیاسی

در درس پیش خواندیم جابه‌جایی قدرت از امویان به بنی‌عباس در دوران امام صادق علیه السلام رخ داد؛ از این‌رو برای دست یافتن به مواضع سیاسی امام، عملکرد ایشان قبل و بعد از به قدرت رسیدن عباسیان بررسی می‌شود :

۱ پیش از به قدرت رسیدن عباسیان : همان‌طور که اشاره شد، در آستانه فروپاشی خلافت امویان قیام‌هایی از طرف علویان در اعتراض به ظلم و ستم فراوان آنان به‌وقوع پیوست. قیام زید بن علی و پسرش یحیی از این دسته‌اند. همچنین شورش‌های زیادی برای سرنگونی بنی‌امیه رخ داد. در این زمان بسیار حساس، امام صادق علیه السلام به شیوه امام سجّاد علیه السلام و پدر بزرگوارش – امام باقر علیه السلام – به فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی پرداخت، زیرا از نظر ایشان حرکت نظامی علیه حاکمیت، بدون فراهم شدن مقدمات لازم، جز شکست، پیامد دیگری نخواهد داشت و هرگونه اقدام ساده و شتاب‌زده، زمینه را برای فرصت‌طلبان فراهم خواهد کرد تا از شرایط به نفع خود بهره‌برند. همان‌گونه که عباسیان از کشته شدن زید و یحیی در جهت اهداف خود استفاده کردند. این‌گونه مواضع امام از خلال گفت‌وگوهای ایشان با برخی از شیعیان نمایان است. زمانی یکی از اصحاب از حضرت خواست تا آشکارا برضد حکومت قیام کند اما امام ضمن اشاره به کمی یاران واقعی، شرایط را مساعد ندانست.^۱

در گیرودار انتقال قدرت از بنی‌امیه به بنی‌عباس نیز نشانه‌ای مبنی بر تمایل امام به همراهی با عباسیان دیده نمی‌شود. به‌رغم شورش‌ها و حرکت‌های نظامی ضد اموی، منابع تاریخی حاکی از عدم جانب‌داری امام نسبت به این قیام‌ها است.

به عنوان مثال زمانی که ابومسلم پس از مرگ «ابراهیم امام» (رهبر عباسیان) به حضرت صادق علیه السلام پیشنهاد قبول بیعت کرد و طی نامه ای نوشت «من مردم را به دوستی اهل بیت دعوت می کنم. اگر مایل هستید کسی برای خلافت بهتر از شما نیست». امام با آشنایی با روحیه قدرت طلبی بنی عباس و ظاهری بودن این ابراز ارادت، در پاسخ نوشتند: «نه تو از یاران منی و نه زمانه، زمانه من است».^۱ پس از آن ابوسلمه خلال درصدد برآمد تا یکی از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله را به خلافت برگزیند. از این رو نامه هایی به امام صادق علیه السلام، عبدالله بن حسن بن علی علیه السلام و عمر بن زین العابدین - سه نفر از پیشوایان علوی - نوشت و آنان را به پذیرش خلافت دعوت کرد. نامه را به یکی از دوستانش سپرد و گفت: اول نزد جعفر بن محمد صادق علیه السلام برو. فرستاده ابوسلمه نزد امام صادق علیه السلام رفت و نامه را به ایشان داد. اما امام با صراحت پیشنهاد ابوسلمه را رد و از همراهی با او اجتناب کرد.^۲

فعالیت

درباره پاسخ امام صادق علیه السلام به ابومسلم خراسانی با یکدیگر گفت و گو کنید.

۲ پس از به قدرت رسیدن عباسیان: زمانی که عباسیان به قدرت رسیدند، به رغم شعارهای فریبنده، رفتاری توأم با بی عدالتی و ستمگری را آغاز کردند. علویان و شیعیان در این زمان فشارها و محدودیت های زیادی را متحمل شدند. در این میان امام صادق علیه السلام به جهت شخصیت برجسته علمی و معنوی، نفوذ زیادی در میان اهل مدینه داشت. همین موضوع سبب شد تا حضرت همواره تحت نظر جاسوسان خلیفه باشد. در این شرایط حساس، امام سیاست تقیه^۳ را در پیش گرفته و شیعیان را هم به این امر توصیه می کردند. با این حال حضرت در عین کناره گیری از عرصه رقابت سیاسی به بیان جایگاه امامت، همچنین وظایف و اختیارات امام می پرداختند. بدین ترتیب مشروعیت جایگاه خلیفه را زیر سؤال می بردند. امام صادق علیه السلام در توصیه های خود به شیعیان، آنان را از همراهی و همنشینی با حاکمان ظالم برحذر می داشتند و هرگونه مراجعه به آنها را حتی برای حل و فصل دشمنی ها و درگیری ها حرام اعلام کردند.^۴ حضرت خود نیز بر خلاف روال مرسوم جز در مواردی که از طرف منصور فراخوانده می شدند، به دربار او آمد و شد نمی کردند. این موضوع سبب اعتراض منصور شد. در زمان دومین خلیفه عباسی - منصور - قیام هایی از طرف علویان صورت گرفت؛ از جمله می توان به قیام محمد بن عبدالله نفس زکیه و برادرش ابراهیم اشاره کرد. امام در هیچ یک از این حرکت ها شرکت نکرد. فعالیت شانزده ساله امام در دوران سلطه عباسیان با وجود حساسیت ها و نگرانی موجود از طرف دستگاه خلافت نشان از آن دارد که حضرت در نهایت دقت و احتیاط عمل می کرده است.

۱. شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، ج ۱، ص ۱۵۴

۲. ابن طوطی، محمد، الفخری فی آداب السلطانیة والدول الاسلامیه، ص ۲۰۷-۲۰۸

۳. تقیه یکی از مفاهیم اسلامی است که ریشه در عقل، قرآن و سنت معصومان علیهم السلام دارد. این واژه از ریشه «وَقَى» به معنای حفظ و نگهداری است. تقیه بدان مفهوم است که اگر انسان مؤمن از نظر جان، مال، ناموس و آبرو در معرض خطر قرار گرفت، مجاز است به زبان و رفتار چیزی را اظهار کند که برخلاف عقیده اوست، زیرا با این کار می تواند مصلحتی بالاتر را تأمین کند. در روایتی از امام صادق علیه السلام از تقیه با عنوان سپر مؤمن یاد شده است.

۴. نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۱۰

وجود گزارش‌هایی مبنی بر تهدید امام علیه السلام توسط حاکمانی همچون منصور نشان‌دهنده آن است که آنها وجود امام را تهدیدی برای حکومت خود می‌دانستند. برای مثال منصور به امام علیه السلام می‌گوید: «خدا مرا بکشد اگر تو را به قتل نرسانم»^۱ یا آنکه طبق گزارشی که از کتاب الکافی نقل شده، خانه آن حضرت به دستور منصور و توسط حاکم مدینه به آتش کشیده می‌شود و ایشان هم بدون آنکه سستی نشان دهند، خود را فرزند ابراهیم خلیل الله معرفی می‌کنند.^۲ به نظر می‌رسد فعالیت‌های سیاسی امام با آنکه با احتیاط فراوان همراه بود، اما گاهی اوقات به سبب اهمیت امر، حضرت با صراحت به نامشروع بودن حکومت وقت اشاره می‌کرد. یکی از این فعالیت‌ها، حمله به جایگاه حاکم بوده است از جمله آنکه:

ابی‌الصباح کنانی از امام صادق علیه السلام چنین روایت می‌کند که امام خود و دیگر ائمه را چنین توصیف می‌کند: «ما کسانی هستیم که خدا اطاعت ما را بر مردم لازم ساخته است و آنفال و صفوالمال^۳ در اختیار ماست.»^۴ نکته مهم در این روایت و گزارش‌هایی شبیه به آن، ذکر مواردی توسط امام است که از اختصاصات حاکم جامعه به‌شمار می‌رفته و امام به این وسیله، خود را حاکم حقیقی معرفی می‌کرده‌اند.

اوضاع فکری و فرهنگی زمان امام صادق علیه السلام

دوران امامت امام صادق علیه السلام به لحاظ فکری و فرهنگی هم متفاوت از دوره‌های قبل بود. برخی از مکاتب فقهی ماندگار در این دوره پدید آمدند؛ به عنوان مثال مالک بن انس – پیشوای مذهب مالکی – و ابوحنیفه – پیشوای مذهب حنفی – در این زمان می‌زیستند و هر دو از شاگردان امام صادق علیه السلام هم بودند و به این شاگردی افتخار می‌کردند.^۵

به لحاظ کلامی نیز مباحث پیچیده در زمینه‌های مختلف همچون؛ صفات خدا، بحث ایمان، قضا و قدر و نظایر آنها مطرح می‌شد که تا حدودی از ارتباط نزدیک مسلمانان با عالمان دیگر ادیان ناشی می‌شد. البته تلاش‌های گسترده مذاهب فکری مانند مَرَجَّه، غلات و جَبَریه که به شدت به ترویج و تبلیغ افکار خود می‌پرداختند نیز مؤثر بود.

انتشار افکار و نظرات مختلف اگرچه از یک سو نشاط و تکاپوی علمی را موجب گردید، اما از سوی دیگر بحث‌ها و مناقشات زیادی را در پی داشت و تشخیص مسیر درست و سخن برحق را دشوار ساخته بود، زیرا هر گروه و فرقه خود را بر حق دانسته، جهت تأیید دیدگاه خود و سرزنش مخالفان به آیات و روایات استناد می‌کرد.

۱. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۶۳

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۴۷۳

۳. صفوالمال اموالی است که طواغیت به خود اختصاص می‌داده‌اند و پس از پیروزی مسلمانان در جنگ‌ها به حاکم جامعه سپرده می‌شده تا آنها را در جهت مصالح مسلمانان مصرف کنند.

۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۵۸

۵. آلوسی، محمود شکر، التحفة الاثنی عشریة، ج ۱، ص ۲۶۴

منصور از جایگاه علمی و معنوی امام صادق علیه السلام می‌ترسید و می‌کوشید به هر وسیله‌ای چهره علمی و معنوی امام را تخریب کند. وی تلاش می‌کرد با برجسته کردن افرادی چون مالک بن انس و ابوحنیفه، امام در انزوا قرار گیرد؛ به‌عنوان مثال منصور، ابوحنیفه را وادار کرد تا به بحث و مناظره با امام بپردازد. ابوحنیفه می‌گوید: منصور به من گفت: «مردم توجه عجیبی به جعفر بن محمد پیدا کرده‌اند و سیل جمعیت به‌سوی او سرازیر است. تو چند مسئله از مسائل مشکل را آماده کن و پاسخ آنها را از او بخواه و در صورت ناتوانی، امام از چشم مردم خواهد افتاد. من نیز چنین کردم و چهل مسئله دشوار آماده کردم و در حیره با منصور ملاقات کردم. جعفر بن محمد نیز آنجا بود. هنگامی که جعفر بن محمد را دیدم هیبت و وقار او مرا تحت تأثیر قرار داد. ابوحنیفه در ادامه می‌گوید سؤال‌های خود را پرسیدم و امام هر سؤال را به‌طور کامل پاسخ داده و نظرات مختلف فقها را نیز بیان کرد. در پایان ابوحنیفه می‌گوید: عالم‌ترین افراد، آگاه‌ترین آنها به نظرات مختلف است»^۱.

فعالیت‌های علمی و فرهنگی امام صادق علیه السلام

خلاً سیاسی ناشی از جابه‌جایی قدرت، فضای باز سیاسی را برای امام و شیعیان به‌وجود آورد. امام با توجه به وضعیت شیعیان و خطرهای مختلفی که ایشان و جامعه اسلامی را تهدید می‌کرد راهبردهای زیر را دنبال کرد:

الف) نهضت علمی

امام صادق علیه السلام نهضت علمی و فرهنگی پدرش امام باقر علیه السلام، را ادامه داد و حوزه گسترده علمی به‌وجود آورد. آوازه علمی و نفوذ معنوی امام همه جا را فراگرفت. طالبان علم از مناطق مختلف به محضر ایشان می‌شتافتند. امام با بهره‌گیری از مناسب‌ترین روش‌ها، نخست پایه‌های اعتقادی و کلامی مذهب تشیع را به‌خوبی استوار ساخت. پس از آن شیعیان و پیروانش را از پیوستن به دیگر فرقه‌های مذهبی بازداشت و از پراکندگی آنان جلوگیری نمود.

بیشتر بدانید

ابوبحر جاحظ، یکی از دانشمندان مشهور اهل سنت در قرن سوم می‌گوید: «جعفر بن محمد کسی است که علم و دانش او جهان را پرکرده است و گفته می‌شود که ابوحنیفه و همچنین سفیان ثوری از شاگردان او هستند و شاگردی این دو تن در اثبات عظمت علمی او کافی است»^۲.

ابوحنیفه درباره امام می‌گفت: «من هرگز فقیه‌تر از جعفر بن محمد ندیدم. او بی‌گمان اعلم امت اسلامی است»^۳. در باب عظمت علمی امام صادق علیه السلام شواهد فراوانی وجود دارد و این معنا مورد قبول دانشمندان تشیع و تسنن است. ابن حجر هیتمی یکی از دانشمندان برجسته اهل سنت می‌نویسد: «به‌قدری علوم از او نقل شده که زبانزد گشته و آوازه آن

۱. حیدر، اسد، الإمام الصادق و المذاهب الاربعه، ج ۴، ص ۹۲-۹۳

۲. همان، ج ۱، ص ۵۵

۳. ابوزهره، محمد، الإمام الصادق، ص ۲۲۴

همه جا پخش شده است و بزرگ‌ترین پیشوایان (فقه و حدیث) مانند: یحیی بن سعید، سفیان ثوری، ابوحنیفه و... از او نقل روایت کرده‌اند.^۱

ویژگی‌های نهضت علمی امام صادق علیه السلام

۱ از ویژگی‌های نهضت علمی امام صادق علیه السلام که تفاوت اساسی با سایر مکاتب داشت، این بود که فقط به دوستداران اهل بیت علیهم السلام اختصاص نداشت؛ بلکه همان‌طور که گفته شد طالبان علم از گرایش‌های مختلف در حوزهٔ درسی امام شرکت می‌کردند. برخی از بزرگان اهل سنت از جمله: ابوحنیفه، مالک بن انس، و سفیان ثوری در زمرهٔ شاگردان امام بودند.

۲ امام صادق علیه السلام در حوزهٔ علمی خود به علوم مختلف و متنوع توجه داشت. ایشان اهمیت ویژه‌ای به تعلیم قرآن، فقه، اصول و کلام می‌دادند؛ همچنان که به تعلیم سایر علوم مانند ستاره‌شناسی، پزشکی و فیزیک نیز توجه داشتند. جابر بن حیان از شاگردان امام صادق علیه السلام در زمینه علوم گوناگون به‌خصوص علوم طبیعی و شیمی (که آن روز کیمیا نامیده می‌شد) بیش از دویست جلد کتاب تصنیف کرد و به‌عنوان پدر علم شیمی مشهور شده است. کتاب‌های جابر بن حیان در قرون وسطی به زبان‌های مختلف ترجمه گردید.

۳ امام اهمیت فراوانی به تألیف و نگارش کتاب می‌داد و همواره شاگردان خود را به نوشتن تشویق می‌کرد. امام به مفصل بن عمر فرمود: «دانش خود را بنویس و در میان برادرانت پخش کن و چون از دنیا بروی از خود برای فرزندان کتاب به ارث و یادگار بگذار.»^۲ تأکیدهای امام باعث شد که اصحاب ایشان برای کتاب و تدوین احادیث اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل شوند تا جایی که اصول چهارصدگانهٔ معروف به دست آنان تدوین گردید. این اصول چهارصدگانه اولین مجموعه‌های حدیثی شیعه امامیه را تشکیل داده است.

۴ امام شاگردان خود را متناسب با توانمندی و استعدادی که داشتند، راهنمایی می‌کرد و شخصاً بر امر علم‌آموزی آنان نظارت می‌کرد و برای ایجاد استقلال علمی و با اعتماد به توانمندی اصحاب خود، پاسخگویی به سؤالات علمی را به آنان واگذار می‌کرد؛ به عنوان مثال هشام بن حکم و مؤمن الطاق از صاحب‌نظران علم کلام بودند، همچنان که زراره بن أعین، محمد بن مسلم و ابوبصیر در علم فقه صاحب تخصص گردیدند؛ هر کدام از این دانشجویان حوزهٔ علمی امام صادق علیه السلام در رشته خود به فعالیت پرداخته و دست به تألیف و مناظره زدند.

یک توضیح

به این روایت که از امام صادق علیه السلام نقل شده است توجه کنید:

«خدای را سپاس (در حالی که) فرقه‌ای مرجئه شدند و گروهی دیگر حروریه^۳ گشتند و فرقه‌ای قدریه^۴ شدند، شما تُرابیه^۵ و شیعهٔ علی علیه السلام نامیده شدید».^۶

روایتی که با هم دیدیم و خواندیم نشان‌دهندهٔ آن است که این فرقه فرقه شدن و نام‌گذاری‌ها از سوی دیگران بوده است (زیرا در

۱. ابن حجر هیتمی، احمد بن محمد، الصواعق المُحرقة، ص ۱۲۰

۲. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۵۶

۳. حروریه: عروهٔ ابن حدیر و یزید بن عاصم و بیروان ایشان که دوازده هزار تن بودند از لشکر امام علی علیه السلام جدا شده و به «حروراء» دهی نزدیک کوفه روی آوردند و با حضرت علی علیه السلام به مخالفت برخاستند. از این رو آنان را حروریه می‌نامند. (مشکور، جواد، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۳۵)

۴. فرقه قدریه یا معتزله، (همان، ص ۳۸)

۵. ترابیه، این نام از ابوتراب اخذ شده است. ابوتراب یکی از کنیه‌های امام علی علیه السلام بوده است. بنگرید به: دایرة المعارف فرق اسلامی، ذیل مدخل.

۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۴، ص ۱۹۷

روایت آمده است «نامیده شدید» و امامان علیهم السلام به دنبال تفرقه افکنی میان مسلمانان نبوده‌اند، با آنکه عده‌ای خود را از جریان تشیع که همانا جریان اصیل اسلام بوده است جدا می‌ساخته‌اند و برای خود فرقه‌هایی را تشکیل می‌داده‌اند. برای این مدعا می‌توان دو شاهد را ذکر کرد :

- ۱ با وجود آنکه افرادی همچون مالک و ابوحنیفه و... بعدها برای خود فرقه‌ای جداگانه و متفاوت با نظرات اهل بیت علیهم السلام تشکیل دادند و از ابتدا رویکرد متفاوتی با اهل بیت علیهم السلام داشتند، امام صادق علیه السلام آنان را هیچ‌گاه از درس خود طرد نکرد.
- ۲ کنار هم قرار دادن حدیث منزلت (یا علی) انت منی بمنزلة هارون من موسی و جریان متفرق شدن بنی اسرائیل در زمان غیبت حضرت موسی علیه السلام و همچنین وظیفه‌ای که در زمان غیبت ایشان بر عهده هارون گذاشته شده بود و تفصیل آن در آیه ۹۴ سوره مبارکه طه آمده است^۱، ما را به این نتیجه می‌رساند که امامان علیهم السلام نیز پس از پیامبر صلی الله علیه و آله وظیفه دارند امت را از افتادن در ورطه تفرقه محفوظ بدارند.



قبرستان بقیع

بیشتر بدانید



امام صادق علیه السلام در توصیف جامعه مورچگان این چنین فرموده است :

به مورچگان و تمرکز و همکاری آنها در جمع کردن و تهیه غذا دقت کن. می‌بینی که گروهی از آنها وقتی دانه را به محل امن خود می‌برند، به گروهی از مردم می‌مانند که غذا یا چیزهای دیگر را به خانه می‌برند. بلکه مردم از نظر جدیت و چالاکی به مورچه نمی‌رسند. آیا ندیده‌ای که چگونه مورچگان مانند مردم در هنگام کار به یکدیگر کمک می‌کنند؟ آنها دانه را گرفته و به پنج قسمت تقسیم می‌کنند تا اینکه مبادا آن دانه در خانه آنها سبز شده و خانه آنها را ویران نماید. اگر در میان لانه آنها رطوبتی به دانه‌ها برسد، مورچگان آن دانه‌ها را از خانه خارج کرده و روی زمین پخش می‌کنند تا خشک شود. مورچه همیشه خانه خود را در جای بلندی از زمین قرار می‌دهد تا اینکه آب‌های جاری در خانه او داخل نشده و او را غرق نکند. همه این کارهایی که این حیوان به انجام می‌رساند بدون مدد عقل و برنامه‌ریزی است، بلکه خداوند تعالی او را این گونه آفریده است.

۱. «قَالَ يَا ابْنَ أُمِّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي ۖ أَنِّي خَشِيتُ أَنْ تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَلَمْ تَرْجُبْ قَوْلِي»: هارون گفت: ای پسر مادرم، موهای ریش و سرم را مگیر، واقعاً من ترسیدم که (اگر با آنها شدت عمل نشان دهم) بگویی میان بنی اسرائیل تفرقه افکندی و سفارش مرا رعایت نکردی.

۵ یکی از ویژگی‌های عصر امام صادق (ع) رواج بحث‌های کلامی بود. امام با استناد به آیات قرآن مبانی بحث‌های کلامی را پی‌ریزی کرده، شالوده عقاید امامیه را ایجاد کردند. آموزه‌های ایشان حول مباحث محوری از جمله توحید، قضا و قدر، ایمان، علم ائمه (ع) و موضوعاتی از این قبیل ایراد شده است.

۶ از دیگر امتیازات نهضت علمی امام صادق (ع) توجه به ثبت و ضبط احادیث بود. همچنین امام صادق (ع) شیعیان را از تمسک به احادیث دیگران باز می‌داشت. امام تأکید داشت احادیث او همان احادیث رسول خداست. از امام (ع) هزاران روایت در کتاب‌های اربعه شیعه و برخی از کتاب‌های اهل سنت آمده است که بیانگر عظمت نهضت علمی آن حضرت است.

ب) مقابله با جریان انحرافی غلو

در عصر امام صادق (ع) غلو و غالیان رشد چشمگیری پیدا کرد. موضع امام در برابر جریان غلو و فعالیت غالیان بسیار محکم و قاطع بود. اقدامات ایشان عبارت بود از:

- ۱ دوری از غالیان و عدم معاشرت با آنها
- ۲ معرفی قرآن به عنوان معیار تشخیص حق از باطل
- ۳ بر ملا ساختن اهداف و نیت غالیان
- ۴ منزوی ساختن غالیان از طریق تکفیر آنان

فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما تفکر غلو چه پیامدها و آسیب‌هایی برای مکتب تشیع در پی داشت؟

ج) پایه‌گذاری روش صحیح اجتهاد

با تلاش مستمر امام صادق (ع) اصول و مبانی فقه که منشأ بسیاری از قوانین و فروع فقهی است، عرضه شد. امام ضمن نهی از روش‌های متداول استنباط و تحریم فتوا دادن بدون علم و آگاهی، شخصاً راه اجتهاد صحیح مبتنی بر منابع معتبر شرعی – یعنی قرآن و سنت – را به اصحاب خود آموزش دادند. تعلیم بسیاری از قواعد فقهی و مبادی علم اصول از جمله فعالیت‌های امام است.

پرسش‌های نمونه

- ۱ عملکرد امام صادق (ع) را پیش از به خلافت رسیدن عباسیان توضیح دهید.
- ۲ سه مورد از ویژگی‌های نهضت علمی امام صادق (ع) را بیان کنید.
- ۳ موضع حضرت صادق (ع) در برابر جریان غلو را بیان کنید.



امام کاظم علیه السلام در سال ۱۲۸ ق. در یکی از روستاهای اطراف مدینه چشم به جهان گشود. دوره امامت ایشان با چهار خلیفه بنی عباس مصادف شد. این دوره همزمان با اوج اقتدار خلافت عباسی بود. امام رسالتی را که دو امام پیشین در ایجاد نهضت علمی و تقویت کمتی و کیفی تشیع آغاز کرده بودند، استمرار بخشید. یکی از رخدادهای مهم این دوره پدید آمدن انشعابات داخلی شیعیان است.

در این درس به این سؤال پاسخ داده می شود :

راهبردهای امام برای حفظ و گسترش شیعه در فضای استبدادی و دوران سخت خلافت عباسی چه بود؟

مشکلات امامت بعد از شهادت امام صادق علیه السلام

اختلاف و شکاف میان شیعیان یکی از خطراتی بود که، جامعه شیعی را از درون تهدید می کرد. این رخداد به طور معمول پس از شهادت هر امام تا تثبیت امام بعدی رخ می داد. علت این امر شرایط اختناق آمیز جامعه بود که مانع از تصریح و معرفی آشکار جانشین امام پیشین می شد. عباسیان با شعار «الرضا من آل محمد» به قدرت رسیدند، اما خیلی زود وعده های خود را فراموش کردند و تمام تلاش خود را برای از میان برداشتن علویان و شیعیان انجام دادند.

منصور عباسی پس از حذف رقبای خود متوجه امام صادق علیه السلام شد و در سال های آخر عمر آن حضرت محدودیت ها را بیشتر کرد؛ در چنین شرایطی امام صادق علیه السلام جانشینی فرزندش را فقط به برخی از یاران خاص خود اعلام کرد و در وصیت خود افزون بر امام کاظم علیه السلام، عبدالله بن جعفر - فرزند دیگر امام صادق علیه السلام - و منصور عباسی را وصی خود معرفی نمود.

این موضوع تا حدی موجب سردرگمی شیعیان در شناخت جانشین امام صادق علیه السلام شد. از سویی ادعای امامت برادر بزرگ امام کاظم علیه السلام - عبدالله بن اطفح - شرایط را پیچیده تر کرد. به گزارش هشام بن سالم - شاگرد امام صادق علیه السلام - عده ای از مردم به نزد عبدالله بن اطفح رفتند در حالی که او را جانشین امام می دانستند.^۱

بدین ترتیب ناامنی و فضای اختناق آمیز، احتیاط و تقیّه بزرگان شیعه، پراکندگی شیعیان در مناطق دوردست و دشواری دسترسی به امام، زمینه را برای ایجاد انشعاب میان شیعیان فراهم ساخت.

منابع تاریخی انشعابات میان شیعه پس از شهادت امام صادق علیه السلام را بدین ترتیب برمی شمارند :

۱ کسانی که به مهدویت امام صادق علیه السلام باور داشتند.

۲ اسماعیلیه خالص که هنوز بر زنده بودن اسماعیل، فرزند امام صادق علیه السلام اصرار می ورزید.

۱. این عده برای اطمینان سؤال هایی از عبدالله پرسیدند. اما وقتی او را ناتوان از پاسخ دیدند؛ رهایش کردند. عبدالله بن اطفح پس از شهادت امام صادق علیه السلام از دنیا رفت و هیچ فرزند پسری از خود برجای نگذاشت.

- ۳ آنان که به امامت محمد فرزند اسماعیل اعتقاد داشتند.
- ۴ گروهی که امامت «عبدالله بن افضح» را قبول داشتند.
- ۵ کسانی که امامت موسی بن جعفر علیه السلام را پذیرفتند.^۱

فکر کنیم و پاسخ دهیم

تحلیل شما از دلایل بروز انشعابات در میان شیعیان چیست؟

یک توضیح

اسماعیلیه یکی از فرقه های شیعی است که پس از امامت امام صادق علیه السلام پدید آمدند. اسماعیل، فرزند بزرگ امام صادق علیه السلام در زمان حیات ایشان از دنیا رفت. حضرت پس از وفات فرزندش سی تن از شیعیان را به منزل فراخواند و جسد اسماعیل را به آنان نشان داد تا هیچ شکی نسبت به درگذشت وی باقی نماند. همچنین هنگام تشییع جنازه اسماعیل، امام چندین بار دستور داد تا جنازه اسماعیل را بر زمین گذاشتند و کفن از روی صورت اسماعیل کنار زد تا مردم نسبت به وفات وی یقین کنند.^۲ با این وجود برخی از شیعیان پس از رحلت حضرت به امامت اسماعیل قائل شدند و «اسماعیلیه خالص» نام گرفتند. برخی هم محمد بن اسماعیل را به عنوان امام انتخاب کردند. آنان پیروان مبارک، غلام اسماعیل بودند که به «مبارکيه» شهرت یافتند. امامان اسماعیلیه، به طور پنهان زندگی می کردند. اما از سال ۲۹۷ ق. دعوت خود را علنی کردند و دولت شیعی «فاطمیان» ۵۶۷-۲۹۷ ق. را در مصر بنیان نهادند.



تصویری از قلعه الموت

از دیگر حکومت های اسماعیلی مذهب می توان به دولت قرامطه بحرین اشاره کرد. ایران نیز یکی از مناطقی بود که اسماعیلیان به تبلیغ مذهب خود می پرداختند. حسن صباح از جمله کسانی بود که این مذهب را پذیرفت و در سال ۴۸۳ ق. «قلعه الموت» را در ارتفاعات شمال قزوین تصرف کرد و حکومت «اسماعیلیان نزاری» را تشکیل داد. سال ۶۵۴ ق. هلاکوخان مغول، قلعه را تصرف کرد و به حکومت آنان پایان داد. هم اکنون اسماعیلیان در بیش از ۲۵ کشور دنیا و در قاره های آسیا، آفریقا، اروپا و آمریکا پراکنده اند.

۱. نویختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، ص ۶۴-۷۵

۲. مشکور، محمد جواد، فرهنگ فرق اسلامی، ص ۵۳

امام کاظم علیه السلام در سال ۱۴۸ ق. عهده‌دار مقام امامت و رهبری جامعه اسلامی شد. این دوران از نظر سیاسی - اجتماعی از دوره‌های حساس تاریخ امامت به شمار می‌رود. منصور و هارون مقتدرترین خلفای عباسی هم‌عصر با امام کاظم علیه السلام حکومت می‌کردند. این دوران مقارن با نخستین مرحله استبداد و قدرتمندی حُکام عباسی بود. مورخان، این دوره را به جهت پیشرفت‌های سیاسی و اقتصادی، «عصر طلایی حکومت بنی عباس» نام نهاده‌اند. البته دوران باشکوه خلافت هارون الرشید تا حدود زیادی مرهون تلاش‌های خاندان ایرانی برمکیان بود.

یک توضیح

برمکیان خاندان مشهور ایرانی، اهل علم و ادب بودند. نام آنها برگرفته از نام جدشان - برمک - است. از افراد مشهور این خاندان می‌توان به خالد، پسرش یحیی و نوادگانش فضل و جعفر اشاره کرد: خالد فرزند برمک به‌علت توانمندی توسط سفاح به‌عنوان مسئول دیوان^۱ خراج و جُند (سپاه) منصوب شد. در زمان منصور، خالد هنگام بنای بغداد درخشید. یحیی فرزند خالد نقش بسزا در به خلافت رساندن هارون الرشید داشت. این خوش خدمتی سبب شد هارون قدرت نامحدود به او ببخشد و همه دیوان‌ها را به او واگذار کند. فضل و جعفر دو پسر یحیی ۱۷ سال (۱۸۷-۱۷۰ ق.) حکومت عباسی را اداره کردند. دوره اقتدار و خوشبختی خاندان ایرانی آل برمک زیاد دوام نیاورد و پس از آن مورد بدگمانی هارون قرار گرفتند و از مناصب خود برکنار، زندانی و کشته شدند. مورخان قدرت زیاد و دسترسی به اموال حکومتی عباسی را از جمله عوامل زوال برمکیان دانسته‌اند.

مظاهر قدرت عباسی عبارت بود از:

- ۱ گسترده‌گی قلمرو فرمانروایی: عباسیان توانستند مناطق وسیعی از جهان آن روز را تحت سیطره حکومت خود قرار دهند. به‌عنوان مثال هارون در بخش‌هایی که زیر سلطه رومی‌ها بود، جنگ‌های فراوانی کرد و موقعیت‌های چشمگیری به‌دست آورد. اوج موفقیت وی سال ۱۸۱ ق. بود که هارون با سپاهی به آسیای صغیر لشکر کشید و تا قسطنطنیه پیش رفت. ملکه روم که توان مقابله با سپاه هارون را نداشت از در صلح درآمد و تعهد داد که سالانه غرامتی برای درگاه خلافت بپردازد.^۲
- ۲ فراوانی ثروت: در نتیجه فتوحات و وسعت قلمرو اسلامی درآمد دستگاه خلافت بسیار افزایش یافت. اموال، خراج و غنائم جنگی از مناطق مختلف به خزانه خلیفه سرازیر می‌شد. گفته‌اند: (منصور در آستانه سفر حج در سال ۱۵۸ ق. فرزندش مهدی را فراخواند و درباره امور مربوط به خود و خانواده‌اش و امور مسلمانان سفارش‌هایی به وی کرد و دستورات لازم را داد. در میان سفارش‌هایش بر این نکته تأکید کرد که تا زمان مرگ وی در هیچ‌یک از خزانه‌های مملکتی را نگشاید؛ زیرا موجودی نقدینگی آنها به حدی است که چنانچه از سوی مردم تا ده سال هیچ‌گونه خراج یا مالیاتی پرداخت نشود، برای اداره کشور در طول این مدت کفایت می‌کند).^۳

۱. بخش‌هایی که عهده‌دار انجام امور اداری حکومت‌های پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند با عنوان دیوان شناخته می‌شدند. این واژه، نخست برای ثبت نام سربازان به کار رفت و پس از آن بر هر نوع ثبت‌نامی اطلاق شد. تأسیس دیوان در تمدن اسلامی به عصر خلیفه دوم - عمر بن خطاب - بازمی‌گردد.

۲. خضری، سید احمد رضا، تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه، ص ۴۸

۳. ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۱۰، ص ۱۳۰



یک توضیح

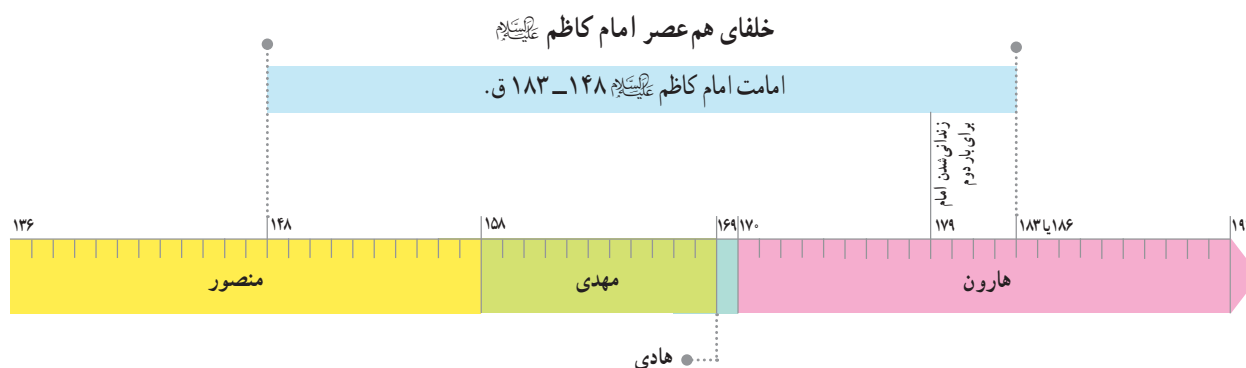
«دوره هارون، اوج دورهٔ عشرت و لذت عهد عباسیان بود... عصر هارون، عصر افسانه‌های خیال‌انگیز هزار و یک شب و روزگار لذت‌های بی‌شائبه و بی‌پایان بود... ثروت عهد هارون و شکوه روزگار برمکیان، نه فقط دربار خلفا، بلکه خانهٔ اکثر توانگران را نیز عشرت‌کده ساخته بود... پسرانش - امین و مأمون - نیز به سیرت پدر [رفتند]...»

۳ تسلط بر اوضاع سیاسی: دولتمردان عباسی با سرکوب قیام‌ها، شورش‌ها و حذف رقیبان خود، توانستند کاملاً اوضاع سرزمین‌های تحت سلطهٔ خود را کنترل کرده، پایه‌های قدرتشان را استحکام بخشند. ویژگی این دوران نیرومندی خلافت، استقلال آن و متمرکز کردن قدرت سیاسی و نظامی در دست خلفا بود. خلفا در این دوره توانستند بر شورش‌ها غالب آیند و به هر طریق ممکن حاکمیت، اقتدار و استقلال خلافت عباسی را حفظ نمایند.

قیام‌های دوران امام کاظم علیه السلام

سیاست‌های ظالمانه و سختگیرانه خلفای عباسی در زمان امام کاظم علیه السلام، قیام‌های متعددی را در پی داشت :

حسین بن علی (صاحب فح) سال ۱۶۹	حسین از نواده‌های امام حسن علیه السلام بود، قیام وی در دوره هادی عباسی در محل فح (نزدیک مکه) رخ داد. خلیفه، سپاه انبوهی برای جنگ فرستاد. در این نبرد نابرابر، حسین و عده زیادی از یارانش به شهادت رسیدند. این حادثه بسیار برای شیعیان دل‌خراش بود. امام کاظم علیه السلام درباره ایشان فرمود: «او در حالی از دنیا رفت که مسلمانی نیکوکار بود».
ادریس بن عبدالله سال ۱۷۲	از همراهان صاحب فح و برادر محمد نفس زکیه، که از واقعه جان سالم به دربرده بود، به مغرب دور - مراکش - گریخت. گروه زیادی از مردم منطقه با وی بیعت کردند. بدین ترتیب حکومت ادرسیان (۱۷۲-۳۶۳ ق.) - اولین حکومت شیعی - بنا نهاده شد و حدود دو قرن ادامه یافت.
یحیی بن عبدالله سال ۱۷۶	از دیگر بازماندگان واقعه فح و از چهره‌های برجسته علمی زمان خود بود. وی پس از شکست قیام فح مخفیانه به دیلم رفت و مردم آنجا را به سوی خود فراخواند. کار او بالا گرفت و عده زیادی دور او جمع شدند. سرانجام یحیی با دسیسه هارون به دام افتاد و به شهادت رسید.
حمزه بن آذرک سال ۱۸۱	حمزه از گروه خوارج بود که در سیستان و خراسان حضور فعال داشت. نبردهای زیادی میان او و علی بن عیسی درگرفت.
ابوالخضیب (وُهب بن عبدالله نسایی) سال ۱۸۳	دامنه قیام ابوالخضیب شهرهای طوس و نیشابور و مرو را فراگرفت.
رافع بن لیث سال ۱۹۱	رفتارهای ستمگرانه علی بن عیسی - حاکم خراسان - منجر به این قیام شد و خیلی زود در نواحی مختلف گسترش یافت. بیم فراگیر شدن سیطره رافع موجب شد هارون خود به سوی خراسان حرکت نماید.



سیاست خلفای عباسی در برابر امام کاظم علیه السلام

عباسیان پس از تثبیت حکومت خود سیاست فشار و تهدید را در مقابل مخالفان خود که در رأس آنها علویان قرار داشتند به کار گرفتند. منصور عباسی پس از به شهادت رسیدن امام صادق علیه السلام رفتار ستمگرانه خود را نسبت به شیعیان ادامه داد و بسیاری از آنان را به سیاه‌چال‌ها و زندان‌های وحشتناک انداخت. مهدی عباسی در آغاز خلافت اصلاحاتی را انجام داد؛ آزادی زندانیان، بازگرداندن اموال مردم که با زور از آنها ستانده شده بود، گسترش مسجدالحرام و تعیین مقرری برای افراد ناتوان از آن جمله بود. اما او نیز خیلی زود تغییر روش داد و سیاست پدرش منصور را پی گرفت و به تعقیب و کشتار علویان پرداخت. مهدی ابتدا تلاش می‌کرد برخورد تندی با امام کاظم علیه السلام نداشته باشد، اما موقعیت و محبوبیت امام در میان مردم، خلیفه را بر آن داشت تا در مقابل حضرت موضع‌گیری نماید. از این رو به والی خود در مدینه دستور داد امام را به بغداد اعزام کند. امام علیه السلام به اجبار به بغداد منتقل شد و بی‌درنگ روانه

زندان شد. پس از مدتی مهدی به جهت برخی مصالح سیاسی و یا بنا به اظهار خود به علت خوابی که دیده بود امام را آزاد کرد.^۱ هادی عباسی هم در حکومت یک سال و اندی خود جنایات زیادی در برخورد با علویان مرتکب شد. او حتی حقوق و مستمری ناچیز بنی هاشم را قطع کرد. هادی عباسی تصمیم گرفت امام را به قتل برساند، او سوگند یاد کرد که این کار را انجام خواهد داد، اما اجل به وی مهلت نداد. هارون الرشید سال ۱۷۰ ق. خلیفه شد. دشمنی و کینه توزی او نسبت به خاندان پیامبر ﷺ، بیشتر از سایرین بود. بنا بر گزارش های تاریخی امام کاظم ﷺ دوبار به دستور هارون به زندان افتاد. وی برای دستگیری حضرت به گونه ای فریبکارانه زمینه سازی نمود. او در میان مردم به هنگام زیارت قبر پیامبر اکرم ﷺ از ایشان به جهت زندانی کردن امام عذرخواهی کرد و علت آن را جلوگیری از اختلاف و دشمنی میان امت پیامبر ﷺ عنوان نمود.^۲ هارون از بیم واکنش مردم، دستور داد مسیر انتقال امام مخفی بماند. این خلیفه به زندانی کردن امام هم بسنده نکرد، بلکه تلاش کرد با ترفندهای دیگر امام را به زانو درآورد به همین دلیل دستورهای ویژه ای برای سختگیری نسبت به ایشان صادر کرد، هرچند زندانبانان تحت تأثیر رفتار امام قرار می گرفتند و امر هارون را به طور کامل اجرا نمی کردند. در سال ۱۷۹ ق. امام پس از آنکه مدتی آزاد بود دوباره به زندان افتاد که تا سال ۱۸۳ ق. به طول انجامید و با شهادت ایشان به پایان رسید.

فعالیت های سیاسی امام کاظم ﷺ

در چنین شرایطی امام کاظم ﷺ بر لزوم رعایت تقیّه پای فشرده و می کوشید تا فعالیت ها و اقداماتش برای رهبری تشکّل شیعه پنهان بماند. این امر در سازمان دهی شیعیان و حفظ آنان از خطرات بسیار، مؤثر بود، باوجود این امام کاظم ﷺ در مواقع مناسب، حقانیت خود و عدم مشروعیت خلفا را با روش استدلالی و آرام مطرح می کرد. از جمله می توان به موارد زیر اشاره نمود:

یکی از عوامل محبوبیت و نفوذ امام کاظم ﷺ و علویان آن بود که مردم آنان را فرزندان رسول خدا ﷺ می شمردند به همین دلیل مخالفان و دشمنان اهل بیت ﷺ در صدد انکار این اصل برآمدند. از جمله هارون الرشید در هر فرصتی تلاش می کرد انتساب خود را به خاندان رسالت مطرح کند. هنگامی که به حرم پیامبر ﷺ رسید در میان انبوه جمعیت رو به قبر پیامبر ﷺ نمود و ایشان را با عنوان پسرعمو خطاب کرد. امام کاظم ﷺ در میان آن جمع حاضر بود و هدف هارون را می دانست، نزدیک قبر پیامبر ﷺ رفت و با صدای بلند، پیامبر ﷺ را با نام پدر صدا زد. هارون از این سخن سخت ناراحت شد به طوری که رنگ چهره اش تغییر یافت و بی اختیار گفت: واقعاً این افتخار است.^۳ یکی دیگر از شیوه های مقابله امام کاظم ﷺ با خلفای ستمگر عباسی، مبارزه منفی و عدم همکاری با آنان بود. امام ولایت و حاکمیت هارون را باطل می دانست. در همین خصوص زمانی که صفوان بن مهران – از یاران حضرت – یکی از شترهای خود را به هارون کرایه داده بود، مورد توبیخ امام قرار گرفت. پس از آن صفوان تمامی شتران خود را فروخت. زمانی که هارون او را دید، گفت می دانم به اشاره چه کسی شترانت را فروخته ای، موسی بن جعفر تو را به این کار واداشته است.^۴

امام کاظم ﷺ در کنار فعالیت های علمی و در پرتو سیاست تقیّه برای حفظ تشیع از خطر پراکندگی و فروپاشی تدریجی به تقویت و گسترش تشکیلات منسجمی به نام شبکه ارتباطی و کالت مبادرت ورزید. این نهاد به صورت شبکه ای بود که در رأس آن امام و در رده های بعد وکیلان مناطق و سپس وکلای شهرهای مختلف قرار داشت به طوری که تمام سرزمین های اسلامی حتی مناطق دوردستی چون آفریقا را در بر می گرفت. ایجاد ارتباط بین امام و پیروانش در دورترین مناطق اسلامی، تحویل نامه های حاوی سؤالات شرعی و دریافت پاسخ امام و تحویل به شیعیان، رفع اختلافات و تأمین منابع مالی مورد نیاز شیعیان از کارکردهای مهم شبکه و کالت بود.

۱. اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، ص ۵۰، مهدی عباسی، امام علی بن ابی طالب ﷺ را در خواب دید که به او می فرمود: «... اگر به حکومت رسیدید، می خواهید در زمین فساد کنید و پیوند خویشی تان را قطع کنید؟»

۲. شیخ مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، ص ۵۶

۳. شیخ مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ص ۲۹۸

۴. کشی، محمد بن عمر، رجال کشی، ص ۴۴۱

روزی امام علیه السلام بر مهدی وارد شد در حالی که وی مشغول رد مظالم بود، سپس امام به او فرمود چطور رد مظالم می کنی ولی حق ما را باز نمی گردانی؟ مهدی از حق اهل بیت علیهم السلام سؤال کرد و امام علیه السلام به ماجرای فدک و حق حضرت فاطمه علیها السلام و فرزندان ایشان اشاره کرد. مهدی عباسی گفت حدودش را مشخص کن تا آن را به شما بازگردانم. امام با فراست تمام، همه مرزهای سرزمین های اسلامی آن زمان را برای وی نام برد. خلیفه گفت این مقدار زیاد است.^۱ اکنون پاسخ امام کاظم علیه السلام را تحلیل کنید و بگویید دلیل نام بردن از همه مرزهای اسلامی چه بود؟

اجازه حضور برخی از شیعیان در مناصب حکومتی

یکی از راهکارهای امام کاظم علیه السلام برای کاستن از فشارهای سیاسی و اجتماعی بر شیعیان، اجازه نفوذ برخی از شیعیان در مناصب حکومتی بود. امام همکاری با دستگاه خلافت را به شرط حمایت و کمک به شیعیان سفارش می نمود. حمایت مالی از شیعیان، رسیدگی به گرفتاری و مشکلات آنان، انتقال اطلاعات از درون دستگاه خلافت به امام، پشتیبانی اقتصادی از شبکه ارتباطی و کالت، از اهداف امام کاظم علیه السلام بود.^۲

علی بن یقطين، یکی از این افراد بود، وی با حسن تدبیر در زمان هارون الرشید به مقام وزارت رسید. علی بن یقطين، ارتباط نزدیکی با حضرت علیه السلام داشت و در همه امور از ایشان دستور می گرفت. وی چندین بار از امام علیه السلام اجازه خواست از دستگاه حکومت خارج شود اما امام علیه السلام وی را از این تصمیم بازداشت و فرمود: «این کار را نکن، زیرا تو مونس ما و مایه عزت برادرانت هستی، امید می رود خدا به وسیله تو مرهمی بر قلب شکسته ای بنهد و یا زبانه های آتش کینه های دشمنان را از دوستانش دفع کند.»^۳

علی بن یقطين به سبب کمک های امام کاظم علیه السلام بارها از خطر دستگیری توسط خلیفه رها شد. به عنوان مثال یک بار هارون الرشید جامه ای سیاه و ابریشمی که از هدایای پادشاه روم بود، به علی داد. علی بن یقطين جامه را برای امام فرستاد اما پس از مدتی حضرت جامه را به همراه نامه ای برای وی ارسال کرد. در نامه نوشته شده بود اینک زمانی است که تو به جامه نیاز داری. پس از مدتی بر اثر شایعات سخن چینان، هارون علی بن یقطين را طلبید و پرسید جامه را چکار کردی؟ پاسخ داد جامه نزد من و در فلان صندوق است و غلامی را فرستاد تا آن را بیاورد. هارون با دیدن جامه بسیار خرسند شد و ضمن تقدیم هدایای دیگر، سخن چین را به شدت تنبیه کرد. رفتار امام کاظم علیه السلام در تحریم ارتباط صفوان با هارون و ترغیب علی بن یقطين به حضور در دستگاه خلافت را مقایسه کنید.

۱. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۴۹

۲. شریف قرشی، باقر، حیات الامام، موسی بن جعفر، جلد ۲، ص ۲۸۶

۳. جعفر بن محمد بن اشعث و زیاد بن ابی سلمه نیز از یاران امام بودند که در پست های حساس حکومتی وارد شدند (ابن اثیر، الکامل، ج ۶، ص ۱۱۴)

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۱۰۹

اشاره شد که یکی از سیاست‌های زمامداران عباسی، وارد کردن فشار اقتصادی به شیعیان بود. هدف آنها تحقیر و وادار کردن شیعیان و علویان به تسلیم در برابر حکومت بود. امام کاظم علیه السلام با یک برنامه‌ریزی سنجیده، تلاش می‌کرد، تا حد امکان مشکلات مالی پیروان خود را حل نماید. به طوری که بخشش‌های فراوان حضرت و اتفاق‌های ایشان، ضرب‌المثل همگان شده بود. علاوه بر آن ایشان تلاش داشتند تا فرهنگ کار کردن را به شیعیانشان منتقل نمایند.

یک توضیح

علی بن ابی حمزه از پدرش نقل کرده است :
 «امام کاظم علیه السلام را دیدم که در زمین خود کار می‌کرد و سر تا پا عرق می‌ریخت. گفتم فدایتان شوم مگر مرد دیگری نیست که شما اینچنین زحمت می‌کشید؟
 امام علیه السلام فرمود : پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و همه پدرانم با دستان خود کار می‌کردند و این از کارهای انبیا و مرسلین و اوصیای الهی و افراد صالح است.»^۱

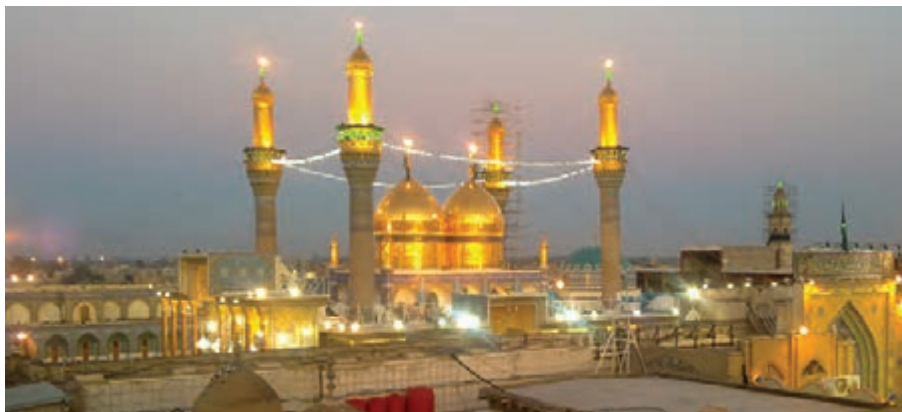
فعالیت‌های علمی و فرهنگی امام کاظم علیه السلام

پیگیری نهضت علمی

۱ مهم‌ترین محور فعالیت امام کاظم علیه السلام با توجه به شرایط دشوار سیاسی، پیگیری و گسترش نهضت فکری و فرهنگی بود که امامان پیشین، از جمله امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام پایه‌گذاری کرده بودند. این اقدامات از چند جهت لازم و ضروری بود از جمله :
 رها کردن حرکت علمی پیشوایان گذشته موجب از بین رفتن تلاش‌های آنان می‌شد. امام باقر و امام صادق علیه السلام به رغم محدودیت‌ها و فشارهای دستگاه خلافت موفق شده بودند، تحول فرهنگی عظیمی در جامعه ایجاد کنند و افراد زیادی را از نقاط مختلف سرزمین‌های اسلامی به حوزه علمی خود در شهر پیامبر صلی الله علیه و آله - مدینه - جذب کنند. این جمع مستعد و تشنه حقیقت نباید رها می‌شدند از این‌رو امام به عنوان پیشوای امامت رسالت داشت بر کرسی تدریس و تعلیم پدر بنشیند و فرهنگ تشیع را با آرا و نظرات خود غنی‌تر و پربارتر بسازد.

۲ فرهنگ و افکار بیگانه با گسترش فتوحات و ورود مسلمانان به سایر سرزمین‌ها در جامعه اسلامی انتشار یافت. در دوران هارون الرشید و به همت خاندان برمکی بسیاری از کتاب‌ها ترجمه شدند. این موضوع هر چند آثار مطلوبی داشت، اما پیامدهای ناگواری نیز برای مسلمانان در پی داشت، چه آنکه موجب شکل‌گیری شبهات و انحرافات فکری در میان مسلمانان می‌شد.
۳ فعالیت گروه‌های فکری همچون معتزله، اهل حدیث، غلات که سعی در انتشار افکار و عقاید خود داشتند و حتی برخی از جانب حکومت هم حمایت می‌شدند را می‌بایست به موارد قبلی افزود.

به نظر شما چه رابطه‌ای میان اعمال محدودیت‌ها بر امام کاظم (علیه السلام) از جمله زندانی کردن ایشان و فعالیت‌های فکری و فرهنگی امام وجود داشت؟



تصویر حرم مطهر کاظمین

از جمله آثار حضرت می‌توان به این موارد اشاره نمود :

الف) امام (علیه السلام) ضمن حدیثی به شاگردش هشام بن حکم - در مورد توجه به عقل و آثار آن طبق آیات قرآن - مطالب ارزشمندی فرموده است.
ب) رساله‌ای در توحید که در عین اختصار حاوی دلایل کلامی و عقلی بر وجود خدا و صفات خداوند است. این رساله در پاسخ به نامه‌ی یکی از اصحاب نوشته شده است.

ج) یکی دیگر از موضوعاتی که امام (علیه السلام) به آن پرداخته‌اند، تبیین موضوع امامت بود، زیرا در عصر ایشان، کسانی بودند که ادعای امامت و رهبری جامعه اسلامی را داشتند. اینان زمامداران معاصر حضرت و مدعیان امامت همچون برادر امام (علیه السلام) - عبدالله بن افضح - بودند. امام ضمن نفی صلاحیت حاکمان عباسی، آنان را افرادی فاسد و غاصب می‌دانستند و از سوی دیگر با گفتار و عمل، صلاحیت مدعیان امامت را رد می‌کردند و در مرحله بعد ضمن تبیین ویژگی‌های امام (علیه السلام) مردم را به صراحت به سوی خود فراخوانده و در برخی موارد با نشان دادن کراماتی، حق را بر آنان آشکار می‌ساختند.

د) امام با آگاهی از نیازمندی‌های فرهنگی جامعه، مجموعه ارزشمندی از احکام و معارف اسلامی در زمینه‌های مختلف اصول اعتقادی، فقه، احکام و... به یادگار گذاشت. مجموعه روایات رسیده از امام کاظم (علیه السلام) در مجموعه «مُسْنَدُ الامامِ الکَاطِمِ (علیه السلام)» جمع‌آوری شده است.^۱ این مُسْنَد همچون دایرة المعارفی است که مشتمل بر موضوعاتی همچون کلام، فقه، تفسیر، آداب زندگی و اخلاق اجتماعی می‌باشد. ه) از تلاش‌های محوری امام (علیه السلام) تربیت شاگردان برجسته و مورد اعتماد بود. برخی از آنها در زمره اصحاب اجماع^۲ قرار دارند که اتفاق بر پذیرش احادیث آنها وجود دارد.^۳

با توجه به کنترل شدید امام (علیه السلام) از سوی دستگاه خلافت، شاگردان ایشان، نقش انتقال آموزه‌های ایشان را به مسلمانان بر عهده داشتند.

۱. عطار دی، عزیر الله، مُسْنَدُ الامامِ الکَاطِمِ (علیه السلام)، تمام اثر

۲. اصحاب اجماع اصطلاحی است در علم رجال و منظور از آن گروهی از روایان احادیث هستند که در مرتبه بالایی از وثاقت قرار دارند. این عده از شاگردان امام باقر (علیه السلام)، امام صادق (علیه السلام)، امام کاظم (علیه السلام) و امام رضا (علیه السلام) هستند.

۳. برخی از شاگردان حضرت عبارت‌اند از: یونس بن عبدالرحمن، صفوان بن یحیی، محمد بن ابی عمیر، احمد بن محمد بن ابی نصر بُزْطَی، حسن بن محبوب، عبدالله بن مُغیره

گاه‌شمار زندگی امام کاظم علیه السلام

ولادت	۷ صفر ۱۲۸ ق.	
قیام نفس زکیه	۱۴۵ ق.	
شهادت امام صادق علیه السلام و آغاز امامت امام کاظم علیه السلام	۲۵ شوال ۱۴۸ ق.	
تولد امام رضا علیه السلام	۱۱ ذیقعد ۱۴۸ ق.	
وفات عبدالله بن افضح و بازگشت پیروان او به امامت امام کاظم علیه السلام	اوایل محرم ۱۴۹ ق.	
در دوره خلافت مهدی عباسی، امام دوبار به بغداد فراخوانده شد و مدت کوتاهی در زندان بود. حضرت در یکی از این دیدارها با مهدی عباسی، فدک را از وی مطالبه کرد.	۱۶۰-۱۶۹ ق.	
قیام شهید فخ	۱۶۹ ق.	
امام در نامه‌ای به خیزران مادر هادی عباسی، مرگ او را تسلیت گفت.	ربیع‌الثانی ۱۷۰ ق.	
تشکیل دولت ادرسیان نخستین حکومت شیعی در مغرب	۱۷۲ ق.	
یحیی بن عبدالله پس از قیام در طبرستان به امام نامه نوشت و از عدم همراهی ایشان گلایه کرد.	۱۷۶ ق.	
هارون الرشید در رمضان این سال عمره گزارد و سپس به مدینه رفت و نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و آله با افتخار گفت سلام بر تو ای پسر عمو.	۱۷۹ ق.	
به دستور هارون امام از مدینه به عراق فراخوانده شد.	۲۰ شوال ۱۷۹ ق.	
زندانی شدن امام در بصره در خانه عیسی بن جعفر	۷ ذیحجه ۱۷۹ ق.	
هارون در نامه‌ای به عیسی بن جعفر دستور قتل امام را داد، ولی او نپذیرفت.	اواخر ۱۸۰ ق.	
مسموم شدن در زندان سندی بن شاهک	۲۳ رجب ۱۸۳ ق.	
شهادت	۲۵ رجب ۱۸۳ ق.	

پرسش‌های نمونه

- ۱ امام صادق علیه السلام چه کسانی را به عنوان جانشین معرفی کرد؟ چرا؟
- ۲ پس از شهادت امام صادق علیه السلام مهم‌ترین مشکلی که برای شیعیان پیش آمد چه بود؟
- ۳ دو مورد از مواضع سیاسی امام کاظم علیه السلام را بیان کنید.
- ۴ یکی از شیوه‌های مبارزه امام کاظم علیه السلام با دستگاه خلافت، توصیه به عدم همکاری بود. در این مورد نمونه‌ای از درس بیان کنید.



امام رضا علیه السلام در سال ۱۸۳ ق. با شهادت پدر، مسئولیت امامت و رهبری جامعه را بر عهده گرفت. از رخداد‌های مهم دوران امامت حضرت، شکل‌گیری گروه «واقفیه» درون شیعه بود. این عده از شیعیان شهادت امام کاظم علیه السلام را انکار کرده و ادعا کردند او هنوز زنده است و مهدی موعود هم اوست. رخداد بی‌سابقه دیگر پیشنهاد ولایتعهدی از طرف مأمون هفتمین خلیفه عباسی به امام رضا علیه السلام بود. این پیشنهاد در حالی بود که امامان معصوم علیهم السلام همواره در نظر خلفای عباسی به عنوان رقیبان جدی مطرح بودند. نحوه مواجهه حضرت با این پیشنهاد و رخداد‌های پس از پذیرش ولایتعهدی، محورهای اصلی این درس و درس بعدی می‌باشد.

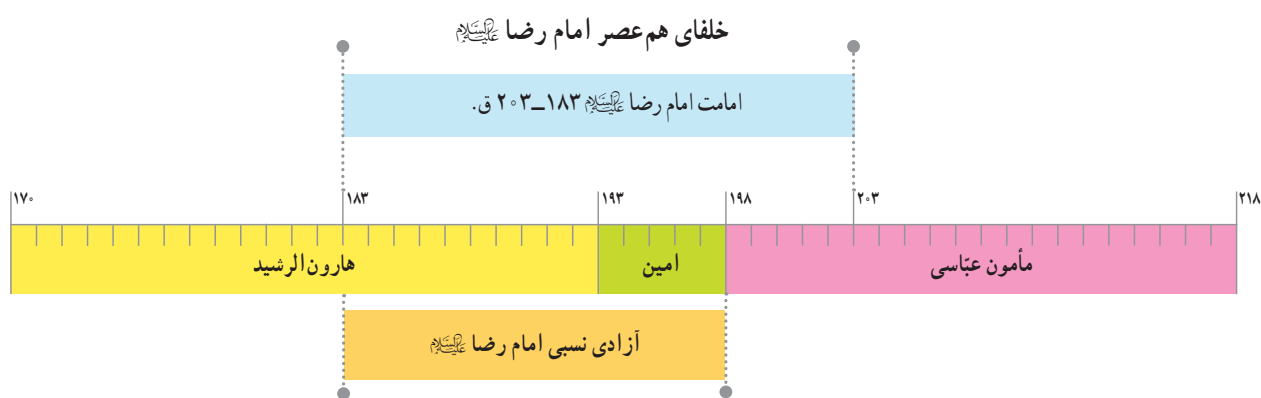
انتظار می‌رود پس از مطالعه این دو درس به سؤال‌های زیر پاسخ داده شود:

- ۱ چرا مأمون خلافتی را که با سختی به آن دست یافته بود به امام رضا علیه السلام پیشنهاد کرد؟
- ۲ چرا امام رضا علیه السلام ولایتعهدی را پذیرفت؟
- ۳ واقفیه چه کسانی بودند؟ نحوه مواجهه امام رضا علیه السلام با این تفکر انحرافی چگونه بود؟
- ۴ امام چگونه از شرایط پیش آمده برای گسترش اسلام و مکتب تشیع بهره برد؟

امامت و رهبری امام رضا علیه السلام

امام کاظم علیه السلام در فرصت‌های مختلف، فرزندش — حضرت رضا علیه السلام — را به عنوان امام بعد از خود معرفی می‌کرد. از این رو پس از شهادت امام کاظم علیه السلام بیشتر اصحاب ایشان جانشینی فرزندش را پذیرفتند. وجود روایات فراوان، برتری علمی و اخلاقی امام رضا علیه السلام هم امامت وی را بر همه اثبات می‌کرد. البته با وجود این دلایل، گروهی از شیعیان امامت ایشان را انکار کردند. علت این امر دنیاطلبی و انحراف فکری آنان بود. برخی از این افراد که وکیل امام کاظم علیه السلام بودند و اموال زیادی در دست داشتند، منکر شهادت امام شدند و شایع کردند امام کاظم علیه السلام زنده است و او همان مهدی موعود است. این گروه به «واقفیه» شهرت یافتند.

ده سال از امامت امام رضا علیه السلام هم‌زمان با خلافت هارون بود. در این دوره، امام علیه السلام آشکارا خود را به عنوان امام معرفی می‌کرد به طوری که برخی اصحاب نگران جان ایشان شده بودند. امام رضا علیه السلام به آنها می‌فرمود: «هارون هرچه تلاش کند بر من راهی ندارد». هارون به شدت از پیامدهای رفتار خود با امام کاظم علیه السلام و شهادت ایشان بیم داشت، از این رو امام رضا علیه السلام را آزاد گذاشت. امام رضا علیه السلام در طول این مدت مجالس درس و بحث علمی خود را در شهر مدینه برپا کرد و به نشر و گسترش معارف دینی و اخلاقی پرداخت. در دوران کوتاه حکومت امین نیز، امام علیه السلام و شیعیان از آزادی نسبی برخوردار بودند. علت این امر جنگ‌های امین با برادرش مأمون بود که مانع از تعرض به امام علیه السلام می‌شد.



اوضاع سیاسی عصر امام رضا (ع)

۱ قیام‌ها و شورش‌ها

در دوران امامت امام رضا (ع) و هم‌زمان با خلافت هارون و مأمون قیام‌ها و شورش‌های متعددی رخ داد که حاصل بی‌توجهی به وضعیت مردم و بیدادگری خلیفه و کارگزارانش بود؛ به‌عنوان نمونه :

(الف) فردی همچون علی بن عیسی بن ماهان از طرف هارون حاکم خراسان شد. ظلم و بیدادگری علی بن عیسی و مالیات‌های سنگینی که از مردم گرفته می‌شد نارضایتی مردم را در پی داشت. بزرگان خراسان نامه‌ای به هارون الرشید نوشتند و ضمن شکایت از رفتار ستمگرانه علی بن عیسی خواهان برکناری او شدند. هارون تصمیم به عزل والی گرفت؛ اما اموال و هدایای بسیاری که علی بن عیسی برای او ارسال کرد موجب شد هارون از تصمیم خود برگردد. در نهایت، بدرفتاری علی بن عیسی با مردم باعث ناآرامی در منطقه خراسان شد به‌طوری‌که هارون تصمیم گرفت شخصاً به خراسان برود. اما پیش از رسیدن به آنجا در منطقه طوس سخت بیمار شد و از دنیا رفت.

(ب) از پیامدهای حکومت علی بن عیسی بر خراسان شورش رافع بن لیث بود. با آغاز قیام رافع بن لیث مخالفان خلیفه در ماوراءالنهر به وی پیوستند. این جنبش با مرگ هارون هم خاموش نشد و تا زمان مأمون ادامه یافت.

(ج) قیام ابوالسرایا و ابن طباطبا نیز از گسترده‌ترین قیام‌های علویان بر ضد حکومت بود که دامنه آن تا مناطق مختلفی همچون یمن و مکه کشیده شد. مأمون این قیام را سرکوب کرد، اما پیروان ابوالسرایا در نقاط مختلف سر به شورش برداشتند.

(د) از قیام‌های علویان همچنین می‌توان به حرکت زید بن موسی بن جعفر (ع) و محمد بن جعفر صادق (ع) اشاره کرد.

این قیام‌ها و شورش‌ها مشکلات زیادی را برای دستگاه خلافت ایجاد کرد و به وحدت سیاسی قلمرو عباسیان در زمان هارون و مأمون آسیب رساند و در ضمن، اوضاع مردم را آشفته‌تر ساخت.

۲ مسئله ولایتعهدی

مسئله ولایتعهدی یکی دیگر از عواملی بود که زمینه کشتارها و درگیری‌های داخلی را فراهم کرد و تأثیرات منفی بر اوضاع سیاسی و اجتماعی مسلمانان نهاد. توضیح اینکه هارون برای بعد از خود، به ترتیب سه پسرش - امین، مأمون و قاسم - را به‌عنوان ولیعهد انتخاب کرد و از مردم و بزرگان برای آنها بیعت گرفت. تا زمانی که هارون زنده بود مشکلی پیش نیامد اما با مرگ خلیفه درگیری میان ولیعهدها آغاز شد؛ زیرا خلیفه جدید حاضر نبود برادرش را به عنوان جانشین خود بپذیرد، بلکه تمایل داشت این منصب را برای پسران خود تصاحب کند. این مسئله ضربات جبران‌ناپذیری بر پیکره دستگاه خلافت وارد ساخت و کینه و دشمنی را میان طرفداران هریک از ولیعهدها بیشتر کرد.

نزاع امین و مأمون؛ تجزیه قدرت

امین شش سال کوچک تر از مأمون بود، اما پدرش او را به عنوان ولیعهد اول و مأمون را به عنوان ولیعهد دوم برگزید و به حکومت سرزمین های شرقی خلافت منصوب کرد. این بدان جهت بود که مادر امین، زُبَیْدَه (نواده منصور عباسی)، عرب و مادر مأمون، کنیزی ایرانی بود. وانگهی مأمون به سبب ایرانی بودن مادرش، به ایرانیان و امین به علت عرب بودن مادرش، به عرب ها گرایش داشت. از این رو، مأمون تحت تأثیر فضل بن سهل ایرانی و امین نیز تحت تأثیر فضل بن ربیع عرب قرار داشتند.

امین با تحریک اطرافیان، پیمان شکنی کرد. وی از مأمون خواست که از خراسان به بغداد بیاید و در کنار او باشد. مأمون به توصیه فضل بن سهل، از رفتن به بغداد عذر خواست اما نامه ها و هدایایی برای جلب اعتماد و اطمینان او ارسال کرد. در مقابل، امین تلاش کرد دامنه اختیارات مأمون را در خراسان کاهش دهد. امین پس از آنکه از کناره گیری مأمون از ولیعهدی ناامید شد، در سال ۱۹۵ ق. رسماً ولیعهدی پسر خود (موسی) را اعلام کرد.

سرانجام اختلاف و دشمنی امین و مأمون به درگیری نظامی منجر شد. سپاه اعزامی امین به فرماندهی علی بن عیسی بن ماهان به سوی خراسان رهسپار شد. مأمون نیز سپاهی به فرماندهی طاهر بن حسین (که بعدها اولین حکومت نیمه مستقل ایرانی بعد از اسلام را به نام طاهریان تأسیس کرد (۲۵۹-۲۵۵ ق.)) را برای مقابله فرستاد. سپاه مأمون پیروز شد و مردم در مرو با مأمون به عنوان خلیفه عباسی بیعت کردند. امین سپاه دیگری اعزام کرد و در جنگی که در همدان رخ داد دوباره سپاه او شکست خورد. طاهر بن حسین به سوی بغداد پیش تاخت و پس از محاصره و تسخیر شهر، موفق به دستگیری و قتل امین شد. با کشته شدن امین رسماً خلافت مأمون آغاز شد.

اقتدار مأمونی

حکومت مأمون حدود بیست سال به طول انجامید. او با زیرکی بر اوضاع مسلط شد و با اقتدار حکومت کرد. وی در میان خلفای عباسی، از ویژگی های منحصر به فردی برخوردار بود. مأمون به تقویت «نهضت ترجمه» که چند دهه از آغازش می گذشت اقدام کرد. او دستور داد آثار علمی دیگر ملت ها را در مکانی موسوم به «بیت الحکمة» جمع آوری و ترجمه کنند. مأمون در تدبیر امور سیاسی هم ید طولایی داشت. دوره حکومت او با شورش های گسترده ای در مناطق مختلف عراق، مصر، شام و آذربایجان همراه بود و او برخی از این شورش ها را با عملیات نظامی و برخی دیگر را با تدابیر سیاسی سرکوب نمود. نکته دیگر این است که ایرانی بودن مادر مأمون و تدابیر وزیر ایرانی اش - فضل بن سهل - موجب شد مردم خراسان به نوعی نسبت به مأمون حس خوش بینی پیدا کنند. ضمن اینکه برخی رفتارها و مواضع فریبکارانه مأمون همچون ولیعهد کردن امام رضا (علیه السلام) و دفاع از حق امامت اهل بیت (علیهم السلام) در این زمینه مؤثر بود.

پیشنهاد ولایتعهدی به امام رضا (علیه السلام)

مهم ترین فصل زندگی امام رضا (علیه السلام) به موضوع ولایتعهدی مربوط می شود. دو سال پس از آنکه مأمون به طور کامل قدرت را به دست گرفت (سال ۲۰۰ ق.) نامه ای به امام رضا (علیه السلام) نوشت و از ایشان تقاضا کرد تا به خراسان برود. امام درخواست مأمون را رد کرد و عذر آورد. اما مأمون برخاسته خود اصرار ورزید. وی به همین منظور کارگزار خود رجاء بن ابی ضحاک را به مدینه فرستاد تا امام (علیه السلام) را به مرو - پایتخت مأمون - دعوت کند. امام (علیه السلام) در واکنش به دعوت مأمون در حالی که نارضایتی خود را از این سفر

به دیگران نشان داد؛ مدینه را به قصد مرو ترک کرد. مأموران خلیفه به دستور مأمون کاروان امام را از مسیر بصره، اهواز، فارس و نیشابور حرکت دادند. علت انتخاب این مسیر، دستور خلیفه بود زیرا در این مناطق شیعیان کمتری اقامت داشتند. در مرو مأمون ابتدا به امام پیشنهاد خلافت داد. گفت و گو در این زمینه به درازا کشید. اما امام از قبول این پیشنهاد امتناع ورزید سپس مأمون ولایتعهدی را به حضرت پیشنهاد داد، ضمناً این معنا را به امام رساند که در صورت رد این پیشنهاد به قتل خواهد رسید. امام به ناچار و با تعیین شرایطی همچون عدم دخالت در امور حکومت، ولایتعهدی را قبول کرد. هدف مأمون از ولیعهد کردن امام رضا علیه السلام به قرار زیر است:

- ۱ از بین بردن محبوبیت امام از طریق درگیر کردن آن حضرت با مناصب حکومتی؛
- ۲ نفوذ شخصیت علمی و معنوی حضرت در میان مردم به گونه‌ای بود که مأمون همواره احساس خطر می‌کرد، از این رو می‌بایست ایشان را از نزدیک کنترل نماید.
- ۳ مهار قیام‌های علویان به وسیله تأمین ظاهری خواسته آنان در اعطای حکومت به یک امام شیعه.
- ۴ کسب مشروعیت برای خلافت عباسی، زیرا با ولایتعهدی امام علیه السلام حکومت خلیفه نیز مشروعیت می‌یافت.
- ۵ کسب اعتماد مردم - به ویژه خراسانیان - که پس از فریب بنی عباس به آنان بدبین شده بودند.

واکنش امام در مقابل پیشنهاد ولایتعهدی

گزارش‌های تاریخی حاکی از آن است که امام رضا علیه السلام تمایلی به سفر به خراسان نداشت. به همین جهت حضرت در زمان‌های مختلف نارضایتی خود را آشکار می‌کرد تا بدین وسیله همگان بدانند مأمون نیت دوستی با اهل بیت علیهم السلام ندارد. از جمله اینکه:

(الف) به رغم درخواست‌های مکرر مأمون، امام هر بار دعوت وی را رد می‌کرد.

(ب) امام پیش از حرکت به سوی خراسان بارها به زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله رفته و با صدای بلند می‌گریست.

(ج) حضرت پیش از خروج از مدینه، افراد خانواده خود را جمع کرده، گریست و به آنها فرموده بود که من از این سفر باز نخواهم گشت.

(د) گفت و گوی امام با مأمون در جریان پیشنهاد خلافت حاکی از آن بود که مأمون این منصب را غصب کرده است. حضرت چنین فرموده بود: «اگر خلافت را خداوند به تو داده است جایز نیست به دیگری ببخشی و خود را از آن معزول نمایی و اگر خلافت از آن تو نیست حق نداری آن را به دیگران بدهی.»^۱

(هـ) پس از آنکه امام ولایتعهدی را پذیرفت دست‌ها را به سوی آسمان بلند کرد و فرمود:

«خدایا تو میدانی که من در مورد قبول ولایتعهدی مجبور و ناگزیر شدم، مرا مورد بازخواست قرار مده چنان که بنده و پیامبرت یوسف علیه السلام را به جهت مقامی که در حکومت مصر به دست گرفت بازخواست نکردی.»^۲

۱. شیخ صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۱۷

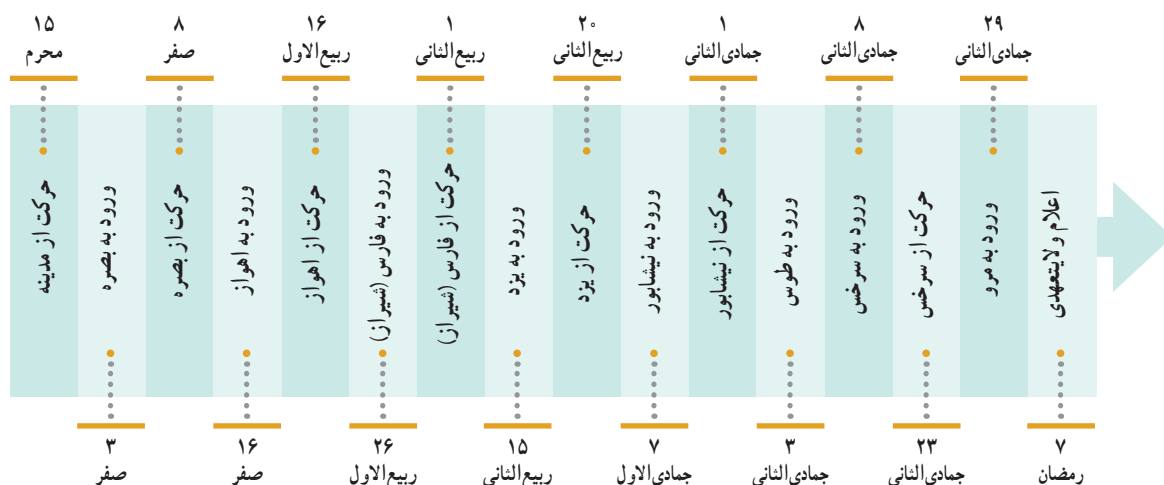
۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۱۳۰

مأمون در پاسخ به طرفداران بنی عباس که نسبت به پیشنهاد ولایتعهدی به امام رضا علیه السلام اعتراض داشتند چنین پاسخ می دهد : «این مرد کارهای خود را از ما پنهان کرده و مردم را به امامت خود می خواند. ما او را بدین جهت ولیعهد قرار دادیم که مردم را به خلافت ما خوانده و به سلطنت و خلافت ما اعتراف نماید و در ضمن فریفتگانش بدانند که او آن چنان که ادعا می کند نیست و این امر (خلافت) شایسته ما است نه او، و همچنین ترسیدیم اگر او را به حال خود بگذاریم در کار ما شکافی به وجود آورد که نتوانیم آن را پر کنیم و اقدامی بر ضد ما نکند که تاب مقاومتش را نداشته باشیم. اکنون که با وی این رویه را پیش گرفته و در کار او مرتکب خطا شده و خود را با بزرگ کردن او در لبه پرتگاه قرار داده ایم نباید در کار وی سهل انگاری کنیم. بدین دلیل باید کم کم از شخصیت و عظمت او بکاهیم تا او را در پیش مردم به صورتی درآوریم که از نظر آنان شایستگی خلافت را نداشته باشد، سپس درباره او چنان چاره اندیشی کنیم تا از خطرات او که ممکن بود متوجه ما شود جلوگیری کرده باشیم».^۱



نقشه مسیر حرکت امام رضا علیه السلام

روزشمار حرکت امام رضا علیه السلام از مدینه تا مرو در سال ۲۰۰ ق.



آثار حضور امام رضا علیه السلام در ایران

امام، حجاز را به سوی خراسان ترک کرد. در طول مسیر از هر شهر و ناحیه‌ای که عبور می‌کرد، مردم خود را به آنجا می‌رساندند و امام را مورد تکریم و تجلیل قرار می‌دادند، سؤال‌های خود را می‌پرسیدند و از ایشان می‌خواستند که نزد آنها بماند. زمانی که امام به شهر نیشابور رسید با جمعیت انبوهی مواجه شد که برای استقبال از وی آمده بودند. در همین محل، امام به تقاضای مردم و طالبان علم، حدیث معروف به سلسله الذهب^۱ با سلسله سند آن تا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بیان فرمود: خداوند عظیم الشان و بلندمرتبه فرمود: «کلمه لا اله الا الله (اقرار به یکتایی خدا) حصار و دژ من است و کسی که داخل دژ شود از عذاب من در امان است».

موکب امام حرکت کرد. در این هنگام ایشان با صدای رسا چنین اعلام کرد: «این ایمنی از عذاب در پرتو توحید مشروط است و من از شروط آن هستم».^۲ امام در یک جمله اساس تفکر شیعی را بیان فرمود.

امام رضا علیه السلام در طول اقامت خود در مرو – مرکز علمی و اداری خراسان – برای آشنایی مردم با علوم اهل بیت علیهم السلام تلاش بسیار کرد. مجلس درس امام در خانه ایشان برپا بود و علاقه‌مندان به حضرت، از راه‌های دور و نزدیک برای زیارت امام و کسب علم و دانش به نزد امام می‌رفتند. تعداد آنها هر روز بیشتر شد تا جایی که مأمون احساس خطر کرد و دستور داد مانع ورود و اجتماع آنان در خانه امام شوند. این گزارش به خوبی عظمت علمی امام و تلاش‌های ایشان در انتقال دانش را نشان می‌دهد.

حضور امام در مرو، محبت و ارادت مردم خراسان را که از گذشته دوستدار خاندان رسالت بودند بیشتر کرد، به گونه‌ای که مدفن امام رضا علیه السلام یکی از پایگاه‌های مهم تشیع در طول تاریخ شد و آثار عمیقی بر تاریخ فرهنگ ایران برجای گذاشت. بعد از آمدن امام رضا علیه السلام بسیاری از سادات علوی همچون حضرت معصومه علیها السلام و احمد بن موسی کاظم علیه السلام به ایران مهاجرت کردند و آرامگاه هریک از این بزرگان به کانونی برای گسترش فرهنگ تشیع تبدیل شد.

۱. این حدیث به آن جهت سلسله الذهب (زنجیره طلایی) نامیده شد که راویانش همه، وجود مقدس معصومان علیهم السلام هستند.

۲. «کلمه لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی»، شیخ صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۹۸.

یکی از ویژگی‌های مهم دوران امامت امام رضا (ع) وجود مسائل فکری و اعتقادی متعدد است؛ از جمله:

- ۱ وجود زندیقان^۱ که بحث‌های کلامی گسترده در مورد توحید و اصل وجود خداوند مطرح می‌کردند.
- ۲ حضور گسترده اندیشمندان سایر ادیان همچون مسیحیان، یهودیان و زرتشتیان در جامعه اسلامی و تلاش برای گسترش افکار و عقاید خود. برخی از این افراد در بیت الحکمه جهت ترجمه حضور داشتند.
- ۳ در میان خود مسلمانان هم بحث‌های کلامی جدی مطرح بود. موضوعاتی همچون بحث امامت، عصمت انبیا و ائمه و صفات خداوند در این دوره نمود بیشتری یافت.
- ۴ یکی از مهم‌ترین مشکلاتی که به عنوان بازدارنده‌ای جدی در مقابل حرکت علمی و فرهنگی امام رضا (ع) وجود داشت اشعاعات درون شیعه بود. برخی از این فرقه‌ها مانند واقفی‌ها و غالیان بیشتر از سایرین فعالیت داشتند. خطر واقفیه برای جریان شیعه بسیار جدی بود. علت این امر در ویژگی‌هایی بود که سران این فرقه داشتند. برخی از سران واقفیه از وکیلان امام کاظم (ع) بودند. شیعیان به آنان اعتماد داشتند و اموال زیادی به ایشان سپرده بودند تا به دست امام (ع) برسانند. این عده با شنیدن خبر رحلت امام (ع)، درگذشت حضرت را انکار و از تحویل اموال به امام رضا (ع) سرباز زدند. این عده به نشر عقاید و افکار خود پرداختند و عده‌ای از شیعیان نیز به ایشان گرویدند. خصوصاً شیعیانی که از بینش و شناخت کافی برخوردار نبودند.

فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما در فرایند شکل‌گیری تفکر واقفیه چه عبرت‌هایی برای شیعیان وجود دارد؟

یک توضیح

شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا، روایات مربوط به امام رضا (ع) را جمع‌آوری کرده است. مؤلف، کتاب مذکور را برای هدیه به کتابخانه صاحب بن عبّاد دیلمی، وزیر وقت و حاکم شیعی آن دوران، نگاشته است. صاحب بن عبّاد در مدح و ستایش امام رضا (ع) اشعاری می‌سراید و آن را به شیخ صدوق هدیه می‌دهد و شیخ نیز این کتاب را در پاسخ به هدیه ایشان به نگارش درمی‌آورد. این کتاب از معتبرترین منابع روایی شیعه است و مانند دیگر کتاب‌های شیخ صدوق از ارزش و اعتبار خاصی برخوردار است. عیون اخبار الرضا کتابی ارزشمند و مفید در شرح و توضیح بسیاری از عقاید شیعه و دربردارنده آموزه‌های امام و مناظرات ایشان با سایر ادیان و فرق است. وجه دیگری که این کتاب را از سایر منابع ممتاز می‌گرداند آن است که تنها تک‌نگاری برای یک امام معصوم (ع) به‌شمار می‌رود و از این حیث بی‌نظیر است.



۱. زندیق کسی است که نظاهر به اسلام کرده و یا کسی که به هیچ شریعتی معتقد نیست (طریحی، شیخ فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۷۷). همچنین این واژه توسط مسلمانان در خصوص افرادی که تصور می‌شود نظرات یا عملکردهایی دارند که با نظرات بنیادی اسلام در تعارض است به کار می‌رود. مسلمانان؛ مانویان، مرتدان، کفار و ملحدین و معارضین با اسلام را زندیق می‌نامیدند.

امام رضا (ع) در طول دوران امامت خود در دو عرصه تبیین معارف دینی و عمق بخشیدن به آن و اثبات برتری اسلام در مقابل سایر ادیان، فعالیت گسترده‌ای انجام دادند. برخی از اقدامات امام رضا (ع) عبارت بود از :

۱ شرکت در مناظرات

مدتی پس از ورود امام رضا (ع) به خراسان، مأمون تصمیم گرفت جلسات علمی با حضور عالمان ادیان مختلف و متکلمان توانمند برگزار نماید. این مناظرات بسیار اهمیت داشت، زیرا در مکانی برگزار می‌شد که پیروان ادیان دیگر حضور فعال داشته و به نشر عقاید خود می‌پرداختند.^۱ از سوی دیگر به جهت دوری این منطقه از مرکز جهان اسلام، مردم آگاهی چندانی از دین اسلام نداشتند. لذا امام از این فرصت برای تبیین معارف اسلام بهره گرفت.

مناظرات امام رضا (ع) با این افراد چندین جلسه ادامه یافت. در هر یک از این جلسات آنان به بیان آراء و عقاید خود پرداخته و سؤال‌هایی از امام می‌پرسیدند.

بررسی مناظرات امام حاکی از احاطه علمی ایشان بر تمام موضوعات مطرح شده است. همچنان که از تورات و انجیل و زبور کاملاً اطلاع داشت و از همان متن و با استناد به اعتقادات و مبانی فکری پیروان آن دین پاسخ آنها را می‌داد. از دیگر ویژگی مناظرات امام سخن گفتن به زبان مخاطب بود. به طوری که شگفتی و حیرت حاضران را برمی‌انگیخت.

برخی از این عالمان در همان مجلس سخن امام را تصدیق می‌کردند. جاثلیق - عالم مسیحی - پس از مناظره‌ای طولانی گفت : «آنچه تو می‌گویی درست است و خدایی جز خدای یگانه نیست». عمران صابی که از متکلمان برجسته زمان خود و در جدل و مناظره بی‌مانند بود، پس از گفت‌وگو با امام مسلمان شد و گفت : «گواهی می‌دهم که خدای همان‌گونه است که تو وصف نمودی و گواهی می‌دهم که محمد (ص) بنده خداست و... سپس رو به قبله نمود و سر به سجده گذاشت. عمران در حالی این سخنان را بر زبان می‌راند که افراد زیادی شاهد ماجرا بودند».^۲

در این مناظرات مباحث مختلف اعتقادی و یا فقهی مطرح می‌شد. امام هم به طور کامل با استناد به دلایل و استدلال‌های عقلی و نقلی بر حریفان خود غلبه می‌یافت.

کم‌کم شهرت و آوازه امام در میان مردم انتشار یافت. مأمون که دید نه تنها از جایگاه و موفقیت علمی امام کاسته نشد بلکه روزبه‌روز شهرت و محبوبیت وی بیشتر می‌شود. لذا دستور داد تا محدودیت‌های بیشتری بر امام اعمال شده و هیچ جلسه دیگری برگزار نشود.

۲ روشنگری امام رضا (ع) در مقابل فرقه واقفیه

یکی از وظایف حساس و مهم امام رضا (ع) مقابله با انحرافات شیعیان بود. در این زمان بخش قابل توجهی از فعالیت‌های روشنگرانه امام به فرقه واقفیه اختصاص داشت.

اقدامات امام رضا (ع) عبارت است از :

الف) نامه‌نگاری و مکاتبه با سران واقفی.^۳ امام رضا (ع) به آنان دستور داد تا اموال شیعیان که از زمان امام کاظم (ع) در دستشان

۱. برای مطالعه بیشتر بنگرید به: به کتاب امام رضا (ع) در رزمگاه ادیان نوشته سهراب علوی

۲. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۴۷-۴۵۲

۳. علی بن ابی حمزه بطنانی از جمله این افراد بود.

بود را تحویل دهند. هرچند آنها دستور امام را عمل نکردند، اما حجت بر آنها تمام شد و ماهیتشان بر شیعیان مشخص شد.

(ب) ردّ شبهات رهبران واقفیه از جمله زنده بودن امام کاظم علیه السلام و موضوع مهدویت آن حضرت.

برخی از سران واقفی از اصحاب امام کاظم علیه السلام بودند. آنها از این موقعیت سوء استفاده کردند و به نقل روایت و حدیث می پرداختند. امام پس از آگاهی از این موضوع، راویان و ناقلان احادیث را دروغگو خواندند و احادیث آنها را رد و مطالب صحیح را به یاران خود آموزش می دادند.

(ج) بیان احادیث فراوان در مورد امامت، ویژگی امام، اهمیت و شرایط امام با توجه به شبهاتی که وجود داشت.

(د) معرفی چهره واقعی رهبران واقفی و غالیان به مردم و لعن و نفرین آنها جهت جلوگیری از سوء استفاده آنان از حسن سابقه شان.

۳ آموزه های اخلاقی امام رضا علیه السلام

یکی از بخش های ارزشمند تعالیم امام رضا علیه السلام مربوط به بیان اصول و مفاهیم اخلاقی است. به عنوان نمونه می توان به این روایت اشاره کرد. روزی مأمون از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام می خواهد اسلام را به نحو اختصار برای او توضیح دهد. حضرت پس از شهادت به رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله، حقانیت قرآن و حقانیت ولایت امام علی علیه السلام و فرزندان ایشان و قبل از بیان احکامی مانند وضو، نماز، روزه و غیره، به بیان اصول و مفاهیم اخلاقی می پردازد. این اصول عبارت بود از ورع، عفت، صداقت، ادای امانت و افزون بر این، امام رضا علیه السلام خود الگوی کامل اخلاقی بود. یکی از مظاهر رعایت اصول اخلاقی در مناظرات امام علیه السلام دیده می شود که نمونه ارزشمندی در اخلاق تعلیم و مناظره به شمار می رود. هدف امام در تمام این مناظرات هدایت طرف مقابل از راه علمی و منطقی بود و هیچ گاه به دنبال تحقیر و تخریب طرف مناظره برنیامد. انصاف را رعایت می کرد و از مخاطب خود نیز می خواست به آن پایبند باشد.

۴ حمایت از شاعران متعهد

یکی از ابزارهای تبلیغی در آن دوران شعر بود. شعر شاعران خیلی زود بر سر زبان ها می افتاد و در میان مردم منتشر می شد. از این رو امامان معصوم و از جمله امام رضا علیه السلام از ابزار شعر برای انتقال مفاهیم مکتبی بهره می گرفتند. یکی از این شاعران دعبل بن علی خزاعی (م ۲۴۶ ق.) بود. قصیده ای که وی برای امام سرود به روشنی بیانگر دیدگاه امامت شیعه است. این قصیده شیوا به سرعت در جامعه منتشر شد. دعبل همواره از طرف حکومت تحت تعقیب بود.^۱

۱. دو بیت از قصیده دعبل که در هجو هارون سروده، بسیار مشهور است: دو قبر در طوس است که یکی از قبر بهترین مردم و دیگری قبر بدترین آنهاست و این پندی بزرگ است که پلیدی، از نزدیک شدن به پاکی سودی نمی برد و انسان پاک، به خاطر نزدیک بودن به آلوده ضرری نمی کند. هیئات که هر کسی گرفتار کاری است که کرد. (ابن حمدون، محمد بن حسن، التذکره الحمدونیة، ج ۵، ص ۱۳۷).

دعبل خزاعی از شعرای زبردست شیعی بود. او از ابزار شعر و هنر، برای بیان مظلومیت اهل بیت علیهم السلام بهره می‌جست. یکی از بهترین قصیده‌های او که موجب شهرتش شده، قصیده «مدارِسُ آیات» است. این قصیده که مضامین بسیار بلندی دارد سیر مصائب و ستم‌هایی را که بر اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله رفته، بیان کرده است. دعبل، پس از سرودن این قصیده، عازم خراسان شد تا ضمن ملاقات با امام رضا علیه السلام قصیده را برای امام قرائت کند. هنگامی که نزد امام رسید عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، من قصیده‌ای برای شما گفته‌ام و سوگند یاد کرده‌ام که قبل از شما برای کسی نخوانم. امام فرمود: بخوان. دعبل نیز قصیده را قرائت کرد و امام با شنیدن آن گریست. سپس امام دو بیت به آن افزود که حکایت از شهادت و دفنش در سرزمین طوس داشت. امام صد دینار به دعبل عطا فرمود.



تصویر قدیمی از حرم امام رضا علیه السلام

پرسش‌های نمونه

- ۱ چرا رفتار هارون با امام رضا علیه السلام متفاوت بود؟
- ۲ چه عواملی موجب شد مأمون ولایتعهدی را به امام رضا علیه السلام پیشنهاد نماید؟
- ۳ دو مورد از عوامل موفقیت مأمون را بنویسید.
- ۴ هدف مأمون از پیشنهاد ولایتعهدی به امام رضا علیه السلام چه بود؟
- ۵ امام رضا علیه السلام چگونه ناراحتی خود را از پیشنهاد مأمون ابراز می‌کرد؟
- ۶ واکنش امام رضا علیه السلام در مقابل پیشنهاد ولایتعهدی از طرف مأمون را توضیح دهید.
- ۷ در مورد اوضاع فکری و فرهنگی دوران امامت حضرت رضا علیه السلام توضیح دهید.
- ۸ واقعه چه کسانی بودند؟ موضع امام در مقابل آنان چگونه بود؟
- ۹ دو مورد از فعالیت‌های امام رضا علیه السلام برای گسترش تشیع را بنویسید.



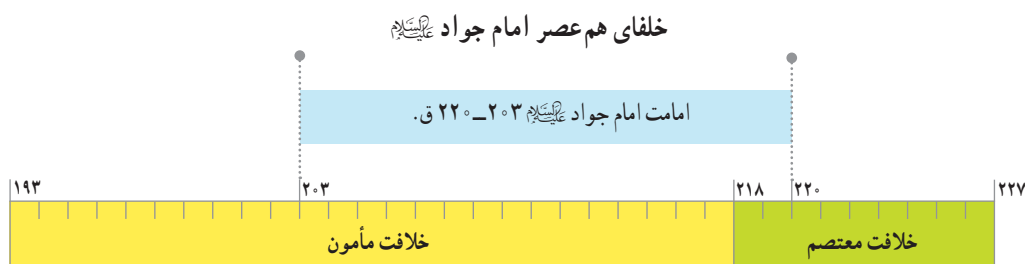
«مولود پر خیر و برکت» تعبیری است که امام رضا علیه السلام در وصف فرزند خود فرموده است.^۱ زمانی که امام جواد علیه السلام به امامت رسید، مأمون بر مسند خلافت بود. این خلیفه عباسی در ادامه سیاست گذشته خود، برای زیر نظر داشتن امام جواد علیه السلام دخترش را به همسری ایشان درآورد. معتصم عباسی نیز امام را به بغداد فراخواند تا از نزدیک فعالیت‌های حضرت را زیر نظر بگیرد. درخشان‌ترین دوره امامت امام جواد علیه السلام مناظرات و گفت‌وگوهای علمی است که نقش اساسی در تثبیت امامت ایشان داشت.

در این درس سؤال‌های زیر پاسخ داده می‌شود :

- ۱ سیاست خلفای هم عصر با امام در مقابل حضرت چه بود؟
- ۲ کدام بخش از دوره امامت امام جواد علیه السلام اهمیت ویژه دارد؟

اوضاع سیاسی عصر امام جواد علیه السلام

برای شناخت و فهم نقش امام جواد علیه السلام در رهبری جامعه اسلامی و شیعیان ناگزیر باید شناخت کافی از اوضاع آن دوره به دست آورد. دوران حدود هفده ساله امامت امام جواد علیه السلام به دو بخش مجزا قابل تقسیم است. حضرت با دو خلیفه عباسی که از جهت شیوه حکومتی با هم متفاوت بودند اما در دشمنی با خاندان پیامبر ﷺ اشتراک داشتند، معاصر بود. دوره اول : پانزده سال از دوره امامت حضرت در روزگار مأمون بود که طولانی‌ترین بخش زندگی کوتاه حضرت به شمار می‌رود. دوره دوم : دو سال از دوره امامت حضرت در زمان معتصم سپری شد.



شرایط دوران پانزده ساله نخست امام جواد علیه السلام درست همان شرایط پدر بزرگوارش بود. حضرت این دوره طولانی را هم‌زمان با خلیفه‌ای سپری کرد که از عالم‌ترین و زیرک‌ترین خلفا به‌شمار می‌رفت. مأمون سال ۲۰۴ ق. برای جلب نظر عباسیان و برخورداری از حمایت آنها به بغداد رفت و آنجا را مرکز حکومت خود قرار داد. پس از آن متوجه امام جواد علیه السلام شده، ایشان را به بغداد فرا خواند. مأمون می‌دانست شیعیان از امام جواد علیه السلام به عنوان رهبر و پیشوای خود پیروی می‌کنند، از این رو نمی‌توانست حضرت را به حال خود رها کند. مدتی پس از ورود امام، مأمون تصمیم گرفت دختر خود - ام‌فضل - را به عقد حضرت درآورد و سیاست گذشته خود را در محدود ساختن امام رضا علیه السلام و کنترل فعالیت‌های ایشان در مورد امام جواد علیه السلام به اجرا درآورد. همچنین با اجرای این سیاست فریبکارانه در میان دوستان و خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله - که همچنان او را قاتل اصلی امام رضا علیه السلام می‌دانستند - به دنبال بازیابی مشروعیت خود بود. در ضمن به دنیا آمدن فرزندی از ایشان می‌توانست در آینده به عنوان محور حرکت‌های خود و بنی‌عباس قرار گیرد. البته ام‌فضل هیچ‌گاه صاحب فرزند نشد.

بنا به برخی گزارش‌های تاریخی زمانی که مأمون قصد خود را مبنی بر ازدواج دخترش با محمد بن علی علیه السلام آشکار کرد عباسیان برآشفتن و او را مورد نکوهش قرار دادند. آنها سن کم امام را بهانه قرار داده و همچنین او را فاقد دانش کافی در دین دانستند. عباسیان بیم داشتند که امام جواد علیه السلام به منصب ولایت‌عهدی برسد و یا حتی زمام قدرت را به‌دست بگیرد. در نهایت مأمون به رغم مخالفت‌های بزرگان عباسی دختر خود را در بغداد به ازدواج امام علیه السلام درآورد. امام علی‌رغم تلاش مأمون برای اظهار تمایل به تشیع و حتی موضع‌گیری‌های آشکار این خلیفه در برخی از مسائل اختلافی به نفع شیعیان نظیر تخطئه معاویه و برتری امام علی علیه السلام هیچ‌گاه در کنار مأمون قرار نگرفت و از او حمایت نکرد. ایشان با وجود فراهم بودن تمام امکانات برای سکونت در شهر بغداد، رغبتی به ماندن در آنجا نشان نداد و زمانی که مأمون قصد عزیمت به سوی جنگ با رومیان داشت از او اجازه گرفته و به مدینه بازگشت.

دوره دوم زندگی امام جواد علیه السلام بسیار کوتاه بود. این دوره با عصر خلافت محمد بن هارون معروف به المعتصم بالله مصادف شد. معتصم برخلاف پدر و برادرش از درایت و کاردانی لازم در امور سیاسی بی‌بهره بود. از این رو اقدامات او پس از به‌دست گرفتن قدرت، آینده خلافت عباسی را دچار مشکلات و آشوب‌های جدی نمود. از جمله اقدامات او، استخدام ترک‌ها^۱ به جای عنصر ایرانی و عرب در سپاه خلیفه بود. مادر معتصم از نژاد ترک بود و خودش هم نسبت به ایرانی‌ها و عرب‌ها بی‌اعتماد بود لذا ترجیح داد با به‌کارگیری ترک‌ها در سپاه خود از توان رزمی آنان در راستای تقویت سپاهش بهره بگیرد. پس از مدتی کوتاه شمار سربازان ترک به طرز بی‌سابقه‌ای افزایش یافت. محبوبیت ترکان نزد خلیفه موجب شد تا آنان خیلی زود به مقامات بالا ارتقا یابند. کم‌کم رقابت میان آنها و اعضای قدیمی سپاه خلیفه افزایش یافت. از سوی دیگر فزون‌خواهی ترک‌ها و روحیه نظامی‌گری آنان آرامش و امنیت بغداد را برهم زد و مشکلاتی برای ساکنان آنجا ایجاد کرد. معتصم در اقدام بعدی ناگزیر شد بغداد را که تختگاه شش خلیفه عباسی بود و از حیث تجاری و اقتصادی موقعیت بی‌بدیلی در جهان اسلام پیدا کرده بود ترک کند. معتصم پس از بررسی مناطق مختلف، منطقه سامرا

۱. بردگان ترک از ماوراءالنهر از مناطقی همچون سمرقند و شهرهای اطراف آن خریداری شده و به بغداد آورده می‌شدند.

در صد کیلومتری شهر بغداد را شناسایی کرد و پایتخت را بدانجا انتقال داد.^۱ معتصم در کنار این فعالیت‌ها از امام جواد علیه السلام غافل نبود. علت نگرانی او از امام جواد علیه السلام به دو جهت بود: اول آنکه؛ امام از بزرگان علوی و شخص اول خاندان بنی هاشم بود که مورد توجه دوستان اهل بیت قرار داشت و در میان مردم نیز روز به روز نفوذ بیشتری می‌یافت و دوم؛ امام جواد علیه السلام داماد مأمون بود و به گمان عباسیان نزدیک‌ترین فرد به خلیفه است که می‌تواند وارث تاج و تخت شده و قدرت را به دست بگیرد. معتصم نامه‌ای به کارگزار خود نوشت و از او خواست امام را به همراه ام فضل راهی بغداد نماید. امام جواد علیه السلام پس از اطلاع از دستور معتصم آماده سفر شد و به همراه ام فضل راهی بغداد شد. در این سفر امام جواد علیه السلام با شخصیتی متفاوت از مأمون روبه‌رو شد. خلیفه‌ای با روحیه نظامی و فاقد بینش علمی که دشمنی خود را نسبت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله نیز آشکارا بیان می‌دارد. معتصم امام را در قصر خود جای داد و همواره مترصد فرصتی بود تا ایشان را از میان بردارد. در همین راستا به گروهی از نزدیکان خود دستور داد تا امام را حاضر کنند و با تندی، ایشان را متهم به توطئه کرد. پس از آن شاهدان را حاضر کرد تا به دروغ علیه حضرت شهادت دهند. اقامت امام جواد علیه السلام در بغداد زمان زیادی طول نکشید و بنا به نقل برخی از مورخان^۲ حضرت به دست همسرش ام فضل که از طرف معتصم مأمور به این کار شده بود به شهادت رسید.



یک توضیح

بنای شهر سامرا

در برخی منابع تاریخی درباره بنای شهر سامرا این چنین نوشته‌اند:

چون دوران معتصم فرا رسید وی از سپاهیان که در بغداد (مقر خلافت حاکمان پیش از وی) گرد آمده بودند و بنابر دلایلی اعتمادی به ایشان نداشت در بیم بود، لذا به اطرافیان گفت: جایی را برای من برگزینید که بدانجا رفته شهری بسازم و آن را پایگاه لشکر خود کنم، تا چنانچه از طرف سپاهیان بغداد حادثه‌ای رخ داد راهی برای نجات خویش داشته باشم و بتوانم از راه آب و خشکی بدانجا رهسپار شوم، سپس سامرا را برگزیده آن را آباد کرد و به آنجا شتافت. همچنین یکی از دلایل این اقدام معتصم را اعتراض فراوان مردم به ستم‌های فراوان سپاهیان که در بغداد ساکن بودند بر شمرده‌اند.^۳

اوضاع فکری زمانه امام جواد علیه السلام

جنبش علمی گسترده

زمانه امام جواد علیه السلام به جهت جنبش علمی و فرهنگی از باشکوه‌ترین دوره‌های تاریخ اسلامی به شمار می‌رود. در شکل‌گیری نهضت علمی عوامل مختلفی تأثیر داشت از جمله تأکید فراوان قرآن و پیامبر صلی الله علیه و آله به علم‌آموزی، تلاش‌های گسترده امامان پیشین و تشکیل جلسات متعدد و تربیت شاگردان برجسته که هر یک در مناطق مختلف، محوری برای گسترش علم و دانش اهل بیت علیهم السلام بودند. علاقه و تلاش برخی از خلفای عباسی به رونق علم و دانش، تأسیس مدرسه و کتابخانه و تجهیز کتابخانه‌ها نیز تأثیر قابل توجهی بر این

۱. ناظمیان‌فرد، علی، معتصم و سیاست انتقال پایتخت، ش ۱۱، مجله پژوهش‌های تاریخ ایران و اسلام

۲. مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، ص ۲۲۷

۳. ابن طیفطی، الفخری فی الآداب السلطانیة و الدول الاسلامیه، ص ۳۲۱

جنبش علمی داشت؛ به طور مثال مأمون مکاتباتی با پادشاه روم انجام داد و از او خواست اجازه دهد فردی را به روم بفرستد تا از میان کتاب‌های قدیمی موجود در خزانه پادشاهی نسخه‌هایی را انتخاب کند. پادشاه روم ابتدا نپذیرفت اما سرانجام تن به این خواسته داد. برخی از مراکز مهم علمی آن دوره عبارت‌اند از:

مدینه: شهر مدینه پس از هجرت پیامبر ﷺ به سبب توجه فراوان حضرت به امر آموزش و فراگیری علم به تدریج به عنوان یکی از مراکز علمی در جهان اسلام مطرح شد. مسجد این شهر همواره محلّ درس اهل بیت علیهم‌السلام بود و بزرگان، فقیهان و راویان از مناطق دور و نزدیک برای کسب علم بدانجا می‌رفتند.

کوفه: پس از مدینه، شهر کوفه در مرتبه بعدی قرار داشت. مسجد بزرگ این شهر به عنوان یکی دیگر از مراکز علمی مورد توجه قرار گرفت. از آنجا که تفکر و اندیشه علوی کوفه را دربر گرفته بود مسجد کوفه توجه خود را به علوم اهل بیت علیهم‌السلام معطوف کرد. حسن بن علی و ثناء^۱ در توصیف کوفه چنین گفته است: «در این مدرسه (مسجد کوفه) نهصد شیخ (عالم) را دیدم که همگی آنان می‌گفتند جعفر بن محمد (امام صادق علیهم‌السلام) چنین حدیث گفت».^۲

بغداد: این شهر در سایه توجه و اهتمام خلفا به صورت بزرگ‌ترین مرکز علمی آن دوره درآمد. جویندگان علم از مناطق مختلف آهنگ بغداد می‌کردند. حرکت‌های علمی و فرهنگی در این شهر موجب شکوفایی روزافزون آن شد. مدارس متعددی در این شهر بنا شد و به تمام علوم عقلی و نقلی توجه می‌شد. حضور عالمان و اندیشمندان از سایر ملت‌ها و فرهنگ‌ها بر رونق علمی این شهر افزود. بصره: بصره یکی دیگر از کانون‌های علم به شمار می‌رفت. دستور زبان عربی در آنجا پدید آمد؛ همچنین حضور برخی از بزرگان معتزله^۳ در این شهر موجب تکامل اندیشه‌های معتزلی گردید.^۴



یک توضیح

رونق مکتب فکری معتزله

در دوران امام جواد علیهم‌السلام جریان فکری معتزله با حمایت و پشتیبانی مأمون رشد چشمگیری یافت. مأمون عقیده آنان درباره مخلوق بودن قرآن را به سبب اغراضی که داشت پذیرفت. او فرمان داد کارگزاران، امیران لشکر و قاضیان در مورد این موضوع، مورد آزمایش قرار گیرند و کسانی که این عقیده را قبول ندارند از کار برکنار و مجازات شوند. این ماجرا در تاریخ اسلام به «ماجرای محنة» شهرت یافت. به نظر می‌رسد که مأمون به جهت درگیر شدن آشکار با اهل حدیث (که عقیده‌ای خلاف خلق قرآن معتزله داشتند) به سبب نفوذشان در عامه مردم و همچنین گرایش اموی برخی از آنها مانند احمد بن حنبل این عقیده را بهانه‌ای برای سرکوبشان قرار داد. بنابراین قضیه محنة که حدود بیست سال طول کشید یک مانور سیاسی از سوی بنی عباس برای سرکوب مخالفان بوده است و معتزله نقش مهمی در آن نداشته‌اند. آنچه هست معتزله این فرصت را برای تبلیغ آزادانه عقایدشان غنیمت شمردند؛ چنان که جاحظ، نویسنده بزرگ معتزلی بهترین و مهم‌ترین آثارش را در همین دوران پدید آورده است.^۵

۱. از شاگردان امام رضا علیهم‌السلام و از راویان حدیث

۲. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۴۱، این مطلب کنایه از رواج نقل احادیث و علوم اهل بیت علیهم‌السلام در آن مکان است.

۳. معتزله فرقه‌ای کلامی است که در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم شکل گرفت. نخستین رهبر مشهور این مکتب واصل بن عطاء (۸۰-۱۳۱ ق.) نام داشت. در اندیشه پیروان این جریان عقل - با وجود محدودیت‌ها و ناتوانی در کشف تمام حقایق - نقش تعیین کننده دارد. معتزلیان هر موضوعی را با عقل و خرد می‌سنجند و تنها با یافتن توجیه عقلانی آن را قابل پذیرش می‌دانند. از عقاید مشهور آنها این است که مرتکب گناه کبیره نه مؤمن است نه کافر، بلکه در منزلی است میان دو منزل. (برنجکار، رضا، آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، ص ۱۱۷)

۴. افرادی همچون واصل بن عطاء، عمرو بن عبید، ابوالهذیل

۵. ذکاوتی قره‌گزلو، علیرضا، جاحظ، ص ۵۲-۵۳

مناظرات علمی

یکی از بخش‌های مهم زندگی امام جواد (علیه السلام) مناظرات علمی حضرت است. امام از دو سو به این مناظرات دعوت می‌شد: نخست از سوی دستگاه خلافت که با دعوت از دانشمندان آن دوره و برگزاری مجالس علمی امید داشت حضرت در پاسخ به سؤالات فروماند و در نتیجه جایگاه علمی و اجتماعی وی در میان شیعیان که قائل به علم الهی امامان بودند، خدشه‌دار شود. جهت دوم، خود شیعیان بودند. از آنجا که سن امام جواد (علیه السلام) هنگام احراز مقام امامت کم بود، تردیدهایی برای برخی از شیعیان ایجاد شد. آنان برای اطمینان و زدودن هرگونه ابهامی در این زمینه به حضور امام می‌رفتند و سؤالات خود را در موضوعات گوناگون می‌پرسیدند. امام در تمام مناظرات پیشنهادی شرکت کرد و با توانایی شگرف علمی و معنوی خود چنان درخشید که دوست و دشمن را به تعجب واداشت. با توجه به اهمیت این مناظرات به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱ در اولین اجتماع شیعیان پس از شهادت امام رضا (علیه السلام)، یکی از آنان موضوع سنّ کم امام را مطرح کرده و از حاضران خواست تا راه‌حلی برای شرایط جدید پیش آمده تا بلوغ حضرت ارائه دهند. این سخن با عکس‌العمل شدید حاضران مواجه شد. آنان در پاسخ گفتند: «امامت امری از جانب خداوند است و ربطی به سن ندارد». پس از این ماجرا هنگام فرارسیدن موسم حج و حرکت کاروان‌ها به سوی مکه، هشتاد نفر از دانشمندان و فقهای شیعه بغداد برای ملاقات با امام از مکه به مدینه رفتند. در جلسه‌ای که این عده با امام داشتند سؤال‌های زیادی طرح گردید و امام با استدلال‌های منطقی و مبتنی بر آیات قرآن به تمام آنها پاسخ داد.

بیشتر بدانید

مولود پر خیر و برکت

امام رضا (علیه السلام) بارها در زمان حیات، فرزندش امام جواد (علیه السلام) را به عنوان مولود پر خیر و برکت معرفی می‌کرد. این تعبیر امام از آن جهت بود که حضرت خیلی دیر صاحب فرزند شد. این موضوع دستاویزی برای مخالفان از جمله واقفی‌ها گردید تا بدین وسیله هم امامت امام رضا (علیه السلام) و هم تداوم امامت را انکار کنند. تولد امام جواد (علیه السلام) در چنین شرایطی به این گونه سخنان پایان داد.



۲ همان‌طور که گفته شد زمانی که مأمون قصد خود مبنی بر ازدواج دخترش با امام جواد (علیه السلام) را مطرح کرد عباسیان به سن کم امام (علیه السلام) و در نتیجه علم ایشان در آن سن اعتراض کردند. مأمون جلسه علمی برگزار کرد و از یحیی بن اکثم – قاضی القضاات، فقیه و محدث بغداد – دعوت کرد. در این جلسه تنها دو سؤال مطرح شد. سؤال اول را یحیی بن اکثم پرسید. او که امام (علیه السلام) را نوجوانی نآشنا به فقه و فروع آن تصور می‌کرد، سؤالی کلی از احکام حج پرسید. امام در پاسخ فروعات مسئله را با مهارت کامل مطرح کرد به گونه‌ای که توانمندی و احاطه علمی ایشان بر اصول و مبانی دانش فقه آشکار شد. اوضاع چنان بر یحیی دشوار شد که نه تنها زمام بحث از دست او خارج شد بلکه با وجود توانایی بسیار، ظاهر خود را نیز نتوانست کنترل کند. بنابر گزارش‌های تاریخی، یحیی حیران شد و سردرگمی و ناتوانی در صورتش آشکار گشت و آن‌چنان به لکنت افتاد و دست و پای خود را گم کرد که تمام اهل مجلس به عمق ناتوانی‌اش پی بردند.^۱

سؤال بعدی را امام (علیه السلام) پرسید و یحیی از پاسخ درماند. مأمون که نمی‌خواست بیش از این امام (علیه السلام) فرصت داشته باشد به ظاهر از پیروزی ایشان اظهار خوشحالی کرد. پس از متفرق شدن حاضران، مأمون پاسخ سؤال پیچیده‌ای که امام جواد (علیه السلام) آن را طرح کرده بود پرسید و امام به تک‌تک موارد پاسخ داد.

مأمون پس از شنیدن اعتراض بزرگان عباسی دستور داد تا مناظره‌ای با حضور امام جواد علیه السلام برگزار شود. فردی که برای مناظره در مقابل امام انتخاب شد، یحیی بن اکثم بود. در یک روز معین همه بزرگان و کارگزاران دستگاه خلافت و همچنین خود مأمون حاضر شدند. ابتدا یحیی بن اکثم از مأمون اجازه خواست تا سؤال را مطرح کند. مأمون گفت: از خود او — منظور امام جواد علیه السلام — اجازه بگیر. یحیی از امام جواد علیه السلام اجازه گرفت و امام فرمود: هرچه می‌خواهی بپرس. یحیی گفت: حکم شخص مُحَرَّم که در حال احرام حیوانی را شکار کرده است، چیست؟ امام جواد علیه السلام فرمود: «آیا این شخص شکار را در محدوده‌ای خارج از محدوده حرم کشته است یا در حرم؟ عالم به حکم حرمت شکار در حال احرام بوده یا جاهل؟ عمداً کشته یا به خطا؟ آزاد بوده یا برده؟ صغیر بوده یا کبیر؟ برای اولین بار چنین کاری کرده یا برای چندمین بار؟ شکار او از پرندگان بوده یا غیر پرنده؟ از حیوانات کوچک بوده یا بزرگ؟ از کار خود پشیمان است یا خیر؟ در شب شکار کرده است یا روز؟ در احرام عمره بوده یا احرام حج؟»^۱ ایشان با این سؤالات احاطه‌اش بر فروع را برای همگان اثبات کرد.

۳ مناظره‌ای دیگر از طرف مأمون و با حضور یحیی بن اکثم برگزار شد. قاضی القضاات این بار سؤال‌هایی از امام پرسید که مربوط به احادیث مناقشه‌برانگیز اعتقادی اهل سنت می‌شد. یحیی با این پرسش قصد داشت امام را به سکوت وا دارد زیرا اگر حضرت طبق مبانی تشیع پاسخ می‌داد بهانه‌ای به دست دشمنان داده بود تا آشکارا به مقابله با ایشان و شیعیان بپردازند و اگر طبق نظر عموم پاسخ می‌داد شایع می‌شد که حضرت به اصول خود پشت کرده است.

امام جواد علیه السلام در این جلسه بدون برانگیختن احساسات اهل سنت چنین پاسخ داد که روایات جعلی زیادی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نسبت داده شده است. همان‌طور که پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان حیات هشدار داده بودند؛ هر حدیثی باید بر کتاب خدا عرضه شود تا صحت آن مورد تأیید قرار گیرد.

۴ معتصم هم امام جواد علیه السلام را در برابر مناظرات علمی قرار داد تا در صورت سر زدن لغزش و اشتباه از سوی امام، آن را دستاویز خود ساخته و صلاحیت علمی حضرت را برای رهبری شیعیان زیر سؤال برد.

در یکی از این مناظرات که با حضور فقهای برجسته آن دوره برگزار شد، مسئله مجازات شخصی که مرتکب دزدی شده بود، مطرح گردید. فقها هر یک نظر خود را گفتند. معتصم نظر امام را خواست. امام جواد علیه السلام با استناد به آیات قرآن پاسخ دیگری داد که مخالف نظر فقهای حاضر از جمله فردی به نام ابی داود^۲ بود. معتصم نظر امام را پذیرفت. این ابی داود بسیار آزرده‌خاطر شد. چند روز بعد نزد معتصم رفت و عواقب ناگوار ترجیح رأی یک جوان — امام جواد علیه السلام — بر آرای فقیهان را گوشزد کرد. به گزارش برخی از مورخین بدگویی ابی داود زمینه‌ساز شهادت امام جواد علیه السلام شد.^۳

۱. شیخ مفید، محمد بن محمد الارشاد، ج ۲، ص ۲۷۱

۲. قاضی القضاات بغداد و از بزرگان معتزله

۳. قرشی، باقر شریف، موسوعه سیره اهل بیت علیهم السلام، ج ۲، ص ۳۱۴

- ۱ تا پیش از امامت امام جواد علیه السلام در تفکر عمومی مردم، فرد بالغ می‌توانست به مقام امامت برسد زمانی که امام رضا علیه السلام به شهادت رسید امام جواد در حالی به امامت رسید که حدود هشت سال سن داشت. به لحاظ تاریخی احراز یک مقام الهی در سن کودکی سابقه داشت اما در میان امامان معصوم امام جواد علیه السلام اولین کسی بود که در سن کم به امامت رسید. این موضوع گفت‌وگوها و مباحثی در میان مردم و حتی شیعیان پدید آورد. به طوری که عده‌ای دچار تردید شدند که چگونه فردی با سن کم توانایی انجام چنین مسئولیت دشواری را دارد؟ دشمنان و مخالفان نیز این شرایط را فرصت مناسبی یافتند تا به مقابله با حضرت پردازند.
- ۲ از دوره امامت امام جواد علیه السلام به بعد شرایط متفاوتی برای ائمه علیهم السلام به وجود آمد. ایشان به شدت تحت نظارت خلفای عباسی قرار گرفتند و ارتباطشان با شیعیان به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافت.

فعالیت

امام رضا علیه السلام در زمان حیات خود بارها فرزندان را به عنوان جانشین خود معرفی نمودند. به عنوان مثال زمانی که یکی از اصحاب از امام سؤال کرد: اگر پیشامدی برای شما رخ داد به چه کسی مراجعه کنیم، امام فرمود به فرزندم ابوجعفر. وقتی آن شخص سن حضرت را کم شمرد امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام به آیاتی از قرآن همچون آیه ۱۲ و ۳۰ سوره مریم اشاره فرمودند. امام جواد علیه السلام در جای دیگر امام علی علیه السلام را به عنوان نمونه تاریخی مطرح کرد.

با مراجعه به این آیات و همچنین ویژگی امام علی علیه السلام هنگام پذیرش دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله وجه استناد امام رضا و امام جواد علیهم السلام به نمونه‌های مذکور را بیان کنید.

امامت امام جواد علیه السلام زمینه‌ساز غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

امامت امام محمد تقی علیه السلام با ویژگی‌های خاص خود بستر مناسب برای امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در سن و سال کمتر را فراهم آورد. این موضوع سبب شد تا در آینده شیعیان به سادگی امامت حضرت را در شرایط غیر معمول‌تر بپذیرند و مشکلی جدی نیز ایجاد نشود. زیرا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به جهت شرایط دشوار و پیچیده دوره خود حتی فرصت آن را پیدا نکرد که در مقابل توده مردم و مخالفان قرار گیرد و با علم الهی و غیبی خود جایگاه امامت را تبیین نماید.

فعالیت‌های علمی و فرهنگی امام جواد علیه السلام

دوران زندگی امام جواد علیه السلام چندان نپایید. اما در این مدت کوتاه، حضرت از هر فرصتی برای تبیین معارف دینی و احکام الهی بهره می‌برد. بخشی از این معارف هنگام حضور امام در مناظرات که یا از سوی شیعیان و یا از طرف مخالفان برگزار می‌شد، مطرح می‌گردید. بیش از دویست روایت در مسائل فقهی، تفسیری، اعتقادی و اخلاقی به ایشان منسوب است و همچنین چندین رساله و پاسخ‌نامه به مسائل دینی شیعیان از ایشان باقی مانده است.^۱

۱. باغستانی، اسماعیل، دانشنامه جهان اسلام، مدخل امام جواد علیه السلام

۱ تربیت شاگردان : امام جواد علیه السلام با تشکیل جلسات درس، شاگردانی را پرورش داد که هریک نقش مهمی در انتقال آموزه‌های اسلامی و احادیث آن حضرت به نسل‌های بعدی داشتند.

علی بن مهزیار، نام یکی از شاگردان امام جواد علیه السلام است. وی از راویان امام رضا علیه السلام نیز بود. علی بن مهزیار احادیث بسیاری از امام جواد علیه السلام روایت کرده است. حضرت در نامه‌ای که به این شاگرد برجسته خود می‌نویسد، از خدمات وی ستایش می‌کند. او حدود ۳۵ اثر در ابواب فقه، تفسیر و عقاید داشته است.^۱

۲ مکاتبه و توقیع : پراکندگی شیعیان در مناطق مختلف، دسترسی آنان را به امام برای کسب معارف دینی مشکل کرده بود. سختگیری خلفا نیز برقراری ارتباط را مشکل ساخته بود. افزون بر این، پس از رحلت هر امام به دلیل مشکلاتی که پیش می‌آمد، ارتباط با امام بعدی محدود می‌شد.

در زمان امام جواد علیه السلام نیز مدتی طول کشید تا شیعیان نسبت به امامت آن حضرت یقین پیدا کنند. با دشوار شدن ملاقات حضوری با امام، نگارش نامه و دریافت پاسخ آن یکی از راه‌هایی بود که ارتباط با حضرت را آسان می‌ساخت، بدین ترتیب در زمان امام جواد علیه السلام همانند زمان امام رضا علیه السلام شیعیان از راه نامه‌نگاری با امام خود ارتباط داشتند.^۲ در این نامه‌ها مسائل فقهی، کلامی، شرعی، دستورات مربوط به عزل و نصب و کیلان، نحوه عملکرد آنان و رسیدگی به حال شیعیان نیازمند مطرح می‌شد.

بیشتر بدانید



پراکندگی شیعیان در مناطق مختلف در این گزارش تاریخی آمده است :

شخصی از اهالی بُست^۳ و سَجِسْتان^۴ در ایام حج به حضور امام جواد علیه السلام رسید و گفت : والی ما از دوستان اهل بیت بوده و به شما علاقه‌مند است، من نیز خراجی به دیوان بدهکارم. نامه‌ای به او بنویسید تا در این باره با من سختگیری نکند. امام فرمود : او را نمی‌شناسم. من گفتم : او از دوستان شما اهل بیت است. حضرت کاغذی گرفت و بر آن چنین نوشت : «آورنده این نامه عقیده مبارکی را از تو نقل کرد. هر عمل نیکویی که انجام دهی از آن تو خواهد بود، پس به برادرانت نیکی کن و بدان خداوند از تک‌تک اعمال خواهد پرسید.» نامه را از حضرت گرفتم و به راه افتادم. پیش از آنکه به سَجِسْتان برسم، این خبر به گوش والی آنجا، حسین بن عبدالله نیشابوری رسید و او در دو فرسخی شهر به استقبالم شتافت. نوشته حضرت را به او دادم. وی آن را بوسید و بر دیده نهاد و گفت : حاجت چیست؟ گفتم : خراجی به حکومت بدهکارم. به دستور حاکم، آن خراج را بخشودند. او همچنین دستور داد تا زمانی که والی است، از من خراج نگیرند. سپس از زندگی‌ام سؤال کرد و بعد به کارگزارانش گفت که برای من مستمری قرار دهند.^۵

۱. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۳۵

۲. در موسوعه الامام جواد علیه السلام، نام ۶۳ تن از افرادی که حضرت با آنان مکاتبه داشتند، گردآوری شده است. (قزوینی، محمدکاظم، موسوعه الامام الجواد علیه السلام، ج ۲، ص ۴۱۶-۵۰۸)

۳. بُست، نام یکی از روستاهای سجستان (سیستان) بود، که امروزه جزو افغانستان است. (فرهنگ معین)

۴. سجستان مُعرب سیستان است.

۵. شیخ طوسی، محمد بن حسن، التهذیب، ج ۶، ص ۳۳۵

۳ تقویت شبکه وکالت : دشواری ارتباط شیعیان با امام جواد علیه السلام، به جهت پراکندگی جغرافیایی و در نتیجه عدم امکان ملاقات مستقیم و یا محدودیت های سیاسی، موجب شد تا امام جواد علیه السلام، به تقویت شبکه وکالت بپردازد، این شبکه به خوبی می توانست جایگزین ارتباط مستقیم باشد. حضرت، کارگزاران امینی را در سرتاسر قلمرو حکومت اسلامی، مانند خراسان بزرگ، مصر، اهواز، همدان، سیستان و... انتخاب نموده و به این طریق ارتباط خود با شیعیان را حفظ کردند و ضمن پاسخگویی به سؤالات و شبهات آنها، با دریافت وجوهات شرعی، به شیعیان نیازمند رسیدگی می کرد.^۱

یک توضیح

زکریا بن آدم اشعری قمی یکی از وکیلان و اصحاب امام جواد و امام رضا علیه السلام بود. زمانی که فعالیت های شیعیان واقفی، بسیاری از دیگر شیعیان را در عقیده شان به امامت امام رضا علیه السلام سست کرده بود او بر عقیده خود باقی ماند و در شهر قم با این تفکر به مبارزه پرداخت. در منابع حدیثی و رجالی گزارش هایی وجود دارد که در آنها امام رضا و امام جواد علیه السلام از منزلت او نزد خود سخن گفته اند. درباره وکالت او در زمان امام رضا علیه السلام گزارشی وجود دارد که طبق آن، حضرت، علی بن مسیب همدانی را که از ایشان برای یافتن پرسش هایش به سبب دوری راه و عدم دسترسی به امام، کسب تکلیف کرده بود به زکریا بن آدم ارجاع داده و فرمود: «او در امور دین و دنیا امین و مورد اعتماد ماست.» امام جواد علیه السلام نیز پس از وفات وی، او را یاری رسان حق و اهل بیت علیهم السلام دانسته است. قبر زکریا در قبرستان شیخان شهر قم واقع شده است.

پرسش های نمونه

- ۱ علت اعتراض عباسیان به مأمون در ارتباط با امام جواد علیه السلام چه بود؟
- ۲ چرا معتصم عباسی از جانب امام جواد علیه السلام احساس خطر می کرد؟
- ۳ دو مورد از فعالیت های علمی و فرهنگی امام جواد علیه السلام را بنویسید.
- ۴ حکومت مأمون و معتصم را از لحاظ شیوه حکومتی با یکدیگر مقایسه نموده، تفاوت و مشترکات آنها را بنویسید.
- ۵ امام جواد علیه السلام از سوی چه کسانی و چرا به مناظره علمی دعوت می شد؟

۱. علی بن مهزیار اهوازی، زکریا بن آدم قمی، سعد بن عبدالله اشعری قمی و ابراهیم بن احمد همدانی، از جمله وکیلان امام جواد علیه السلام بودند.



دوره امامت امام هادی علیه السلام با شش خلیفه عباسی هم‌زمان بود. سخت‌ترین دوره زندگی ایشان با دوران خلافت متوکل - دهمین خلیفه عباسی - مصادف شد. بنا به برخی گزارش‌های تاریخی، این خلیفه عباسی در دشمنی با خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و شیعیان گوی سبقت را از دیگران ربوده بود. از اقدامات وی می‌توان احضار امام به سامرا، تعقیب و سرکوب معتزلیان و حمایت گسترده از اصحاب حدیث را برشمرد. امام هادی علیه السلام در چنین شرایط دشواری، مدبرانه مسیر اجداد بزرگوار خود را در هدایت و رهبری جامعه ادامه داد. در همین راستا و با توجه به شرایط موجود شبکه وکالت را تقویت و گسترش داد. محورهای مهم این درس، پاسخ به سؤالات زیر است:

۱. اوضاع سیاسی و فکری جامعه اسلامی در زمان امام هادی علیه السلام چگونه بود؟
۲. شبکه وکالت در این دوره چه مناطقی را در برمی‌گرفت؟
۳. امام هادی علیه السلام در راستای ترویج معارف دین چه فعالیت‌هایی انجام داد؟

امام هادی علیه السلام در مدینه

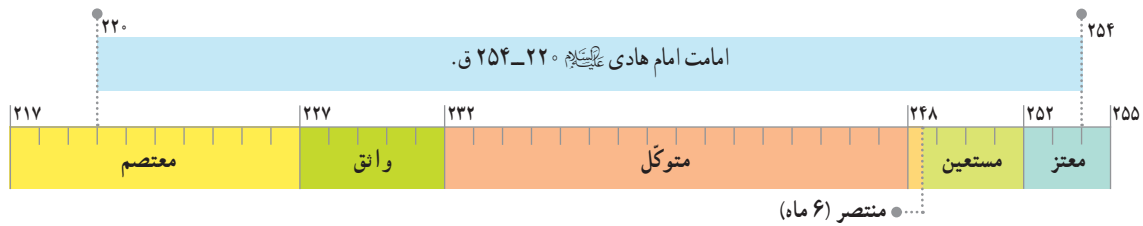
آغاز امامت امام هادی علیه السلام هم‌زمان با خلافت معتصم بود. در این زمان حضرت در شهر مدینه اقامت داشت. معتصم که نمی‌توانست امام را به حال خود رها کند، دستور داده بود که هرگونه فعالیت ایشان را گزارش دهند. حضرت با آگاهی از این مطلب بدون برانگیختن حساسیت دستگاه خلافت، فعالیت‌های علمی و فرهنگی امامان پیشین را در شهر مدینه ادامه داد. علاقه‌مندان به کسب علوم دینی از مناطق مختلف نزد امام رفته و از ایشان بهره می‌گرفتند. ۱۳ سال از امامت امام بدین گونه در شهر مدینه سپری شد. حضرت در کنار فعالیت‌های علمی به امور مردم نیز رسیدگی می‌کرد. ایشان برخلاف حاکمان و والیان آن روز ارتباط زیادی با مردم به خصوص مستمندان و محرومان داشت. نیاز آنان را برآورده می‌ساخت، از بیمارانشان عیادت می‌کرد و به کوچک و بزرگشان عنایت داشت. بدین ترتیب روز به روز نفوذ و محبوبیت امام در میان اهالی مدینه بیشتر می‌شد؛ به طوری که حاکم مدینه نامه‌ای به خلیفه عباسی آن زمان - متوکل - فرستاد که چنین نوشته شده بود: «اگر احتیاج به حرمین - مکه و مدینه - داری می‌بایست علی بن محمد را از آن جداسازی زیرا او مردم را به سوی خود فرا می‌خواند و عده زیادی به او گرویده‌اند.»^۱

امام علیه السلام نیز نامه‌ای به متوکل نوشت و در آن از دشمنی کارگزار وی و بدرفتاری‌هایش گله کرد و دلایلی بر نادرستی تهمت‌های او آورد.^۲

۱. شیخ مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ج ۲، ص ۲۹۷

۲. همان

خلفای هم عصر امام هادی علیه السلام



فراخواندن امام هادی علیه السلام به سامرا

متوکل، وجود امام هادی علیه السلام را خطری بزرگ برای حکومت خود می دانست، از این رو هر گزارشی مبنی بر محبوبیت و علاقه مردم به حضرت می توانست بهانه‌ای باشد تا همان سیاست نیاکان خود را نسبت به حضرت عملی سازد.

چنان که نامه فرماندار مدینه و برخی از کارگزاران عباسی، به شدت خلیفه را نگران کرد و وی را مصمم کرد تا امام را به سامرا فراخواند و از نزدیک فعالیت‌های حضرت را زیر نظر داشته باشد. متوکل نامه‌ای به امام هادی علیه السلام فرستاد و ضمن برکناری حاکم مدینه، خود را مشتاق دیدار امام توصیف کرد. ادعایی که بعدها مشخص شد واقعی نیست و متوکل هدفی جز از میان برداشتن حضرت ندارد.

متوکل همراه نامه، فردی به نام یحیی بن هرثمه را به مدینه فرستاد. این فرد به محض ورود، خانه امام را واری کرد و چیزی جز قرآن نیافت. سرانجام در سال ۲۳۳ ق. امام راهی سامرا شد زیرا چاره‌ای جز ترک شهر مدینه نداشت. قبول نکردن دعوت متوکل می توانست دلیلی بر درستی ادعای بدگویان باشد. امام به همراه فرزند خردسالش امام حسن عسکری علیه السلام و دیگر اعضای خانواده مدینه را به قصد اقامت اجباری در سامرا ترک کرد. یحیی رفتار محترمانه‌ای با امام داشت. ملاقات نزدیک با امام و کرامت‌هایی که در طول مسیر از ایشان دید، موجب شد تا وی مجذوب شخصیت حضرت شود.

امام و دیگر همراهان وارد شهر بغداد شدند. مردم استقبال شایسته‌ای از ایشان انجام دادند، به گونه‌ای که متوکل دستور داد تا شبانه امام را به سامرا ببرند. پس از ورود به شهر سامرا متوکل نه تنها به استقبال ایشان نرفت بلکه دستور داد تا امام را در مکانی به نام «خانه گدایان» اقامت دهند.

یک توضیح

نامه متوکل به امام هادی علیه السلام قبل از حرکت ایشان به سوی سامرا

متوکل نامه‌ای به ظاهر محترمانه به امام نوشت. مضمون نامه چنین بود:

«به نام خدا، پس از حمد و ثنای خداوند، امیرالمؤمنین شما را خوب می شناسد، شخصیت، بزرگواری و نسبت و قرابت شما را با رسول خدا صلی الله علیه و آله رعایت می کند و تنها هدف او جلب رضایت و خشنودی خداوند و شما است. اکنون دستور دادم که طبق درخواست شما فرمانده جنگ و امام جمعه شهر، «عبدالله بن محمد»، که مرتکب اهانت به شما شده است، برکنار و به جای او «محمد بن فضل» منصوب شود. او دستور دارد در برابر امر شما مطیع بوده در تکریم و تعظیم شما نهایت سعی و کوشش را به عمل

آورد تا بدان وسیله به خدا و رسول او و امیرالمؤمنین (متوکل) تقرب جوید.

امیرالمؤمنین مشتاق دیدار شما است تا تجدید عهدی صورت گیرد، اگر مایل به زیارت خلیفه باشید و به آن علاقه دارید می‌توانید به اتفاق خانواده و دوستان و علاقه‌مندان حرکت کنید. برنامه سفر به اختیار خودتان است، هر جا خواستید توقف نمایید. در صورت تمایل، خدمتگزار خلیفه، «یحیی بن هرثمه»، ملازم رکاب خواهد بود و به خدمتگزاری شما مفتخر خواهد شد، زیرا شما نزد ما محترم هستید و ما شدیداً به شما علاقه‌مندیم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته^۱.

امام هادی علیه السلام در سامرا

با انتقال امام هادی علیه السلام به مرکز خلافت عباسی، دور جدیدی از برخوردها و سیاست‌های متوکل در برابر پیشوای دهم علیه السلام آغاز گشت. متوکل در رفتار به ظاهر محترمانه تمام تلاش و کوشش خود را به کار گرفت تا مردمی‌ترین و ریشه‌دارترین رهبر مخالف حکومت خود را شکست دهد. این توطئه‌ها، شکل‌های مختلف داشت، برخی از آنها عبارت است از:

- ۱ ایجاد محدودیت برای امام علیه السلام و جلوگیری از هرگونه ارتباط و تماس با مردم و شیعیان.
- ۲ احضار مکرر امام هادی علیه السلام به کاخ سلطنتی که برخی از آنها در نیمه‌های شب اتفاق می‌افتاد. متوکل با دریافت کوچک‌ترین گزارش دستور می‌داد به منزل امام هجوم برند و ضمن بازرسی خانه حضرت، وی را نزد متوکل ببرند.
- ۳ مخدوش ساختن چهره معنوی حضرت: در یکی از احضارهای شبانه، امام هادی علیه السلام در حالی وارد کاخ متوکل شد که وی به همراه کارگزارانش در یک بزم شبانه مشغول نوشیدن شراب بودند. متوکل امام را احترام کرد و نزد خود نشاند و از جام شراب خود به ایشان تعارف کرد. امام فرمود: مرا معاف دار که گوشت و خون من هرگز با شراب آمیخته نشده است. سپس متوکل از ایشان خواست که شعری برای او بخواند. پس از اصرار، حضرت اشعاری را خواند. مضمون اشعار چنان تکان‌دهنده بود که بزم شبانه آنها را در هم ریخت و حاضران و حتی متوکل را به شدت متأثر کرد.

یک توضیح

مضمون اشعار امام علیه السلام چنین بود:

پادشاهان بر فراز قله کوه‌ها، عمر خویش را سپری کردند درحالی که نگهبانانی نیرومند آنها را حراست می‌کردند. اما قله‌های بلند سودی برای آنها نداشت و بعد از دورانی که باعزت سپری کردند، از دژها و قلعه‌های محکم خویش به پایین کشیده شدند. در گودال‌هایی (قبرهایی) جای داده شدند و چه بد مکانی است قبرهای آنان!

پس از مرگ آنان، کسی رو به آنان فریاد برمی‌آورد که کجاست آن دستبندها، تاج‌ها و زیورآلات؟ کجاست چهره‌هایی که در ناز و نعمت بودند و در برابر آنان پرده‌های رنگارنگ آویخته می‌شد؟

در این هنگام قبر از طرف آنان با زبان گویا چنین گفت که کرم‌های زیر خاک بر آن چهره‌های نازپرورده راه می‌روند. زمان درازی آنان خوردند و نوشیدند و امروز خود خوراک و طعمه کرم‌ها هستند.

۴. برگزاری مناظره علمی: متوکل از یکی از دانشمندان معروف به نام ابن سکیت^۱ خواست تا مسئله پیچیده و مشکلی طرح کرده از امام سؤال کند و از این راه وسیله‌ای برای بدنامی امام فراهم آورد. ابن سکیت فرمان را اجرا کرد و در کاخ خلیفه عباسی تمام دانشمندان و فقها جمع شدند و در حضور متوکل، ابن سکیت سؤال‌های خود را پرسید. امام به تمامی سؤالات پاسخ داد. یحیی بن اکثم نیز سؤالاتی را آماده کرده و پاسخ آنها را از امام درخواست نمود. پاسخ امام به مسائل مشکل که حکایت از جایگاه علمی ایشان داشت چنان یحیی بن اکثم را متعجب ساخت که رو به متوکل کرد و گفت: «ما دوست نداریم که پس از این، چیزی از ایشان (خطاب به امام هادی علیه السلام) بپرسند، زیرا هر چه علم او آشکار می‌شود باعث قوت گرفتن رافضی‌ها^۲ خواهد شد.»
۵. زندانی کردن امام: متوکل که در برابر امام علیه السلام دچار عجز و ناتوانی شده بود، دستور داد امام هادی را به زندان بيفکنند تا بدین وسیله کینه درونی خود را نسبت به حضرت التیام بخشد.

فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما علت برگزاری مناظره‌های علمی از سوی خلفا چه بود؟

شبکه وکالت در دوران امام هادی علیه السلام

سیستم وکالت در دوره‌های امامان پیشین پایه‌گذاری شده بود، اما در دوره امام هادی علیه السلام این شبکه گسترده علمی، فکری و سیاسی، از برجستگی و اهمیت خاصی برخوردار شد و در عصر امام حسن عسکری علیه السلام نیز همین رویه استمرار یافت. علت این امر، محدودیت و کنترل شدید امام هادی علیه السلام بود. در واقع محل اقامت حضرت، در یک پادگان نظامی قرار داشت که تحت نظارت دقیق مأموران دستگاه خلافت بود و امکان دسترسی مردم و اصحاب به ایشان و بهره گرفتن از محضر وی به سادگی امکان‌پذیر نبود. به همین دلیل، ارتباط میان امامان و شیعیان فراتر از ارتباط معمولی و عادی بود و از سازمان‌دهی و پیچیدگی بیشتر برخوردار بود. به طوری که افراد معمولی توانایی انجام چنین مسئولیتی را نداشتند. و کیلان حضرت نقش حساس‌تر، اختیارات بیشتر و مسئولیت سنگین‌تری پیدا کردند. در این دوره، افراد توانمندی مثل محمد بن داود قمی یا ابوعلی بن راشد، مسئولیت وکالت را برعهده داشتند. کارگزاران و نمایندگان محلی تحت نظر این افراد به انجام وظیفه می‌پرداختند.

منابع تاریخی حاکی از آن است که قلمرو فعالیت وکلای امام به چهار منطقه اصلی و مرکزی تقسیم شده بود:

ناحیه نخست: بغداد، مدائن و کوفه

ناحیه دوم: بصره و اهواز

ناحیه سوم: قم و همدان

ناحیه چهارم: حجاز، یمن و مصر

نظارت دقیق بر عملکرد وکلا، تعیین وظایف و حدود و اختیارات و ارائه خط مشی‌های کلی از مضمون نامه‌های امام مشخص می‌شود. نمونه‌ای از این گونه سفارش‌ها در منابع تاریخی موجود است: حضرت در نامه‌ای، ابوعلی راشد را جایگزین و کیلان قبلی می‌نماید و بر

۱. ابن سکیت راوی ایرانی تبار شیعی و از نزدیکان و خاصان امام جواد علیه السلام و امام هادی علیه السلام بود. پدرش اسحاق به جهت افراط در سکوت بدان ملقب گردید. ابن سکیت در علم نحو و لغت سرآمد دانشمندان زمان خود بود. وی معلم فرزندان متوکل بود. در نهایت جان خود را در دفاع از اهل بیت علیه السلام از دست داد.

۲. رافضه از ماده رفض به معنای ترک کردن و رها کردن است. این واژه به تدریج در مورد شیعیان به کار برده شد، زیرا آنان خلافت خلفای اول را ترک و امامت امام علی علیه السلام را پذیرفته بودند.

۳. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۷۷-۴۸۱

اطاعت از ایشان تأکید می‌کند، فرمان‌بری از ابوعلی را همچون فرمان‌بری از خود اعلام می‌کند. حضرت در نامه‌ای دیگر، برخی از نکات امنیتی را یادآوری می‌کند. ایشان خطاب به ایوب بن نوح چنین می‌نویسد: «ایوب بن نوح، به تو دستور می‌دهم که از ارتباط و رفت‌وآمد زیاد با ابوعلی پرهیز و هر کدام از شما در قلمرو مأموریت خود، مشغول انجام امور محوله باشید؛ و حتی اگر شما بر اساس دستورالعمل تعیین‌شده رفتار نمایید از ارتباط (پیوسته) با من نیز بی‌نیاز خواهید بود. ای ابوعلی به تو نیز همان دستوراتی را می‌دهم که به ایوب دادم و نیز به شما دستور می‌دهم که از اهالی بغداد و مدائن چیزی که برای شما می‌آورند نپذیرید و نیز برای دیدار با من به آنان وقت ملاقات ندهید و کسانی که از خارج قلمرو مأموریتی شما برای شما چیزی می‌آورند به وکیل ناحیه مربوطه راهنمایی کنید».^۱

فکر کنیم و پاسخ دهیم

نقش شبکه‌وکالت در آماده‌سازی مردم برای غیبت صغری را توضیح دهید.

اوضاع سیاسی دوران امام هادی (ع)

دوران امامت امام هادی (ع) آغاز دوره‌ای متفاوت برای حکومت عباسیان به شمار می‌آید. در این دوره از شکوه و عظمتی که دستگاه خلافت پیش‌تر از آن برخوردار بوده، خبری نیست، امنیت و آرامش از تمامی نقاط اسلامی رخت برپسته و سلطه خلفای عباسی به سستی گراییده بود. علت ضعف و سستی خلافت را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱ تسلط ترک‌ها بر حکومت

پیش‌تر اشاره شد معتصم بنا به دلایل مختلف از جمله بی‌اعتمادی به عنصر عرب و ویژگی‌های جسمانی و توانمندی نظامی ترک‌ها، تصمیم گرفت ارتش خود را از نیروهای ترک تشکیل دهد. ترک‌ها خیلی زود، مناصب حکومتی را به دست گرفتند درحالی که هیچ‌گونه آشنایی با امور حکومتی و اداری نداشتند و تمام توجهشان به جنگ و کشتار بود. آنها به تدریج چنان بر امور کشورداری مسلط شدند که برای خلیفه هیچ نفوذ و قدرتی باقی نماند. هرگاه می‌خواستند خلیفه را برکنار کرده و دیگری را بر تخت می‌نشاندند. یکی از شاعران آن زمان موقعیت یکی از خلفای عباسی به نام «مستعین» را مانند پرنده‌ای در قفس توصیف می‌کند که هیچ اختیاری از خود ندارد. رقابت امرای ترک برای به دست آوردن قدرت و ثروت بیشتر موجب شد تا سرزمین‌های اسلامی دچار بحران و آشوب شود. برخی از سرداران ترک، زمانی که قدرت بیش از حد می‌یافتند، به فکر جدایی از حکومت مرکزی و اعلام استقلال می‌افتادند، از جمله اینها، احمد بن طولون بود که از سوی خلیفه، حاکم مصر شد و سلسله طولونیان^۲ را بنیان نهاد.

۲ ظلم و فساد خلیفه و کارگزارانش

دولتمردان عباسی بیشتر زمان خود را به خوش‌گذرانی و هوس بازی سپری می‌کردند. در دارالخلافه، بزم‌های شبانه برپا می‌کردند و لباس‌های زربافت می‌پوشیدند. کاخ‌های زیبا بنا می‌کردند و بذل و بخشش‌های بسیار داشتند. در نتیجه از امور کشورداری غافل و نسبت به وضعیت مردم بی‌توجه بودند. والیان ناشایست را بر سرزمین‌های اسلامی مسلط کرده و امور مسلمانان را به آنان واگذار

۱. رفیعی، علی، زندگانی امام هادی (ع)، ص ۲۲.

۲. دوره حکومت طولونیان بر مصر (۲۵۴-۲۹۲ ق.) بوده است. اوج قدرت سیاسی و شکوه تمدنی این دولت در دوران فرمانروایی احمد بن طولون، بنیانگذار آن و فرزندش بوده است.

می کردند. والیان نسبت به مردم ظلم و ستم بسیار روا می داشتند و تمام تلاش خود را برای انباشت ثروت به کار می گرفتند. آنان با پرداخت رشوه مناصب حکومتی را از وزیران می خریدند.

اوج فساد و ظلم در زمان متوکل عباسی بود. سیاست وی، بر خشونت و بدرفتاری نسبت به علویان و شیعیان قرار داشت. وی به شدت آنان را در تنگنای اقتصادی قرار می داد و اگر کسی به علویان نیکی می کرد، مجازات می شد. وی در راستای ستیز با اهل بیت مبالغ زیادی را به شاعران می داد تا اشعار خود را در نکوهش اهل بیت بسرایند. متوکل مجازات سنگینی برای زائران امام حسین علیه السلام تعیین کرد و در اقدامی دیگر دستور داد قبر امام حسین علیه السلام در کربلا را ویران کنند، زمین آن را شخم زنند و بر آن آب بینند. این واقعه در سال ۲۳۶ ق. رخ داد.

بیشتر بدانید



عباسیان دیوانه وار، شیفته کاخ ساختن و تزیین آنها بودند و مبالغ هنگفتی صرف بنای کاخ و تزیینات آنها کردند تا آنجا که در هیچ یک از دوره های تاریخی چنین گرایی به تزیین و تجمّل از دیگر پادشاهان دیده نشده بود. یکی از کاخ های متوکل برج نام داشت که آن را چنین توصیف می کنند: «برج از زیباترین بناهای متوکل بود و در آن تصویرهای بزرگی از طلا و نقره و برکه آبی که کف و کناره های آن از صفحه های زرین و سیمین پوشیده شده، قرار داشت. در کنار برکه درخت زربنی که در آن پرندگانی از طلا با تاج هایی جواهرنشان قرار داشتند ساخته شده بود و به آن نام طویی – برای همانندی با درخت بهشت – داده بودند. این پرندگان به گونه ای طراحی شده بودند که با وزش نسیم آوازهایی از آنها برمی خاست. در سمت دیگر برکه، تختی بزرگ از طلا آراسته به دو شیر بزرگ طلایی و تصاویری از درندگان و عقاب و اوصاف دیگر که آن را به تخت سلیمان بن داود علیه السلام – آن چنان که نقل شد – مانند می کرد قرار داشت. دیوارهای قصر را نیز از داخل و خارج با مرمر کاشی کاری کرده بودند». یکی دیگر از کاخ های متوکل «جعفری» نام داشت که متوکل بسیار هزینه کرد. در مراسم افتتاح آن، نوازندگان و دلقکان را فراخواند و دویست هزار درهم به آنان بخشید.^۱

۳ قیام ها و شورش ها

ضعف دستگاه خلافت، فساد خلیفه و کارگزارانش، ظلم و گسترش بی عدالتی و سیاست کینه جوینه خلفای عباسی نسبت به علویان؛ قلمرو خلافت اسلامی را صحنه درگیری ها و قیام ها نمود؛ به طوری که یکی از ویژگی های بارز در عصر امام هادی علیه السلام، گسترش قیام و جنبش های مخالف با حکومت است. این جنبش ها از حیث انگیزه دینی و غیردینی به دودسته تقسیم می شود: آشوب هایی که با اهداف قدرت طلبانه^۲ به وقوع پیوست و نهضت هایی که از سوی علویان^۳ و بانگیزه های عدالت خواهانه انجام می گرفت. نهضت های علوی اگرچه به پیروزی های نسبی دست یافتند، ولی به طور کلی ناکام مانده و شکست خوردند.

۱. قرشی، باقر شریف، زندگانی امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۱۹۶-۱۹۷

۲. از جمله شورش ها می توان به شورش ناراضیان در بغداد – سال ۲۴۹ – حرکت بابک خرم دین سال ۲۲۰ – و حرکت مازیار – سال ۲۲۵ – اشاره کرد. برای مطالعه بیشتر بنگرید به: دریایی،

محمد رسول، امام هادی علیه السلام و نهضت علویان، ص ۲۰۲-۲۰۹.

۳. قرشی، باقر شریف، تحلیلی از زندگانی امام هادی علیه السلام، ص ۴۱۹

قیام‌های علویان

قیام‌کننده	زمان	شرح
محمد بن قاسم از نوادگان امام سجاده علیه السلام	۲۱۹	قیام محمد از طالقان آغاز شد. وی به دینداری و زهد شهرت داشت؛ به همین دلیل عده زیادی به او گرویدند. محمد بن قاسم در زمان متوکل در زندان به شهادت رسید.
یحیی بن عمر از نوادگان امام سجاده علیه السلام	متوکل	یحیی بن عمر نیز به پارسایی شهرت داشت. او قیام خود را در خراسان آغاز کرد. اما پس از مدتی دستگیر و زندانی شد. پس از آزاد شدن به بغداد رفت و با یاری مردم کوفه دوباره قیام کرد. سرانجام پس از مقاومت بسیار به شهادت رسید.
حسن بن زید از نوادگان امام مجتبی علیه السلام	۲۵۰	قیام حسن بن زید در ناحیه طبرستان رخ داد و حدود ۲۰ سال به طول انجامید. او توانست طبرستان را در اختیار بگیرد و سلسله علویان طبرستان را بنیان نهد.
حسین بن محمد از نوادگان امام سجاده علیه السلام	۲۵۱	قیام حسین بن محمد در زمان خلافت مستعین آغاز شد. در جنگ میان وی و سپاه خلیفه، حسین بن محمد شکست خورد. به علت حمایت مردم کوفه از وی، فرمانده سپاه عباسی دستور داد شهر به آتش کشیده شود.
اسماعیل بن یوسف از نوادگان امام مجتبی علیه السلام	خلافت معتز	قیام اسماعیل در مکه - زمان خلافت معتز - شروع شد. او حکمران مکه را از شهر بیرون و قدرت را به دست گرفت. لشکریان معتز پس از محاصره شهر به مدت طولانی، توانستند وارد شهر شوند.

اوضاع فکری زمان امام هادی علیه السلام

رخداد مهم فکری زمان امام هادی علیه السلام حمایت حکومت از اصحاب حدیث^۱ بود. پیش از این واثق و معتصم سیاست مأمون را در حمایت از معتزله ادامه داده بودند. با به قدرت رسیدن متوکل، مشی‌وی حمایت از اصحاب حدیث و مقابله با اعتزال و تشدید مبارزه با شیعیان و علویان قرار گرفت. متوکل در مرحله اول اعلام کرد باور به مخلوق بودن قرآن بدعت و باورمندان به آن مرتدند و سخت مجازات خواهند شد. این موضوع بهانه‌ای شد تا بسیاری از بزرگان معتزله سخت تحت تعقیب و آزار قرار گیرند. در مرحله دوم به اکرام و بزرگداشت محدثان اهل سنت پرداخت. عده‌ای را به سامرا دعوت و جوایزی برای آنان تعیین کرد.

یک توضیح

از ویژگی‌های سده سوم تدوین مجموعه‌های حدیثی توسط بزرگان اهل سنت بود که نزد علمای اهل سنت در مرحله بالایی از اعتبار قرار دارد و منبع آنان در شناخت احکام، وظایف دینی، عقاید و... به شمار می‌رود. این مجموعه‌ها شامل شش کتاب بود که بعدها به «صحاح ستّه» شهرت یافت:

- ۱ صحیح بخاری از محمد بن اسماعیل بخاری (۱۹۳-۲۵۶ ق.). وی در شهر بخارا متولد شد. پدرش از دانشمندان حدیث بود. بخاری شانزده سال وقت صرف جمع‌آوری احادیث نمود. اهل سنت این مجموعه را صحیح‌ترین کتاب بعد از قرآن می‌دانند. بخاری کتاب خود را به احمد حنبل هم عرضه کرد و مورد تأیید وی قرار گرفت.
- ۲ صحیح مسلم اثر مسلم بن حجاج نیشابوری است (۲۰۶-۲۶۱ ق.). بعد از بخاری معتبرترین کتاب حدیث از اهل سنت است. با اینکه نویسنده معاصر با امام هادی علیه السلام بوده است، اما حدیثی از حضرت نقل نکرده است.

۱. اصحاب حدیث؛ گروهی از عالمان سده‌های نخست اسلامی بودند که در روش‌های فقهی خود بر پابندی به ظاهر احادیث اعتنائی ویژه داشتند. احمد بن حنبل از جمله این عالمان است (بنگرید به: مدخل اصحاب حدیث، دائرة المعارف بزرگ اسلامی).

۳. سنن ابن ماجه از محمد بن ماجه قزوینی (۲۷۳ ق.). نام اولیه کتاب «السنن» است که به سنن ابن ماجه شهرت یافت و شامل ۴۰۰۰ حدیث است.

۴. سنن ابن داود تألیف سلیمان بن اشعث سجستانی (۲۰۲-۲۷۵ ق.).

۵. سنن ترمذی از محمد بن عیسی ترمذی (۲۰۹-۲۷۹ ق.). ترمذی از شاگردان بخاری بوده است.

۶. سنن نسائی - اثر احمد بن شعیب نسائی نیشابوری (۳۱۵-۲۰۳ ق.). وی اهل نساء از شهرهای خراسان است. نسائی در نظر اهل سنت یکی از استوانه‌های دانش و از پیشوایان بزرگ علم حدیث به شمار می‌رود.

فعالیت‌های علمی و فرهنگی امام هادی علیه السلام

۱. تبیین معارف دین

امام هادی علیه السلام، در طول ۳۴ سال امامت خود با وجود سختگیری‌ها و مراقبت‌های دستگاه خلافت و ممانعت از ارتباط آزادانه با مردم تمام تلاش خود را برای ارشاد و رهبری جامعه مسلمانان به کار گرفت.

از جمله مسائل جامعه اسلامی انتشار نظریات و آرای کلامی بود که تصورات نادرستی را ایجاد کرده بود. موضوعاتی همچون خلق قرآن، جبر یا تفویض^۱، امکان یا عدم امکان رؤیت خدا و تحریف قرآن. حضرت در مورد برخی از این موضوعات همچون خلق قرآن - که از زمان مأمون در جامعه مطرح شده بود - مصلحت را در سکوت دید و شیعیان را نیز از ورود به این بحث و جدال‌های بی حاصل منع نمود. اما در مقابل، به سؤال‌ها و ابهامات اساسی آنها به تفصیل پاسخ می‌داد؛ به عنوان مثال مردم اهواز، نامه‌ای به امام نوشتند و در مورد موضوع جبر و تفویض سؤال کردند. حضرت در پاسخ نامه‌ای مفصل برای آنها نوشت و ضمن یادآوری جایگاه قرآن و اهل بیت علیهم السلام، نظر امامیه^۲ را به تفصیل بیان فرمود.^۳

یکی دیگر از فعالیت‌های امام هادی علیه السلام دفاع از اصالت قرآن در مقابل کسانی بود که می‌گفتند قرآن تحریف شده است. این ادعا از طرف غالیان مطرح شد و بهانه‌ای شد تا مخالفان، شیعه را متهم کنند. امام هادی علیه السلام ضمن رساله مفصلی بر اصالت قرآن تأکید کرده^۴ آن را معیاری برای سنجش روایات صحیح از نادرست اعلام نمود.

۲. میراث حدیثی امام هادی علیه السلام

نشر حدیث در زمان امام هادی علیه السلام، همانند امام جواد علیه السلام است. در مُسنَد امام هادی علیه السلام حدود چهارصد روایت از امام علیه السلام نقل شده است. فزونی روایات امام هادی علیه السلام بیشتر به جهت مدت طولانی امامت ایشان و وجود برخی دوران آسایش در طول این مدت بوده است.^۵

۱. تفویض به معنای واگذار کردن و تسلیم امری به دیگری است.

۲. امامیه همان شیعه دوازده امامی می‌باشد.

۳. لاجبر و لا تفویض بل امر بین الامرین. این موضوع از عقاید خاص شیعه است و اشاره دارد که در کارهای اختیاری انسان هم، اراده خدا و انسان دخالت دارد.

۴. این شُعبه خُرّانی، این رساله را به تفصیل ذکر کرده است. این شُعبه خُرّانی، تحف العقول، ص ۴۵۸ - ۴۷۰

۵. طباطبائی، سید محمد کاظم، تاریخ حدیث، ص ۸۹

۳ امام هادی علیه السلام و فرهنگ دعا و زیارت

یکی از ویژگی‌های شیعه، برخورداری از فرهنگ دعا و زیارت است، به گونه‌ای که هیچ‌یک از فرق اسلامی، از این مقدار ذخایر معرفتی بهره‌مند نیست. دعا و نیایش جایگاه ویژه‌ای نزد امامان علیهم السلام داشت، که در قالب آن بسیاری از معارف دینی و حتی مسائل سیاسی - اجتماعی را مطرح می‌کردند. دعا و زیارت در سیره امام هادی علیه السلام هم مورد توجه بوده است. یکی از آثار ارزشمند حضرت، زیارت جامعه کبیره است که یک دوره امام‌شناسی می‌باشد. طرح این زیارت، در دوره‌ای که تبلیغات غالیان تصویر نادرستی از امامان ارائه می‌داد، ضروری به نظر می‌رسد. این زیارت از نظر سند صحیح‌ترین و از جهت محتوا یکی از زیارت‌های جامع و کامل است که از فصاحت و بلاغت بالایی برخوردار است.

علت صدور این زیارت درخواست یکی از شیعیان است. وی از امام تقاضا می‌کند زیارتی به او بیاموزد که از جهت بلاغت کامل باشد و عبارات و مضامین آن برای زیارت همه معصومان علیهم السلام قابلیت داشته باشد. امام هادی علیه السلام زیارت جامعه را به او می‌آموزد. امام در این زیارت با تفکیک جایگاه توحید، نبوت و امامت را چنان که شایسته است تبیین می‌کند. یکی دیگر از زیارات به‌جامانده از امام هادی علیه السلام، زیارت غدیر است که حضرت در زیارت جدش - امیرالمؤمنین علی علیه السلام - می‌خواند. موضوع زیارت غدیر، فضایل امام علی علیه السلام در قرآن است. آیه ولایت، آیه ابلاغ و سایر آیاتی که در شأن امام علی علیه السلام نازل گردیده از جمله موضوعاتی است که در این زیارت به آن اشاره شده است.^۱

۴ روشنگری امام هادی علیه السلام در برابر فعالیت غلات

غلو یکی از موضوعات مشکل‌آفرین در طول تاریخ تشیع بوده است. غالیان علاوه بر انحراف فکری خود، چهره ناپسندی از مکتب تشیع را نشان می‌دادند و راه را برای دشمنان جهت ستیز با شیعه هموار می‌ساختند. امام هادی علیه السلام نیز همچون پدران بزرگوار خود، مبارزه با این فرقه را پی گرفت و با روشنگری و بیان مواضع خود، غالیان را بدعت‌گذارانی خارج از حوزه دین معرفی کرد، به‌عنوان مثال، یکی از یاران امام، نامه‌ای به حضرت نوشت و عقاید فردی به نام علی بن حَسَکه را شرح داد. خلاصه نامه چنین است: «علی بن حَسَکه معتقد است تو ولی او و همان خدای قدیم هستی و خود را پیامبری می‌داند که از جانب شما مأمور هدایت مردم شده است.» امام هادی علیه السلام در پاسخ به نامه، علی بن حَسَکه را فردی دروغ‌گو معرفی کرد که باید از او به خدا پناه برد. در ادامه، امام از شیعیان خواست که از این افراد دوری نمایند.^۲

۵ پرورش شاگردان

امام هادی علیه السلام در ایام سکونت در مدینه و سامرا به‌رغم محدودیت‌های بسیار موفق شد شاگردان برجسته‌ای را پرورش داده و به‌وسیله آنان معارف اهل بیت علیهم السلام را انتشار دهد. عبدالعظیم بن عبدالله حسنی از شاگردان امام هادی علیه السلام بود. وی در زمان معتز به جهت اذیت و آزار وی به شهر ری رفت و در همان جا اقامت گزید و به ترویج تشیع در آن مناطق پرداخت. در این دوران قم، یکی از مراکز مهم تجمع شیعیان بود که روابط محکمی با امام هادی علیه السلام داشتند. در میان شیعیان قم، گرایش‌های انحرافی و غلوآمیز حاکم نبود و آنان به سختگیری نسبت به غالیان شهرت داشتند.

۱. پاک‌نیا، عبدالکریم، نگاهی به شیوه‌های رهبری امام هادی علیه السلام، ص ۲۱-۳۳

۲. قاسم یقطینی و احمد بن محمد سیاری از غالیان این دوره هستند. روایات زیادی در مورد تحریف قرآن توسط این شخص - احمد بن محمد سیاری - نقل شده است. (بنگرید به: شیخ طوسی،

محمد بن حسن، رجال کشی، ص ۴۳۵)



کتاب قُربُ الإسناد

در میان شیعیان حضرت، اندیشمندانی بودند که کتاب‌هایی در حوزه علم و حدیث و مسائل کلامی تألیف کردند. از جمله می‌توان به احمد بن محمد بن عبیدالله از اشعریان^۱ قم اشاره کرد که کتابی به نام «النوادر» داشته است.^۲ احمد بن اسحاق اشعری قمی نیز پرسش‌ها و پاسخ‌های امام هادی (عليه السلام) را در کتابی با عنوان «مسائل الرجال لابی الحسن الثالث (عليه السلام)»^۳ جمع‌آوری کرد. عبدالله بن جعفر حمیری قمی نیز از علمای برجسته قم است که کتاب «قُربُ الإسناد» از وی به جا مانده است.

پرسش‌های نمونه

۱. متوکل عباسی به چه بهانه‌ای امام را به سامرا فراخواند؟
۲. اوضاع سیاسی دوران امام هادی (عليه السلام) را توضیح دهید.
۳. برخورد متوکل عباسی با معتزله چگونه بود؟
۴. موضع امام هادی (عليه السلام) در مورد موضوع خلق قرآن چگونه بود؟
۵. فعالیت‌های علمی و فرهنگی امام هادی (عليه السلام) را نام ببرید.

۱. اشعریان عنوان طایفه‌ای از عرب، شماری از اصحاب پیامبر (ص) و گروهی از عالمان و محدثان شیعی در سده‌های ۲ و ۳ ق. اشعریان پیش از اسلام از قبایل نامدار و بانفوذ یمن بودند. پس از اسلام گروهی از آنها نزد پیامبر (ص) آمده و مسلمان شدند. پس از رحلت پیامبر (ص) عده‌ای از اشعریان در عراق و شهر کوفه اقامت گزیدند. سخت‌گیری و ستم فراوان حجاج بن یوسف موجب مهاجرت اعضای خاندان اشعری به سایر مناطق از جمله قم شد. ورود اشعریان به قم باعث نفوذ و گسترش اسلام و عقاید شیعی در این مناطق گردید. (بنگرید به: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل اشعریان).

۲. نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، ص ۷۹

۳. همان، ص ۹۱



پیشوای یازدهم در سنین کودکی به همراه پدر به شهر سامرا رفت. دوران امامت ایشان کوتاه و اطلاعات تاریخی از زندگی حضرت اندک است. وی در تمام این مدت یا در زندان به سر می برد و یا به شدت تحت مراقبت بود. از این رو فعالیت های امام عسکری در پوشش کامل تقیه انجام می شد تا بهانه ای به دست مخالفان داده نشود. برخی از فعالیت های امام به آماده سازی شیعیان جهت پذیرش امامت فرزندش - امام مهدی علیه السلام - مربوط می شد.

درس پیش رو به این سؤالات پاسخ می دهد:

۱ موقعیت امام عسکری علیه السلام در سامرا چگونه بود؟

۲ علت محدودیت های اعمال شده از سوی دستگاه خلافت چه بود؟

۳ امام چگونه با شیعیان ارتباط برقرار می کردند؟

آغاز امامت امام حسن عسکری علیه السلام

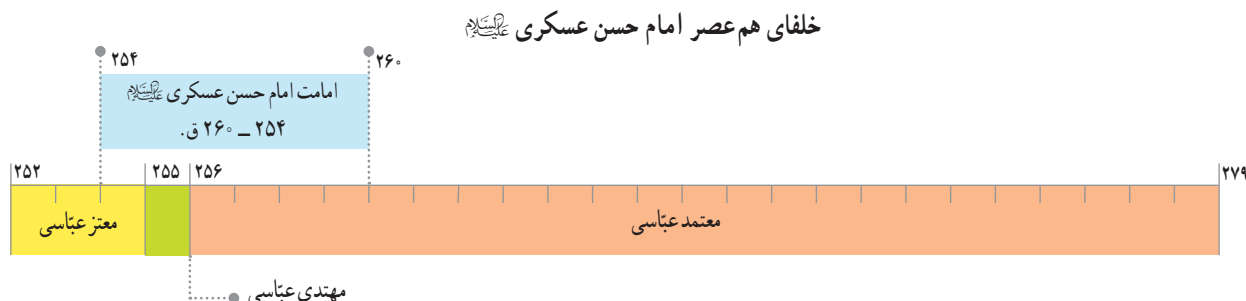
شرایط دشوار زندگانی امام هادی علیه السلام، مانع از معرفی صریح جانشینی فرزندش - امام حسن عسکری علیه السلام - شد. امام هادی علیه السلام تنها در ماه های آخر عمر خود، جانشین خود را به اصحاب نزدیکش معرفی کرد. پس از شهادت امام هادی علیه السلام، بیشتر اصحاب ایشان، امامت فرزند بزرگش، - حسن - را پذیرفتند. تنها برخی از شیعیان به امامت پسر دیگر امام هادی علیه السلام به نام محمد، که در زمان پدر، بدرود حیات گفته بود، معتقد شدند و او را مهدی موعود دانستند.^۱ رخداد دیگری که پس از شهادت امام هادی علیه السلام رخ داد، ادعای امامت جعفر، برادر دیگر امام حسن عسکری بود که به جعفر کذاب شهرت یافت. جعفر با طرح ادعای امامت، تنش هایی را میان شیعیان ایجاد کرد و آنها را به دور خود جمع کرد. البته امام حسن عسکری علیه السلام فرصت هیچ گونه خودنمایی به او نداد.

موقعیت اجتماعی امام حسن عسکری علیه السلام

امام حسن عسکری علیه السلام در حالی به امامت رسید که بسیار جوان بود. ویژگی های علمی، اخلاقی و حسن رفتار ایشان خیلی زود مورد توجه مردم و حتی مخالفانش قرار گرفت. روایت های زیادی در منابع معتبر نقل شده است که از موقعیت و نفوذ امام حکایت دارد. مسیرهای منتهی به دارالخلافت در روزهایی که امام باید به آنجا می رفت؛ مملو از جمعیتی می شد که برای دیدار ایشان آمده بودند. هنگامی که امام وارد مسیر می شد، هیاهوی مردم خاموش می گردید. زمانی که امام زندانی شد، زندانبانان سخت گیری همچون صالح بن وُصیف برای کنترل و نظارت امام تعیین شدند.

۱. نویختی، حسن بن موسی، فُرُق الشیعه، ص ۸۳.

دیدن مکارم اخلاقی و عبادت‌های خالصانه ایشان در زندان، نگهبانان را از رفتار خود پشیمان می‌کرد. یک بار برخی از بزرگان عباسی از صالح خواستند بر امام سخت بگیرد، صالح در پاسخ گفت: «دو تن را که از بدترین مردم می‌دانستم، بر او مأمور کردم ولی آنان چنان تحت تأثیر قرار گرفتند که در عبادت به حد والایی رسیدند».^۱



یک توضیح

موقعیت سیاسی امام حسن عسکری (ع)

در منابع تاریخی روایتی طولانی از احمد بن عبیدالله بن خاقان، از دشمنان سرسخت شیعیان در مورد اکرام و تعظیم پدرش که وزیر معتمد عباسی بود، نسبت به امام عسکری (ع)، نقل شده است که بیانگر موقعیت ممتاز حضرت است، به ویژه از این حیث که وی هر ملاقات‌کننده‌ای را تحت تأثیر جذبه خود قرار می‌داد.

این روایت را یکی از علمای معروف شیعه به نام سعد بن عبدالله اشعری نقل می‌کند. او می‌گوید، سال‌ها پس از رحلت امام عسکری (ع)، در مجلس احمد بن عبیدالله بن خاقان نشسته بودیم که سخن از طالبیان ساکن سامرا و مذهب و موقعیت آنان نزد سلطان به میان آمد. احمد گفت: من کسی از علویان را چون حسن بن علی عسکری (ع) در سامرا ندیده و نشنیده بودم که این چنین به وقار و عفاف، زیرکی و بزرگ‌منشی در میان اهل بیت خود شناخته شده و نزد مسلمان و بنی‌هاشم محترم باشد، چنان که او را بر افراد مسن، حتی امیران و وزیران برتری می‌دادند. روزی من بالای سر پدرم ایستاده بودم. آن روز پدرم برای دیدار با مردم نشسته بود که گفته شد، ابن‌الرضا^۲ در بیرون در ایستاده است، پدرم با صدای بلند خواست به امام اجازه ورود دهند. وقتی پدرم او را دید چند قدم به سوی او رفته و کاری را که ندیده بودم با کسی حتی امرا و والیان انجام دهد، برای او انجام داد. دست به گردنش انداخته و صورت و پیشانی او را بوسید، آنگاه او را در جای خود نشاند و بسیار تکریم کرد. پس از آنکه من از پدرم علت این همه تجلیل را سؤال کردم، پدرم در پاسخ گفت: ابن‌الرضا امام را فضیلت است. اگر روزی خلافت از دست بنی‌عباس بیرون رود، جزوی کسی شایستگی تصدی این مقام را ندارد. او به خاطر فضل، صیانت نفس، زهد، عبادت و اخلاق نیکو، سزاوار مقام خلافت است.

۱. شیخ مفید، نعمان محمد بن محمد، الارشاد، ص ۳۳۴

۲. «ابن‌الرضا» لقبی است که برای امام جواد (ع)، امام هادی (ع) و امام حسن عسکری (ع) به کار گرفته می‌شد.

شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر زمان امام حسن عسکری (ع) مشترکات زیادی با دوره امامت پدرش - امام هادی (ع) - داشت. چیرگی امیران ترک بر امور حکومتی، روزه‌روزی بیشتر می‌شد، آنان خلیفه عباسی - معتز - را از سلطنت خلع کردند و پس از آزار و شکنجه‌های فراوان، او را در سردابی انداختند تا خلیفه مخلوع زنده به گور شود. ناکارآمدی عباسیان در امور حکومت‌داری و لذت‌طلبی‌های آنان موجب رواج فساد گسترده میان کارگزاران حکومتی شده بود. بی‌توجهی به امور مردم، گسترش بی‌عدالتی و ناامنی، نارضایتی و خشم مردم را برانگیخت و زمینه‌ساز قیام‌های مختلفی در گوشه و کنار سرزمین‌های اسلامی شد از جمله این قیام‌ها جنبش یعقوب بن لیث صفاری بود که از سیستان آغاز شد و به سایر مناطق هم سرایت کرد. یعقوب از اطاعت خلیفه سرباز زد و به قصد تسخیر بغداد به عراق لشکرکشی کرد اما شکست خورد. در بصره مردی به نام علی بن محمد، مشهور به صاحب‌الزنج^۱، تعداد زیادی از غلامان و بردگان را که از شرایط دشوار اجتماعی به ستوه آمده بودند با خود همراه ساخت. قیام او بسیار گسترده شد و در چند جنگ بر سپاهیان عباسی پیروز شد. او حدود ۱۴ سال در بصره و نواحی اطراف آن حکومت کرد.^۲

سیاست عباسیان نسبت به علویان و دوستان اهل بیت (ع) نیز بسیار خشنوت‌آمیز بود؛ به عنوان مثال، موسی بن یحیی که مردی ستمکار و پلید بود، به ولایت قم گماشته شد تا اهالی آنجا را که دوستی خالصانه نسبت به ائمه (ع) داشتند، در تنگنا قرار دهد. مردم وضعیت خود را به امام حسن عسکری (ع) نوشته و از آن حضرت درخواست دعا نمودند. امام (ع) در پاسخ دعایی طولانی برای آنها مرقوم کرد تا در نماز خود بخوانند.

نحوه مواجهه خلفای عباسی با امام حسن عسکری (ع)

خلفای عباسی هم‌عصر با امام حسن عسکری (ع)، سیاست اجداد خود را نسبت به ایشان ادامه دادند و حضرت را ناگزیر ساختند در شهر سامرا بماند. بدین ترتیب، آمدوشده‌های امام با یارانش به دقت تحت مراقبت قرار می‌گرفت و ارتباطات عادی و روزمره حضرت با مردم و دوستانش به راحتی امکان‌پذیر نبود.

عباسیان از وجود تشکیلات منظم و منسجم وکالت که از مدت‌ها قبل ایجاد شده بود، تا حدودی اطلاع داشتند و این موضوع، بر نگرانی و وحشت آنان می‌افزود. به همین دلیل از امام خواسته بودند پیوسته حضور خود را در سامرا، به آگاهی حکومت برساند از این‌رو امام هر دوشنبه و پنج‌شنبه در دارالخلافه حاضر می‌شد.^۳

خلیفه عباسی به این مقدار نیز اکتفا نکرد، بلکه بارها حضرت را زندانی کرد. در زندان نیز، جاسوسانی گمارده شدند تا سخنان امام را گزارش دهند.

بررسی منابع شیعه نشان می‌دهد، فشارها و محدودیت‌های واردشده بر امام حسن عسکری (ع) به دو دلیل، نسبت به امامان گذشته بیشتر بود. آن دو دلیل عبارت‌اند از:

۱. اقتدار شیعیان

در زمان امام حسن عسکری (ع)، جمعیت شیعیان به‌طور چشمگیری افزایش یافته بود. آنان در سرزمین‌های پهناور اسلامی می‌زیستند.

۱. زنج کلمه زنگ است. صاحب‌الزنج به جهت رهبری زنگیان - غلامان سیاهی که برده بودند - به این نام خوانده می‌شدند.

۲. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۷

۳. شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۲۹

علت این پراکندگی، سیاست‌های سختگیرانه خلفای اموی و عباسی، نسبت به پیروان اهل بیت و علویان بود که موجب شد آنها به مناطق امن دور از دسترس حکومت مهاجرت نمایند. از جمله مناطقی که شیعیان فراوانی را در خود جای داده بود و با امام نیز ارتباط داشتند، شرق ایران از جمله خراسان بود. گرایش‌های شیعی از گذشته در خراسان وجود داشت، به عنوان مثال در زمان امام صادق علیه السلام جمعی از اهالی خراسان به دیدار امام صادق علیه السلام رفته بودند. حضور امام رضا علیه السلام در شهر نیشابور نقطه عطفی در گرایش مردم به تشیع محسوب می‌شد. از شخصیت‌های برجسته شیعی می‌توان به فضل بن شاذان نیشابوری اشاره کرد. وی شاگرد امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام بوده است. سبزوار از شهرهای بزرگ بیهق تحت تأثیر مهاجرت علویان به گرایش‌های شیعی روی آورد. سابقه تشیع در قم به زمان ورود گروهی از اهالی کوفه به این شهر می‌رسد. آنها پس از سکونت در قم به نشر روایات اهل بیت علیهم السلام همت گماشتند. منابع به تمایلات شیعی در شهر ری هم اشاره کرده‌اند. در بین اصحاب امام رضا علیه السلام و امام هادی علیه السلام افرادی با لقب رازی وجود دارد که از این شهر برخاستند.^۱

پراکندگی پیروان اهل بیت، به لحاظ جغرافیایی، تنها از راه یک شبکه ارتباطی منسجم، می‌توانست پیوند شیعیان با حوزه امامت از یک سو و ارتباط آنان با همدیگر را از سوی دیگر برقرار سازد. از این رو امام حسن عسکری علیه السلام نظام وکلا را تقویت کرد و افرادی را که به لحاظ علمی و معنوی سابقه درخشانی داشتند به عنوان وکیل خود انتخاب نمود و تشکیلات شبکه وکالت را منسجم‌تر و منظم‌تر ساخت و افراد فاقد صلاحیت را کنار نهاد.

۲ ولادت امام زمان علیه السلام

عامل مهم دیگری که حساسیت و مراقبت دقیق دستگاه خلافت حاکم عباسی را نسبت به امام عسکری علیه السلام موجب شد، موضوع تولد حضرت امام زمان علیه السلام به عنوان آخرین حجت خدا بود. مسئله مهدویت از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله در میان مسلمانان به طور جدی مطرح بود و احادیث فراوانی در این باره وجود داشت. توجه به این زمینه‌ها بود که فرقه‌های گوناگون پیش از این، خود را مهدی معرفی کرده و افرادی را به دور خود جمع می‌کردند. بنی عباس و پیروان آنان هم اخبار تولد فرزندی از پیشوای یازدهم را می‌دانستند، کسی که نابودگر حکومت‌های خودکامه است، از این رو آنها به گمان خود می‌خواستند با کشتن حضرت، نسلش را نابود کرده و مانع ظهور امام زمان علیه السلام گردند.

تدابیر امام حسن عسکری علیه السلام برای ارتباط با شیعیان

حضور امام حسن عسکری علیه السلام در منطقه نظامی در حالی که به شدت تحت نظر قرار داشت، دسترسی شیعیان به ایشان را دشوار کرده بود. یکی از شیعیان به نام حلبی چنین نقل می‌کند: در یکی از روزها که قرار بود امام عسکری علیه السلام به دارالخلافه برود، ما در عسکر (محل سکونت امام) به انتظار دیدارش جمع شدیم، در این حال، از سوی آن حضرت نامه‌ای به این مضمون رسید که «کسی بر من سلام ندهد و به سویم اشاره نیز نکند؛ زیرا که در امان نیستید». این روایت به خوبی گویای آن است که امام و شیعیانش تا چه حد از سوی دستگاه خلافت تحت نظر بودند.

در چنین اوضاعی حضرت با برنامه‌ریزی دقیق و سنجیده، ارتباط خود را با اصحاب خاص خود، حفظ کرد زیرا تنها اندکی از آنها می‌توانستند به خدمت حضرت برسند و رهنمودهای لازم را دریافت نمایند.

۱. برای مطالعه بیشتر بنگرید به: جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی

عثمان بن سعید عمری، از یاران نزدیک امام به عنوان فروشنده روغن، فعالیت می کرد. وی تحت این پوشش، اموال و نامه های ارسال شده از طرف اصحاب را در ظرف های روغن جای می داد و به امام می رساند. بدین ترتیب حضرت ضمن تقیّه شدید، از انجام هرگونه فعالیتی که بهانه به دست مخالفان دهد، اجتناب می ورزید.

افزون بر شبکه ارتباطی وکلا، امام پیک ها و نمایندگانی داشت که به وسیله آنها، با پیروان خود ارتباط برقرار می ساخت، یکی از این افراد، ابوالادیان نام داشت. او نامه ها و پیام های امام را به یاران ایشان می رساند و سؤالات ارسالی شیعیان را به نزد امام می برد. نگارش نامه و مکاتبه با شیعیان هم یکی از راه های ارتباطی بود که به طور گسترده، از طرف امام علیه السلام مورد استفاده قرار می گرفت. اگرچه بیشتر این نامه ها از میان رفته است، اما مقداری که باقی مانده، نشان می دهد که نامه های زیادی میان حضرت و شیعیان، تبادل شده است. استفاده از چنین سیستم ارتباطی دقیق، موجب گسترش و انتقال آموزه های شیعی به تمام مناطق دور و نزدیک شیعه نشین می شده است. ابن بابویه قمی از بزرگان فقه و حدیث شیعه یکی از کسانی بود که امام به ایشان نامه می نویسد و ضمن ستایش از این فقیه، مطالبی را به عنوان توصیه و اندرز به او می فرماید.

نامه ای نیز از طرف امام به اهالی قم و آبه^۱ نگاشته شد. برخی از نامه های امام برای معرفی وکیل و حدود و وظایف آنها بوده است، مانند نامه ای که حضرت برای معرفی ابراهیم بن عبده به اسحاق بن اسماعیل نیشابوری نگاشته است.

متن نامه ای از امام عسکری علیه السلام به گروهی از شیعیان در پرهیز دادن از اختلافات، تفرقه و انحراف از دین :

« به نام خداوند بخشنده مهربان، خداوند زهد در دنیا و توفیق اعمال پسندیده حق عطا کند و توانی بدهد تا او را اطاعت کنید و از گمراهی و انحراف بازدارد... »

اما بعد، از اختلافات، دوگانگی، پراکندگی و چیرگی شیطان بر دل هایتان که موجب تفرقه، الحاد در دین و تلاش در جهت نابود کردن آنچه پدران نیک رفتار شما برای استواری دین خدا و اثبات حق اولیایش انجام دادند، باخبر گشتم. ابلیس شما را از حق بازداشت و رهسپار وادی گمراهی کرد، تا آنجا که بیشتر شما عقب گرد کردید، گویی نه کلام خدا را خوانده اید و نه از امر و نهی الهی باخبرید. به جانم سوگند اگر همچنان نابخردان شما بر افسانه های خود بافته تکیه کنند و سخنان باطل خود را رایج سازند، عذاب الهی بر آنان فرود خواهد آمد و اگر شما آنان را با دل و زبان و دست و نیت، باز ندارید، در گناهان آنان شریک خواهید بود. این نامه حجتی است بر شما - حاضر و غایبتان - جز آنکه بخواند و امانت را ادا نماید. از خداوند می خواهم تا دل هایتان را بر راه هدایت گردآورد و با تقوا شما را از گناهان دور دارد.^۲

۱. آبه یا آوه، شهری بود در حد فاصل قم و ساوه که امروزه نیز به صورت روستایی باقی مانده است؛ بنگرید به: یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۱، ص ۵۰.

۲. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۴۸۷.

۱ فعالیت‌های علمی و فرهنگی

امام حسن عسکری علیه السلام در طول دوران زندگی خود روایات زیادی را در موضوعات مختلف فقهی، تفسیری، اعتقادی و کلامی بیان فرمود که در منابع حدیثی شیعه موجود است. عصر امام به جهت تدوین و نگارش آثار علمی و مذهبی شیعه نیز اهمیت داشت، زیرا دوره حدود دویست و شصت ساله‌ای که ائمه اطهار خود مسئولیت انتقال تعالیم دینی به مردم را برعهده داشتند، رو به پایان بود. از یک طرف لازم بود این معارف و مطالب به نسل‌های بعد انتقال یابد، همچنین عالمانی باید تربیت شوند تا بتوانند پس از رحلت حضرت، از عهده این مسئولیت برآیند. در مورد اول، شاگردان امام نگاهشده‌های ارزشمندی را تألیف نمودند، این کتاب‌ها، پایه‌های اصلی جوامع حدیثی همچون کافی، من لایحضره الفقیه و دیگر آثار حدیثی شیخ صدوق و شیخ طوسی گردید. احمد بن محمد بن خالد برقی، شاگرد امام هادی و امام عسکری علیه السلام، کتاب «المحاسن» را نگاشت که دایرة المعارفی است مشتمل بر احادیث امامان در تمامی زمینه‌های مختلف دینی. برخی از اصحاب کتاب خود را به امام عرضه می‌کردند و نظر حضرت را جویا می‌شدند. کتاب یوم و لیل^۱ از جمله این تألیفات بود. از شاگردان امام می‌توان به عثمان بن سعید، هارون بن مسلم و بسیاری از بزرگان دیگر که در کتاب‌های رجال نام آنها ضبط شده است؛ اشاره نمود. این بزرگان ضمن حفظ میراث اهل بیت علیهم السلام در دوران غیبت، آن را به دست عالمان پس از خود رساندند.

۲ حمایت‌های مالی از شیعیان

سیاست خلفا ایجاد شرایط دشوار اقتصادی و معیشتی برای شیعیان بود. آنها علویان و دوستداران خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله را در تنگناهای اقتصادی کشنده قرار می‌دادند. مردم نیز از بیم مجازات، جرئت کمک‌رسانی به آنان را نداشتند. از این‌رو یکی از برنامه‌های امام، کمک مالی به شیعیان و برطرف کردن نیازهای اقتصادی آنان بود.

۳ آماده‌سازی شیعیان برای مسئله غیبت

امام حسن عسکری علیه السلام علاوه بر امور مهم و مسئولیت‌های عمومی امامت، نقش مشخص و دشواری برعهده داشت و آن آماده‌سازی عملی مردم برای پذیرش رویداد تازه‌ای به نام غیبت بود. برخی از اقدامات امام به شرح ذیل است :

الف) پنهان کردن ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف : امام عسکری علیه السلام از بیم دشمنان ولادت فرزندش را مخفی کرد. به طوری که دوران بارداری مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای کسی آشکار نبود و دختر امام جواد علیه السلام - حکیمه - تنها هنگام فرا رسیدن زمان ولادت حضرت حجت از این موضوع اطلاع یافت.

ب) مزده ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به اصحاب خاص : امام حسن عسکری علیه السلام در ضمن نامه‌ای به برخی از یاران نزدیک خود ولادت حضرت حجت را به آنان بشارت داد. از جمله نامه‌ای که حضرت به احمد بن اسحاق نوشت و در آن به تولد فرزند خود اشاره کرد و در ضمن به او فرمان می‌دهد که این مطلب را پوشیده نگاه دارد.

ج) معرفی حضرت حجت به شیعیان نزدیک : امام حسن عسکری علیه السلام در روزهای ابتدای ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ایشان را به اصحاب نزدیک خود از جمله حسین بن ایوب بن نوح نشان داد و از آنان پیمان گرفت راز این فرزند را پنهان دارد.

د) دیدار تعدادی از یاران امام با فرزندش : به نوشته شیخ طوسی : «گروهی از شیعیان نزد امام عسکری علیه السلام رفتند تا از او در مورد جانشین پس از خود سؤال کنند. آنها در حالی که نشسته بودند کودکی را دیدند که شبیه‌ترین افراد به امام عسکری علیه السلام بود. حضرت در آنجا فرمود پس از من او پیشوا و جانشین من بر شما است. بدانید از امروز او را نخواهید دید تا روزگاری بگذرد».

امام حسن عسکری علیه السلام شیعیان را با روش‌های گوناگون برای دوران غیبت آماده می‌کردند؛ به‌طور مثال، در کتاب کمال‌الدین شیخ صدوق، چند گزارش وجود دارد که طبق آنها امام عسکری علیه السلام به یاران نزدیکشان، غیبت امام دوازدهم را یادآور می‌شوند. خلاصه‌ای از جریان آن گزارش‌ها عبارت است از:

احمد بن اسحاق اشعری نقل می‌کند: بر حضرت عسکری علیه السلام وارد شدم و می‌خواستم درباره‌ی جانشین او (پس از ایشان) پرسش کنم. امام پیش از آنکه شروع به سخن نمایم، فرمود: ای احمد، خداوند تبارک و تعالی از زمان خلق آدم علیه السلام زمین را از حجت الهی خالی نگذاشته و تا قیامت هم خالی نخواهد گذاشت. به واسطه‌ی اوست که بلایا از اهل زمین دفع شده و به خاطر اوست که باران می‌بارد و برکات زمین ظاهر می‌شود (کنایه از وساطت فیض).

به ایشان عرض کردم ای فرزند رسول خدا، امام بعد از شما و جانشینان کیست؟ امام حسن عسکری علیه السلام فرزند خود را به آنان نشان دادند و ایشان را به عنوان قائم معرفی کردند. سپس غیبت ایشان را با خضر و ذی‌القرنین مقایسه نمودند.

احمد بن اسحاق روز بعد شادمان از معرفی امام عصر عجل الله تعالی فرجه و شناخت ایشان مجدداً به نزد امام عسکری علیه السلام رفت و پرسید: «سنتی که برای خضر و ذی‌القرنین نیز جاری شد چه بود؟ آن حضرت پاسخ داد: «طول غیبت».

در ادامه نیز احمد که گویا از این پاسخ امام تعجب کرده بود، می‌پرسد: آیا غیبت ایشان به طول می‌انجامد؟ امام فرمود: بله، به خدا سوگند اینچنین است (غیبت چنان طولانی می‌شود) که اکثر قائلین به امامت نیز از نظر خود بازگشته و جز افرادی که در ایمان و ولایت ما در دل‌هایشان رسوخ کرده بر عقیده خود باقی نخواهند ماند.^۱

امام حسن عسکری علیه السلام در اواخر عمر مبارکشان و در راستای آماده‌سازی شیعیان برای عصر غیبت، در روش پدران گرامی‌شان برای پاسخ‌گویی به سؤالات فقهی نیز تغییراتی را ایجاد فرمودند. این تغییر کاملاً در مسیر خودکفا کردن جامعه‌ی شیعه در آینده نزدیک و آشنا ساختن آنها با روش استدلال و اجتهاد بود. در نمونه‌های اندکی که از جواب‌های ایشان به سؤالات فقها برجای مانده، دیده می‌شود که ایشان از پاسخ دقیق نسبت به مورد، خودداری کرده‌اند و به بیان کبرای کلی حکم فقها پرداخته‌اند یا ارجاع به مفهومی داده‌اند که حدود آن روشن نیست یا آنکه نیمی از سؤال را پاسخ داده و نیم دیگر را بی‌پاسخ رها کرده‌اند. به لحاظ شکلی نیز پاسخ‌های ایشان در موارد زیادی به «ان شاء الله» ختم می‌شد که بیشتر به آن جواب‌ها صورت فتوا می‌داد.

به این نمونه‌ها دقت کنید:

۱ سهل بن زیاد آدمی به ابی محمد (امام حسن عسکری علیه السلام) نوشت: «مردی فرزندان مذکر و مؤثنی دارد و (در وصیت) می‌گوید که فلان مال برای فرزندانم است، اما سهم آنها را آن‌گونه که خدا تعیین کرده است، مشخص نمی‌کند (به‌طور کلی می‌گوید برای فرزندانم است) و میان مذکر و مؤثنی تفاوتی قائل نمی‌شود (تکلیف چیست؟)». امام در جواب فرمود: «می‌بایست وصیت پدرشان را اجرا نمایند. اگر چیزی (از سهم آنها) ذکر نکرده باشد حکم آن را به کتاب الله بازگردانید. ان شاء الله».^۲

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید امام علیه السلام پاسخ را به صورت کلی فرموده (باید به وصیت پدر عمل کنند) و تفصیل را به قرآن کریم و استنباط از آیات آن واگذار کرده است.

۱. شیخ صدوق، محمد بن علی، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۱۵

۲. شیخ صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۰۹

۲ محمد بن حسن صفار به امام عسکری علیه السلام نامه‌ای نوشت و در مورد فردی سؤال کرد که مرده و نوۀ دختری و برادرش زنده هستند. در این صورت، میراث از آن چه کسی خواهد بود؟ امام علیه السلام در پاسخ نوشتند: «میراث از آن «اقرّب» خواهد بود. ان شاء الله»^۱

در این مورد هم امام علیه السلام از پاسخ مشخص خودداری کرده و تنها کبرای کلی را بیان فرمودند تا از این رهگذر، شیعیان در امر استنباط حکم برای عصر غیبت آماده شوند.



پرسش‌های نمونه

- ۱ جعفر کذاب که بود؟ چه ادعایی داشت؟
- ۲ برخی از ویژگی‌های زمانه امام عسکری علیه السلام را بنویسید.
- ۳ وضعیت شیعیان در عصر امام عسکری علیه السلام چگونه بود؟
- ۴ نحوه ارتباط حضرت با شیعیان را بنویسید.

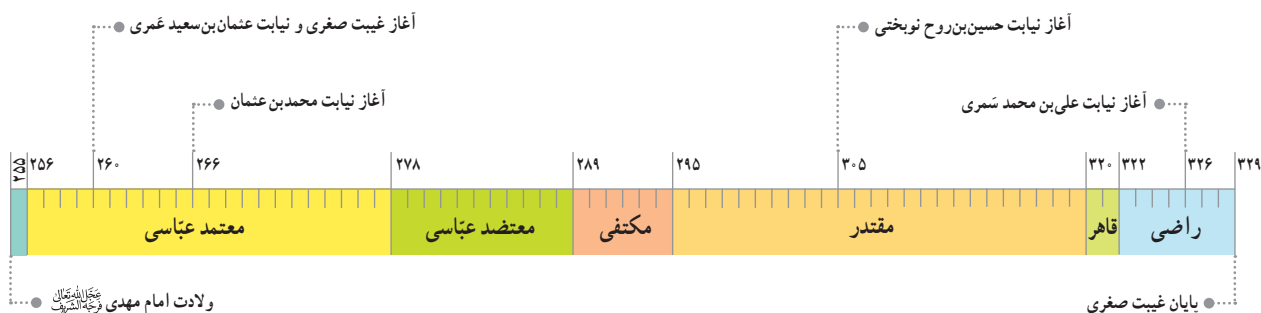


پس از سپری شدن دوران کوتاه شش ساله امامت امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف، در سال ۲۶۰ ق، تنها فرزند حضرت ـ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ـ به امامت رسید. امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف از همان زمان از دیدگان عموم مردم پنهان شد و دوران غیبت صغری^۱ پس از ۵ سال حضور در ایام حیات پدر و در حالی که فقط بعضی از اصحاب خاص موفق به دیدار وی شدند آغاز گردید. دوران غیبت صغری، پس از حدود ۶۹ سال، با درگذشت چهارمین نایب خاص ایشان، پایان یافت. این دوران مقدمه و آغازی برای غیبتی طولانی بود تا شرایط پذیرش موقعیت جدید برای مردم فراهم گردد. انتظار می‌رود در پایان درس به این سؤالات پاسخ داده شود:

- ۱ وضعیت شیعه در دوران غیبت صغری چگونه بود؟
- ۲ امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت صغری، چگونه شیعیان را رهبری می‌کردند؟
- ۳ نایبان خاص، چه کسانی بودند و چه وظایفی بر عهده داشتند؟

خلفای معاصر با غیبت صغری

۲۵۵-۳۲۹ ق.



۱. در کتاب اصول عقاید موضوع غیبت به تفصیل مورد بحث قرار گرفته است.

نگرانی عباسیان از تولد فرزندی برای امام حسن عسکری علیه السلام موجب شد، تا نظارت شدیدی نسبت به امام، اعمال شود. به همین علت دوران حمل و تولد امام؛ از مردم پنهان داشته شد و جز افراد اندک، کسی امام مهدی علیه السلام را ندید. این موضوع، زمینه ساز تردیدهایی درباره وجود آن حضرت می شد، اما با وجود فضای دشوار آن دوره، گریزی از آن نبود. احمد بن عبدالله خاقان از کارگزاران دستگاه خلافت در گزارشی می گوید: «با انتشار خبر بیماری امام حسن عسکری علیه السلام، خلیفه، فردی را به دنبال پدرم فرستاد. پدرم به تعدادی از کارکنان نزدیک خلیفه، دستور داد تا خانه امام را کنترل کرده و لحظه به لحظه از احوال حضرت باخبر باشند. آن گاه برخی از طبیبان را فراخواند و دستور داد شبانه روز بر بالین امام، حضورداشته باشند.» این کنترل و مراقبت تا زمان رحلت ایشان، ادامه یافت.

پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام به دستور خلیفه، خانه امام به دقت بازرسی و همه چیز مهر و موم گردید. سپس میراث ایشان، میان مادر و برادرش جعفر تقسیم شد. بدون تردید حساسیت شدید دستگاه خلافت و گماردن جاسوسانی برای امام حسن عسکری علیه السلام بدان علت بود که از چگونگی و تولد فرزند ایشان اطلاع یابند و در صورت نیافتن به مردم چنین وانمود کنند که امام عسکری علیه السلام فرزندی نداشته است. در این شرایط، امام حسن عسکری علیه السلام، موضوع ولادت امام مهدی علیه السلام را از مردم و حتی بیشتر شیعیان پنهان نگاه داشت و تنها در موارد خاصی برخی از اصحاب خاص خود را از این راز آگاه ساخت.^۱

یک توضیح

اکنون در سامرا و در صحن حرم امام دهم و یازدهم سردابی وجود دارد که به سرداب غیبت معروف شده است. بعضی این اتهام را متوجه شیعیان کرده اند که آنها معتقدند محل اختفای امام مهدی علیه السلام این سرداب است و از همین مکان هم ظهور خواهد کرد. اما باید بدانیم که شیعیان هیچ گاه چنین باوری نداشته اند. آنان معتقدند که امام مهدی علیه السلام در خانه محل سکونتش که همان خانه پدر و جدش بوده غایب شده و از کنار خانه کعبه ظهور خواهد کرد. اما داستان واقعی این سرداب چیست؟ براساس روایات تاریخی، خانه امام هادی و امام عسکری علیه السلام که هم اکنون محل دفن آن دو امام است دو قسمت داشته، قسمتی برای مردان و قسمتی مخصوص زنان و سردابی نیز زیر اتاقها بوده که در روزهای گرم، اهل خانه در آن به سر می بردند. از نظر شیعیان، این سرداب محترم و مقدس است، زیرا محل عبادت امام دهم و یازدهم بوده است. براساس روایات، در عصر غیبت صغری، حضرت مهدی علیه السلام دو نوبت درون این سرداب در حال نماز و عبادت مشاهده شده اند. بنابراین آنچه که در خصوص این سرداب گفته اند داستانی ساختگی بیش نیست.



سرداب منسوب به امام مهدی علیه السلام

زمینه‌سازی برای عصر غیبت

از نکات مهم موضوع غیبت نحوه واکنش جامعه در برابر آن است. اگرچه غیبت امام معصوم و عدم ارتباط مستقیم مردم با او، در امت‌های گذشته نیز سابقه داشته است، اما غیبت ناگهانی امام برای مردمی که حدود ۲۵۰ سال شاهد حضور ایشان در میان خود بودند چندان ساده نبود. مسئله غیبت امام می‌توانست باعث حیرت و سرگردانی شگرف شیعیان شود، از این رو پیشوایان معصوم، می‌بایست نسبت به آماده‌سازی جامعه، برای ورود به عصر غیبت، تمهیدات لازم را فراهم نمایند. این کار از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، آغاز شده بود. ایشان با بیان سخنانی در مورد عصر غیبت از جمله چگونگی وقوع این رخداد، مسئولیت سنگین شیعه در این زمان و ابراز نویدها و امیدها به آینده سعی کردند ذهنیت جامعه را برای پذیرش این موضوع حساس و مهم، آماده سازند. آماده‌سازی افکار عمومی در دوران هر یک از امامان شیعه به صورت پیوسته تداوم یافت. با نزدیک شدن عصر غیبت این روند وضوح بیشتری یافت. این زمینه‌سازی‌ها موجب شد، هرگونه شک و تردید، نسبت به وجود امام غایب از دل شیعیان زدوده شود و آنها دچار حیرت نشوند و نیز، وظیفه شرعی خود را در برابر حاکمان ظالم بدانند و زمینه بازگشت پیشوای معصوم به میان خویش و تشکیل حکومت حق را فراهم سازند.

اوضاع سیاسی دوران غیبت صغری

در دوران غیبت صغری شش خلیفه عباسی به قدرت رسیدند. این دوره با ضعف دولت مرکزی خلافت و تجزیه بخش‌هایی از قلمرو خلافت عباسی و شکل‌گیری چند دولت مستقل و نیمه‌مستقل توأم بود. این موضوع با افزایش قدرت امرای ترک از یک سو و بی‌کفایتی خلفای عباسی از دیگر سو ارتباط داشت. کارگزاران ترک چندان قدرت یافتند که گاه خلیفه را وادار می‌کردند جانشین خود را عزل کند. چنان که معتمد عباسی مجبور شد پسرش را از ولایتعهدی عزل و برادرزاده‌اش را جانشین قرار دهد. گاه پا را فراتر گذاشته خلیفه را دستگیر و از خلافت خلع می‌کردند و پس از شکنجه او را می‌کشتند. همان‌طور که مقتدر عباسی به دست سربازان ترک خود کشته شد. یک‌روز پس از کشته‌شدن مقتدر آنها، با برادرش القاهر بالله بیعت کردند. اما سال بعد او را هم از خلافت خلع کرده و چشمانش را میل کشیدند. درگیری میان خلیفه و وابستگانش برای کسب قدرت امری عادی بود. در میان وزیران نیز رقابت سختی برای کسب قدرت وجود داشت به طوری که مبالغه‌سنگین برای دستیابی به مقام وزارت هزینه می‌شد. ضعف خلافت عباسی در سده سوم به تشکیل حکومت‌های مستقل و نیمه‌مستقل انجامید که به‌طور خلاصه به آنها اشاره می‌شود:

۱ حکومت‌های سنی‌مذهب

نام حکومت	مؤسس	دوره حکومت	شرح
طاهریان	طاهر ذوالیمینین	۲۰۵ - ۲۵۹ ق.	مؤسس این حکومت طاهر بن حسین از فرماندهان مأمون بود. او در سال ۲۰۷ نام مأمون را از خطبه انداخت و ادعای استقلال کرد. مأمون پس از مرگ او به‌خاطر محبوبیت خاندان طاهری در خراسان و همچنین داشتن مشکلات دیگر حکومت خراسان را به فرزندان طاهر واگذار کرد. انقراض این حکومت در سال ۲۵۹ ق. توسط یعقوب بن لیث صفاری رخ داد.
صفاریان	یعقوب بن لیث صفاری	۲۴۷ - ۳۹۴ ق.	یعقوب بن لیث صفاری از اشتغال عباسیان به شورش زنگیان استفاده کرد و بر سیستان و بخش وسیعی از مناطق شرق و مرکز ایران جیره شد.
سامانیان	امیر اسماعیل سامانی	۲۷۹ - ۳۹۵ ق.	این حکومت در ماوراءالنهر ایجاد شد و به خراسان گسترش یافت. حکومت سامانی ۱۲۸ سال طول کشید و همواره به‌عنوان حکومتی فرمانبر، در خدمت خلافت عباسی با حکومت‌های صفاریان و علویان طبرستان مقابله می‌کرد.
طولونیان	احمد بن طولون	۲۵۴ - ۲۹۲ ق.	مؤسس این سلسله فردی موسوم به احمد بن طولون بود. او حکومت مصر را به دست گرفت. پس از آن قلمرو خود را تا شام و حجاز گسترش داد.

۲ حکومت‌های شیعی

نام حکومت	مؤسس	دوره حکومت	شرح
علویان	حسین بن زید علوی	۲۵۰ - ۳۱۶ ق.	حسین بن زید علوی - از نوادگان امام حسن (ع) - در سال ۲۵۰ ق. حکومتی در منطقه طبرستان تشکیل داد. این حکومت موفق شد تشیع را در ناحیه طبرستان گسترش دهد و شعارها و نمادهای شیعی را آشکار کند.
زیدیان یمن	یحیی بن حسین - از نواده‌های امام حسن (ع)	آغاز ۲۸۴ ق.	پیش از این، به حکومت زیدیان اشاره شد. این دولت به وسیله یحیی بن حسین - از نواده‌های امام حسن (ع) - در سال ۲۸۰ ق. تأسیس شد. از آنجا که وی پیرو مذهب زیدیه بود، در آغاز حکومتش نامه‌ای به اهالی یمن نوشت و در آن مردم را به جهاد دعوت کرد.
حمدانیان	عبدالله حمدان	۲۹۲ - ۳۹۴ ق.	سلسله‌ای دارای مذهب تشیع دوازده امامی. حمدانیان توانستند حکومت خود را در دو ناحیه شمال عراق با مرکزیت شهر موصل و ناحیه شام با مرکزیت حلب استمرار بخشند.
فاطمیان مصر	عبدالله مهدی از نوادگان اسماعیل فرزند امام صادق (ع)	۲۹۷ - ۵۶۷ ق.	سلسله‌ای اسماعیلی مذهب. ابتدا در شمال آفریقا (تونس) سپس در مصر خلافت کردند. از آنجا که خود را از نسل امام علی (ع) و حضرت فاطمه (ع) می‌دانستند به آنها فاطمی گفته می‌شد.

وضعیت شیعه در دوران غیبت صغری

شناخت اوضاع شیعه در دوره غیبت صغری در سه محور به شرح ذیل می‌باشد:

الف) اختلاف میان شیعیان

در درس‌های گذشته خواندیم پس از شهادت هر امام تا شناخته شدن امام بعدی عده‌ای از شیعیان دچار تردید می‌شدند و مدتی طول می‌کشید تا جانشین امامی که از دنیا رفته است، شناخته شود. این مشکل پس از شهادت امام عسکری (ع) دو چندان شد: زیرا از یک سو دوران ولادت و کودکی امام کاملاً مخفیانه بود و جز تعداد محدودی از شیعیان کسی از نزدیک فرزند ایشان را ندیده بود. از سوی دیگر غیبت امام مهدی (ع) بلافاصله پس از شهادت پدر آغاز شد. عامل دیگری که به این تردیدها دامن می‌زد تلاش‌های برادر امام عسکری یعنی جعفر بود که تلاش می‌کرد خود را جانشین برادر معرفی نماید و حتی برای رسیدن به هدف خود حاضر شد با دستگاه خلافت همکاری نماید. به گزارش منابع، شیعیان در آغاز غیبت صغری به چند گروه تقسیم شدند:

- ۱ کسانی که شهادت امام عسکری (ع) را باور نداشتند و او را به عنوان مهدی آل محمد (ع) پذیرفتند که همچنان زنده است. آنها به واقفه - کسانی که بر امامت امام عسکری (ع) توقف کرده‌اند - شهرت یافتند.
 - ۲ کسانی که امامت جعفر - برادر امام عسکری (ع) - را پذیرفتند، این عده جعفریه نام گرفتند.
 - ۳ عده‌ای که امامت پیشوای یازدهم را نپذیرفتند و به امامت اولین فرزند امام هادی (ع) گرویدند و محمدیه نام گرفتند.
 - ۴ شماری بر این باور بودند که امام عسکری (ع) جانشینی ندارد.
 - ۵ گروه دیگر که بیشترین جمعیت را تشکیل می‌دادند کسانی بودند که به امامت حضرت مهدی (ع) قائل شدند.
- البته به گفته شیخ مفید در اواخر قرن چهارم تنها امامیه بود که موجودیت خود را حفظ کرده بود.

ب) وضعیت سیاسی

در عصر غیبت صغری به لحاظ سیاسی تغییر چندانی در وضعیت شیعه رخ نداد و آنان همچون دوره‌های قبل در فشار و محدودیت‌ها به سر می‌بردند. جز در برخی دوره‌ها که وضعیت به نفع شیعیان بود و آنان تا حدودی از آزادی سیاسی و اجتماعی برخوردار می‌شدند.

این شرایط با نفوذ برخی از شیعیان به دستگاه خلافت آغاز شد؛ از جمله افرادی از خاندان شیعه مذهب و برجسته بنی فُرات که بانفوذ در دربار و حضور در مناصب بالای حکومتی، توانستند تا حدودی از فشار بر شیعیان بکاهند.

پ) وضعیت علمی و فرهنگی

به جهت علمی و فرهنگی علما و فقهای شیعه تلاش‌های چشمگیری در گردآوری، تدوین و تألیف کتاب انجام دادند. این فعالیت‌ها در راستای اقتضائات دوره غیبت صغری بود، زیرا امام معصوم علیه السلام به عنوان منبع و مرجع اصلی پاسخ‌گویی به سؤالات و شبهات، دیگر در میان مردم حضور نداشت. نایبان خاص نیز به جهت محدودیت‌های سیاسی اعمال شده از سوی دستگاه خلافت به شدت تقیه می‌کردند. پراکندگی شیعیان در مناطق مختلف جهان اسلام و عدم دسترسی به مراکز علمی و فرهنگی بر این مشکلات می‌افزود. این‌رو علما و اندیشمندان شیعه بر آن شدند تا علوم اهل بیت را جمع‌آوری کرده به صورت مدوّن و مکتوب در اختیار مردم قرار دهند تا پاسخ‌گوی مسائل و رفع‌کننده مشکلات آنها باشد. از جمله مهم‌ترین تألیفات این دوره کتاب «الکافی» کلینی است. بدین ترتیب فقها و محدثان شیعه حرکت علمی امامان معصوم در زمان غیبت را استمرار بخشیدند و با حفظ و انتقال میراث علمی آن بزرگواران، زمینه شکوفایی علمی و فرهنگی شیعه را در سده‌های بعد فراهم نمودند.

بیشتر بدانید

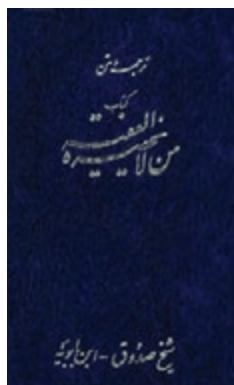


از نویسندگان شیعه این دوره می‌توان به این افراد اشاره کرد :

- ۱ ابی القاسم فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی، مؤلف کتاب تفسیر فرات.
- ۲ محمد بن مسعود بن عیاشی ... کوفی سمرقندی (از علمای اواخر قرن سوم) : مؤلف کتاب تفسیر عیاشی.
- ۳ محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹) مؤلف کتاب‌هایی مانند اصول کافی - از منابع مهم و معتبر حدیث شیعه - و فروع کافی.
- ۴ احمد بن محمد بن خالد برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰) مؤلف کتاب المحاسن.
- ۵ علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، پدر شیخ صدوق (م ۳۲۸)، مؤلف کتاب‌های مهم اعتقادی و حدیثی از جمله من لایحضره الفقیه.



کتاب اصول کافی



کتاب من لایحضره الفقیه

امام مهدی علیه السلام و رهبری شیعیان در دوران غیبت صغری

پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام به یک‌باره شیعیان با غیبت امام مهدی علیه السلام مواجه شدند. سؤالی که برای شیعیان مطرح می‌شد این بود که در این شرایط چگونه می‌توانند با امام خود ارتباط برقرار کنند. راه‌حل این پرسش خیلی زود آشکار شد و چگونگی ارتباط با امام به آگاهی تعدادی از شیعیان رسید. در روایتی راجع به شیعیان قم که طبق معمول برای دیدار با امام حسن عسکری علیه السلام و تقدیم هدیه‌های مالی و نامه‌ها و سؤالات خود به سامرا رفته بودند، آمده است؛ این گروه زمانی به شهر سامرا رسیدند که امام حسن عسکری علیه السلام به شهادت رسیده و جعفر - برادر ایشان - ادعای امامت کرده بود. جعفر کذاب توانست دلیلی بر امامت خود ارائه

دهد و شیعیان درحالی که ناامید شده بودند، راه بازگشت را در پیش گرفتند. آنان در بیرون شهر بودند که نماینده امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با ایشان دیدار کرد. پس از آن شیعیان قم موفق به دیدار امام شدند. امام در همین ملاقات از آنها خواست که برای انجام امور مربوط به ایشان، به نماینده‌شان در بغداد مراجعه نمایند.^۱

سفرای چهارگانه یا نایبان خاص

وظیفه حفظ وحدت و ارتباط میان شیعیان، هدایت آنان در شرایط دشوار، مواجهه با فرقه‌ها و افکار انحرافی، همراه با توانایی بالا در پنهان کاری و تقیه، نیاز به سفیرانی زبده و مورد اطمینانی داشت که قادر به انجام چنین مسئولیت حساس و مهمی باشند. از این رو انتخاب نایبان خاص به طور مستقیم از طرف امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صورت گرفت. مرکز استقرار نایبان در دوران غیبت صغری، شهر بغداد بود. سفیران از میان کسانی انتخاب شدند که هیچ گونه حساسیتی نسبت به آنان از طرف دستگاه خلافت نباشد و از سادات و علویان نیز نبودند، زیرا عباسیان به شدت ایشان را زیر نظر داشتند.

۱ عثمان بن سعید عمری

عثمان بن سعید از شیعیان مورد اطمینان بود به طوری که راستی گفتار، تقوا و امانت‌داری او از طرف امام، مورد تأیید بود. عثمان در پوشش شغل روغن فروشی به دستور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در شهر بغداد اقامت گزید. او وکیل و خادم امام هادی علیه السلام بود و ریاست سازمان وکالت در زمان امام حسن عسکری علیه السلام را بر عهده داشت. عثمان در جلسه خصوصی امام حسن عسکری علیه السلام برای معرفی جانشین پس از خود، حضور داشت و مراسم غسل و دفن حضرت را نیز انجام داد. موقعیت برجسته عثمان بن سعید در زمان امام دهم و یازدهم باعث شد که وکلا و بزرگان شیعه بدون هیچ گونه شک و نیابت او را بپذیرند.

۲ محمد بن عثمان بن سعید عمری

محمد بن عثمان پس از درگذشت پدرش از طرف امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به مقام نیابت رسید. حضرت در توقیعی به وی تسلیت گفت و پس از دعای خیر در حقیقت امور نیابت را به او واگذار کرد.^۲ وی نیز از بزرگان شیعه و از نظر تقوا و عدالت مورد قبول و احترام شیعیان و از یاران مورد اعتماد امام حسن عسکری علیه السلام بود. محمد بن عثمان طولانی‌ترین دوران نیابت - حدود ۴۰ سال - را بر عهده داشت. وی در همان شغل پدر به انجام امور مربوط به نیابت می‌پرداخت. وی توقیع‌های زیادی از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دریافت و به شیعیان می‌رساند. زمانی که محمد بن عثمان در بستر بیماری افتاد، ابوالقاسم حسین بن روح را به عنوان نفر سوم معرفی کرد.

۳ ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی

محمد بن عثمان وکلای دیگری هم در بغداد داشت که برخی از حسین بن روح به محمد بن عثمان نزدیک تر بودند، اما با این همه، حسین بن روح از طرف امام به این مقام منصوب شد. وی در شرایط سخت و دشوار آن روز، با هوشمندی و زیرکی بی‌نظیر در مواقع مختلف و حساس تشکیلات امامیه را به خوبی هدایت کرد و به جهت انتصاب به خاندان نوبختی در دستگاه خلافت عباسی از احترام برخوردار بود. موقعیت و جایگاه او در میان شیعیان به نحوی بود که نیابت وی خیلی زود مورد پذیرش قرار گرفت.

۱. شیخ صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۴۷۶

۲. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، ص ۲۱۵

خاندان نوبختی

خاندان مشهور ایرانی که اندیشمندانی برجسته به عنوان منجم، ادیب، متکلم و مؤلف، در سده ۲ تا ۵ از این خاندان، ظهور کردند. برخی از افراد نامدار این خاندان عبارت‌اند از: نوبخت اولین فرد از نوبختیان که در زمان خلیفه عباسی به عنوان منجم در دستگاه خلافت عباسی، فعالیت می‌کرد. فرزندش، ابوسهل نوبخت نیز، منجم خلیفه شد و کتاب‌هایی تألیف و ترجمه کرد. ابوسهل نوبختی، متکلم نامدار امامی، ساکن بغداد، و از افراد صاحب نفوذ و بنام خاندان نوبخت بود. وی فعالیت‌های علمی زیادی در مورد موضوع امامت و به ویژه غیبت صغری انجام داد. او با حسین بن روح نوبختی – نایب سوم – همکاری نزدیکی داشت. حسین بن موسی نوبختی، از نخستین دانشمندان شیعه است که درباره ملل و نحل کتاب نوشته است و استدلال‌های عقلی را در تحکیم مبانی اعتقادی امامیه به کار می‌گرفت. فریق الشیعه تنها اثر به جای مانده از اوست.

۴ علی بن محمد سمری

نایب سوم – حسین بن روح نوبختی – به فرمان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف علی بن محمد سمری را به عنوان جانشین خود، جهت اداره امور شیعیان معرفی کرد. وی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام نیز بود. در روزگار نیابت سمری وضعیت دستگاه خلافت و سرزمین‌های اسلامی به شدت آشفته شد. هرج و مرج و جنگ‌های داخلی همه جا را فرا گرفته بود. سمری حدود سه سال نیابت خاص امام را بر عهده داشت و سرانجام چند روز پیش از رحلت نامه‌ای از طرف حضرت به دستش رسید که نزدیکی زمان مرگ وی را اطلاع داده بود. متن توقیع، آغاز غیبت کبری را وعده می‌داد.

متن نامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به نایب آخر خود چنین است:

بسم الله الرحمن الرحيم

ای علی بن محمد سمری! خداوند به برادرانت در فقدان تو پاداش بزرگ عطا فرماید. تو تا شش روز دیگر رحلت خواهی کرد. کارهایت را جمع کن و به هیچ کس به عنوان جانشین خود وصیت نکن. اکنون زمان غیبت کبری فرارسیده و ظهور من تنها با اجازه خداوند و در زمانی خواهد بود که دل‌های مردم در نهایت قساوت و روی زمین، پراز بیداد و ستم باشد. کسانی پیش شیعیان مدعی دیدار و ارتباط با من خواهند شد. هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی – که از علائم ظهور است – چنین ادعایی کند، دروغ‌گویی بیش نخواهد بود.^۱

۱. اطمینان بخشی نسبت به وجود حضرت

یکی از وظایف مهم نایبان امام به‌ویژه سفیر اول این بود که به برخی از شیعیان که ممکن بود دچار تردید شوند ثابت کند که امام عسکری علیه السلام فرزندی دارد که اکنون غایب است. البته به جهت تقیّه شدید این کار سخت بود.

۲. نظارت و سرپرستی شبکه وکالت

پیش از این گفته شد سیاست تعیین وکیل و رهبری امور شیعیان در مناطق مختلف اسلامی، از زمان امام کاظم علیه السلام معمول شد. در دوران غیبت با قطع ارتباط مستقیم شیعیان و همچنین وکلا با امام زمان، آنها از راه نایب امام با حضرت ارتباط داشتند. این وکلا اموال و هدایا و نامه‌های ارسال شده را به سفیران امام می‌رساندند و آنها نیز وجوه دریافتی را طبق دستور امام هزینه می‌کردند. البته به ندرت امکان داشت که یکی از وکلا بتواند امام را ملاقات کند.^۱ نایبان هر کدام وکیلانی داشتند؛ به عنوان مثال نایب دوم، ده وکیل در بغداد داشت.^۲

۳. پاسخ‌گویی به پرسش‌های فقهی و اعتقادی

در دوران حضور ائمه علیهم السلام، مرجع علمی و فکری شیعیان، خود امامان معصوم بودند. شیعیان با بروز هرگونه اشکال فکری و با مواجه شدن با پرسش به حضور امام شتافته و از محضر وی سؤال می‌کردند. آغاز غیبت صغری و عدم حضور امام علیه السلام که رکن اصلی شیعه در مسائل فکری و اعتقادی بود در میان مردم، می‌توانست به بحرانی فکری و اعتقادی در میان شیعیان منجر شود. لذا یکی از وظایف مهم نایبان امام این بود که سؤال‌ها و شبهات شیعیان را به عرض امام برسانند و پس از دریافت پاسخ، آن را به سؤال‌کننده ابلاغ نمایند. متن توقیعات و نامه‌های امام موضوعات مختلفی را شامل می‌شد^۳: برخی پاسخ به سؤالات اعتقادی بود. بخش قابل ملاحظه‌ای از محتوای نامه‌ها پاسخ به سؤالات فقهی همچون نماز، حج، خمس و... می‌باشد.

یک توضیح

مسئله «غیبت» ولی الهی، مختص به دین اسلام نیست و در سایر امت‌ها و ادیان نیز مطرح بوده است که عالم و محدث بزرگ شیعه، شیخ صدوق رحمته الله علیه، اخبار و گزارشات مربوط به آن را در کتاب ارزشمند «کمال الدین و تمام النعمة» ذکر کرده است. مرحوم صدوق رحمته الله علیه به روایتی اشاره می‌کند که در آن مراحل غیبت حضرت ابراهیم علیه السلام از ابتدای تولد ذکر شده است و می‌نویسد: «ابراهیم همواره در غیبت به سر می‌برد تا آنکه ظهور نمود... و خداوند قدرتش را در وی آشکار ساخت. پس از آن، هنگامی که طواغیت وی را نپذیرفتند و (دعوتش را) نفی کردند و او را از سرزمینش بیرون راندند برای مرتبه دوم غایب شد و گفت: وَاعْتَرَلُكُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَاَدْعُو رَبِّي عَسَىٰ اَلَّا اَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا (سوره مریم: آیه ۴۸). خداوند نیز فرمود: فَلَمَّا اعْتَرَلَهُمْ وَ مَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ (سوره مریم: آیه ۴۹)»^۴

۱. جعفریان، رسول، گزیده حیات فکری، سیاسی امامان شیعه، ص ۳۷.

۲. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الغیبة، ص ۲۲۵.

۳. توقیعات امام مهدی علیه السلام در دو کتاب «کمال الدین و تمام النعمة» شیخ صدوق و «الغیبة» شیخ طوسی آورده شده است.

۴. شیخ صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، ص ۱۷۱.

۲ مقابله با مدعیان دروغین نیابت

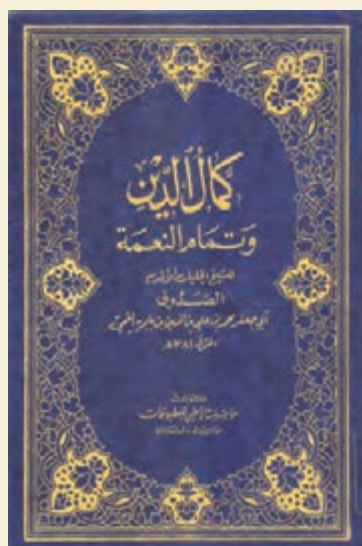
یکی از مشکلات اساسی دوران غیبت صغری، ظهور افرادی بود که به دروغ ادعای نیابت و وکالت می کردند. برخی از مدعیان در ابتدا افرادی صالح بوده و در زمره وکلای نایبان امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به شمار می رفتند، اما به جهت ضعف ایمان، طمع به دست آوردن اموال، کسب شهرت و جاه طلبی راه انحراف را در پیش گرفتند و بدین ترتیب زمینه گمراهی مردم را فراهم ساختند. یکی از این افراد، محمد بن علی شلمغانی نام داشت. وی یکی از افراد صالح و از وکیلان نایب سوم - حسین بن روح نوبختی - به شمار می رفت. شلمغانی پس از مدتی خود را نایب امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی نمود و مطالب دروغی را منتشر ساخت، در حالی که آن مطالب را به حسین بن روح، نسبت می داد. یکی از عقاید کفرآمیزی، حلول روح پیامبر صلی الله علیه و آله در محمد بن عثمان عمری و روح امیرالمؤمنین علی علیه السلام در حسین بن روح بود. حسین بن روح تلاش زیادی برای افشای چهره شلمغانی انجام داد و توقیعی نیز از طرف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مبنی بر لعن و براءت از کارها و سخنان او صادر شد. در نهایت سخنان شلمغانی به گوش خلیفه عباسی رسید. خلیفه هم دستور قتل وی را صادر کرد.

آغاز غیبت کبری

با رحلت چهارمین نایب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فصل جدیدی در تاریخ شیعه آغاز شد که غیبت کبری نامیده می شود. در غیبت کبری زمام امور دینی و سیاسی جامعه اسلامی، براساس فرموده امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف بر عهده فقیهانی نهاده شد که علاوه بر شایستگی علمی، از ویژگی عدالت، تقوا و کاردانی نیز می بایست برخوردار باشند. فقیهانی این چنینی، براساس ولایتی که از سوی خداوند و به واسطه امامان معصوم به آنان واگذار شده، در دوره غیبت حق زعامت سیاسی و دینی جامعه را دارا هستند. آنان در طول تاریخ میراث علمی، فکری و معنوی معصومان را نسل به نسل تا عصر حاضر انتقال داده اند و امام خمینی رحمته الله علیه و انقلاب اسلامی ایران میراث دار این تلاش ارزنده است.

یک توضیح

برخی از کتاب هایی که توسط عالمان گران قدر شیعه، تنها قدری پس از غیبت کبری آن حضرت به دلیل شبهاتی که در مردم به وجود می آمده نوشته شده اند عبارت اند از :



ردیف	نام کتاب	معرفی اجمالی
۱	الغیبة	در اوایل غیبت کبری توسط محمد بن ابراهیم نعمانی نوشته شده است و عالمان بزرگ شیعه مانند شیخ مفید، علامه حلی، علامه مجلسی و شیخ حر عاملی از آن نقل مطلب کرده اند.
۲	کمال الدین و تمام النعمة	در قرن چهارم قمری توسط شیخ صدوق نوشته شده و در آن به مباحثی نظیر ضرورت وجود حجت الهی در هر زمان، شبهات عصر غیبت و غیبت در امت های پیشین پرداخته است.
۳	الغیبة	در قرن پنجم قمری توسط شیخ طوسی نوشته شده که به شبهات موجود در زمینه مهدویت پاسخ های عقلی و نقلی داده است. شیخ در این کتاب مانند برخی از کتب نوشته شده با این نام (الغیبة) بای را به معرفی کسانی که به دیدار و گفت و گو با آن امام عجل الله تعالی فرجه الشریف نائل شده اند، اختصاص داده است. این کتاب نیز از آثار مرجع در این زمینه به شمار می رود.
۴	اربع رسالات فی الغیبة	در قرن پنجم قمری توسط شیخ مفید نوشته شده که مشتمل بر چهار رساله کوتاه در زمینه غیبت امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف است. ویژگی این کتاب رویکرد کلامی و فرامذهبی در پاسخ گویی به شبهات موجود در این زمینه است.

- ۱ عکس‌العمل دستگاه خلافت پس از شنیدن بیماری امام حسن عسکری (علیه السلام) چگونه بود؟
- ۲ نقش پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم در زمینه‌سازی برای عصر غیبت را توضیح دهید.
- ۳ شیعیان پس از شهادت امام یازدهم (علیه السلام) چند فرقه شدند؟ کدام فرقه موجودیت خود را حفظ کرد؟
- ۴ نواب اربعه را نام برده و وظایف آنان را ذکر کنید.

نام	لقب	کنیه	سال ولادت	زادگاه	نام مادر	شهادت
علی بن حسین (علیه السلام)	سجاد زین العابدین سید الساجدین	ابوالحسن ابو محمد	۳۸ ق.	مدینه	شهربانو	۹۵ ق.
محمد بن علی (علیه السلام)	باقر هادی شاکر	ابوجعفر	۵۷ ق.	مدینه	ام عبدالله (دختر امام حسن (علیه السلام))	۱۱۴ ق.
جعفر بن محمد (علیه السلام)	صادق فاضل طاهر	ابو عبدالله	۸۳ ق.	مدینه	أم فروه (دختر قاسم بن محمد بن ابوبکر)	۱۴۸ ق.
موسی بن جعفر (علیه السلام)	کاظم عبد صالح	ابوالحسن اول	۱۲۸ ق.	آبواء (اطراف مدینه)	حمیده	۱۸۳ یا ۱۸۶ ق.
علی بن موسی (علیه السلام)	رضا رضی صدیق	ابوالحسن ثانی	۱۴۸ ق.	مدینه	نجمه یا نُکُم	۲۰۳ ق.
محمد بن علی (علیه السلام)	جواد تقی زکی	ابوجعفر ثانی	۱۹۵ ق.	مدینه	خیزران	۲۲۰ ق.
علی بن محمد (علیه السلام)	هادی نقی ناصر	ابوالحسن ثالث	۲۱۲ یا ۲۱۴ ق.	صَریا (اطراف مدینه)	سَمانه	۲۵۴ ق.
حسن بن علی (علیه السلام)	عسکری زکی	ابو محمد	۲۳۱ یا ۲۳۲ ق.	مدینه	حُدینه	۲۶۰ ق.
هم نام پیامبر (صلی الله علیه و آله)	بقیه الله حجه الله مهدی قائم	همان کنیه پیامبر (صلی الله علیه و آله)	۲۵۵ ق.	سامرا	نرجس	

منابع :

- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه فی معرفه الائمه، ج ۱ و ۲ و ۳
- شیخ مفید، نعمان محمد بن محمد، الارشاد ج ۱ و ۲
- طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری با علام الهدی ج ۱ و ۲

آثار و نوشته‌هایی که مورخان برای پژوهش در تاریخ اسلام و ایران در دوران اسلامی استفاده می‌کنند دارای گونه‌های مختلفی هستند. شما در این درس، انواع مختلفی از این آثار و نوشته‌ها را که برای شناخت تاریخ اسلام و ایران لازم‌اند، شناسایی و ویژگی‌های هر دسته را بررسی و مقایسه خواهید کرد.

فعالیت ۱

یک کارآگاه پلیس برای بررسی جرم و روشن کردن ابعاد مختلف آن، نیازمند به چه چیزهایی است؟ آیا او بدون دسترسی به شواهد و مدارک لازم، می‌تواند در مورد چگونگی وقوع جرم نظر بدهد؟ قاضی چگونه؟ آیا او هم، بدون داشتن اسناد و مدارک لازم، می‌تواند حکمی صادر کند؟ با راهنمایی دبیر درباره این موضوع بحث کنید و کار کارآگاه و قاضی را با کار مورخان، به رغم تفاوت‌های بنیادینی که با یکدیگر دارند، مقایسه کنید.

منابع و مآخذ پژوهش در تاریخ

منابع و مآخذ پژوهش تاریخی به دو دسته تقسیم می‌شوند.

الف) منابع: به همه نوشته‌هایی گفته می‌شود که در زمان وقوع یک رویداد یا نزدیک‌ترین زمان به وقوع آن به ثبت و ضبط آن رویداد پرداخته‌اند؛ به عبارت دیگر، نویسندگان این نوع منابع، خود ناظر رویدادها بوده‌اند و یا اینکه شرح ماجرا را از شاهدان واقعه شنیده‌اند. علاوه بر منابع مکتوب، تمامی آثار باستانی و تاریخی، شامل بناها، ابزارها، اشیاء، سنگ‌نگاره‌ها و سنگ‌نوشته‌ها، سکه‌ها و هر وسیله‌ای که از گذشته به جای مانده است، «منابع» تاریخی محسوب می‌شوند.



منشور کوروش — موزه بریتانیا در لندن



طاق بستان — کرمانشاه

ب) مآخذ (تحقیقات): به همه تحقیقات و آثاری گفته می‌شود که مدت‌ها پس از وقوع رویدادها و با استفاده از منابع پدید آمده‌اند. منابعی که مورخان برای فهم زندگی اجتماعی انسان در گذشته از آن استفاده می‌کنند، دارای گونه‌های مختلفی هستند. شما در این درس، انواع مختلف منابعی را که برای شناخت تاریخ اسلام و ایران دوران اسلامی مناسب هستند، شناسایی و ویژگی‌های هر دسته را بررسی و مقایسه خواهید کرد.

بیشتر بدانید



از برجسته‌ترین متون و منابع راجع به تاریخ صدر اسلام و قرون نخستین اسلامی می‌توان به دو مرجع مهم اشاره کرد:

الف) قرآن کریم

قرآن کریم منشأ اصلی و یکی از مؤثرترین و الهام‌بخش‌ترین سرمشق‌های تاریخ‌نگاری اسلامی است. در قرآن کریم بررسی احوال گذشتگان و عبرت گرفتن از سرگذشت افراد و اقوام پیشین تأکید فراوان شده است. قرآن کریم با تشویق به سیر و سفر^۱ و تفکر و تدبّر در سرگذشت اقوام گذشته و عبرت گرفتن از آن، زمینه را برای سفرهای دانشمندان مسلمان، از جمله مورخان، فراهم ساخت. از این گذشته، قرآن سند دست اول زندگانی رسول خدا و چگونگی روابط ایشان با افراد گروه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی در عربستان، خصوصاً مکه و مدینه است.

ب) حدیث و سیره نبوی

این آثار اطلاعات بسیار مهمی درباره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، جنگ‌ها و حوادث تاریخی زندگی ایشان و صحابه ارائه می‌کنند. در احادیث فراوانی که در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت گرد آمده است، اطلاعات تاریخی قابل توجهی درباره تاریخ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دیده می‌شود که به کار پژوهندگان تاریخ اسلام می‌آید.

در میان کتاب‌هایی که راجع به زندگانی پیامبر اکرم نوشته شده، سیره محمد بن اسحاق^۲ مهم‌ترین اثر است. تنها بخشی از این اثر باقی مانده و به چاپ رسیده است. بعدها عبدالملک بن هشام^۳ دست به تلخیص و بازنگاری آن زد که تحت عنوان سیره ابن هشام شهرت یافت. اثر مهم دیگر در این زمینه، متعلق به محمد بن عمر واقدی (۱۳۰ - ۲۰۹ ق) یکی از برجسته‌ترین مورخان و سیره‌نویسان سده دوم و اوایل سده سوم هجری است. اثر او به نام «المغازی» (غزوه‌ها) به ۱۰ سال پایان زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله اختصاص یافته است.

۱. «آیا در زمین گردش نکرده‌اند تا دلهایی داشته باشند که با آن بیندیشند یا گوش‌هایی که با آن بشنوند؟ در حقیقت، چشم‌ها کور نیستند، اما چشم باطن و دیده دلشان کور است». (سوره حج، آیه ۴۶)

۲. متولد ۸۵ق و متوفای ۱۴۴ یا ۱۵۱ یا ۱۵۲ق است.

۳. متوفای ۲۱۳ یا ۲۱۸ق در مصر

گونه های منابع تاریخی از ظهور اسلام تا پایان عصر صفوی

مورخان، برای آگاهی از چگونگی وقوع رویدادهای گذشته، به منابع مختلفی رجوع می کنند. در اینجا، به اختصار، با گونه های مختلف منابع تاریخ ایران دوره اسلامی تا پایان عصر صفوی، آشنا می شوید :

۱ منابع غیر نوشتاری

الف) مَحَوِّطَه ها و بناهای تاریخی

آثار و بناهای برجای مانده از دوره تاریخی مورد مطالعه، به مورخان این امکان را می دهند تا از اوضاع فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و نظامی دوران گذشته آگاهی یابند.



مسجد گهرشاد — مشهد

مکان های تاریخی، مثل غار جِرا، کوه اُحد و یا منطقه ملازگرد، هر یک بستر وقوع یک رویداد تاریخی به شمار می روند.

آثار و بناهای تاریخی، مانند کاخ الحمراء، مسجد گهرشاد و به طور کلی آثار ساختمانی و معماری نظیر کاخ ها، کاروان سراها، قلعه ها و برج ها، زیارتگاه ها، مقبره ها، پل ها و جاده ها، آب انبارها، مساجد و کلیساها، معابد و خانقاه ها، بنادر و اسکله ها و روستاها و شهرهای قدیمی از مهم ترین منابع و مراجع پژوهش درباره گذشته های دور و نزدیک محسوب می شوند.

ب) ابزارها و وسایل دست ساخته انسان

این دسته از آثار نیز برای مورخان از منابع بسیار موثق محسوب می شوند. انواع پوشاک، جواهرات، ابزارهای کشاورزی، ظروف، وسایل حمل و نقل، اشیای هنری مثل مجسمه ها، تابلوهای نقاشی، سازهای موسیقی، جنگ افزارها، وسایل خانگی و در مجموع، تمام دست ساخته های انسانی بازمانده از گذشته، گواه روشنی بر نوع فرهنگ و عقاید و آداب و رسوم پیشینیان ما هستند. از این رو، بررسی این آثار که به طور خاص در قلمرو دانش هایی چون باستان شناسی، معماری و هنر قرار می گیرند، اطلاعات بسیار مفیدی برای بازآفرینی گذشته، در اختیار مورخان می گذارند.



ظرف سفالی — دوره آل بویه



ظروف برنجی — دوره تیموریان

پ) آثار شفاهی

مطالعهٔ روشمند افسانه‌ها و اساطیر اقوام در دوره‌های مختلف تاریخی، خاطرات شفاهی، انواع مختلف ادبیات عامیانه، اعم از داستان‌های تاریخی، قهرمانی، اخلاقی و تخیلی، گونه‌های متفاوت مثل‌ها، لطیفه‌ها و انواع شعر، نظیر دوبیتی، تصنیف، ترانه و لالایی، کمک زیادی به شناخت فرهنگ، آداب و رسوم و سنت‌های مختلف اجتماعی در دوره‌های مختلف می‌کند.

فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما ابزارها و آثار هنری برجای مانده از گذشته، چه نوع اطلاعاتی از پیشینیان را به ما ارائه می‌دهند؟
با یکدیگر بحث و گفت‌وگو کنید.

۲ مراجع و منابع نوشتاری

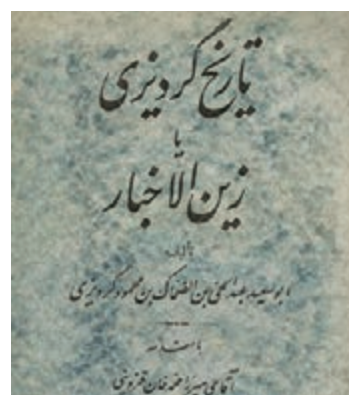
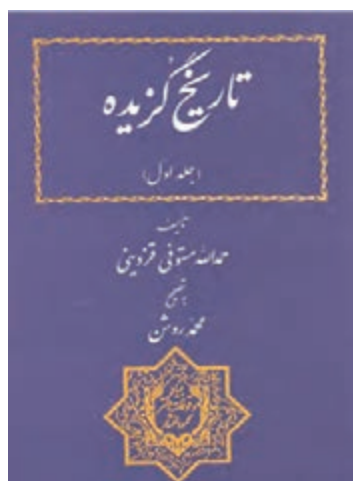
مراجع و منابع مکتوب تاریخ اسلام و ایران در دوران اسلامی، بسیار متنوع و متعددند. در اینجا به برخی از مهم‌ترین گونه‌های آنها اشاره می‌شود.

الف) کتاب‌های تاریخی

از جمله مهم‌ترین منابع پژوهش در گذشته، کتاب‌هایی هستند که مورخان دوره‌های مختلف نوشته‌اند. کتاب‌های تاریخی تألیف شده در دوران اسلامی تنوع خاصی دارند. در ادامه با برخی از انواع کتاب‌های تاریخی آشنا می‌شوید.

۱ تاریخ‌های عمومی: تاریخ‌نگاری عمومی یکی از شاخه‌های تاریخ‌نگاری در ایران است که از قرن سوم هجری قمری آغاز شد و تا اواخر عصر قاجار تداوم یافت. مؤلفان این دسته از آثار، نگارش تاریخ جهان را از آغاز آفرینش عالم آغاز می‌کردند و سپس به شرح زندگی حضرت آدم و دیگر پیامبران می‌پرداختند. پس از آن، تاریخ اساطیری ایران را از کیومرث آغاز و به پایان دورهٔ ساسانیان ختم می‌کردند. در ادامه، رویدادهای تاریخ اسلام و سلسله‌های ایرانی را تا زمان حیات خود ثبت و ضبط می‌کردند.

از مهم‌ترین و مشهورترین تاریخ‌های عمومی می‌توان به «تاریخ طبری»، تألیف محمدابن جریر طبری (۲۲۴-۳۱۰ ق) اشاره کرد.





فعالیت ۲: بررسی شواهد و مدارک

متن زیر دربارهٔ شیخ حسن جوری، رهبر مذهبی سرمداران از کتاب روضة الصفا، تألیف میرخواند انتخاب شده است. متن را به دقت بخوانید و به سؤالات زیر پاسخ دهید.

«شیخ خلیفه را بامدادی از ستون مسجد به حلق آویخته یافتند و خشتی چند در زیر ستون بر یکدیگر چیده دیدند، چنانچه شخصی خود را به ریسمان آویخته باشد و بعد از این واقعه، مریدان شیخ خلیفه دست ارادت به شیخ حسن دادند و خدمتش به طرف نیشابور رفته، اهالی آن دیار را به طریق شیخ خلیفه دعوت کرد و اکثر مردم کوهپایهٔ نیشابور قدم در دایرهٔ ارادت و متابعت او نهادند و هر که مرید می‌شد نام او نوشته، می‌گفت که حالا وقت اختفاست، و می‌فرمود که آلات حرب داشته موقوف اشارت باشند... مردم چنان معتقد او شدند که اگر جان می‌طلبیدی، روان می‌دادند. فقها با امیر ارغون شاه... گفته که شیخ حسن اهل تشیع و سِر خروج دارد. امیر ارغون شاه، امیر محمد باسق را فرستاد احوال او نماید و امیر محمد به مشهد آمده شیخ حسن و اتباع او را مردم نیک معاش یافت که به کسب علم و حرفت انتعاش می‌نمودند...» (روضه الصفا، ج ۵، ص ۴۵۰).

۱) اطلاعات ارائه شده در متن فوق بیشتر در بررسی کدام حوزه از تاریخ کاربرد دارد؟

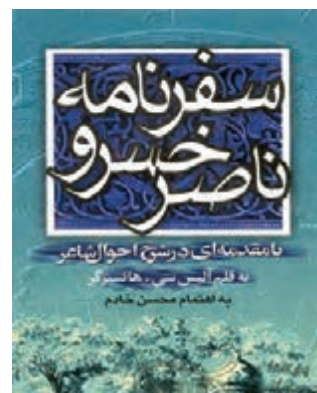
۲) به نظر شما میرخواند چه دیدگاهی نسبت به شیخ حسن جوری دارد؟

۳) با توجه به متن فوق، آیا می‌توان گفت میرخواند نسبت به مغولان با دیدگاه انتقادی قلم زده است؟



۲) تاریخ‌های محلی: تاریخ‌های محلی یکی از مهم‌ترین گونه‌های تاریخ‌نگاری و یکی از گنجینه‌های مهم اطلاعات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و نیز جغرافیایی شهرها و مناطق ایران است. انگیزهٔ اصلی نویسندگان این دسته از کتاب‌های تاریخی، ثبت و ضبط رویدادهای تاریخی، بیان ویژگی‌های جغرافیایی و اقتصادی و نگارش زندگی‌نامهٔ مفاخر و مشاهیر محلی بوده است.

۳) تاریخ‌های سلسله‌ای: یکی دیگر از گونه‌های تاریخ‌نگاری که در دورهٔ اسلامی در ایران رواج یافت، تاریخ‌های سلسله‌ای بود. فرمانروایان بزرگ و کوچک، به منظور ثبت و ضبط رویدادهای دوران خود، معمولاً آدیبان و دانشمندان را تشویق و مأمور به تدوین این رویدادها می‌کردند. بعدها با گسترش تاریخ‌نویسی سلسله‌ای در میان سلسله‌های محلی، این نوع تاریخ‌نویسی با تاریخ‌نویسی محلی پیوستگی یافت.



ب) سفرنامه‌ها

سفرنامه‌ها اطلاعات مفیدی از زندگانی اجتماعی مردم ایران ارائه می‌کنند که در دیگر منابع کمتر دیده می‌شود. بسیاری از جهان‌گردان گنجینه‌ای از اطلاعات ارزشمند دربارهٔ تاریخ اجتماعی و فرهنگی و جغرافیای تاریخی سرزمین‌هایی را که دیده‌اند از جمله ایران به صورت سفرنامه ارائه داده‌اند.



فعالیت ۳: بررسی شواهد و مدارک

متن‌های زیر را که از سفرنامه‌های ناصر خسرو و پیترو دلاواله برگزیده شده است، بخوانید و به پرسش‌های مربوط به آنها پاسخ دهید.

متن ۱: «نهم محرم^۱ به قزوین رسیدم. باغستان بسیار داشت، بی‌دیوار و خار و هیچ مانعی از دخول در باغات نبود و قزوین را شهری نیکو دیدم. بارویی^۲ حصین^۳ و کنگره بر آن نهاده و بازارهایی خوب، مگر آنکه آب در وی اندک بود و منحصر به کاریزها^۴ در زیرزمین و رئیس آن مردی علوی بود و از همه صنّاع^۵ ها که در آن شهر بود کفشگر بیشتر بود» (سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی، ص ۵).

متن ۲: «به محض رسیدن به ایران، هر کس متوجه برتری شایانی که این سرزمین (ایران) از لحاظ خوبی و صفای مردم و تمدن و فرهنگ و هرگونه کیفیات دیگر... دارد، می‌شود و من به جرئت می‌توانم بگویم این خطه به هیچ وجه کمتر از سرزمین‌های مسیحی نیست» (سفرنامه پیترو دلاواله، ص ۱۶).

در مورد باغ‌های چهارباغ اصفهان می‌نویسد:

«این باغ‌ها متعلق به شاه هستند، ولی مردم با آزادی کامل از آن استفاده می‌کنند و آن قدر میوه در آن وجود دارد که برای تمام شهر کافی و حتی زیاد است. در طول باغ، راهروهای زیادی وجود دارد که اطراف آن را درخت‌های سرو کاشته‌اند... خیابان‌های متعددی که چهارباغ را قطع می‌کنند، گرچه در زیبایی به آن نمی‌رسند، ولی چندان دست کمی نیز از آن ندارند؛ زیرا آب به اندازه‌ای فراوان است که از وسط همه آنها نه‌ری می‌گذرد... روی هم رفته به دلیل اینکه چهارباغ به شاه تعلق دارد، واقعاً دارای عظمتی بی‌نظیر است و باید با طیب خاطر اعتراف کنیم که خیابان پوپولو^۶ در رم و خیابان پوجورئال^۷ در ناپل و خیابان خارج از شهر ژن و خیابان مونرال^۸ در شهر پالرمو^۹ هیچ کدام به پای آن نمی‌رسند...» (سفرنامه پیترو دلاواله، ص ۳۴)



خیابان چهارباغ اصفهان (از آثار دوره صفوی)

- ۱ از متن‌های فوق برای تحقیق در چه موضوع یا موضوع‌هایی از تاریخ ایران می‌توان استفاده کرد؟
- ۲ چه تفاوت یا شباهتی میان اطلاعات ارائه شده در متن ۱ و ۲ وجود دارد؟

۱. سال ۴۳۸

۲. دیوار قلعه

۳. محکم، قلعه محکم

۴. قنات‌ها

۵. صنعتگران

۶. Popolo

۷. Poggio Reale

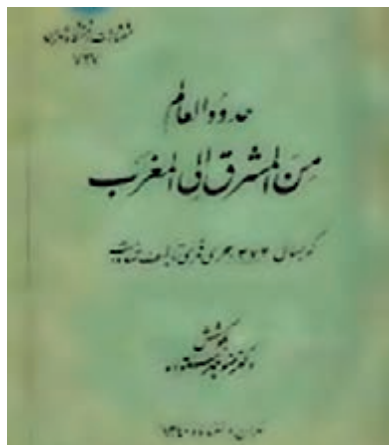
۸. Monreale

۹. Palermo

به پنج گروه تقسیم شوید و با راهنمایی دبیر خود، هر گروه یک سفرنامه انتخاب کنید و در مورد موضوعی خاص مثلاً آداب و رسوم، تجارت، معماری و اوضاع فرهنگی و دینی، اطلاعاتی از آن استخراج و در کلاس ارائه کنید.

پ) نوشته‌های جغرافیایی

بررسی و مطالعه محیط جغرافیایی رویدادها، در پژوهش‌های تاریخی اهمیت زیادی دارد. نوشته‌های جغرافیایی اطلاعات بسیار با اهمیتی دربارهٔ آداب و رسوم، فرهنگ، نوع معیشت، آب و هوا، وضعیت اقتصادی، وضعیت نظامی، راه‌ها، کالاهای، قلعه‌ها، برج‌ها، بندرها، رودها و دریاها، پایتخت‌ها، ادیان و اعتقادات، نژاد و زبان و حدود و سرحدات و مرزهای سرزمین‌ها و حکومت‌های محلی ارائه می‌دهند.



فعالیت ۴

نقشه خلیج فارس در کتاب المسالك و الممالك

ابواسحاق ابراهیم بن محمد فارسی اصطخری، معروف به کرخی، جغرافی‌دان پرآوازهٔ سدهٔ چهارم ه. ق. (۱۰ میلادی) است که از اهالی شهر استخر (اصطخر) استان فارس بوده است. وی یکی از پایه‌گذاران دانش جغرافیا در جهان اسلام است. از تألیفات اصطخری دو کتاب به نام‌های صورالاقالیم و المسالك و الممالك برجایمانده است.

اصطخری در المسالك و الممالك ضمن توصیف هریک از کشورها و سرزمین‌ها با ذکر مسافت‌ها و حدود آنها، اطلاعات باارزشی در مورد محصولات بازرگانی، صنعت، اوضاع و احوال اقوام مختلف، و آثار تاریخی مانند دژها و آتشکده‌ها ارائه داده است. وسیع‌ترین بخش کتاب مربوط به سرزمین پارس (ایران) است.

آنچه در تصویر می‌بینید، کامل‌ترین نسخهٔ ترجمه شده این کتاب در عهد سلجوقی است. این نسخه نفیس دارای ۲۰ نقشهٔ رنگی و ۲ نقشه سیاه و سفید می‌باشد. از مهم‌ترین نقشه‌های این نسخه، نقشهٔ رنگی «خلیج فارس» است که با عنوان «صورة بحر فارس» ترسیم شده و از کهن‌ترین اسنادی است که به نام خلیج فارس اشاره کرده است. لازم به ذکر است که کلمهٔ صورة (صورت) در این کتاب به معنی نقشه آمده است.

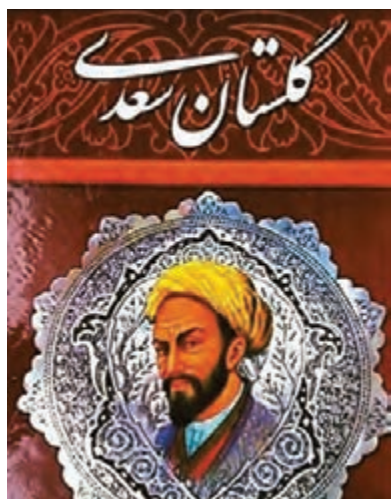
این اثر ارزشمند در موزهٔ باستان‌شناسی و هنر دوران اسلامی موزهٔ ملی ایران نگهداری می‌شود که به لحاظ محتوای علمی، جایگاهش در تشر فارسی و نقشه‌هایی که به صورت رنگی ترسیم شده، شایان مطالعه و استناد و دارای اهمیت فراوان است. این اثر گرانبهادر سال ۱۳۸۷ خورشیدی به پیشنهاد جمهوری اسلامی ایران به شمارهٔ ۱۰۰۵ در فهرست کمیتهٔ ملی حافظهٔ جهانی یونسکو به ثبت رسیده است.

با کمک دبیر محترم، نمونه‌های دیگری از فنون تاریخی که در آن به نام خلیج فارس اشاره شده است را پیدا و فهرست کنید و در کلاس ارائه دهید.



بحث و گفت‌وگو

آیا اقلیم‌های گوناگون در کشور ما در ایجاد تنوع فرهنگی و آداب و رسوم ویژه محلی تأثیر داشته است؟ در این باره بحث و گفت‌وگو کنید و برای نظرات خود شواهدی ارائه و استدلال کنید.



ت) ادبیات و متون ادبی

متون نظم و نثر ادبی، گونه مهمی از منابع تاریخی محسوب می‌شوند؛ زیرا اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نیز عقاید دینی و فلسفی رایج در هر عصری، کم و بیش، در شعر شاعران و نویسندگان آن عصر انعکاس می‌یابند.

فعالیت ۵: بررسی شواهد و مدارک

متن زیر از گلستان سعدی نوشته شده در سال ۶۵۶ ق است. آن را بخوانید و به پرسش‌های مربوط به آن پاسخ دهید.

بازرگانی را دیدم که صد و پنجاه شتر بار داشت و چهل بنده و خدمتکار. شبی در جزیره کیش مرا به حجره خویش درآورد. همه شب نیارمید از سخنان پریشان گفتن، که فلان انبازم^۱ به ترکستان و فلان بضاعت به هندوستان است و این قباله^۲ فلان زمین است و فلان چیز را فلان، ضمین^۳. گاه گفתי خاطر اسکندریه دارم که هوایی خوش است. باز گفתי نه [که] دریا (ی) مغرب مشوش است. سعدیا، سفر دیگر [م] در پیش است، اگر آن کرده شود، بقیت عمر خویش به گوشه‌ای بنشینم. گفتم آن کدام سفر است؟ گفت گوگرد پارسی خواهیم بردن به چین که شنیدم قیمتی عظیم دارد و از آنجا کاسه چینی به روم [آورم] و دیبای^۴ رومی به هند و فولاد هندی به حلب و آبگینه حلبی^۵ به یمن و بُرد یمانی^۶ به پارس و زآن پس ترک تجارت کنم و به دکانی بنشینم. ... انصاف از این ماخولیا^۷، چندان فروگفت که بیش طاقت گفتنش نماند. گفت: [ای سعدی]، تو هم سخن بگوی از آنها که دیده‌ای و شنیده. گفتم:

آن شنیدستی که در اقصای غور بارسالاری بیفتاد از سُتور
گفت چشم‌تنگ دنیا دوست را یا قناعت پُر کند یا خاک گور
(گلستان، صص ۳۷۰-۳۷۳)

۱ به نظر شما اطلاعات مندرج در این متن در کدام حوزه تاریخی کاربرد دارد؟

۲ به نظر شما بر اساس چه استدلالی می‌توان به این متن به عنوان یک شاهد و مدرک تاریخی استناد کرد؟

۳ برداشت آزاد شما از متن چیست؟ استدلال کنید.

۱. شریک. در برخی از نسخه‌ها انبار آمده به معنی جای ذخیره کردن کالا

۲. سند

۳. ضامن

۴. پارچه ابریشمی ساخت روم

۵. آینه و شیشه ساخت حلب

۶. جامه نگارین خطدار

۷. سودا، خیال خام

ث) سیاست‌نامه‌ها و اندرزنامه‌ها

کتاب‌های سیاست‌نامه‌ای حاوی اطلاعاتی سودمند دربارهٔ شیوهٔ کشورداری، مناسبات حکومت و مردم و تشکیلات و نهادهای اداری، اقتصادی، نظامی و فرهنگی ارائه می‌دهند.



سیاست‌نامهٔ خواجه نظام‌الملک توسی، وزیر مقتدر عصر سلجوقی، یکی از برجسته‌ترین این آثار است.

اندرزنامه‌ها بیشتر به اخلاق کشورداری و مناسبات اخلاقی فرمانروا و مردم می‌پردازند. از نمونه‌های مشهور اندرزنامه‌ها، می‌توان به قابوس‌نامه، نوشتهٔ عنصرالمعالی در قرن پنجم هجری اشاره کرد.

فعالیت ۶: بررسی شواهد و مدارک

متن زیر از کتاب سیاست‌نامهٔ خواجه نظام‌الملک توسی است. بعد از مطالعهٔ دقیق آن به سؤالات زیر پاسخ دهید.

«اندر تعظیم داشتن فرمان‌های عالی

نامه‌ها که از درگاه نویسند بسیارند و هرچه بسیار شد حرمتش برود. باید که تا مهمی نشود از مجلس عالی چیزی ننویسند و چون نویسند باید که حشمتش چنان باشد که کس را زهرهٔ آن نباشد که آن را از دست بنهد تا فرمان را پیش نبرد. اگر معلوم گردد که کسی به فرمان به چشم حقارت نگریسته است و اندر قیام کردن به سمع و طاعت، کاهلی کرده است او را مالش بلیغ دهند، اگر چه از نزدیکان بود...» (سیاست‌نامه، ص ۱۰۱).

۱) اطلاعات مندرج در این متن برای بازشناسی کدام حوزه از تاریخ سلجوقیان مفید است؟

۲) از دیدگاه شما چرا باید سیاست‌نامه را یک منبع تاریخی بدانیم؟

ج) سایر نوشته‌ها

منابع نوشتاری تاریخ به مواردی که ذکر شد محدود نمی‌شود. انواع دیگری از تألیفات با نام طبقات، انساب و فرهنگ‌نامه‌های زندگی‌نامه‌ای نیز حاوی اطلاعات مفید تاریخی‌اند.

اسناد برجای مانده از دیوان‌های حکومتی سلسله‌ها نظیر فرمان‌ها، معاهدات سیاسی، اسناد اقتصادی و فرهنگی و منشآت (نامه‌ها) نیز



سکهٔ شاه اسماعیل

از منابع و مراجع مهم تاریخی محسوب می‌شوند. متون تقویمی و گاه‌شماری، متون فلسفی و کلامی و فقهی، متون اخلاقی و سایر تألیفات علمی نیز می‌توانند به منظور تبیین اوضاع علمی دوره‌های تاریخی، مورد توجه و مطالعه مورخان قرار گیرند. نوشته‌های روی سکه‌ها نیز اطلاعات مفیدی دربارهٔ اوضاع سیاسی، اجتماعی، مذهبی، اقتصادی و هنری سلسله‌های حکومتی و نام پادشاهان ارائه می‌دهند.

انواع منابع تاریخی ایران اسلامی

دوره معاصر	قرون میانه	قرون نخستین ایران دوره اسلامی	تاریخ های عمومی
تاسیخ التواریخ (محدثی سهر) تاریخ منتظم ناصری (اعتماد السلطنه)	مجموع التواریخ و القصص (؟)، جامع التواریخ (رنسیدالدین فضل الله)، روضة الصفا (میرخواندا)، مُلّد برین (محمّد یوسف واله اصفهانی)، زبدة التواریخ (محمّد حسن مستوفی)	تاریخ طبری (محمد بن جریر طبری) تاریخ بلعمی (ابوعلی بلعمی)	تاریخ های عمومی
روضة الصفای ناصری (رضاقلی خان هدایت)	ظرفنامه (نیرفالدین علی یزدی)، تاریخ عالم آرای نادری (محمد کاظم مروی) (اسکندریگ منشی)، تاریخ عالم آرای نادری (محمد کاظم مروی)	تاریخ بیهقی (ابوالفضل بیهقی)، التاجی فی اخبار الدولة الدیلمیه (ابو اسحاق صابی)	تاریخ های سلسله ای (دودمانی)
فارسانامه ناصری (حاج میرزا حسن فسائی) تاریخ و جغرافیای تبریز (نادر میرزا) تذکره شوشتر (سید عبدالله جزایری) تاریخ کرمان (احمد علی خان وزیری)	تاریخ سیستان (؟)، تاریخ قم (حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی)، فارسانامه (ابن باخی)، تاریخ رویان (اولیاء الله آملی)، تاریخ بیهقی (علی بن زید بیهقی)، تاریخ جعفری (محمد بن حسن جعفری)، شرفنامه (نیرفالدین بدلیسی)	اخبار اصفهان (ابو نعیم اصفهانی) تاریخ نیشابور (حاکم نیشابوری)	تاریخ های محلی
جغرافیای کرمان (احمد علی خان وزیری)	شُعْجَمُ الْبُلْدَان (یا قوت ختوی) آثار البلاد (زکریا بن محمد قزوینی) جغرافیای حافظ ابور نزهة القلوب (محمد الله مستوفی)	المسالك و المسالك (ابن خردادبه)، صورة الارض (ابن حوقل)، حدود العالم من المشرق الى المغرب (؟)، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم (مقدسی)	کتاب های جغرافیایی
دیوان پروین اعتصامی	سیاست نامه (خواجہ نظام الملک توسی)، نصیحة الملوک (غزالی)، قابوس نامه (عصر المعالی)، جوامع الحکایات (عونفی)، گلستان سعدی، دیوان امیر معزّی، دیوان حافظ	شاهنامه مسعودی مروزی، گنسناسپ نامه دققی، شاهنامه فردوسی، کلّله و دمنه رودکی	اندرز نامه ها، سیاست نامه ها و کتاب های ادبی
سفرنامه های متعدد داخلی و خارجی ناصرالدین شاه، سفرنامه های خارجی مظفرالدین شاه، مطلع الشمس (اعتماد السلطنه)، سفرنامه رضاقلی میرزا توة فتحعلی شاه، حیرت نامه (میرزا ابوالحسن خان شیرازی)، سفرنامه میرزا فتح خان گمروندی به اروپا، تحفة العالم (میرزا عبداللطیف شوشتری)، سفرنامه دکتر پولاک، سفرنامه چکسون، سفرنامه مازندران و استراباد (لوی رابینو)	سفرنامه ابن بطوطه، سفرنامه کلاویخو، سفرنامه شاردن، سفرنامه پیتر دلاواله، سفرنامه کبیر، نامه های طبیب نادرشاه (زنه باز)	سفرنامه ناصر خسرو، الرسالة الاولى و الرسالة الثانية (ابودلف)	سفر نامه ها
روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه، روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه، خاطرات سیاسی امین الدوله، شرح زندگانی من (عبدالله مستوفی)، خاطرات سلیمان بهودی (رئیس دفتر رضا شاه)، خاطرات محمدعلی قزوینی، خاطرات و تأملات دکتر محمد مصدق، یادداشت های علم (نخست وزیر و وزیر دربار محمدرضا شاه پهلوی)، خاطرات آیت الله هاشمی رفسنجانی، خاطرات آیت الله محمدرضا مهدوی کنی (شخصیت برجسته سیاسی و مذهبی در دوران جمهوری اسلامی)، نورالدین پسر ایران (خاطرات سید نورالدین عافی، رزمندة دوران دفاع مقدس)			خاطرات

در گذشته، مورخان برای تشخیص و تعیین اصالت اخبار و اسناد (شواهد و مدارک) یک رویداد تاریخی، روش‌ها و فنونی را به کار می‌گرفتند. برخی از این روش‌ها حتی تا به امروز نیز معتبرند. با ابداع روش‌های جدید علمی در سده‌های اخیر، مورخان نیز روش‌ها و ابزارهای جدیدی را برای تشخیص و تعیین اصالت و اعتبار اخبار و منابع تاریخی به خدمت گرفتند. مورخان وقتی با گزارش تاریخی روبه‌رو می‌شوند، آن را اعتبارسنجی می‌کنند و به اصطلاح به نقد آن می‌پردازند. نقد یک خبر تاریخی که در حقیقت همان اعتبارسنجی و بررسی اصالت خبر است، در دو مرحله انجام می‌شود:

الف) سنجش اعتبار و نقد راوی

در این مرحله، پژوهشگران و مورخان، موضوعاتی نظیر ویژگی‌های هویتی روایت‌کننده خبر، محل تولد و زندگی، گرایش فکری، مذهبی و سیاسی و جایگاه علمی او را بررسی می‌کنند. همچنین پژوهشگران سعی می‌کنند که علائق و انگیزه‌های راوی را در بیان خبر، بررسی و اندیشه و مقصود او را فهم و کشف کنند.

یکی از کارهای مورخان در نقد روایت‌کننده، تعیین فاصله زمانی و مکانی بین راوی و خبر است تا معلوم شود، روایت‌کننده خود مستقیماً شاهد وقوع رویدادی بوده و یا خبر آن را از دیگران نقل کرده است. ارزش و اعتبار خبری که راوی آن، خود، به طور مستقیم شاهد رویداد بوده به مراتب از خبری که روایت‌کننده آن را از دیگران نقل کرده بیشتر است.

در گذشته، مورخانی مانند مسعودی، برای بررسی درستی و یا نادرستی برخی از اخبار و گزارش‌های تاریخی به مسافرت می‌رفتند و مکان رویدادها را از نزدیک بررسی می‌کردند.



فعالیت ۷: بررسی شواهد و مدارک

این متن از کتاب مروج الذهب و معادن الجواهر اثر علی بن حسین مسعودی، مورخ بزرگ قرن چهارم است. آن را بخوانید و به سؤالات زیر پاسخ دهید.

«خاطر ما به سفر و بادیه پیمایی، به دریا و خشکی مشغول بود که بدایع ملل را به مشاهده دریابیم و ویژگی های سرزمین را از طریق مشاهده و رؤیت توانستیم ببینیم. چنان که دیار سند و زنگ و... چین و... را درنوردیدیم و شرق و غرب را پیمودیم. گاهی به اقصای خراسان و زمانی در قلب ارمنستان و آذربایجان و آران و... بودیم. روزگاری به عراق و زمانی به شام بودیم که سیر من در آفاق و سرزمین ها خون سیر خورشید در مراحل اشراق بود.»

در جای دیگر می‌نویسد: «و آن که در وطن خویش بماند و به اطلاعاتی که از سرزمین خود گرفته قناعت کند با کسی که عمر خود را به جهانگردی و سفر گذرانیده و دقایق و نفایس اخبار را از دست اول گرفته، برابر نتواند بود» (مروج الذهب، ج ۱، ص ۴۰۲).

با تأمل در متن بگویید به نظر شما مشاهده مستقیم سرزمین‌ها و دریافت اخبار از سرچشمه‌های اصلی آن، در تاریخ‌نگاری چه اهمیتی دارد؟

👉 دربارهٔ مضمون بند دوم باهم گفت‌وگو کنید و دلایل خود را در تأیید یا رد نظر نویسنده متن بیان نمایید.

ب) سنجش اعتبار و نقد و بررسی گزارش‌ها و منابع تاریخی

۱) مطابقت با عقل

یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین معیارهای سنجش درستی یا نادرستی یک گزارش تاریخی، بررسی مطابقت و یا عدم مطابقت آن با عقل است. در گذشته نیز بسیاری از مورخان به این اصل اعتقاد داشتند و برای سنجش اخبار از معیار عقل بهره می‌بردند. برای مثال، یعقوبی و بیهقی، عدم مطابقت یک روایت تاریخی با عقل را، دلیلی بر بطلان و نادرستی آن می‌دانستند.

فعالیت ۸: بررسی شواهد و مدارک



متن زیر از تاریخ بیهقی است. آن را بخوانید و به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

«و اخبار گذشته را در دو قسم گویند که آن را سه دیگر شناسند: یا از کسی بیاید شنید و یا از کتابی بیاید خواند و شرط آن است که گوینده باید که ثقه و راستگوی باشد و نیز «خرد» گواهی دهد که آن خبر درست است... و کتاب همچنان است که هر چه خوانده آید از اخبار که خرد آن را رد نکند شنونده آن را باور دارد و خردمندان آن را بشنوند و فرستائند... و آن کسان که سخن راست خواهند تا باور دارند ایشان را از دانایان شمرند و سخت اندک است عدد ایشان، و ایشان نیکو فرستائند و سخن زشت را بیندازند...» (بیهقی، تاریخ بیهقی، ص ۶۳۷-۶۳۸).

۱) به نظر شما از نظر بیهقی، عقل چه نقشی در تشخیص اصالت و اعتبار یک خبر دارد؟

۲) بیهقی درباره نقش خردمندان در تأیید و رد اخبار چه دیدگاهی دارد؟

۲) مقایسه و تطبیق با سایر منابع و شواهد

مقایسه و مطابقت یک خبر و منبع تاریخی با سایر منابع نظیر اطلاعات مندرج در سایر کتاب‌های تاریخی و یا نوشته‌های دیگر مانند نسب‌نامه‌ها، سفرنامه‌ها، دیوان‌های اشعار، متون اخلاقی، فتوت‌نامه‌ها، سیاست‌نامه‌ها و امثال آن، روشی سودمند برای تعیین اعتبار اخبار و اسناد است.

۳) مطابقت با نتایج تحقیقات باستان‌شناسی

در سال‌های اخیر دانش باستان‌شناسی با بهره‌گیری از ابزارها و روش‌های مدرن، پیشرفت زیادی کرده است و نتایج تحقیقات آن علم، معیاری مناسب برای سنجش اعتبار اخبار تاریخی محسوب می‌شود.



۴ سنجش گزارش‌ها براساس زمان و مکان

زمان و مکان دو رکن مهم یک رویداد تاریخی اند. خبر و روایتی که فاقد زمان و مکان دقیق و مشخص باشد از اصالت و اعتبار کافی برخوردار نیست.

۵ اعتبارسنجی با تکیه بر دستاوردهای علوم تجربی

امروزه پیشرفت علوم تجربی، به‌ویژه علوم‌ی مانند شیمی، زیست‌شناسی، فیزیک و پزشکی و ابداع روش‌ها و ابزارهای مدرن، نقش بسزایی در تعیین اصالت و اعتبار اسناد و اخبار تاریخی ایفا می‌کنند.

۶ اعتبارسنجی به کمک دستاوردهای سایر علوم انسانی

پژوهش‌ها و داده‌های سایر علوم، نظیر جامعه‌شناسی، اقتصاد، اسطوره‌شناسی، زبان‌شناسی و برخی رشته‌های دیگر، دستاوردهای ارزشمندی را پیش روی مورخان قرار می‌دهند. این اطلاعات، مورخان را در تعیین اصالت اخبار و منابع تاریخی یاری می‌دهند. امروزه بهره‌برداری از دستاوردهای مطالعات بین‌رشته‌ای در جهان، رو به افزایش است.

بحث و گفت‌وگو

- ۱ به نظر شما کدام یک از معیارها و ملاک‌های سنجش اخبار و اسناد تاریخی، کارایی بیشتری دارد؟ چه دلیلی برای اثبات سخن خود دارید؟
- ۲ مهم‌ترین نتایج اعتبارسنجی منابع تاریخی چیست؟ بحث و استدلال کنید.

انواع روش‌های تاریخ‌نگاری

مورخان تاکنون تقسیم‌بندی‌های مختلفی از روش‌های تاریخ‌نگاری ارائه کرده‌اند. در اینجا یکی از این تقسیم‌بندی‌های رایج در گذشته بررسی می‌شود.

۱ تاریخ‌نگاری روایی

مورخ در تاریخ‌نگاری روایی، روایت‌های مختلف و متعدد درباره موضوع واحد را با آوردن اسناد، ذکر می‌کند. مهم‌ترین ویژگی این نوع تاریخ‌نگاری در این بود که تاریخ‌نگاران، بدون هیچ‌گونه دخل و تصرفی در روایت‌ها، عیناً آنها را ذکر می‌کردند. تاریخ‌نگاری روایی در آغاز برای ثبت و ضبط سخنان و سیره پیامبر و صحابه ایشان به کار گرفته می‌شد، ولی بعد از آن برای ثبت وقایع دوران‌های بعدی نیز استفاده شد. از مشهورترین چهره‌های تاریخ‌نگاری روایی، مورخ و مفسر مشهور، محمدبن جریر طبری است. او برای تألیف کتاب خود اخبار فراوانی را جمع‌آوری کرد و در این راه رنج فراوانی برد. او سعی داشت تعیین درستی یا نادرستی مطالب را به خواننده واگذار کند. شاید یکی از معایب این سبک تاریخ‌نگاری این باشد که نویسندگان، هیچ نقد و نظری درباره درستی و نادرستی

خبر ارائه نمی‌دهند. اما برخی آن را امتیازی بزرگ می‌دانند؛ زیرا مورخان بعدی با مجموعه‌ای از اخبار گوناگون درباره یک موضوع روبه‌رو می‌شوند و با به دست آوردن مدارک و اسناد کافی، درباره اصل خبر قضاوت می‌کنند.

۲ تاریخ‌نگاری ترکیبی

مورخ در این روش به جای ذکر همه روایات درباره یک موضوع، با مطالعه و مطابقت دادن همه روایت‌ها، یک گزارش از مجموع آنها تنظیم می‌کند. مورخ در این روش ناچار به گزینش و انتخاب است و امکان دارد برخی از جنبه‌های خبر از چشم او دور بماند. این نوع تاریخ‌نویسی از اواخر قرن سوم هجری متداول شد. از مشهورترین چهره‌های این سبک از تاریخ‌نویسی می‌توان به بلاذری (قرن سوم هجری) صاحب کتاب فتوح البلدان و دینوری (متوفای ۲۹۰ ق) نویسنده کتاب اخبار الطوال اشاره کرد.

۳ تاریخ‌نگاری تحلیلی

مورخ در این روش، با بررسی موشکافانه تمام اخبار و روایت‌های مربوط به یک رویداد و نقد آنها، علل، آثار و پیامدهای آن واقعه را تحلیل و تفسیر می‌کند. از برجسته‌ترین آثاری که به این شیوه تألیف شده است، می‌توان به کتاب تجارب الامم ابوعلی مسکویه (متوفای ۴۲۱ ق)، تاریخ بیهقی و مروج الذهب مسعودی اشاره کرد.

پرسش‌های نمونه

- ۱ منظور از منابع غیرنوشتاری چیست؟ توضیح دهید.
- ۲ تفاوت‌ها و شباهت‌های تاریخ‌های عمومی و سلسله‌ای را بیان کنید.
- ۳ چرا سفرنامه‌ها از منابع مهم تاریخ‌نگاری محسوب می‌شوند؟
- ۴ متون جغرافیایی چه نوع اطلاعاتی از گذشته ارائه می‌دهند؟
- ۵ به نظر شما از انواع گونه‌های منابع معرفی شده تاریخی کدام یک از اهمیت بیشتری برخوردارند؟ برای اثبات نظر خود چه استدلالی دارید؟
- ۶ سنجش اعتبار و نقد راوی چرا و چگونه صورت می‌گیرد؟
- ۷ سه مورد از معیارهای سنجش اعتبار منابع تاریخی را توضیح دهید.
- ۸ روش تاریخ‌نگاری روایی و ترکیبی را مقایسه کنید.
- ۹ مهم‌ترین نمایندگان تاریخ‌نگاری تحلیلی و ترکیبی را نام ببرید.



از ابتدای قرن سوم تا قرن هفتم هجری، ایرانیان سلسله حکومت‌هایی تشکیل دادند و به تدریج مناطق مختلف ایران را از زیر سلطهٔ مستقیم خلفای عباسی خارج کردند. در این دوره بود که تمدن ایرانی-اسلامی به اوج گسترش و شکوفایی رسید. در این درس، شما ضمن جست‌وجو و ارزیابی شواهد و مدارک تاریخی، برخی از جنبه‌های مهم سیاسی، علمی و فرهنگی و اقتصادی تمدن ایرانی-اسلامی را شناسایی و بررسی خواهید کرد.

در فاصلهٔ حملهٔ اعراب به ایران تا زمان تشکیل حکومت طاهریان (اولین حکومت بعد از اسلام)، ایران در دوره‌های مختلف به این شکل اداره می‌شد:

۱ عصر خلفای نخستین: پس از فتح هر شهر و منطقه توسط اعراب مسلمان، به فرمان خلیفه، فردی از میان فرماندهان سپاه، سران قبیله‌ها و یا صحابه به حکومت آنجا منصوب می‌شد. از آنجا که اعراب تجربه‌چندانی در کشورداری نداشتند، ادارهٔ امور دیوانی، همچون گذشته در اختیار ایرانیان (خاندان‌های کهن دهقانی^۱) باقی ماند. به‌طور کلی، اعراب مسلمان تا زمانی که نافرمانی صورت نمی‌گرفت و قراردادهای صلح نقض نمی‌شد، در ادارهٔ امور شهرها و روستاها دخالتی نمی‌کردند.

۲ دورهٔ خلافت امویان: در زمان حکومت بنی‌امیه، مناطق مختلف ایران تحت فرمان و نظارت والی عراق اداره می‌شد، البته در مواقعی نیز خلفای اموی در عزل و نصب حاکمان مناطق مهمی مانند خراسان و آذربایجان به‌طور مستقیم دخالت می‌کردند. در آن دوره، حکومت شهرها و مناطق مختلف دنیای اسلامی از جمله ایران در انحصار کامل اشرافیت اموی و سران قبیله‌های عرب متحد آنان قرار داشت.

۳ عصر خلافت عباسیان: با روی کار آمدن خاندان بنی‌عباس و انتقال مرکز خلافت از دمشق به بغداد، شرایط و اوضاع سیاسی و اجتماعی به نفع ایرانیان تغییر محسوسی یافت.



بحث و گفت‌وگو

با توجه به اینکه نخستین سلسلهٔ مسلمان ایرانی یعنی طاهریان در خراسان شکل گرفت، با راهنمایی دبیر، دربارهٔ جایگاه و اهمیت سیاسی و اجتماعی خراسان و نقشی که خراسانیان در تحولات سیاسی قلمرو خلافت داشتند، بحث و گفت‌وگو کنید.



۱. دهقانان دودمان‌های زمین‌داری بودند که قدرت و نفوذ اقتصادی و پشتوانهٔ اجتماعی و فرهنگی بالایی داشتند آنان علاوه بر مشارکت در امور محلی، نقش مهمی در حفظ و انتقال فرهنگ ایرانی از دورهٔ باستان به دورهٔ اسلامی ایفا کردند.

الف) زمینه‌های تأسیس



قلمرو فرمانروایی طاهریان

فعالیت‌ها و مبارزات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایرانیان در دو قرن نخست هجری، زمینه را برای شکل‌گیری سلسله‌های ایرانی و در پی آن تغییر اوضاع سیاسی ایران در سده‌های سوم و چهارم هجری فراهم آورد. سرآغاز این تغییر، هنگامی بود که طاهر بن حسین مشهور به ذوالیمینین از سوی مأمون، خلیفه عباسی به حکومت خراسان منصوب شد (۲۰۵ق). تشدید جنبش‌های ضد خلافت در ایران، مأمون را متوجه این نکته کرد که باید تغییری در شیوه اداره قلمرو خلافت ایجاد کند؛ از این‌رو، حکومت خراسان را به طاهر، سردار ایرانی خود سپرد. پس از طاهر، حکومت خراسان در خاندان او موروثی شد و بدین‌گونه نخستین سلسله مسلمان ایرانی شکل گرفت. پس از آن با افول قدرت عباسیان در قرن‌های سوم و چهارم هجری، سلسله‌های حکومتی دیگری در گوشه و کنار ایران روی کار آمدند. صفاریان، سامانیان، علویان طبرستان، زیاریان و آل‌بویه از جمله این سلسله‌ها به شمار می‌روند.

سلسله‌های مسلمان ایرانی در سده‌های سوم، چهارم و پنجم هجری

آل حسّویه	روادیان	آل‌بویه	زیاریان	سامانیان	صفاریان	علویان طبرستان	طاهریان	
۴۰۵-۳۴۸ق	قرن ۴ق	۴۵۴-۳۲۰ق	۴۸۳-۳۱۹ق	۳۹۵-۲۰۴ق	۳۹۴-۲۴۷ق	۳۱۶-۲۵۰ق	۲۵۹-۲۰۵ق	دوره حکومت
حسّویه بن حسین کرد	محمد بن حسن روادی	پسران بویه: علی، حسن و احمد	مرداویج زبیری	امیر اسماعیل سامانی	یعقوب لیث صفاری	حسن بن زید	طاهر ذوالیمینین	مؤسس
کردستان، کرمانشاه، همدان و لرستان	آذربایجان	شمال، جنوب، غرب ایران و عراق	طبرستان و گرگان ^۲	خراسان و ماوراءالنهر	سیستان ^۱	طبرستان و گرگان	خراسان و سیستان	محدوده قلمرو
دژ سَرمَاج در نزدیکی بیستون	تبریز	ری، شیراز، بغداد	اصفهان و گرگان	بخارا	زرنج (زرنج)	آمل	مرو، نیشابور	پایتخت

فعالیت ۱: ترسیم نمودار خط زمان

با توجه به مطالب جدول بالا، نمودار خط زمان تاریخ ایران را در سده‌های سوم تا پنجم هجری ترسیم کنید.

۱. دامنه قدرت صفاریان

۲. قلمرو زیاریان

فعالیت ۲: بررسی شواهد و مدارک

متن زیر را بخوانید و بگویید چه دلالتی بر شیوه کسب قدرت توسط یعقوب لیث صفاری دارد.

«هنگامی که یعقوب به نیشابور، پایتخت طاهریان حمله کرد، محمد بن طاهر، امیر طاهری به او پیغام داد اگر به فرمان امیرالمؤمنین [خلیفه عباسی] آمده‌ای، عهد و منشور عرضه کن تا ولایت به تو سپارم و گرنه بازگرد. چون رسول به نزد یعقوب رسید و پیغام بگذارد، یعقوب شمشیر از زیر مصلی بیرون آورد و گفت عهد و لوای من این است» (گردیزی، تاریخ گردیزی، ص ۳۰۹).

فعالیت ۳: قضاوت کنید

متن زیر را بخوانید و درباره دلایل یعقوب لیث صفاری برای بی‌اعتمادی به خلافت عباسی، قضاوت کنید.

«یعقوب بسیار گفتی که دولت عباسیان بر غدر و مکر بنا کرده‌اند؛ نبینی که با یوسلمه [ابوسلمه خلال] و یومسلم [ابومسلم] و آل برامکه و فضل بن سهل چندان نیکویی کایشان را اندر آن دولت بودند، چه کردند؟ کسی مبادا که بر ایشان اعتماد کند» (تاریخ سیستان، ص ۲۶۷-۲۶۸).

بیشتر بدانید

رویگرزاده عیارپیشه

«در سیستان آن عهد، خاطره پهلوانی‌های خاندان زال و سام نریمان در افواه بود و حتی آخورگاه رخس، اسب افسانه‌ای رستم داستانی را در آنجا [زادگاه یعقوب] نشان می‌دادند و این نکته رواج قصه‌های پهلوانی عهد کیانی را در آن ایام همچنان قابل ملاحظه نشان می‌داد و جوانان و پهلوانان شهر را البته تحت تأثیر قرار می‌داد.

در چنین محیطی و احوالی، خاطر رویگرزاده پهلوان و عیارپیشه قرنین از تأثیر قصه‌های رستم و جنگجویی‌های پهلوانی او متأثر بود و تحت تأثیر همین احوال بود که او از همان ایام جوانی، پُتک و چکش رویگری را کنار نهاد و آن را به شمشیر و سلیح جنگاوری تبدیل کرد. در آغاز کار، به راهزنی افتاد، اما شیوه عیاری او را از تعدی در حق فقرا و مظلومان مانع آمد و از او یک پهلوان مردمی، مردم‌پسند و محبوب ساخت. پسر لیث با دسته کوچک عیاران خود که آوازه سخاوت و جلادت



مجسمه یعقوب لیث — زابل

و فتوتش، تعداد آنها را هر روز بر گرد وی می‌افزود، توانست در بین دسته‌های غازیان و مُطَوَّعه^۱ محلی، حیثیت و اعتبار قابل ملاحظه‌ای کسب کند... چون رهبری جنگجویان ضدّ خوارج به عهده او افتاد، تدریجاً در دفع آشوب‌های محلی هم توفیق یافت و این توفیق، اهالی سیستان را به فرمانبرداری از او و حمایت و تشویق او الزام کرد» (عبدالحسین زرین‌کوب، روزگاران، تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی، ص ۳۷۳-۳۷۴).

۱. به جنگاوریانی که داوطلبانه در مناطق مرزی برای جهاد با کافران حضور می‌یافتند، مُطَوَّعه گفته می‌شد.

نسب بیشتر بنیان‌گذاران سلسله‌های مسلمان ایرانی از جمله طاهریان، سامانیان، صفاریان، آل‌بویه و زیاریان را به یکی از شاهان و سرداران ساسانی از قبیل خسرو انوشیروان، خسرو پرویز و بهرام چوبین و یا پهلوانان اساطیری مانند رستم رسانده‌اند. به نظر شما دلیل این نسب‌سازی چه بوده است؟

کاوش خارج از کلاس

با استفاده از منابعی که دبیر معرفی می‌کند، دربارهٔ موقعیت اجتماعی عیاران و شیوهٔ فعالیت‌های آنان در قرون نخستین هجری، مطالبی را تهیه و در کلاس ارائه کنید.

ب) روش‌های کسب قدرت و برقراری ارتباط با خلفای عباسی

بنیان‌گذاران برخی از سلسله‌های ایرانی مانند طاهریان و سامانیان، با فرمان خلیفهٔ عباسی به حکومت رسیدند. همچنین انتقال قدرت از امیری به امیر دیگر نیز در این حکومت‌ها با فرمان و تأیید خلیفه صورت می‌گرفت. امیران سلسله‌های طاهری و سامانی عمدتاً نسبت به خلفای عباسی اظهار اطاعت ظاهری می‌کردند. در مقابل، بنیان‌گذاران بسیاری از سلسله‌هایی که در این دوره روی کار آمدند، بدون اجازه و تأیید خلیفه قدرت را به دست گرفتند. یعقوب لیث صفاری، بنیان‌گذار حکومت صفاریان، حسن بن زید، مؤسس حکومت علویان طبرستان و مرداویج برپاکندهٔ سلسلهٔ زیاریان و پسران بویه که سلسلهٔ آل‌بویه را بنیان نهادند، از آن جمله بودند. رابطهٔ این سلسله‌ها با خلافت عباسی فراز و نشیب زیادی را طی کرد.

پ) آثار و پیامدها

به قدرت رسیدن سلسله‌های ایرانی در سده‌های سوم تا پنجم هجری آثار و پیامدهای عمیق و گسترده‌ای بر ایران و ایرانیان داشت. البته میزان اثرگذاری همهٔ امیران و سلسله‌ها به یک اندازه نبود. طاهر ذوالیمینین و یعقوب لیث صفاری و نیز امیران سلسله‌های سامانیان و آل‌بویه که بر قلمرو وسیع‌تری فرمان می‌راندند، به مراتب تأثیر بیشتری داشتند. در اینجا، به اختصار، به برخی از این تأثیرات می‌پردازیم.

سیاسی – اجتماعی: مهم‌ترین پیامد سیاسی ظهور حکومت‌های ایرانی، کاهش و زوال تدریجی سلطهٔ سیاسی – نظامی خلفای عباسی بر ایران بود. همچنین پس از آنکه ادارهٔ امور مناطق مختلف کشور در اختیار کارگزاران ایرانی قرار گرفت، به مرور، آرامش نسبی بر جامعه حکم فرما و از شدت آشوب‌ها و جنبش‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی کاسته شد. با این حال برخی از امیران سلسله‌های یاد شده به سبب تمایلات توسعه‌طلبانه و یا به واسطهٔ تشویق و تحریک خلفای عباسی، به رقابت و ستیز با یکدیگر پرداختند.

اقتصادی: در فاصلهٔ سده‌های سوم تا پنجم هجری به‌ویژه در دوران حکومت‌های طاهریان، سامانیان و آل‌بویه فعالیت‌های اقتصادی از رونق مناسبی برخوردار بود. در آن زمان کشاورزی، تجارت و صنعت رشد چشمگیری یافت. به واسطهٔ چنین رشدی بود که شهر و شهرنشینی در قلمرو آل‌بویه گسترش یافت. بخارا، نیشابور، ری، اصفهان، شیراز و همدان از جمله شهرهای بزرگ و آباد آن عصر بودند.

برقرار شدن آرامش و امنیت نسبی، قرار گرفتن زمام کارها به دست امیران و وزیران با تدبیر و علاقه‌مند به عمران و آبادانی و استقرار نظام دیوانی منظم و منسجم، از جمله عوامل رونق اقتصادی و رشد شهرنشینی در زمان سامانیان و آل بویه بود.



بند امیر از آثار دوره عضدالدوله فرمانروای آل بویه — مرو دشت فارس

مذهبی: پس از آنکه امیران ایرانی قدرت را به دست گرفتند و سلسله‌های حکومتی مستقلی برپا کردند، روند اسلام‌پذیری شتاب بیشتری گرفت و بیشتر مردم ایران در دوره آنان به دین اسلام درآمدند. امیران سلسله‌های علویان طبرستان و آل بویه، پیرو مذهب تشیع بودند و به تقویت و گسترش آن مذهب در ایران کمک کردند. در عصر آل بویه، مراسم عزاداری امام حسین (علیه السلام) در عاشورا و جشن عید غدیر خم باشکوه و عظمت برگزار می‌شد. همچنین در آن دوره، حرم امامان شیعه در عراق مرمت و بازسازی شد و سنت زیارت رو به گسترش نهاد.

ایران در دوره غزنویان و سلجوقیان

تحولات سیاسی

فکر کنیم و پاسخ دهیم

با راهنمایی دبیر و همفکری، توضیح دهید چه عاملی نقش مهمی در ورود ایران به دوران غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان داشت؟

۱ غزنویان

در جریان لشکرکشی‌های مسلمانان به ماوراءالنهر و سرزمین‌های آن سوی رود سیحون در شرق دریای خزر در سده‌های نخست هجری، شماری از ترکان به صورت فردی و یا گروهی به دین اسلام گرویدند و به درون قلمرو اسلامی راه یافتند. عده زیادی از این ترکان به دلیل استعداد خاصی که در امور نظامی داشتند به خدمت دربار عباسیان و امیران مسلمان در مناطق مختلف قلمرو خلافت درآمدند؛ برخی از آنان حتی به مراتب و مناصب بالای نظامی دست یافتند.

محمود یکی از این سپهسالاران ترک بود که در دربار سامانیان خدمت می‌کرد و با استفاده از ضعف سامانیان در شهر غزنه حکومتی مستقل تأسیس کرد که در تاریخ ایران به حکومت غزنویان مشهور است. وی سپس به تدریج بر تمامی نواحی خراسان و بخشی از قلمرو سامانیان سلطه یافت.

محمود همچون بسیاری از فرمانروایان هم‌عصر خود، از ابتدای تأسیس حکومتش در پی کسب حمایت خلیفه عباسی برآمد. او بسیاری از اقدامات سیاسی مذهبی خود را در پوشش جهاد در راه خدا (غزا) و به بهانه مبارزه با مخالفان خلافت عباسی انجام می‌داد. به همین دلیل به ری که تحت حاکمیت آل بویه شیعه مذهب بود، حمله کرد (۴۲۰ق) و پس از تصرف آن، بسیاری از علما و مردم شهر را به بهانه اسماعیلی بودن به قتل رساند و کتابخانه مهم آنجا را، به بهانه وجود کتاب‌های فلسفی، به آتش کشید.

از جمله حوادث مهم دوران حکومت محمود غزنوی، لشکرکشی‌های پی‌درپی وی به هند بود. او به بهانهٔ جهاد در راه خدا بارها به هند حمله کرد؛ در حالی که هدف و انگیزه‌اش از این حملات، دستیابی به ثروت فراوان هند از طریق غارت معابد و پرستشگاه‌های آن سرزمین بود. در نتیجهٔ این حملات، دین اسلام و زبان فارسی به شبه‌قارهٔ هند راه یافت و گسترش پیدا کرد.

پس از محمود، پسران او، محمد و مسعود بر سر جانشینی پدر با یکدیگر به ستیز پرداختند.^۱ مسعود غلبه کرد و به جای پدر نشست. درگیری‌های داخلی و سرگرم شدن مسعود به لشکرکشی به هند، از جمله عواملی بود که سبب شد وی از وضعیت مردم، به خصوص سکنهٔ خراسان که در زیر بار فشار مالیاتی مأموران او به شدت آسیب دیده بودند، غافل بماند. از این رو، هنگامی که سلجوقیان، به فرماندهی طغرل، به شهرهای خراسان هجوم آوردند، مردم دروازهٔ شهرها را به روی مهاجمان گشودند. به دنبال شکست مسعود غزنوی از سلجوقیان در نبرد سرنوشت‌ساز دندانقان (۴۳۱ق)، سلطهٔ غزنویان بر خراسان به سر رسید، اما حکومت آنان بر مناطقی از سرحدات شرقی ایران (افغانستان کنونی) و شمال غربی هند، تا اواخر قرن ششم هجری ادامه یافت.



قلمرو غزنویان در زمان سلطان محمود

۲ سلجوقیان

سلجوقیان طایفه‌ای از ترکان بودند که پس از گرویدن به اسلام، نخست در ماوراءالنهر و سپس در خراسان مستقر شدند. طغرل سلجوقی پس از تصرف نیشابور، این شهر را به عنوان مرکز حکومت خود برگزید (۴۲۹ق). او سپس شهرها و مناطق مختلف ایران را یکی پس از دیگری تسخیر کرد. وی سرانجام به بغداد رفت و خلیفهٔ عباسی را از تسلط آل بویهٔ شیعه مذهب درآورد و خود را منجی خلافت معرفی کرد (۴۴۷ق). خلیفه نیز حکومت ایران و عراق را به او بخشید و دستور داد که نام وی را در خطبه بخوانند و سکه به نام او زنند. در زمان آل‌آرسلان، جانشین طغرل، سلجوقیان در نبردی بزرگ که در ملازگرد رخ داد (۴۶۳ق)، سپاهیان امپراتوری روم شرقی را شکست دادند، امپراتور را اسیر کردند و آسیای صغیر را به متصرفات خود افزودند. در آن زمان، قلمرو سلجوقیان از رود سیحون در شرق تا دریای مدیترانه گسترش یافت. این وسیع‌ترین قلمرو یک حکومت در ایرانِ دورانِ اسلامی بود. توسعهٔ قلمرو سلجوقیان در آسیای صغیر، موجب مهاجرت قبایل و طوایف ترک به آن منطقه و تغییر وضعیت سیاسی و فرهنگی این ناحیه شد.

۱. برای بررسی بیشتر می‌توان به کتاب تاریخ بیهقی، نوشته ابوالفضل بیهقی، ماجرای پدربان، پسران و حسنک وزیر رجوع کرد.

در زمان ملک‌شاه، سلسله سلجوقی به اوج قدرت رسید و در نتیجه بیشتر خاندان‌ها و حکومت‌های محلی از بین رفتند و یا به اطاعت سلطان سلجوقی گردن نهادند.

حکومت سلجوقیان، به دنبال مرگ وزیر و پادشاه قدرتمند خود، یعنی خواجه نظام‌الملک و ملک‌شاه، در اثر اختلافات فراوان بر سر قدرت و جانشینی دچار ضعف شد. به دنبال آن، قلمرو سلجوقی در ایران بین امیران مختلف تقسیم شد و رقابت و کشمکش بر سر قدرت، حکومت سلجوقی را بیش از پیش تضعیف کرد. علاوه بر عوامل فوق، مبارزات اسماعیلیان در ایران، ظلم و سخت‌گیری سلجوقیان نسبت به شیعیان و علویان و نیز قدرت گرفتن اتابکان در نواحی زیر سلطه سلجوقیان در ضعف و زوال این حکومت مؤثر بودند. سرانجام با برآمدن خوارزمشاهیان، حکومت سلجوقیان منقرض شد.



قلمرو سلجوقیان در زمان ملک‌شاه

بیشتر بدانید

«اتابک» در ترکی به معنای پدربزرگ و سرپرست است. سلاطین سلجوقی شاهزادگان خردسال خود را برای اداره نواحی تازه فتح شده با گروهی از امیران و بزرگان که به آنها اتابک گفته می‌شد و وظیفه سرپرستی آنان را داشتند گسیل می‌کردند. در دوران ضعف سلجوقیان بسیاری از این اتابکان، شاهزادگان را از قدرت برکنار کردند و خود در منطقه تحت سلطه آنان حکومت مستقلی تشکیل دادند.



فرمانروایان غزنوی به خوبی دریافته بودند که برای اداره قلمرو رو به توسعه خود به تشکیلات دیوانی و دیوان سالاران ایرانی نیاز دارند. از همین رو بسیاری از دیوان سالاران حکومت سامانی و حتی برخی از دیوان سالاران حکومت آل بویه را به خدمت گرفتند. سلجوقیان نیز از آغاز حکومت با به کارگیری دیوان سالارانی همچون عمیدالملک کندی و خواجه نظام الملک توسی، نظام اداری ایران را کامل تر و گسترده تر کردند. در این بین نقش نظام الملک در ساختار نظام اداری ایران عصر سلجوقی به اندازه ای برجسته است که دوران وزارت وی را می توان «عصر نظام الملک» نامید.

در عصر سلجوقی، دیوان وزارت که در رأس آن وزیر قرار داشت به شکوهمندی بی نظیری رسید. همه دیوان های سلجوقی زیر نظر وزیر کار می کردند. با این حال وزیر در منصب خود هیچ امنیتی نداشت و آنچه سبب تداوم کار وی می شد، اراده و خواست سلطان بود. اگر سلطان بنا به دلایلی از وزیر رنجیده یا از موقعیت وی به هراس می افتاد، عزل یا قتل و مصادره اموال در انتظار او بود.

فعالیت ۴: بررسی شواهد و مدارک

متن های زیر را بخوانید و به پرسش های مربوط به آنها پاسخ دهید.

متن ۱: «روزی سلطان به وی [نظام الملک] پیغام داد که همانا با من در مُلک شریکی که ولایت و اقطاع به اولاد خود می دهی، و هر تصرف که در ملک می خواهی بی مشورت من می کنی، خواهی تا بفرمایم که دوات وزارت از پیش و دستار از سرت بردارند؟ نظام الملک جواب داد که دوات من و تاج تو در هم بسته است و توأمانند، اما فرمان تو را باشد» (رشیدالدین فضل الله، جامع التواریخ، بخش سلجوقیان، ص ۳۶).

■ منظور نظام الملک از رابطه بین دوات [نماد اهل قلم] وی و تاج سلطانی چیست؟

متن ۲: «باید که به همه اطراف همیشه جاسوسان روند بر سبیل بازرگانان و سیاحان و صوفیان و داروفروشان و درویشان، و از هر چه می شنوند خبر می آورند تا هیچ گونه از احوال چیزی پوشیده نماند» (نظام الملک، سیاست نامه، ص ۹۰).

۱ با توجه به متن فوق، نظام الملک، ایجاد کدام دیوان را برای حکومت سلجوقی ضروری شمرده است؟

۲ به نظر شما اطلاع حاکم از اوضاع مملکت می توانست چه فایده ای به همراه داشته باشد؟



بخشی از شهر نیشابور در دوره سلجوقی که با استفاده از تصاویر ماهواره ای به صورت گرافیکی بازسازی شده است. (هفت رخ ایران، ص ۱۴۴)

اوضاع اجتماعی و اعتقادی

در دوران حکومت های غزنوی و سلجوقی، بخش عمده جمعیت ایران در این دوران در روستاها به سر می بردند. همچون گذشته روابط دوجانبه ای بین روستاها و شهرها وجود داشت.

در دوره سلجوقی، به دلیل رشد شهرنشینی و توسعه مناسبات شهری، طبقه بازرگان شهری بیش از پیش اهمیت یافت و بازرگانان به یکی از مهم ترین گروه های اجتماعی تبدیل شدند.



برج طغرل - ری

بافت مذهبی جمعیت شهری و روستایی این دوره را عمدتاً اهل تسنن تشکیل می‌دادند. به جز پیروان تسنن، شیعیان دوازده امامی (امامیه) نیز در شهرهای ایران پراکنده بودند و در برخی نقاط، اکثریت داشتند. در برخی شهرهای ایران سادات علوی نیز زندگی می‌کردند. بیهق (سبزوار)، ری، گرگان، ساری، کاشان و قم از جمله مهم‌ترین مراکز شیعه‌نشین ایران بودند. پیروان مذهب اسماعیلیه نیز در شهرها و روستاهای ایران پراکنده بودند. این گروه، مهم‌ترین مخالفان خلافت عباسی و دو حکومت غزنوی و سلجوقی بودند و به همین دلیل همیشه از سوی این حکومت‌ها مورد تعقیب و آزار قرار داشتند. از وجود پیروان ادیان مسیحی، یهودی و زرتشتی در برخی شهرهای ایران نیز گزارش‌هایی در دست است. در این عصر، گاه اختلافات و منازعاتی میان پیروان بعضی از فرقه‌ها و مذاهب اسلامی در برخی از شهرها و مناطق پیش می‌آمد. دخالت مقام‌های حکومتی به‌ویژه برخی سلاطین و وزیران غزنوی و سلجوقی در امور مذهبی و جانب داری آنها از یک فرقه و مذهب و دشمنی با فرقه و مذهب دیگر، به این اختلافات و درگیری‌ها دامن می‌زد.

فعالیت ۵

سیاست مذهبی سلجوقیان را با سیاست مذهبی آل بویه مقایسه کنید و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آن را بیان نمایید.

بیشتر بدانید

اسماعیلیان ایران

اسماعیلیان از قرن سوم هجری فعالیت تبلیغی خود را در ایران آغاز کردند و در دوران سلجوقیان به یک جریان مذهبی سیاسی نیرومند تبدیل شدند. رهبری اسماعیلیان ایران را در آن زمان حسن صَبّاح عهده‌دار بود و با خلافت فاطمیان مصر ارتباط داشت. حسن صَبّاح و جانشینان او با تصرف و یا بنای دژها در مناطق کوهستانی و صعب‌العبور، پایگاه‌های مستحکم و نفوذناپذیر برای خود ایجاد کردند و با سلجوقیان و خلافت عباسی به مبارزه پرداختند. دژ الموت در نزدیکی قزوین و دژ گردکوه در حوالی دامغان از جمله مهم‌ترین قلعه‌های آنان بود. اسماعیلیان هم‌زمان با مبارزات نظامی برای تبلیغ آیین خود و جذب مردم، خصوصاً شیعیان، به مذهب اسماعیلی و عقاید سیاسی خود فعالیت‌های فرهنگی زیادی انجام دادند. آنان از افرادی به عنوان «داعی» برای دعوت و جذب مردم به اندیشه‌های خود استفاده می‌کردند. یکی از داعیان معروف اسماعیلی، شاعر و متفکر بزرگ ایرانی، ناصر خسرو بود که چندین کتاب مهم به زبان فارسی در این زمینه نوشت. خواجه نصیرالدین توسی، دانشمند معروف شیعی قرن هفتم هجری، از کتابخانه بزرگ و غنی اسماعیلیان بهره فراوان برد. مبارزات اسماعیلیان نقش مهمی در تضعیف سلجوقیان داشت.



بقایای قلعه الموت

کشاورزی و زمین‌داری

در عصر حکومت‌های غزنوی و سلجوقی نیز مانند دیگر دوره‌های تاریخی، کشاورزی مهم‌ترین و اصلی‌ترین فعالیت اقتصادی مردم ایران به شمار می‌رفت.

در عصر سلجوقی، با تدبیر نظام‌الملک، شکلی از زمین‌داری با عنوان اقطاع که در دوره حکومت آل بویه رایج بود، گسترش یافت. اقطاع به انواع مختلف واگذاری زمین به افراد نظامی یا صاحبان مشاغل دیوانی گفته می‌شد. نظام‌الملک با هدف نظارت و آباد کردن زمین‌های بایر و بلااستفاده، نظام اقطاع را توسعه داد. گرچه این سیاست در ابتدا نتایج و عواید مثبتی برای حکومت داشت، اما پس از نظام‌الملک به دلیل تمایل تدریجی صاحبان اقطاع به استقلال، سبب جدایی مناطقی شد که زمین‌های اقطاعی در آنها قرار داشتند و نهایتاً به ضعف و زوال حکومت سلجوقی کمک کرد. نوع دیگر مالکیت که به تدریج در این دوران در ایران توسعه یافت، زمین‌های وقفی بود.

تجارت و پیشه‌وری

در دوره سلجوقی تجارت داخلی و خارجی ایران به‌طور چشمگیری رشد کرد. گسترش قلمرو، برقراری نظم و امنیت، ایجاد راه‌های جدید و توسعه حمل‌ونقل و وجود نظام دیوانی کارآمد از جمله عواملی بودند که به رشد تجارت کمک کردند. با رونق تجارت، شهر و شهرنشینی نیز رشد یافت. بازارها به عنوان قلب تپنده شهر رو به توسعه گذاشت.

بیشتر بدانید

حکیم عمر خیام نیشابوری

حکیم عمر خیام یکی از برجسته‌ترین دانشمندان در عصر سلجوقی بود. خیام که شهرتش اکنون بیشتر به‌خاطر رباعیات اوست، در علوم ریاضی و نجوم سرآمد عصر خود محسوب می‌شد. علاوه بر آن در فلسفه نیز تبحر داشت. برخی محققان، عصر خیام را پایان دوره‌ای می‌شمارند که علم در دنیای آن روزگار تقریباً به مسلمانان اختصاص داشت. کتاب او با عنوان «رساله فی الجبر و المقابله» که در تاریخ علم آن را برجسته‌ترین رساله در این زمینه در تمام قرون وسطا خوانده‌اند، شامل حل هندسی و تحقیق منظمی در طبقه‌بندی معادلات جبری درجه اول، درجه دوم و درجه سوم بود. وی همچنین در تحقیق و تنظیم تقویم جلالی نقش اساسی داشت.



مجسمه خیام در مقر سازمان ملل متحد در وین

دوره سلجوقی یکی از دوره‌های مهم هنر اسلامی تلقی می‌شود. گسترش قلمرو، حکومت فراگیر، توسعه شهرنشینی، رشد اقتصادی و حمایت دولتمردان، در شکوفایی هر چه بیشتر هنر و معماری این دوره تأثیر بسزایی داشت. مسجد، مدرسه، کاروان‌سرا و نیز مقابر از جمله بناهایی بودند که در آن دوره توسط معماران ایرانی ساخته می‌شدند.

مسجد جمعه اصفهان^۱ که اولین مسجد چهار ایوانی در ایران است، الگویی برای معماران مساجد در دوره‌های بعدی شد. کاشی‌ها و گچ‌بری‌ها و تزیینات به کار رفته در این مسجد نیز به عنوان نمونه‌ای عالی از هنر این دوره محسوب می‌شوند. فلزکاری در عصر سلجوقی یکی از درخشان‌ترین دوران خود را در تاریخ ایران پشت سر گذاشت. شیوه‌های تولید و تزیین فلزکاری عصر سلجوقی به دلیل غنای خود بعداً به سرزمین‌های غرب قلمرو اسلامی انتقال یافت.

بیشتر بدانید

اولین مسجد در جهان اسلام در زمان حضرت رسول ﷺ ساخته شد. برای ساخت مسجد با توجه به آفتاب سوزان عربستان، با استفاده از تنه و برگ درختان نخل و در سمت روبه‌قبله آن سایبانی ایجاد گردید. با گسترش اسلام و افزایش جمعیت نمازگزاران، سایبان بزرگ‌تر، و تعداد ستون‌های آن بیشتر شد. نقش مهمی که این سایبان در آسایش نمازگزاران داشت، باعث شد تا کم‌کم به عنوان یک کالبد معماری شاخه شده و نام «شبستان» گیرد. با گسترش اسلام در سرزمین‌های جدید، مسجد پیامبر در مدینه الگوی ساخت مساجد قرار گرفت و از آنجا که کالبد شاخص آن شبستان بود، تحت عنوان سبک شبستانی در میان ملل مختلف مسلمان رواج یافت.

در ایران قبل از عهد سلجوقیان مساجد بسیاری ساخته شده که اغلب آنها مانند دیگر مساجد جهان اسلام دارای سبک شبستانی است. مسجد تاریخانه دامغان و مسجد جامع نائین، جزء قدیمی‌ترین نمایندگان این سبک هستند. در دوره سلجوقیان در قلب کویر مرکزی ایران سبک تازه‌ای برای ساخت مساجد به وجود آمد که ریشه در معماری عهد ساسانی دارد. در سبک جدید که به خاطر سازگاری با اقلیم ایران رونق فراوانی یافت، حیاط مستطیل شکل مرکزی به وسیله تاق و یا تاق‌نماها در یک یا دو طبقه محصور شده است. در وسط هر نما، ایوانی رفیع خودنمایی می‌کند که بسیار بزرگ‌تر از دهانه‌های دیگر است و تزیینات فراوان، نشان از اهمیت بسزای آن دارد. این چهار ایوان به عنوان واسطه بین حیاط (فضای باز مسجد) و شبستان (فضای بسته مسجد) عمل می‌کند و به مناسبت وجود آنها، این سبک مساجد به «چهار ایوانی» مشهور شدند.



نخستین نمونه مسجد چهارایوانی در شهر زواره و اردستان ساخته شد ولی بارزترین و برجسته‌ترین مسجد چهارایوانی دوره سلجوقی، «مسجد جمعه اصفهان» است. در دوره‌های بعد سبک چهارایوانی در ایران و سپس سراسر آسیای مرکزی، به عنوان سبک غالب معماری تداوم یافت. از نمونه‌های دیگر آن می‌توان به مسجد گوهرشاد (عهد تیموری) و مسجد جامع عباسی (عهد صفوی) اشاره کرد.

مسجد جمعه اصفهان: مسجد جمعه اصفهان با بیش از ۲۰۰۰۰ مترمربع در شمال شرقی شهر واقع است. بنای اولیه مسجد در دوران عباسیان بوده و در دوره‌های بعدی به تدریج گسترش یافته و به همین دلیل مجموعه‌ای از معماری و سبک‌های تزئینی دوره‌های مختلف معماری ایرانی - اسلامی را به تصویر می‌کشد و نشان‌دهنده تحولات سبک در بیش از هزار سال هنر اسلامی است که برجسته‌ترین آنها به دوره سلجوقی بازمی‌گردد.

مسجد جمعه امروزه شامل قسمت‌های مختلفی چون گنبد نظام‌الملک، گنبد تاج‌الملک، صحن چهارایوانی، شبستان‌ها و بنای معروف به مدرسه مظفری است. به دلیل ارزش‌های هنری و معماری تاریخی، این اثر ارزشمند در سال ۱۳۹۰ در سازمان یونسکو به عنوان میراث جهانی، به ثبت رسید.



مسجد جمعه اصفهان

پرسش‌های نمونه

- ۱ حکومت‌های طاهریان و سامانیان را با سلسله‌های صفاریان و آل‌بویه از نظر نحوه به قدرت رسیدن و نوع رابطه با خلافت عباسی مقایسه کنید.
- ۲ نقش سلسله‌های ایرانی را در پیشرفت و شکوفایی علوم و معارف اسلامی در سده‌های سوم تا پنجم هجری شرح دهید.
- ۳ اهداف محمود غزنوی از حمله به هند چه بود؟
- ۴ نظام‌الملک چه اهدافی از تقویت و توسعه نظام اداری در عصر سلجوقی داشت؟
- ۵ چه عواملی در رشد تجارت داخلی و خارجی در دوره سلجوقی نقش داشتند؟



هجوم مغولان به ایران در ابتدای قرن هفتم هجری، آغازگر دورانی جدیدی در تاریخ ایران و جهان اسلام بود و پیامدهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مهمی را در پی داشت که منجر به تغییر و تحولاتی در تاریخ کشور ایران و بلاد اسلامی شد. در این درس شما با بررسی شواهد و مدارک تاریخی، علل و نتایج تغییر و تحولات دوران خوارزمشاهیان، مغول - تیموری را شناسایی و تحلیل خواهید کرد.

الف) اوضاع سیاسی

۱. خوارزمشاهیان

خوارزم، یکی از مناطق آباد ایران زمین در قرون نخستین و میانه اسلامی بود. به حاکمان ناحیه خوارزم، خوارزمشاه گفته می‌شد. خاندان حاکم بر این منطقه با وجود استقلال داخلی، از سلجوقیان اطاعت می‌کردند. پس از آنکه حکومت سلجوقی دچار ضعف و انحطاط شد، حاکم خوارزم ادعای استقلال کرد. جانشین او، با شکست دادن آخرین سلطان سلجوقی، بر بخش وسیعی از ایران تسلط یافت. پس از آن سلطان محمد خوارزمشاه نیز توسعه طلبی را وجهه همت خود قرار داد و با تسلط بر مناطق جدیدی، قلمرو خوارزمشاهیان را گسترش داد. در زمان سلطان محمد، روابط خوارزمشاهیان با خلافت عباسی، به تیرگی گرایید. خلیفه عباسی که در آن زمان در صدد احیای قدرت

سیاسی و نظامی خود بود، از تأیید حکومت خوارزمشاهیان خودداری کرد. به همین سبب سلطان محمد خوارزمشاه برای مقابله با عباسیان، یکی از سادات حسینی^۱ را به عنوان خلیفه اعلام کرد و به بغداد لشکر کشید؛ اما سپاه او در گردنه اسدآباد همدان، بر اثر برف و سرمای شدید، متوقف شد.



قلمرو خوارزمشاهیان در زمان سلطان محمد خوارزمشاه

۲ هجوم مغول به ایران

مغول‌ها، دسته‌هایی از قبایل زردپوست بودند که در پی اقدامات سیاسی، نظامی و حقوقی چنگیز (تموچین) متحد و قدرتمند شدند. شرایط نامساعد طبیعی، پاسخ‌گوی نیازهای اقتصادی آنها نبود و در نتیجه برای تأمین معاش خود به جنگ و هجوم به سرزمین‌های دیگر روی آوردند.

موج اول حمله مغول به ایران که با فرمان چنگیزخان انجام گرفت، شش سال طول کشید (۶۱۶-۶۲۲ق). اختلاف سیاسی و درگیری حکومت خوارزمشاهی با خلافت عباسی، از یک سو موجب تفرقه و تضعیف قدرت جهان اسلام شد و از سوی دیگر سبب گردید که سلطان محمد خوارزمشاه از تهدیدات قدرت نوظهور مغول‌ها غافل بماند. در چنین شرایطی بود که چنگیزخان مغول به بهانه کشتار بازرگانان اعزامی خود در شهر مرزی اترار، فرمان هجوم به ایران را صادر کرد. این هجوم با کشتار جمعیت، ویرانی شهرها، اسارت صنعتگران و هنرمندان، مهاجرت مردم، زوال اقتصاد کشاورزی و تعطیلی مراکز علمی و آموزشی در بخش وسیعی از ایران همراه بود و باعث نابسامانی اوضاع آن مناطق شد. حدود سی سال بعد، موج دیگری از حملات مغول‌ها به فرماندهی هولاکوخان، نوه چنگیزخان صورت گرفت و به تأسیس حکومت ایلخانان انجامید (۶۵۴ق).



مسیر حرکت اقوام مغول به ایران و دیگر کشورها

یک توضیح

در کتاب تاریخ جهانگشای جوینی آمده است :

« در میان آن کشمکش‌ها و تلاطم امواج فتن... مراکز علم و ادب، همگی خراب شد و مخازن صنعت و ثروت، مأوای بوم و غراب گشت. علما و فضلا را همه جا جمعاً مانند گوسفند ذبح کردند، کتابخوان‌ها و کتابخانه‌ها را همگی نیست و نابود کردند و از اقل نتایج و آهون آثار استیلای مغول بر ایران آن بود که علم و ادب در آن سرزمین، در عهد ایشان به منتهای درجه انحطاط و تنزلی که ادبیات یک مملکت ممکن است بدان درجه رسد، رسید و کسانی که اندکی به علوم و ادبیات اسلامی آشنا باشند، تفاوت درجه فاحشی را که مابین کتب و تألیفات قبل از استیلای مغول و کتب و آثار بعد از آن نمایان است البته ملاحظه کرده‌اند.» (تاریخ جهانگشای جوینی، ج ۱، ص ۵ مقدمه)

مورخان نوشته‌اند چنگیز کاروانی شامل پانصد بازرگان با کالاهایی گرانبها را به ماوراءالنهر فرستاد. حاکم شهر مرزی اُترار به نام غایرخان، اموال آنان را تصاحب کرد و جز یک تن همه آنها را کشت. منابع تاریخی درباره انگیزه وی اتفاق نظر ندارند. بعضی علت این اقدام را جاسوس بودن آنها دانسته‌اند، برخی علت آن را به‌جا نیاوردن شرط ادب ذکر کرده‌اند و بعضی هم این اقدام را با اجازه سلطان محمد خوارزمشاه و ناشی از طمع دستیابی به ثروت کاروانیان شمرده‌اند. به هر حال، این واقعه بهانه‌ای شد تا چنگیزخان مغول فرمان هجوم به ایران را صادر نماید.

۳ ایران در عهد ایلخانان

ایلخان به معنی «خان تابع» است و حکومت ایلخانی یا ایلخانان به حکومتی گفته می‌شود که پس از تسلط مغولان بر ایران به دست هولاکوخان نوه چنگیزخان تشکیل شد. او در زمان فرمانروایی برادرش منگوقاآن، به منظور نظم بخشیدن به قلمرو مغول و گسترش فتوحات در غرب آسیا، به ایران لشکرکشی کرد (۶۵۰ق). هولاکو، نخست قدرت اسماعیلیان را با گشودن قلعه‌های مستحکم آنان از بین برد. او سپس با تسخیر بغداد و کشتن خلیفه عباسی، به حکومت خاندان بنی عباس پایان داد (۶۵۶ق). مغولان پس از فتح بغداد، به شام یورش بردند، اما از سپاه حکومت مملوکان مصر شکست خوردند و از ادامه پیشروی بازماندند.

فکر کنیم و پاسخ دهیم

یکی از نتایج مهم لشکرکشی هولاکوخان، فتح بغداد و برانداختن خلافت عباسیان بود (۶۵۶ق). به نظر شما این رویداد از نظر سیاسی و مذهبی چه آثار و پیامدهایی برای ایران داشت؟



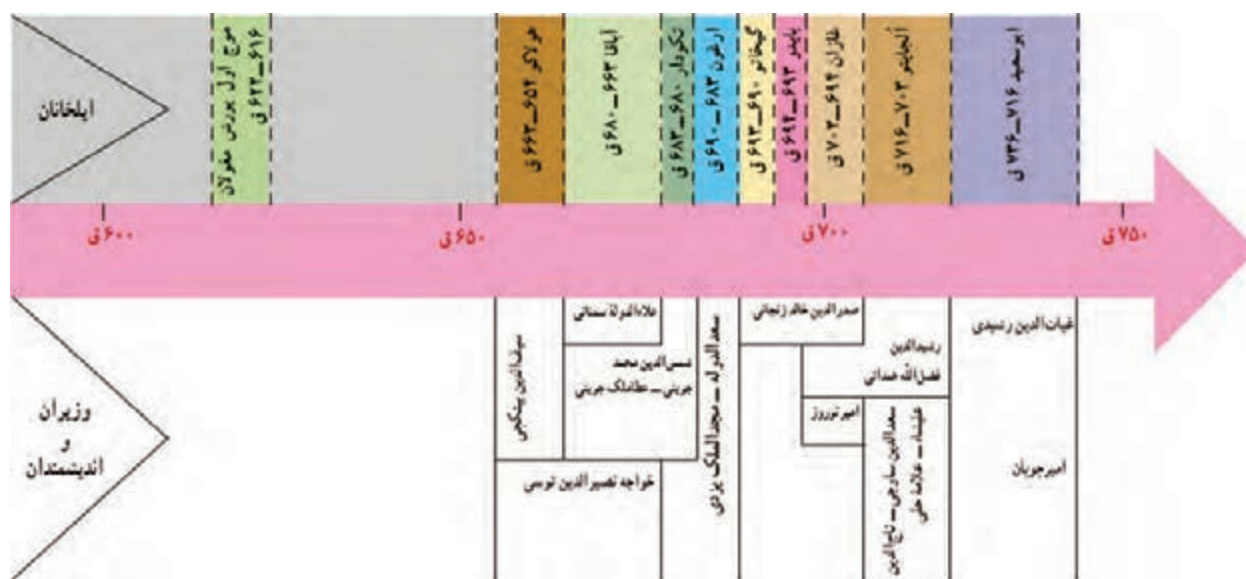
هولاکوخان و همسرش دو قوز خاتون، صفحه‌ای از کتاب جامع التواریخ

در سراسر دوره حاکمیت ایلخانان (۶۵۴-۷۳۶ق) وضعیت یکسان و یکنواختی وجود نداشت. دوره حاکمیت آنها را می‌توان به دوره نامسلمانی و دوره مسلمانی تقسیم کرد. در دوره نامسلمانی مغول، بزرگان ایرانی برای مهار خشونت و رفتارهای خودسرانه فاتحان بودائی مغول، تلاش‌های بسیاری کردند. دیوان‌سالاران، فلاسفه، شعرا و در رأس آنان کسانی چون خواجه نصیرالدین توسی، شمس‌الدین محمد جوینی و برادرش عظاملک جوینی کوشیدند تا مغول‌ها را با فرهنگ ایرانی-اسلامی و آداب کشورداری آشنا کنند و زمینه مسلمان شدن این قوم غالب را فراهم آورند. هنگامی که مغول‌ها زمام امور را در ایران به‌دست گرفتند، مظاهر تمدنی و فرهنگی ایرانیان مسلمان، توسط وزیران کاردان ایرانی، مجدداً بازآفرینی شد.



قلمرو ایلخانان در زمان غازان خان

دوره شاهان مسلمان مغول در ایران از زمان غازان شروع شد. با مسلمان شدن غازان (۶۹۴ ق) و بسیاری از شاهزادگان و خوانین، اسلام دین رسمی شد و در پرتوی تلاش تعدادی از وزرا و امیران مسلمان ایرانی و مغول در دربار غازان، اصلاحات گسترده‌ای در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی انجام گرفت. ایران که با سقوط خلافت عباسی و تشکیل حکومت ایلخانی، به لحاظ جغرافیایی و سیاسی، وضعیت منسجم‌تری یافته بود، در عهد سلطنت غازان به استقلال و اقتدار بیشتری رسید. ألبایتو جانشین غازان و پسرش ابوسعید نیز مسلمان بودند. مرگ ابوسعید، آخرین ایلخان مغول (۷۳۶ ق)، آغازگر چهار دهه آشفتگی سیاسی و نابسامانی نسبی در اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران بود که تا زمان قدرت‌گیری تیمور ادامه یافت. در این دوره، علاوه بر خان‌زادگانی از خاندان چنگیز و سرداران مغول که بر سر کسب قدرت رقابت و درگیری داشتند، چندین حکومت محلی غیرمغولی نیز در مناطق مختلف ایران به وجود آمدند. حکومت‌های شیعه مذهب سربداران و سادات مرعشی مازندران و سلسله آل مظفر از جمله آنها بودند.





قیام سرداران در سبزواری (بیهق)

در زمان ایلخانان میان مسلمانان اعم از شیعه و سنی هماهنگی زیادی در جهت مقابله فکری و فرهنگی با مغول وجود داشت. این هماهنگی و وحدت میان مسلمانان، علاوه بر اینکه در اثبات برتری فرهنگ و مدنیت اسلامی مؤثر بود، در تعالی جایگاه مسلمانان در دنیای آن روز تأثیر مناسبی داشت. در این زمان شیعیان تحرک بیشتری داشتند و در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی به فعالیت پرداختند. نتیجه این فعالیت‌ها شکل‌گیری نهضت‌ها و حکومت‌های شیعه از قبیل سرداران بود.

در اواخر دوره ایلخانان، سرداران مغول در خراسان، ستمگری پیشه کردند. مردم سبزواری که پیرو مذهب شیعه بودند و تحت تأثیر فعالیت و تعالیم برخی مشایخ صوفی مبارز مانند شیخ خلیفه مازندرانی (د ۷۳۶ ق) و شاگردش شیخ حسن جوری (د ۷۴۳ ق) قرار داشتند، آماده مقابله با ظلم و بی‌عدالتی شدند. چون گستاخی و زیاده‌خواهی مأموران حکومت از حد گذشت، ساکنان روستای باشتین به رهبری دو تن از بزرگان آن دیار، با شعار «سر به دار می‌دهیم، تن به ذلت نمی‌دهیم»، قیام کردند و به سرداران معروف شدند. سرداران با شکست سپاه حاکم خراسان، بر سبزواری تسلط یافتند و تأسیس حکومت سرداری را اعلام کردند. آنان سپس با پیروزی بر حکام محلی، قلمرو خود را به نیشابور، بسطام، دامغان و سمنان گسترش دادند. سرداران مدافع و مروج مذهب شیعه بودند و سرانجام توسط تیمور از بین رفتند.

۴ ایران در عهد تیموریان

تقریباً هم‌زمان با زوال حکومت ایلخانان در ایران، حاکمان مغولی ماوراءالنهر نیز رو به ضعف نهادند و رقابت و درگیری شدیدی میان سران و فرماندهان قبایل برای کسب قدرت به وجود آمد. در این میان، تیمور گورکانی بر رقیبان خود غلبه کرد و حکومت ماوراءالنهر را به دست گرفت (۷۷۱ ق). تیمور سپس طی سه مرحله یورش که همچون هجوم مغول‌ها، با کشتار فراوان همراه بود، سرتاسر ایران را تحت سیطره خود درآورد. پس از مرگ تیمور، شاهرخ، پسر و جانشین او بر سراسر ایران حکومت کرد (۸۰۷-۸۵۰ ق). بعد از مرگ شاهرخ، شاهزادگان تیموری که بر مناطق مختلف حکومت می‌کردند، با یکدیگر به رقابت و ستیز برخاستند. در چنین اوضاع و احوالی بود که دو اتحادیه قبیله‌ای متشکل از ترکمانان به نام‌های قراقویونلو^۱ و آق‌قویونلو^۲ به ترتیب با بی‌افکندن حکومت‌هایی، نواحی غربی و مرکزی ایران را تصرف کردند و حکومت تیموریان به مناطق شرقی ایران محدود شد. حکومت نوادگان تیمور بر ایران، در اوایل قرن دهم هجری با به قدرت رسیدن صفویان در ایران و تسلط ازبکان بر ماوراءالنهر به پایان رسید. مدتی بعد بابر، یکی از شاهزادگان تیموری، حکومتی را در هند بنیان گذاشت که به «گورکانیان هند» یا «مغولان کبیر» معروف شد.

۱. به معنای سیاه‌گوسفندان

۲. به معنای سفیدگوسفندان



قلمرو تیموریان در زمان شاهرخ

(ب) نظام اجتماعی و حقوقی

۱ شهر و شهرنشینی

شهر و شهرنشینی در تمدن ایرانی، دارای پیشینه‌ای کهن و جایگاه و اهمیت والایی بود. با هجوم مغول به ایران، زندگی شهری برای مدتی دچار وقفه و افول شد؛ زیرا، از یک طرف در جریان حملات مغول‌ها شهرهای زیادی به ویژه شهرهای بزرگ و آباد در ماوراءالنهر و خراسان ویران شدند و عده زیادی از ساکنان آنها یا کشته شدند و یا به مناطق دیگری مهاجرت کردند. از طرف دیگر، یاسا به عنوان مجموعه قوانینی که چنگیزخان تدوین کرده بود، به مغول‌ها توصیه می‌کرد که از شهر و شهرنشینی دوری گزینند. مغول‌ها حتی پس از تسخیر چین و ایران و تسلط بر شهرهای بزرگ و آباد، همچنان از شهر و شهرنشینی روی گردان بودند. از این رو، سپاهیان و دیگر اعضای قبایل بیابان‌گردی که در زمان هجوم مغول‌ها و پس از آن به ایران آمدند، به اصول و قواعد زندگی یک جانشینی پایبند نبودند و شرایط را برای یک جانشینان دشوار و غیرقابل تحمل می‌کردند. با این حال، پس از استقرار حکومت ایلخانی و در پی تلاش‌های دیوان‌سالاران و فرهیختگان ایرانی برای مهار رفتار غیرمدنی مغول‌ها، به تدریج شهر و شهرنشینی رونق یافت.

شهر و شهرنشینی در عصر تیموریان برخلاف اوایل دوره مغول، دچار رکود و زوال نشد. تیمور با وجود یورش‌ها و کشتارهای زیادی که انجام داد، به شهرسازی علاقه‌مند بود. او هنرمندان و صنعتگران شهرهایی را که فتح می‌کرد به سمرقند، پایتخت خود می‌فرستاد تا در آبادانی و زیبایی آن شهر بکوشند.



برداشت خود را از این جمله معروف طنزآمیز که «تیمور دنیایی را ویران کرد تا شهری را آباد کند»، بیان نمایید.



جانشینان تیمور، سیاست جنگ و کشورگشایی او را کنار گذاشتند و به عمران و آبادی، علم، فرهنگ و هنر علاقه و توجه زیادی نشان دادند. به همین دلیل در دوره آنان شهر و شهرسازی شکوفا شد و شهرهای هرات، شیراز، مشهد و یزد رشد و رونق چشمگیری یافتند.



مجموعه تاریخی امیرچخماق — یزد

۲ قشرهای اجتماعی

یکی از ویژگی‌های اجتماعی دوران فرمانروایی مغولان و تیموریان، دگرگونی نسبی در بافت قومی و جمعیتی ایران بود. هجوم مغولان، از نظر اجتماعی و اقتصادی، پیامدهای مختلفی به دنبال داشت و موجب کاهش جمعیت، مهاجرت‌های گسترده، تخریب زیرساخت‌های اقتصادی و فرهنگی و زوال موقعیت اجتماعی ملاکین، عالمان، بازرگانان، دیوان‌سالاران و خاندان‌های بانفوذ شد. علاوه بر آن، با هجوم مغولان، جمعیت قابل توجهی از اقوام مغول و غیرمغول به ایران وارد شدند و بافت قومی و جمعیتی جامعه ایرانی را تحت تأثیر قرار دادند.

بیشتر بدانید

گوهرشاد خاتون

گوهرشاد بیگم، معروف به گوهرشاد آغا، همسر شاهرخ تیموری و دختر امیر غیاث‌الدین ترخان، یکی از امرای تیموری بود. گوهرشاد بیگم، زنی نیکوکار، ثروتمند، ادب دوست، خردمند و باسیاست بود. او و همسرش شاهرخ، از طریق حمایت بی‌دریغ از شعرا، نویسندگان، هنرمندان، معماران، دانشمندان و عالمان، نقش مهمی در رونق و شکوفایی زبان و ادب فارسی و هنر و معماری داشتند. از آثار و بناهای خیره‌ای که توسط گوهرشاد آغا ایجاد شد، می‌توان از مسجد گوهرشاد در جوار حرم امام رضا علیه السلام، مسجد جامع، مدرسه و خانقاه شهر هرات نام برد. پسران او، آغ‌بیگ و بایسنقر میرزا نه تنها حاکمانی سخاوتمند در حمایت از هنرمندان و عالمان بودند، بلکه خود نیز هنرمندانی قابل و دانشمندانی برجسته و کم‌نظیر به‌شمار می‌رفتند.



۳ نظام حقوقی و قضایی

بنیان قوانین جاری در ایران دوران اسلامی، مبتنی بر دو سرچشمه شریعت اسلام و عُرف بود. محاکم سه گانه شرع، مظالم و حِسبه بر اساس قوانین دینی و عرفی قضاوت می کردند. مغول ها تا پیش از آنکه مسلمان شوند، بر پایه مجموعه قوانینی موسوم به یاسا عمل می کردند و دعاوی حقوقی آنها در دادگاهی موسوم به یَرغو و زیر نظر یَرغوچی حل و فصل می شد. پس از مسلمان شدن مغول ها، یاسا و سنت های مغولی تا حد زیادی از رونق افتاد، اما برخی از این سنن تا زمان تیموریان نیز ادامه داشت و به خصوص در امور سیاسی و لشکری به کار گرفته می شد؛ به گونه ای که تیمور نیز با وجود مسلمان بودن، به نسب مغولی خود و سنت های مغولی افتخار می کرد و خود مجموعه قوانینی موسوم به تَروکات را به وجود آورد. با این حال در سراسر عهد تیموریان، قوانین شرعی و عرفی مبنای زندگی اجتماعی و داوری حقوقی ایرانیان بود.

پ) وضعیت اقتصادی

کشاورزی و تجارت

بخش عمده اقتصاد ایران در دوران اسلامی همچون عصر باستان، بر کشاورزی و تجارت استوار بود. هجوم مغولان و سیل بیابان گردانی که در زمان این هجوم و پس از آن به سوی ایران سرازیر شدند، آسیب جدی به فعالیت های کشاورزی و نظام آبیاری وارد آورد، به گونه ای که از تولید محصولات زراعی و درآمدهای حاصل از کشاورزی، بسیار کاسته شد. مناطق ماوراءالنهر و خراسان که در جریان تهاجم مغولان بیشترین خسارت را تحمل کردند، از جمله حاصل خیزترین و آبادترین مناطق ایران به شمار می رفتند. علاوه بر آن، بیگانگی مغولان با قواعد زندگی یک جانشینی و از جمله امور کشاورزی، نیز در بروز این وضعیت، مؤثر بود. پس از آنکه مغولان جذب اسلام و فرهنگ ایرانی شدند و دیوان سالاران ایرانی نقش فعالی در اداره امور حکومت به عهده گرفتند، وضعیت کشاورزی و کشاورزان بهبود یافت. بخش عمده ای از اصلاحات غازان خان، از جمله اصلاح قوانین مالیاتی، بازسازی قنات ها و شبکه های آبیاری و اصلاح نظام زمین داری، به منظور پیشرفت و رونق فعالیت های بخش کشاورزی انجام گرفت. برخلاف اقتصاد کشاورزی، اقتصاد شهری و تجاری در عصر مغول و تیموری وضعیت به مراتب بهتری داشت. کشورگشایی های چنگیز و تیمور موجب شد که سرزمین های وسیعی در قاره پهناور آسیا به لحاظ سیاسی یکپارچه و متحد شوند و زمینه توسعه تجارت بین المللی فراهم آید. در سراسر عهد مغول - تیموری کاروان های تجاری در مسیرهای زمینی و دریایی در حال تردد بودند. در آن دوره، تجارت در مسیر جاده ابریشم و راه های دریایی که از بندر و جزایر ایرانی در خلیج فارس و دریای مکران (عمان) به هند و چین می رفت، پررونق بود. در مقایسه با مردم غیرشهری، بازاریان و صنعتگران از زندگی به مراتب بهتری برخوردار بودند.

فعالیت ۱: بررسی شواهد و مدارک

با راهنمایی دبیر متن زیر را بخوانید و به پرسش های مربوط به آن پاسخ دهید.

«و این هرمز که آن را جَرون گویند در میان دریا بندری است که در روی زمین بَتل ندارد.

تجّار اقالیم سبعة از مصر و شام و روم و آذربایجان و عراق عرب و عجم و ممالک فارس و خراسان و ماوراءالنهر و ترکستان و

مملکت دشت قبحاق^۱ و نواحی قَلماق و تمام بلاد شرق و چین و ماچین و خان بالیق^۲، روی توجه به آن بندر دارند و مردم دریابار از حدود چین و جاوه و بنگاله و سیلان و... جزایر دیوه محل تا دیار بلیبار^۳ و حبش [حبشه] و زنگبار و بندرهای بیجانگر و گلبرگه و گجرات و کنبات^۴ (کنبایت) و سواحل بَرّ عرب تا عدن و جدّه و ینوع^۵ نفایس و ظرایف، که ماه و آفتاب و فیض سحاب آن را آب و تاب داده و بر روی دریا توان آورد، به آن بلده آرند و مسافران عالم از هر جا آیند و هرچه آرند در برابر هر چه خواهند بی زیادتِ جست و جوی، در آن شهر یابند. هم نقد دهند و هم معاوضه کنند و دیوانیان از همه چیز، غیر از نقود زر و نقره، عُشر ستانند و اصحاب ادیان مختلفه بل کفار در آن شهر بسیارند و بیرون از عدل با هیچ آفریده معامله ای ندارند و به این سبب آن بلده را دارالامان گویند» (سمرقندی، مطلع سعدین و مجمع بحرین، جلد ۳، صص ۵۱۳-۵۱۴).

۱. متن بالا بیانگر چه اطلاعاتی دربارهٔ وضعیت تجارت خارجی ایران و شرکای بین‌المللی آن در عصر تیموری است؟



سکه ایلخان غازان

۲. از متن بالا چه برداشتی می‌توان در خصوص شرایط بنادر و

حمل و نقل دریایی ایران در دورهٔ تیموری کرد؟

۳. متن بالا دلالت بر آن دارد که تجار ایرانی در زمان تیموریان با

چه کشور و سرزمین‌هایی روابط تجاری داشته‌اند؟ (۵ کشور یا سرزمین را نام ببرید).

فرهنگ و هنر در عصر مغول — تیموری

ت) دین و اعتقادات در عصر مغول — تیموری (اسلام‌پذیری مغولان)

برخی مغولان در آغاز، پیرو آیینی ساده موسوم به شَمَنی بودند که زیر نظر روحانیانی با عنوان شَمَن اداره می‌شد. پیروان این آیین، مجموعه‌ای از مظاهر طبیعت را می‌پرستیدند و هرچند به خدای بزرگ اعتقاد داشتند، اما خداپرستی آنان ناقص بود. برخی از مغولان نیز بودائی و اندکی مسیحی بودند.

اقوام مغول در مسائل دینی چندان تعصبی نداشتند و با پیروان دین‌های دیگر با ملایمت برخورد می‌کردند. این مدارای اعتقادی (تسامح و تساهل)، هر چند از روی آگاهی نبود و بیشتر متأثر از شرایط زندگی آنها بود، اما در پذیرش دین‌های مختلف از سوی فرمانروایان و بزرگان مغولی تأثیر بسزایی داشت. تسامح و تساهل دینی مغولان باعث شد که پیروان دین‌های گوناگون در میان آنان به تبلیغ دین خود بپردازند. بزرگان ایرانی، شامل دیوان‌سالاران، عالمان و مشایخ صوفی به خوبی از این موقعیت برای مسلمان کردن ایلخانان و امیران مغول بهره بردند. در دوران پس از هجوم مغول به ایران، پیروان مذاهب و فرق اسلامی، به خصوص اهل تسنن، شیعیان و صوفیان، اختلاف و رقابت گذشتهٔ خود را کنار گذاشتند و متحد و یکدل برای مسلمان شدن مغول‌ها تلاش کردند.

اسلام آوردن مغولان، یکی از رویدادهای مهم دورهٔ ایلخانان بود؛ زیرا در نتیجهٔ هم‌نوایی دین و دولت و برتری شریعت اسلامی بر یاسای

۱. دشتی در مغرب کشور کنونی قزاقستان

۲. نام قدیمی پکن

۳. احتمالاً مالابار باشد که ناحیه‌ای در جنوب غربی هندوستان است.

۴. از بلاد معروف هند

۵. بندری در ساحل دریای سرخ در حجاز

چنگیزی، حکومت ایلخانی ماهیت ایرانی – اسلامی یافت و موجب شد که مردم نسبت به آن احساس بیگانگی کمتری بکنند. همچنین با مسلمان شدن مغول‌ها، نفوذ و قدرت ایرانیان در دربار ایلخانان و اداره حکومت بیش از پیش افزایش یافت و زمینه برای بازسازی ایران و انجام اصلاحاتی در امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراهم آمد.

در دوره ایلخانان به ویژه به دنبال کوشش‌های علمی و فرهنگی خواجه نصیرالدین توسی و علامه حلی، تشیع در ایران گسترش یافت. در آن زمان، نفوذ مذهب شیعه به حدی رسید که ایلخان الجایتو، جانشین غازان به این مذهب گروید.

تیمور و جانشینان او مسلمان بودند و اصحاب دین را مورد احترام قرار می‌دادند. در عصر تیموری، مدارس، مساجد و خانقاه‌های بسیاری ساخته شد. سلاطین تیموری پیرو مذهب تسنن بودند. در دوران حکومت آنان همچون عصر ایلخانان، شیعیان و صوفیان با محدودیت و سخت‌گیری خاصی مواجه نبودند و آزادانه فعالیت می‌کردند. اتحاد و زندگی مسالمت‌آمیز پیروان مذاهب و فرق اسلامی و معتقدان به دین‌های دیگر، از ویژگی‌های شاخص عصر مغول – تیموری بود.

استنباط تاریخی

با راهنمایی دبیر و همفکری، چند دلیل برای اتحاد و یگانگی پیروان مذاهب و فرق اسلامی و زندگی مسالمت‌آمیز آنان در عصر ایلخانان و تیموریان ذکر کنید.

بیشتر بدانید

ایلخانان مسلمان

تکودار (حک ۶۸۱-۶۸۳ ق) پسر هولاکوخان، نخستین ایلخان مسلمان به شمار می‌رود. او پیش از رسیدن به حکومت، مسلمان شد و نام اسلامی احمد را برای خود برگزید. دولتمردان ایرانی و در رأس آنها شمس الدین محمد جوینی، نقش



نگاره اسلام آوردن غازان خان

زیادی در به قدرت رساندن وی داشتند. تکودار در دوران کوتاه فرمانروایی خود اقدامات مؤثری در سیاست داخلی و خارجی به نفع مسلمانان انجام داد. اگرچه این ایلخان مسلمان توسط ارغون که از سوی بزرگان و شاهزادگان غیرمسلمان مغول پشتیبانی می‌شد، از قدرت برکنار و کشته شد، اما بزرگان ایرانی بر تلاش خود برای مسلمان شدن مغولان و مهار رفتارهای غیرمدنی آنها افزودند. آنان سرانجام موفق شدند که غازان خان، هفتمین ایلخان را که شخصیت مقتدری داشت به دین اسلام رهنمون سازند (۶۹۴ ق). بسیاری از امیران و سپاهیان مغول نیز به تبعیت از وی مسلمان شدند. غازان که نام اسلامی محمود را بر خود نهاده بود، اسلام را دین رسمی اعلام کرد و در مسجد جامع تبریز نماز گزارد. وی اقدامات مهمی در جهت اسلامی کردن جامعه و حکومت انجام داد و برای سادات و مشایخ و بزرگان دین، مقرری تعیین کرد.

گسترش تصوف

یکی از تحولات مهم دوران ایلخانان و تیموریان، رشد قابل توجه تصوف و طریقت‌های صوفیانه بود. هجوم ویرانگر و وحشت‌انگیز مغول به ایران و نگرانی و ناامیدی‌ای که در جامعه ایجاد کرد، نقش مؤثری در روی آوردن مردم به عرفان و تصوف داشت. از این رو، در عصر ایلخانان و تیموریان طریقت‌های صوفیانه بزرگی همچون صفویه، نعمت‌اللهیه، حروفیه، نوربخشیه، نقش‌بندیه، مشعشعیه و... ظهور کردند و یا فعالیت خود را گسترش بخشیدند. کثرت پیروان و مریدان طریقت‌های صوفیانه، موجب افزایش نفوذ و موقعیت اجتماعی رهبران و مشایخ آن طریقت‌ها شد. فرمانروایان و مقام‌های سیاسی و نظامی نیز مشایخ صوفی را مورد تکریم و احترام قرار می‌دادند. علاوه بر آن، اموال و املاک فراوانی که نذر و وقف خانقاه‌ها شد، تمکن مالی و قدرت اقتصادی مناسبی برای رهبران طریقت‌های صوفی پدید آورد.



برگی از شاهنامه دموت - بهرام گور در حال شکار، موزه هنر دانشگاه هاروارد

احترامی که بزرگان عرفان به حضرات معصومین علیهم‌السلام روا داشتند، از مقدمات قدرت گرفتن صفویه در دوره بعدی بود.

ث) هنر و معماری

قلمرو پهناوری که مغول‌ها در بخش وسیعی از آسیا از چین تا دریای مدیترانه فتح کردند، دارای پیشینه فرهنگی و هنری عظیم و پیشرفته‌ای بود. در نتیجه فتوحات مغول، تجارب و سنت‌های هنری و هنرمندان سرزمین‌های فتح شده با یکدیگر پیوند خوردند و زمینه مناسبی برای شکوفایی هنر در دوران ایلخانان و تیموریان فراهم شد. پیدایش مراکز بزرگ فرهنگی و هنری در شهرهای مختلف، به خصوص مراغه، تبریز، شیراز، یزد، هرات و سمرقند و تأسیس کتابخانه‌های عظیم در این شهرها، تأثیر ژرفی بر رونق فرهنگ و هنر در این دوران نهاد.

۱ نگارگری و خوشنویسی

هنر نگارگری و نقاشی و کتاب‌آرایی در عصر ایلخانی و تیموری رونق و رشد بسزایی داشت. در عصر ایلخانان، هنر نگارگری که تلفیقی از سنت‌های نقاشی ایرانی و چینی بود، بیشتر در کتاب‌آرایی و مصور ساختن کتاب‌های تاریخی و متون ادبی و نیز کتاب‌های پزشکی، جانورشناسی و نجوم جلوه‌گر شد. ایلخانان مغول از مشوقان پدید آوردن شاهنامه‌های مصور به‌شمار می‌روند. نمونه باقی مانده آن، شاهنامه بزرگ ایلخانی^۱ است.



خمسۀ نظامی (ساختن کاخ خورتق) اثر کمال الدین بهزاد نقاش مکتب هرات سال ۸۹۹ق

۱. این شاهنامه به شاهنامه دموت نیز معروف است. دموت، نام دلال و فروشنده این اثر فاخر هنری در قرن بیستم بود. از شاهنامه معروف به دموت، ۵۸ نگاره باقی مانده که در موزه‌های مختلف جهان پراکنده‌اند.

هنر نقاشی نیز در این دوره رشد قابل توجهی یافت. همچنین شهر هرات در زمان شاهرخ تیموری و جانشینانش به خاطر داشتن ثروت هنگفت، کتابخانه‌های بزرگ و هنرمندان نامدار به یکی از کانون‌های بزرگ علمی، فرهنگی و هنری جهان اسلام تبدیل شد. نامورترین نقاش عصر تیموری کمال الدین بهزاد بود که آثار و مکتب نگارگری او سرآغاز دگرگونی عظیمی در نقاشی به شمار می‌آید.

۲ معماری

هجوم ویرانگر چنگیزخان مغول به ایران که با ویرانی شهرها و نابودی بسیاری از آثار فرهنگی و هنری همراه بود، برای مدتی فعالیت‌های معماری را متوقف و یا کند کرد؛ اما دیری نپایید که جانشینان او تحت تأثیر فرهنگ و هنر ایرانی - اسلامی و با راهنمایی و تشویق فرهیختگان ایرانی به هنر و معماری تمایل نشان دادند و به بازسازی ویرانی‌ها، برپا ساختن شهرها و پدید آوردن آثار هنری پرداختند. تیمور نیز گرچه در کشتار مردم دست کمی از مغولان نداشت، اما در ویرانگری به پای آنان نمی‌رسید. او با گرد آوردن هنرمندان و معماران بزرگ سرزمین‌های فتح شده در سمرقند، به عمران و آبادانی پایتخت خود همت گماشت. معماری ایرانی در دوره جانشینان تیمور به‌ویژه در عصر شاهرخ و همسرش گوهرشاد بیگم به عظمت و شکوفایی کم‌نظیری دست یافت.

برجسته‌ترین آثار معماری دوران ایلخانان و تیموریان

دوره ایلخانان	هولاکوخان	کاخ و معبدی بودایی در خوی؛ رصدخانه مراغه
	غازان خان	شَنب یا شام غازان در تبریز شامل ۱۲ بنای مهم از قبیل مسجد، کاخ، مدرسه، بیمارستان، کتابخانه و جز آن؛ مسجدی بزرگ و گرمابه‌ای وابسته به آن در شهرهای مختلف
	الجابیتو	گنبد سلطانیه؛ محراب مسجد جامع اصفهان
	ابوسعید	ارگ علیشاه در تبریز؛ گنبد غفاری در مراغه
دوره تیموریان	تیمور	مسجد بی‌بی خانم سمرقند
	شاهرخ میرزا	مجموعه تاریخی امیرچخماق یزد شامل بازار، تکیه، مسجد و آب‌انبار؛ سردر و مناره‌های مسجد جامع یزد؛ مدرسه دو در مشهد؛ مدرسه غیاثیه خرگرد خواف
	گوهرشاد بیگم	مسجد گوهرشاد مشهد؛ مسجد، مدرسه و خانقاه گوهرشاد در هرات
	سلطان حسین میرزا بایقرا	مدرسه سلطان حسین میرزا بایقرا در هرات
	الغ بیگ میرزا	رصدخانه سمرقند؛ مدرسه الغ بیگ میرزا در بخارا



بازسازی گرافیکی مجموعه تاریخی شنب غازان - مأخذ: هفت رخ فرخ ایران



سردر و مناره‌های مسجد جامع یزد



محراب مسجد جامع اصفهان

آثار و نتایج هجوم مغولان همچون قتل و مهاجرت اندیشمندان و عالمان، تخریب و تعطیلی مدارس، کتابخانه‌ها و مساجد، برای مدتی سرزمین ما را با رکود علمی و ادبی مواجه کرد. با این حال، به دنبال تشکیل حکومت ایلخانان و گرایش مغولان به اسلام و نیز با افزایش قدرت سیاسی وزیران ایرانی و مسلمان، به تدریج شرایط برای احیای فعالیت‌های علمی و آموزشی در ایران فراهم آمد.

۱ ادبیات و تاریخ‌نگاری

در دوره فرمانروایی ایلخانان، زبان فارسی در قلمرو نظم و ثرو به رشد گذاشت و به احیا و تقویت هویت ایرانی کمک کرد. در این دوره، شعر حماسی و شاهنامه سرایی متداول بود. در عصر تیموری، شعر و شاعری رواج بیشتری یافت.

فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما دلیل توجه به منظومه‌های حماسی تاریخی در دوران ایلخانی و تیموری چه بوده است؟

تاریخ، از جمله علوم بود که در عصر ایلخانان و تا حدودی دوره تیموریان رواج و پیشرفت چشمگیری داشت و کتاب‌های تاریخی به جا مانده از دوران مذکور به زبان فارسی، در زمره بهترین تاریخ‌نگاری‌های جهان اسلام تا آن زمان به حساب می‌آیند. علاقه‌مندی ایلخانان و فرمانروایان تیموری به جاودانه ساختن کشورگشایی و موفقیت‌های سیاسی و نظامی خود و خودآگاهی رجال ایرانی، تأثیر بسزایی بر رشد و شکوفایی تاریخ‌نگاری در آن عصر نهاد.

آثار و نوشته‌های برجسته تاریخی عصر ایلخانان و تیموریان

تاریخ جهانگشا	عطاملک جوینی (۶۵۸ق)
جامع التواریخ	خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۶۴۵ – ۷۱۷ق)
تاریخ گزیده	حمدالله مستوفی (۷۳۰ق)
تاریخ و صاف	شرف‌الدین عبدالله بن فضل‌الله شیرازی، مشهور به و صاف (۶۶۳ – ۷۲۸ق)
تاریخ بناگنی	فخرالدین ابوسلیمان داود بن ابوالفضل بناگنی (د ۷۳۱ق)، مورخ و شاعر
مجمع الانساب	محمدبن علی شبانکاره‌ای؛ وی تألیف این کتاب را که در تاریخ عمومی ایران است در سال ۷۳۳ق آغاز و در ۷۳۶ق به پایان رسانید و تقدیم سلطان ابوسعید مغول کرد.
ظفرنامه شامی یا تاریخ فتوحات امیر تیمور گورکانی	نظام‌الدین عبدالواسع شامی، از مورخان و شاعران سده‌های هشتم و نهم هجری
ظفرنامه	شرف‌الدین علی یزدی در ۸۳۱ق نگارش ظفرنامه را که اختصاص به تاریخ زندگانی تیمور دارد، به پایان رسانید.
زبدة التواریخ	شهاب‌الدین عبدالله بن لطف‌الله خوانی، مشهور به حافظ ابرو (د ۸۳۳ق)، تاریخ‌نگار و جغرافیایوس عصر تیموری
مطلع سعدین و مجمع بحرین	کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی (۸۱۶ – ۸۷۷ق)؛ موضوع کتاب حوادث تاریخ ایران از ۷۰۴ تا ۸۷۳ق را در برمی‌گیرد.
روضة الصفا فی سیرة الانبیاء و الملوك والخلفاء	محمدبن خاوندشاه، مشهور به میرخواند (۸۳۷ – ۹۰۳ یا ۹۰۴ق)؛ کتاب روضة الصفا یک نوع تاریخ عمومی ایران است.



برگی از جامع التواریخ، نقاشی با آبرنگ و آب طلا



برگی از ظفرنامه شرف الدین علی یزدی



خواجه نصیرالدین توسی و دانشمندان دیگر هنگام کار در رصدخانه مراغه

۲ دانش‌های دیگر

برخی علوم مورد نیاز ایلخانان از قبیل ریاضیات، نجوم، پزشکی و علوم دیگری از قبیل فلسفه، عرفان و فقه از رونق خاصی برخوردار بودند و آثار مهمی در این رشته‌ها تدوین شد. نقش خواجه نصیرالدین توسی در این عرصه بسیار مهم بود. وی بسیاری از دانشمندان متواری در برابر هجوم مغولان را به ایران برگرداند و با تجمع ایشان در مرکز علمی رصدخانه مراغه زمینه فعالیت‌های علمی آنها را هموار کرد. در عصر تیموریان نیز علوم مختلف رونق داشتند و به‌ویژه معارف دینی از اقبال بیشتری برخوردار بودند. مراکز علمی و کتابخانه‌های شهرهای هرات و سمرقند در زمان جانشینان تیمور بسیار فعال بودند و طالبان علم را از سراسر ایران و جهان اسلام به خود جذب می‌کردند. وجود شمار قابل توجه دانشمندانی که در رشته‌های مختلف علمی تبحر داشتند، نشانه‌ای از رشد و رونق علوم مختلف در دوره تیموری است.



غیاث‌الدین جمشید کاشانی، ریاضی‌دان و منجم بزرگ عصر تیموری

غیاث‌الدین جمشید کاشانی (۷۹۰-۸۳۲ق)، زبردست‌ترین ریاضی‌دان و مدیر رصدخانه سمرقند بود. او کتاب زیج خاقانی را در تکمیل زیج ایلخانی نوشت و ابزاری رصدی به نام «طَبَقُ الْمَنَاطِقِ» اختراع کرد. وی در دو رساله مهم خود، «محیطیه»



صفحه آخر رساله محیطیه —
کتابخانه آستان قدس رضوی،
شماره ۲۲۹



رصدخانه الغیبیک — سمرقند

و «وتر و جیب»، به ترتیب عدد پی را با دقتی کم‌نظیر و نیز مقدار بسیار دقیقی برای سینوس یک درجه حساب کرد. کسره‌های دهگانی را که نخستین بار اقلیدس به آنها اشاره کرده بود، در قیاس با کسره‌های شصتگانی دوباره رایج کرد. روش‌های محاسباتی وی بسیار پیشرفته‌تر از زمان خودش بود و می‌توان آن را با روشی که مدت‌ها بعد فرانسوا ویت (ریاضی‌دان بزرگ فرانسوی در قرن ۱۶م) پدید آورد، مقایسه کرد. (دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، مدخل ایران، ص ۶۶۹).

پرسش‌های نمونه

- ۱ موج اول حمله مغول به ایران چه پیامدهایی داشت؟
- ۲ مهم‌ترین رسالتی که دیوان سالاران و عالمان ایرانی در دوره ناسلمانی مغول‌ها به عهده گرفتند چه بود؟ توضیح دهید.
- ۳ فراز و فرود شهر و شهرنشینی را در دوره ایلخانان بررسی و تحلیل کنید.
- ۴ قشربندی اجتماعی ایران در عصر ایلخانی چه وضعیتی داشت؟
- ۵ وضعیت تجارت ایران در عصر ایلخانان و عوامل مؤثر بر آن را شرح دهید.
- ۶ تسامح و تساهل دینی مغول‌ها چه تأثیری بر اسلام‌پذیری آنها داشت؟
- ۷ علل رشد تصوف را در دوران مغولان و تیموریان شرح دهید.
- ۸ زمینه‌های رشد هنر را در عصر تیموری بیان کنید.



ظهور دین اسلام همراه بود با بروز زمینه‌های مناسب برای پیدایش تمدنی عظیم که تعالیم اسلامی نقش اصلی را در آن ایفا کرد. از این پدیده، با عنوان تمدن اسلامی یا تمدن مسلمانان یاد می‌شود. در این درس زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری و چگونگی رشد و شکوفایی فرهنگ و تمدن اسلامی و دوره‌های آن بررسی و تحلیل می‌شود.

تعریف فرهنگ و تمدن

برای هر یک از این دو واژه، تعاریف گوناگونی ارائه شده است. اما در جمع‌بندی این تعاریف می‌توان آنها را چنین تعریف کرد:

فرهنگ: شیوه زندگی گروهی از انسان‌هاست که با یکدیگر زندگی می‌کنند. شناخت و باورها، احساسات و گرایش‌ها، اخلاق، هنر، شیوه‌های زندگی، آموزش و پرورش، ارزش‌ها، آداب و رسوم که همگی جزء مقوله فرهنگ به شمار می‌روند.

تمدن: به «مجموعه دستاوردها و اندوخته‌های مادی و معنوی بشر که نمود بیرونی دارند» اطلاق می‌شود؛ توضیح آنکه انسان‌ها براساس فرهنگ خودشان این امکان را می‌یابند که نیازهای مادی و معنوی خود را تأمین کنند. به عبارت دیگر، زمینه‌های فرهنگی، چگونگی رفع نیازهای مادی و معنوی را تعیین می‌کند. بنابراین، علوم مختلف، هنرها، معماری‌ها، مشاغل و دیگر مظاهر زندگی انسان، در جهان بیرونی پدید می‌آید که از آنها با عنوان تمدن یاد می‌شود.

دوره‌های تمدن اسلامی

تمدن اسلامی از بدو پیدایش تاکنون، دوره‌هایی را پشت سر نهاده است. در سده‌های آغازین اسلامی، این تمدن همواره رو به رشد و شکوفایی داشت. اما برخی عوامل بیرونی و درونی، ضربات سهمگینی بر پیکره جهان اسلام وارد ساخت و موجب کندی حرکت تمدن اسلامی شد. پس از مدتی رکود، پیدایش چند دولت مقتدر اسلامی — همچون صفویه، عثمانی و گورکانی — خیزش مجددی برای تمدن اسلامی به دنبال آورد. اما فروپاشی این دولت‌ها، رکود مجددی را به دنبال داشت. قرن اخیر — و به ویژه بروز انقلاب اسلامی ایران — را می‌توان نقطه خیزش جدیدی برای تمدن اسلامی به شمار آورد. بنابراین، می‌توان دوره‌های تمدن اسلامی را این‌سان برشمرد^۱:

۱. در تقسیم‌بندی دوره‌های تمدن اسلامی و برخی از مباحث سه درس مربوط به فرهنگ و تمدن اسلامی به لحاظ دقت و تتبع خوب، از کتاب پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی، اثر علی‌اکبر ولایتی استفاده شد.

دوره‌های تمدن اسلامی	حکومت‌های اسلامی	حکومت‌های مسلمان در ایران
۱. دوره پیدایش و شکوفایی	طولونیان در مصر، حمدانیان در موصل و فاطمیان در مصر	۱. تشکیل حکومت‌های نیمه مستقل (طاهریان، صفاریان، سامانیان، علویان و آل بویه...) ۲. حکومت‌های مستقل (غزنویان، سلجوقیان، خوارزمشاهیان)
۲. دوره اول رکود	ایوبیان در مصر	بعد از حمله مغول تا سر صفویه (ایلخانان، تیموریان و...)
۳. دوره خیزش پس از رکود اولیه	امپراتوری‌های مسلمان عثمانی - گورکانیان در هند	دوران صفویه
۴. دوره دوم رکود	آغاز استعمار در مناطق اسلامی	بعد از پایان صفویه (افشاریه، زندیه، قاجار و پهلوی)
۵. دوره خیزش پس از انقلاب اسلامی	آغاز استعمار در مناطق اسلامی	دوران انقلاب اسلامی در ایران

یک توضیح

تمدن ایده آل

براساس باور ما مسلمانان و بسیاری از پیروان دیگر ادیان و مذاهب، بشریت در آینده، ظهور یک منجی جهانی و حکومت عادلانه‌اش را تجربه خواهد کرد. هرچند، در این باره که آن منجی کیست، میان پیروان ادیان و مذاهب گوناگون، اختلاف وجود دارد، اما همه آنان، بهترین نوع زندگی را در آن حکومت جست‌وجو می‌کنند. به دیگر سخن، بشریت قله‌های رفیع فرهنگ و تمدن را در حکومت عادلانه جهانی فتح خواهد کرد؛ حکومتی که در آن، عقل و دانش، رشد و عمق چشمگیری داشته و نمودهای تمدنی در راستای یک زندگی خدایی و عدالت محور بروز خواهد کرد؛ و این، همان تمدن ایده‌آل بشریت است. به اعتقاد شیعیان و بسیاری از مسلمانان، آن منجی محمد بن حسن عسکری علیه السلام - نهمین فرزند از نسل امام حسین علیه السلام - است.

دوره پیدایش و شکوفایی تمدن اسلامی

آغاز شکل‌گیری تمدن اسلامی را با ظهور اسلام باید هم‌زمان دانست. پیش از ظهور اسلام، هر چند برخی از دولت‌های مجاور جزیره العرب - همچون ایران و روم - از بعضی مظاهر تمدنی برخوردار بودند، اما مردم جزیره العرب بهره‌چندانی از آن نداشتند. با ظهور دین اسلام، عواملی، زمینه‌ساز پیدایش و شکوفایی تمدنی جدید شد که مهم‌ترین آنها بدین قرار است:

۱ آموزه‌های فرهنگی - تمدنی قرآن و سنت

با ظهور دین اسلام، مسلمانان به‌طور جدی تشویق به علم‌آموزی شدند و عالمان از جایگاهی بس رفیع برخوردار گشتند. در یکی از فراوان آیات قرآنی که درباره علم، عالم و علم‌آموزی‌اند، چنین می‌خوانیم:

«خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند [پایه‌ای] و کسانی را که به ایشان دانش داده شده پایه‌هایی رفعت مقام دهد و خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است».^۱

۱. «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»؛ مجادله، ۱۱

رسول خدا ﷺ و سپس امامان معصوم ﷺ نیز - که نقش مفسر را برای آیات قرآن داشتند - در روایات متعددی، مسلمانان را به علم آموزی ترغیب می کردند. رسول خدا ﷺ می فرمود: «دانش را بیاموزید حتی اگر در چین باشد، چرا که فراگیری دانش بر هر مسلمانی واجب است»^۱. امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز می فرمود: «کسی که برای فراگیری دانش حرکت و تلاش می کند همچون مجاهد در راه خداست»^۲. به علاوه، آموزه های دین اسلام، بر بهره گیری از نعمت «عقل» برای دستیابی انسان ها به کمال های مادی و معنوی تأکید دارند؛ و می دانیم که بشریت با استفاده از نیروی عقل می تواند به اختراعات و اکتشافات بزرگ نائل شود. در آیات قرآن و روایات معصومین ﷺ در این باره تأکیدات زیادی صورت گرفته است. در قرآن کریم، ضمن برشماری آیات و نشانه های خداوند در طبیعت، بشریت به تعقل در این نشانه ها فراخوانده شده، تا ضمن پی بردن به خداوند خالق هستی، انسان ها به وسیله قدرت عقل بتوانند در طبیعت تصرف کرده و زندگی بهتری برای خود فراهم سازند؛ به یکی از این آیات توجه می کنیم:

«به راستی در خلقت آسمان ها و زمین، و آمد و رفت شب و روز، و کشتی هایی که در دریا به نفع مردم در حرکت اند و آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده و زمین را پس از مُردنش به وسیله آن زنده ساخته، و در آن از هر نوع جنبنده ای پراکنده کرده، و در تغییر دادن بادهای و ابرهای مسخّر شده میان آسمان و زمین، برای مردمی که عقل خود را به کار می گیرند، نشانه هایی [عظیم از قدرت خدا] است»^۳.

فکر کنیم و پاسخ دهیم

به نظر شما تأکید بسیار قرآن کریم بر نقش عقل و بهره گیری از آن، نشانه کدام ویژگی های دین اسلام است؟

۲ مراکز آموزشی

در کنار توصیه ها و تأکیدات موجود در آموزه های دینی نسبت به فراگیری علم و بهره گیری از عقل، پدید آمدن نهادها و مراکز آموزشی، زمینه بسیار مناسبی برای رشد دانش و پرورش دانشمندان، و در نتیجه، شکوفایی تمدن نوپای اسلامی شد. نهادها و مراکز آموزشی در جهان اسلام عبارت بودند از: مساجد، مدارس، کتابخانه ها، خانه های دانشمندان، بیمارستان ها و برخی نقاط دیگر.



مسجد چهار ستون، کرمان

مساجد: بهره گیری از مسجد به عنوان یک مرکز آموزشی، برای اولین بار توسط رسول خدا ﷺ به اجرا گذاشته شد. آن حضرت، پس از تأسیس مسجد نبوی در مدینه، عمده فعالیت های آموزشی و پرورشی را در آنجا انجام می داد. این امر سبب شد مسلمانان پس از آن حضرت، به مسجدسازی اهتمام خاصی داشته باشند و محافل آموزشی خود را در مساجد برپا نمایند. امامان معصوم ﷺ نیز مجالس و حلقه های درسی خود را در مساجد - به ویژه مسجد نبوی - برگزار می کردند. در این میان، مساجد جامع در شهرهای مختلف، از رونق بیشتری برخوردار بود.

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أُطَلِّبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ، فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ»؛ فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ص ۱۱

۲. همان، ص ۱۰

۳. سوره بقره، آیه ۱۶۴

به نظر شما در عصر حاضر، مساجد چگونه می‌توانند نقش گذشته خود را بازیابند؟

یک توضیح

مساجد جامع، معمولاً بزرگ‌ترین مساجد شهرها بوده‌اند که در مرکز شهر قرار داشته و مراسم مهم عبادی و فرهنگی همچون نماز جمعه، نماز عید و محافل درسی در آن برگزار می‌شده است. این مساجد کانون فعالیت‌های فرهنگی بودند و از همان آغاز تأسیس یا چندی بعد، کتابخانه نیز در کنار آنها تأسیس می‌شده است. از مهم‌ترین مساجد جامع، به مسجد کوفه، مسجد جامع بصره، مسجد جامع دمشق، مسجد الاقصی و مسجد جامع فسطاط در مصر می‌توان اشاره کرد.



مدرسه ملاحدر، شیراز

مدارس: هر چند، مساجد همواره نقش مهم خود به عنوان یک مرکز آموزشی را حفظ کرده‌اند، اما در سده‌های اولیه پیدایش تمدن اسلامی، رفته‌رفته، مدارس نیز شکل گرفتند. در شکل‌گیری این مدارس از تجربیات آموزشی دوره باستان نیز استفاده می‌شد. مدرسه پزشکی جندی شاپور که در زمان ساسانیان آغاز به کار کرده بود، همچنان تا قرن سوم هجری به فعالیت خود ادامه داد. در این مدارس، علوم به صورت تخصصی آموزش داده می‌شد و فراگیران علوم، از امکاناتی همچون کمک هزینه تحصیلی و خوابگاه و غذا و دیگر امکانات رفاهی برخوردار بودند. این مدارس، غالباً از معماری‌های زیبا و تزیینات و اثاثیه مرغوب برخوردار بودند. از مهم‌ترین مدارس جهان اسلام می‌توان به مدارس موجود در بغداد، ایران، شام، مصر، مغرب و اندلس اشاره کرد. مدرسه‌های

مهم بغداد یکی نظامیه و دیگری مستنصریه بود که اولی را وزیر دانشمند سلجوقیان، خواجه نظام‌الملک و دومی را خلیفه عباسی تأسیس کرد. نظام‌الملک نظیر این مدرسه را در شهرهای مختلف همچون نیشابور، اصفهان و بلخ که افراد دانشمند در آنها حضور داشتند نیز بنا کرد. آخرین نظامیه تا حمله هلاکوخان در سال ۶۵۶ ق به بغداد که به نابودی آن انجامید، فعال بود. کتابخانه‌ها: یکی از مهم‌ترین مراکز آموزشی در تمدن اسلامی، کتابخانه‌ها بود که از آنها با عنوان «دارالعلم» یاد می‌شده است. دارالعلم‌ها، کتابخانه‌های عمومی به شمار می‌آمده‌اند و توسط دولت‌هایی همچون عباسیان در بغداد، فاطمیان در مصر و بنی‌حَمْدان در موصل تأسیس شدند.

خانه دانشمندان: خانه‌های دانشمندان مکان مناسبی برای فراگیری دانش بود. امامان معصوم علیهم‌السلام — علاوه بر مسجد نبوی در مدینه — بسیاری از محافل درسی خود را در خانه خود برگزار می‌کردند. درباره دانشمندان بزرگی — همچون ابن‌سینا، غزالی، ابوحیان، ابن‌مسکویه — نیز چنین شیوه‌ای نقل شده است.

بیمارستان‌ها : بیمارستان‌های جهان اسلام – که «مارستان» نامیده می‌شدند – ضمن درمان بیماران، مراکز تحقیق و مطالعه پزشکان به شمار می‌آمدند و کتابخانه‌های تخصصی نیز داشتند. برخی از مهم‌ترین بیمارستان‌های جهان اسلام عبارت بود از : بیمارستان مقتدری بغداد که به دستور خلیفه عباسی – المقتدر بالله – بنا شد. بیمارستان عَصْدی بغداد که به دستور عضدالدوله دیلمی بنا شد و بیمارستان منصوری قاهره که به دستور خلفای فاطمی مصر بنا شد.

رصدخانه‌ها : از دیگر مراکز علمی جهان اسلام، رصدخانه‌های متعدد و بزرگی بودند که پیشرفته‌ترین پژوهش‌های ریاضی و نجومی در آنها صورت می‌گرفت و بسیاری از یافته‌های دانشمندان اسلامی در این رصدخانه‌ها، تاسدها بعد، در اروپا بررسی و تحلیل می‌شد. از مهم‌ترین رصدخانه‌ها می‌توان به رصدخانه مراغه و سمرقند اشاره کرد.



برج رصدخانه بسطام



اسطرلاب (وسیله نجومی) که توسط دانشمندان مسلمان اختراع شده

فکر کنیم و پاسخ دهیم

از اینکه مسلمانان از امکانات ساده و – در عین حال – متنوع برای آموزش علوم بهره می‌بردند، شما به چه نتایجی می‌رسید؟

۳ ترجمه متون علمی از تمدن‌های مجاور

بر اساس آموزه‌های دین اسلام، مسلمانان برای فراگیری دانش، از هر راه ممکن می‌توانند بهره ببرند، اما مشروط به اینکه هر چیزی را نپذیرند و بتوانند دانش درست را از نادرست تشخیص دهند. قرآن کریم در این باره چنین فرموده است : «... پس به بندگانم مژده ده، همانان که به سخن گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند. اینان‌اند که خدا هدایتشان کرده است و اینان‌اند که صاحبان خردند».^۱

با گسترش قلمرو اسلامی و آشنایی مسلمانان با تمدن‌های مجاور – همچون ایران، هند و روم – دستاوردهای علمی دانشمندان این مناطق به دست مسلمانان رسید؛ اما برای تحقق این امر، دو اقدام اساسی باید صورت می‌گرفت :

۱ انتقال آثار علمی دیگر ملت‌ها به قلمرو اسلامی

۲ ترجمه این آثار به زبان عربی

۱. «... فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ، أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَيْتُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ»؛ سورة زمر، آیات ۱۷ و ۱۸

بدیهی است که این کار، بدون حمایت‌های حکومتی امکان‌پذیر نبود.

هرچند در اواخر دوره بنی امیه، اقدامات محدودی در این راستا صورت گرفت، اما اقدام اساسی در این زمینه، مربوط به اوایل عصر عباسی است. از این اقدام، در منابع تاریخ تمدن اسلامی با عنوان «نهضت ترجمه» یاد شده است. بیشترین مطالب ترجمه شده در عهد بنی امیه، اسناد اداری، دیوانی، سیاسی و بازرگانی بود. اما با آغاز خلافت عباسی و تثبیت آن، خلفایی همچون منصور، مهدی، هارون و مأمون عباسی، اقداماتی جدی در این باره انجام دادند. تلاش‌های منصور و مهدی عباسی، سرانجام به تأسیس مکانی به نام «بیت الحکمه» در عصر هارون عباسی منجر شد که اختصاص به جمع‌آوری و ترجمه کتاب‌های دیگر ملت‌ها داشت. ویژگی علم دوستی مأمون عباسی موجب شد آثار بسیاری از نقاط گوناگون به دستور او، به بغداد آورده و ترجمه شود. این حرکت، پس از مأمون، در دوره متوکل عباسی نیز ادامه یافت. از آن پس نیز کم و بیش، ترجمه آثار ادامه داشت اما هرگز به رونق پیشین بازنگشت. دلیل بروز رکود در نهضت ترجمه، فقدان آثار قابل اعتنا برای ترجمه، و نیز رونق کتابخانه‌ها و علم‌آموزی در قلمرو فاطمیان در مصر، سامانیان و آل بویه در ایران و دولت‌های حاکم در اندلس بود. از مهم‌ترین مترجمان بیت الحکمه می‌توان از نوبخت منجم، عبدالله بن مقفع، ابویعقوب بن اسحاق کندی، حنین بن اسحاق و خاندان خوارزمی نام برد. آثار ترجمه شده نیز به رشته‌های گوناگون علمی همچون: پزشکی، هندسه و ریاضی، نجوم و هیئت، فلسفه و ادبیات مربوط بود. از مهم‌ترین آثار ترجمه شده می‌توان از کلیله و دمنه، اصول هندسه اقلیدس و کتاب‌های مشهور فلسفی حکمای یونان نام برد.

بیشتر بدانید

نقش تمدنی امامان شیعه علیهم‌السلام

نویسندگان کتاب‌های تاریخ تمدن، کمتر به نقش مهم امامان شیعه علیهم‌السلام در پیشبرد تمدن اسلامی توجه کرده‌اند؛ اما باید توجه داشت که هر چند امامان معصوم — به جز امیرمؤمنان علی علیه‌السلام و امام حسن علیه‌السلام در مدتی کوتاه — عهده‌دار حکومت نبودند، اما با اقدامات فرهنگی خود، نه تنها در میان شیعیان، که در مجموع جهان اسلام، اثرگذار شدند. آنان شاگردان زیادی تربیت کردند، احادیث فراوانی را بیان کردند، قرآن را به درستی تفسیر کردند، حتی عالمان و اندیشمندان غیر شیعی را تحت تأثیر تعالیم خود قرار دادند. تعالیم امامان شیعه، مسیر تمدن درست و مطلوب اسلامی را — که بر اساس توحید و عدالت باید بنا می‌شد — ترسیم می‌کرد. در این تعالیم، آموزه‌هایی از علوم دینی و علوم غیردینی تبیین می‌شد؛ علوم‌ی همچون شیمی، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، فلسفه، حقوق، تفسیر، کلام، ادبیات، شعر و... در میان تعالیم امامان معصوم علیهم‌السلام آموزه‌هایی جالب درباره روابط و قوانین اجتماعی مطلوب اسلام به چشم می‌خورد.



سازمان و تشکیلات

۱ تشکیلات سیاسی

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس از هجرت و استقرار در مدینه، به تشکیل حکومت اسلامی اقدام کرد. به تدریج با گسترش اسلام در جزیره العرب و افزایش شمار مسلمانان، اقتضا می‌کرد که تشکیلات لازم برای اداره حکومت اسلامی فراهم آید. این تشکیلات در عصر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بسیار ساده بود، ولی پس از آن حضرت، به تدریج رو به تکامل نهاد و نهادهای اداری در تمدن اسلامی شکل گرفت. شیوه حاکمیت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم کاملاً متفاوت از حاکمیت‌های متعارف در جهان آن روز بود. آن حضرت نه امپراتور بود و نه سلطان.

اطاعت مردم از آن حضرت و ریاست او بر مناطق تحت سلطه حکومت اسلامی، با عنوان «رسول خدا ﷺ» بود که خداوند اطاعتش را بر مردم واجب کرده بود.^۱ اما پس از رسول خدا ﷺ، حاکمان اسلامی با لقب «خلیفه» حکومت می کردند؛ سپس عنوان «ملک» و «سلطان» نیز رایج شد. درباره دستیاران حکام نیز عنوان «وزیر» مطرح گشت.

الف) خلافت و سلطنت: واژه خلافت برگرفته از متون دینی است و در قرآن و سنت به کار رفته است. در قرآن کریم، حضرت هارون علیهما السلام به عنوان خلیفه^۲ و وزیر برادرش^۳ - حضرت موسی علیهما السلام - معرفی شده است. رسول خدا ﷺ نیز همواره، امیر مؤمنان علی علیهما السلام را به عنوان برادر، وصی، وزیر و خلیفه خود معرفی می کرد.^۴ پس از رحلت رسول خدا ﷺ، کسانی که عهده دار حکومت شدند، عنوان «خلیفه رسول الله» را بر خود نهادند، و این عنوان جایگاه معنوی خاصی را به حاکم می داد. معاویه پس از رسیدن به حکومت، روش زندگی اش را همچون پادشاهان قرار داد. از این رو، عنوان «ملک» نیز بر او، اطلاق شده است. در طول دوره حاکمیت بنی امیه و بنی عباس، عنوان «خلیفه» همواره برای فرمانروای تمامی قلمرو مسلمانان به کار می رفت و برای حاکمان مناطق تحت فرمان آنان، عناوین سلطان، ملک و ... به کار می بردند.

ب) وزارت: این واژه در قرآن و سنت به کار رفته و مقصود از آن، کسی است که حاکم را در امور حکومتی یاری می کند و طرف مشورت اوست. در قرآن کریم، هارون به عنوان وزیر حضرت موسی علیهما السلام معرفی شده، و رسول خدا ﷺ نیز، امیر مؤمنان علی علیهما السلام را به عنوان وزیر خود معرفی می کرد. پس از رسول خدا ﷺ تا زمان عباسیان، این عنوان کاربرد نداشته است. در زمان عباسیان، قلمرو اسلامی گسترش یافت. از این رو، مقام وزارت پدید آمد تا خلیفه را در اداره قلمرو حاکمیتش یاری کند. نخستین وزیر بنی عباس، «ابوسلمه حفص بن سلیمان خال» بود. با خاندان ایرانی برمکیان، شکوه و جلال وزارت به اوج خود رسید.

۲ سازمان های اداری و اجتماعی

پیش تر اشاره شد که در زمان رسول خدا ﷺ نهادهای اداری حکومت اسلامی، بسیار ساده بود و رفته رفته پیچیده تر شد. بخش هایی که عهده دار انجام امور اداری حکومت های پس از رسول خدا ﷺ بودند با عنوان «دیوان» شناخته می شدند. این واژه، نخست، برای ثبت نام سربازان به کار رفت و پس از آن، بر هر نوع ثبت نامی اطلاق شد. تأسیس دیوان در تمدن اسلامی به عصر خلیفه دوم - عمر بن خطاب - باز می گردد. در عصر رسول خدا ﷺ نیز محاسبات مربوط به شماره سربازان و مقدار بیت المال وجود داشت، اما گسترش قلمرو اسلامی و انجام فتوحات، چنین اقتضا می کرد که دفاتر مخصوصی برای ثبت اسامی سپاهیان فراهم شود. در فاصله سال های ۱۵ تا ۲۰ ق اولین دیوان، یعنی دیوان جُند تأسیس شد. رفته رفته، دیوان های دیگری نیز پدید آمد. مهم ترین دیوان هایی که در قرون نخستین تأسیس شدند، عبارت اند از:

دیوان جُند: وظیفه این دیوان، سرشماری و تهیه فهرستی از نام کسانی بود که در جنگ ها شرکت می کردند تا بتوانند سهم هریک را از بیت المال معین سازند. از این دیوان با عنوان «دیوان جیش» نیز یاد شده است و بعدها وظایف دیگری نیز همچون سرپرستی امور لشکری مسلمانان و تهیه آمار کشته ها و زخمی ها برای آن مقرر شد. سرپرست این دیوان، «ناظر الجیش» نامیده می شد.

۱. در قرآن کریم، به آیات زیادی بر می خوریم که با تعبیر «اطيعوا الرسول»، مردم موظف به فرمان برداری از پیامبر خدا ﷺ شده اند؛ مثلاً: سورة آل عمران، آیات ۳۲ و ۱۳۲؛ سورة نساء، آیه ۵۹؛ سورة مائده، آیه ۹۲؛ سورة انفال، آیات ۱ و ۲۰ و ۴۶؛ سورة نور، آیات ۵۴ و ۵۶؛ سورة محمد، آیه ۳۳

۲. «وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي ...»؛ سورة اعراف، آیه ۱۴۲

۳. «وَأَجْعَلْ لِي وَزيراً مِنْ أَهْلِ هَارُونَ أَخِي»؛ سورة طه، آیات ۲۹ و ۳۰

۴. رسول خدا ﷺ در جریان یوم الانذار درباره امام علی علیهما السلام فرمود:

«این، برادر، وصی و خلیفه من در میان شمایم»؛ طبری، تاریخ، ج ۲، ص ۳۲۱-۳۲۰؛ همچنین رسول خدا ﷺ در آغاز بعثت به امام علی علیهما السلام فرمود: «تو پیامبر نیستی، ولی وزیر

[من] هستی و در مسیر خیر قرار داری»؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲

دیوان خراج یا استیفا: خراج، مالیاتی بود که از زمین‌های کشاورزی گرفته می‌شد. در این دیوان، مقدار خراج مربوط به هر قطعه زمین – بر اساس مساحت و میزان مرغوبیت آن – ثبت می‌شد. همچنین، ارسال خراج دریافتی به مرکز خلافت و چگونگی تقسیم آن بین مسلمانان، از وظایف دیگر این دیوان بود.

یک توضیح

روش‌های جمع‌آوری خراج

خراج از سه روش: مساحت، مقاسمه و مقاطعه جمع‌آوری می‌شد. این روش‌ها در سده‌های نخستین هجری شناخته و تاکنون به کار برده شده‌اند.^۱ در روش مساحت، بر اساس ابعاد زمین، مالیات اخذ می‌شد. در روش مقاسمه، به میزان محصول توجه می‌شد؛ و بالاخره، در روش مقاطعه، بدون توجه به مقدار زمین یا محصول، افراد باید هر ساله میزان معینی به صورت نقدی یا جنسی می‌پرداختند. گفتنی است امیرمؤمنان علی (ع) در یکی از خطبه‌هایش^۲، آرزو کرده بود که بتواند روش‌های غیر عادلانه‌ای – همچون روش مساحت – را که تا زمان خلافت آن حضرت رایج شده بود، از میان بردارد، زیرا روش عادلانه، اخذ مالیات، مطابق با محصول به‌دست آمده است و نه مقدار زمین.



فرمانی از شاه اسماعیل صفوی

دیوان بیت‌المال: این دیوان محل نگهداری و ثبت اموالی بود که با عنوان خراج، غنیمت جنگی و دیگر درآمدهای دولت اسلامی به مرکز فرستاده می‌شد. پیشینه آن به عصر رسول خدا (ص) بازمی‌گردد و در زمان خلیفه دوم، مکان مشخصی در کنار مسجد نبوی در مدینه، برای این منظور در نظر گرفته شد و نگهبانانی نیز برای حفاظت از آن معین شدند. به مرور زمان، این دیوان، به یکی از مهم‌ترین نهادهای مالی حکومت اسلامی تبدیل شد. اموال بیت‌المال، باید صرف نیازمندی‌های مردم و بالابردن سطح زندگی مسلمانان، تأمین حقوق رزمندگان، تهیه اسلحه، آزادسازی اسیران مسلمان و مانند آن می‌شد.

دیوان برید: وظیفه این دیوان، خبررسانی، انتقال فرمان‌های حکومتی، و جمع‌آوری اخبار از نقاط مختلف و ارسال آنها به مرکز خلافت بود. این دیوان، به مرور زمان، نقش جاسوسی و امنیتی نیز پیدا کرد. دولت‌های اسلامی، همچنین، برای تسریع در امر خبررسانی، اقدام به ساخت شبکه گسترده‌ای از راه‌ها و برپایی کاروان‌سراهای بین راه کردند. در این کاروان‌سراها،

۱. بنگرید به: ولایتی، علی‌اکبر، بویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۲، ص ۱۳۴

۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۸، ص ۵۸، ح ۲۱

اسبان تازه‌نفسی برای تعویض با اسبان خسته پیک‌ها، نگهداری می‌شد.

دیوان انشا: نام دیگرش، دیوان رسائل یا دیوان ترسل بود. مهم‌ترین وظیفه این دیوان، نگارش، تنظیم و ارسال نامه‌های حکومتی — به‌ویژه فرمان‌های خلیفه — به سراسر قلمرو اسلامی بود. پیشینه این دیوان، به عصر رسول خدا ﷺ باز می‌گردد؛ چرا که آن حضرت نیز اقدام به ارسال پیک‌هایی به نقاط مختلف کرد.

دیوان مظالم: وظیفه این دیوان، رسیدگی به شکایات طرح شده از سوی مردم بود. عالی‌ترین مرتبه در این دیوان، «قاضی القضاة» بود و در مراتب پایین‌تر «قاضی»‌هایی در خدمت این دیوان بودند. امروزه دادگستری و قوه قضائیه جایگزین این دیوان شده است. **دیوان حسبه:** نهادی نظارتی بوده که از دوره مهدی عباسی (۱۶۹–۱۵۸ ق.) تأسیس شد و کسی که در رأس آن بود را «محتسب» می‌نامیدند. وی باید شرایطی همچون عدالت، اجتهاد و مرد بودن را دارا می‌بود. وظایف او نیز عبارت بود از:

۱ نظارت بر امور بازار و مشاغل؛

۲ نظارت بر قیمت‌ها و درستی ترازوها؛

۳ نظارت بر امور مربوط به راه‌ها و ساختمان‌ها؛

۴ نظارت بر اخلاق عمومی و اجرای عبادات.

گفتنی است، هرچند این نهاد به شکل رسمی از زمان مهدی عباسی پدید آمد اما در حکومت کوتاه امیرمؤمنان علی (ع) نیز آن حضرت راه‌هایی برای نظارت بر امور فرهنگی و اقتصادی و حکومتی قرار داده بود.

فکر کنیم و پاسخ دهیم

آیا می‌توانید معادل و مشابه دیوان‌های حکومتی در تمدن اسلامی را در دستگاه‌های اداری امروزی بیابید؟

۳ علوم، هنر و معماری

پیدایش و رشد تمدن اسلامی عرصه‌ای برای شکوفایی علوم در رشته‌ها و شاخه‌های گوناگون‌شد؛ و نیز زمینه‌ای مناسب برای بروز جلوه‌های زیبای هنری فراهم آمد.

یکی از تقسیم‌بندی‌های رایج برای علوم در قلمرو تمدن اسلامی، تقسیم آن به علوم دینی و غیر دینی است. مراد از علوم غیردینی، دانش‌هایی است که پیدایش آنها ارتباط مستقیم به معارف دینی ندارد (نظیر فیزیک یا طب)، برخلاف علوم دینی که پیدایش آنها جز از ناحیه معارف دینی امکان‌پذیر نیست (نظیر تفسیر یا حدیث). در اینجا با وضعیت برخی از این علوم در تمدن اسلامی آشنا می‌شوید.

ریاضیات: در نهضت ترجمه، آثار بسیاری در موضوع ریاضیات، به عربی ترجمه شد و ریاضی‌دانان مسلمان، این دانسته‌ها را دست‌مایه پیشرفت‌های علمی خود کردند. مهم‌ترین اثر ریاضی که ترجمه شد، کتاب اصول هندسه، نوشته اقلیدس بود. نقش مهم مسلمانان در عرصه ریاضی، تلفیق آموخته‌های ریاضی یونان و هند و ابداع روش‌هایی تازه بود که بعدها به اروپا صادر شد.

نجوم: این علم، نزد مسلمانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود؛ زیرا تفکر و تدبر در آسمان‌ها و ستارگان، برای پی بردن به عظمت خالق هستی، در آیات و روایات، مورد تأکید قرار گرفته است. ترجمه نوشته‌های بطلمیوس کمک زیادی به افزایش دانش نجوم مسلمانان کرد؛ اما آنان نقدهایی را نیز متوجه آن کردند؛ از جمله نظریه «زمین مرکزی» بطلمیوس که توسط دانشمندانی همچون خواجه نصیرالدین طوسی رد شد.



کره برنجی ساخت بدرین موسی بدیع الزمان،
سال ۵۳۵ قمری



نخستین تقویم دنده دار که توسط یکی از نوایغ دانشمندان
ایرانی به نام محمد بن ابی بکر بن راشد ابری اصفهانی
در حدود سال ۶۰۰ شمسی در اصفهان ساخته شد.



منجمان مسلمان اندلس

فیزیک و مکانیک: دانش فیزیک و مکانیک نزد مسلمانان به «علم الحیل» یعنی دانش ساخت ابزارهای مهندسی معروف بود. پیش تر، مصریان و رومیان، در علم مکانیک، پیشرفت های بسیاری کرده بودند، اما سهم یونانیان بیشتر بود. پس از آغاز نهضت ترجمه، مهندسان زیردستی در قلمرو اسلامی پدیدار شدند.

شیمی: پیش از پدید آمدن علم شیمی، علم کیمیا رواج داشت. دانش کیمیا وسیله ای برای تبدیل فلزات پست؛ همچون مس و آهن، به طلا بود. شیمی دانان مسلمان، علم کیمیا را از شکل مخفی و خرافی خارج کرده و شکل تجربی و آزمایشگاهی به آن دادند و به پیشرفت دانش شیمی کمک شایانی کردند. از معروف ترین شیمی دانان مسلمان، می توان به جابر بن خیّان – از شیعیان و اصحاب امام صادق (علیه السلام) – و محمد بن زکریای رازی اشاره کرد. مهم ترین اثر رازی در این زمینه، کتاب سّرالاسرار است.

طب: این دانش، در اسلام جایگاه ممتازی دارد، به گونه ای که علم ابدان، هم ردیف علم ادیان آمده است. مسلمانان به زودی توانستند آموخته های پزشکی خود از دیگر ملت ها را بومی سازی کرده و رشد و توسعه دهند؛ زیرا شرایط موجود در کشورهای اسلامی، گاه اختصاص به این سرزمین ها داشت و در کتاب های یونانی و غیر آن نیامده بود. از معروف ترین پزشکان در قلمرو تمدن اسلامی، می توان به محمد بن زکریای رازی و ابوعلی سینا اشاره کرد که به ترتیب، آثار بسیار ارزشمندی همچون الحاوی و قانون را تألیف کردند.



یک توضیح

در مجموعه های حدیثی، به روایات بسیاری بر می خوریم که در زمینه طب و علوم پزشکی، از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) نقل شده است. کتاب های متعددی نیز با عناوین طب النبی (صلی الله علیه و آله)، طب الائمه (علیهم السلام) و طب الرضا (علیه السلام) تدوین شده که بعضی از آنها هم اکنون نیز موجود است. هر چند نمی توان تمامی روایات نقل شده در این زمینه را دارای سند صحیح دانست، اما در مجموع، اهتمام مسلمانان به عمل بر طبق روایات معتبر طبّی و بهداشتی معصومین (علیهم السلام) می تواند نقش خوبی در تأمین سلامت جسمی آنان داشته باشد.

فلسفه: این علم به بررسی مسائل مربوط به وجود و هستی می‌پردازد. در تمدن اسلامی، ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی (۲۶۰-۱۸۵ق.) را باید اولین فیلسوف مسلمان دانست. از این رو، او را «فیلسوف العرب» نامیدند. وی آثاری در موضوع فلسفه به عربی ترجمه کرد. محمد بن زکریای رازی و سپس ابونصر فارابی، از دیگر فلاسفه مشهور مسلمانانند. فارابی به علت نقش علمی بزرگش، به «معلم ثانی» نیز معروف شده است.^۱

این سینا نیز بزرگ‌ترین فیلسوف عصر خود بود.

منطق: هدف از این علم، آموختن شیوه‌های صحیح فکر کردن و نیل به نتایج درست است. پیش از اسلام، فلاسفه یونان در این علم پیشتاز بودند. پس از نهضت ترجمه، مسلمانان با آثار یونانی‌ها - به ویژه با آثار منطقی ارسطو - آشنا شدند؛ دانشمندان مسلمان تلاش کردند نسبت به منطق ارسطویی، نگاه نقادانه داشته و آن را کمال بخشند.



نقشه جغرافیایی طراحی شده توسط جغرافی دانان مسلمان

جغرافیا: مسلمانان با ترجمه آثار یونانی، ایرانی و هندی اقدامات خوبی در گسترش و تکامل جغرافیا انجام دادند. دوره شکوفایی و بالندگی این دانش در تمدن اسلامی، از سده سوم هجری آغاز شد.

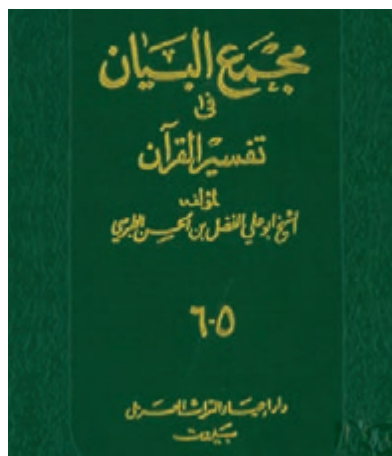
ادبیات: پیش از ظهور اسلام، عرب جاهلی، در زمینه شعر و ادبیات، تبحر زیادی داشت. پس از اسلام، جایگاه ادبی قرآن موجب بالندگی هر چه بیشتر ادبیات عرب شد. شعرای برجسته‌ای همچون حسان بن ثابت، اشعار بلندی سرودند. سپس خطبه‌های امیر مؤمنان علی (علیه السلام) - که بخشی از آنها در نهج البلاغه گرد آمده - تأثیر عمیقی در پیشرفت این علم بر جای نهاد. امامان معصوم (علیهم السلام) نیز شاعران برجسته‌ای را مورد تشویق قرار می‌دادند. اینها همه، آغازی بود بر خلق آثاری فاخر در قالب نظم و نثر که به زبان عربی و فارسی و ترکی در طول سده‌های بعد از ظهور اسلام پدید آمدند.

قرائت: علم قرائت، از کهن‌ترین علوم اسلامی است و پایه‌گذار آن، شخص پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بوده است. پس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، مهم‌ترین شخصیت در این دانش، امام علی (علیه السلام) است که تمامی قرآن را از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرا گرفته بود. مسلمانان بعدها درباره چگونگی تلفظ برخی کلمات قرآن، دچار اختلافات جزئی شدند، اما همه دانشمندان مسلمان امروزه اتفاق نظر دارند که معتبرترین روایت درباره قرائت قرآن، همان قرائتی است که از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) نقل شده است.^۲ این علم به مرور، پیشرفت‌های زیادی کرد و آثار فراوانی توسط شیعه و اهل سنت در این موضوع تدوین شد.

مهم‌ترین و مشهورترین قرائت متعلق به یکی از شاگردان امام علی (علیه السلام) به نام ابوعبدالرحمان سلمی است. وی آموخته‌هایش از آن حضرت را به شاگردانش تعلیم داد.

۱. ارسطو را معلم اول گفته‌اند.

۲. این قرائت را یکی از قاریان معروف قرن دوم هجری، به نام حفص، از استادش - عاصم - و او از استادش ابوعبدالرحمان سلمی، و او از استادش - امیر مؤمنان علی (علیه السلام) - نقل کرده است.



تفسیر: این علم ریشه در عصر رسول خدا ﷺ دارد و اولین و بالاترین مفسر قرآن خود آن حضرت بوده است. پس از رسول خدا ﷺ مفسران حقیقی کلام وحی، اهل بیت معصوم پیامبر خدا ﷺ بودند. پیدایش آثار مکتوب در این زمینه، به قرن دوم هجری باز می‌گردد؛ زیرا منع خلیفه دوم – عمر بن خطاب – از نگارش و نقل احادیث نبوی موجب شد در طول قرن اول، نوشته‌های قابل اعتنایی در این باره پدید نیاید. مهم‌ترین گام‌ها در علم تفسیر را اهل بیت معصوم پیامبر ﷺ برداشتند؛ زیرا آنان آیات را به‌درستی تفسیر می‌کردند و حتی دانشمندان اهل سنت نیز خود را نیازمند شاگردی اهل بیت ﷺ می‌دیدند.

حدیث: در این دانش، سخنان و رفتارهای رسول خدا ﷺ و امامان معصوم ﷺ، و در مرتبه بعد، سخنان اصحاب و نیز وقایع تاریخی گزارش می‌شود. بر اثر ممانعت دومین

خلیفه، در سده اول هجری تدوین حدیث به شکل جدی انجام نشد. اما از همان زمان، با تلاش امامان شیعه ﷺ و شاگردان آنان، برخی از آثار حدیثی تدوین شد. نخستین کتاب حدیثی را امیرالمؤمنین علی ﷺ با املاي رسول خدا ﷺ کتابت کرد. از سده دوم به بعد، تلاش‌هایی درخور در این باره صورت گرفت که حاصل آنها پدید آمدن مجموعه‌های ارزشمندی بود. در میان شیعیان، از مهم‌ترین آثار حدیثی، کُتب اربعه^۱، و در میان اهل سنت، صحاح سته بود.

فقه: در این دانش، تکالیف شرعی انسان‌ها نسبت به امور واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح مورد بحث قرار می‌گیرد. شیعیان معتقدند پس از رسول خدا ﷺ، این اهل بیت معصوم آن حضرت بودند که حق بیان کردن تکالیف شرعی را داشتند. از این رو، آنان بر اساس احادیثی که از پیامبر اسلام ﷺ و معصومین ﷺ در این باره نقل شده بود، کتاب‌های زیادی در علم فقه تدوین کردند. اما اهل سنت بر اساس روایاتی که به واسطه صحابه رسول خدا ﷺ نقل شده، دانش فقه را پایه‌ریزی کرده و کتاب‌های متعددی تدوین کردند. اصول فقه: در این دانش، معیارها و اصول و ضوابط دستیابی به تکالیف شرعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین، دانش اصول فقه، ابزار و وسیله‌ای در خدمت علم فقه است. مبادی و پایه‌های اصلی این دانش را امام باقر ﷺ و امام صادق ﷺ پی‌ریزی کردند و در ادامه، دانشمندانی که عموماً از صحابه ائمه ﷺ بودند، در پیشرفت و توسعه این دانش کمک شایانی کردند.

کلام: در این دانش، مسائل اعتقادی همچون وجود و صفات خداوند – همچون توحید او – و نبوت، امامت و معاد مورد بحث قرار می‌گیرد. این دانش، به علم کلام معروف شد؛ زیرا یکی از مباحث مهم آن، بحث درباره کلام خداوند بوده که در قالب قرآن به بشریت رسیده است. در میان اصحاب امامان معصوم، دانشمندان برجسته‌ای در علم کلام پدید آمدند.

تصوف و عرفان: از همان سده اول هجری کسانی در میان مسلمانان پیدا شدند که تمایل به زهد و ساده‌زیستی و ترک دنیا داشتند. در سده‌های بعد آثاری درباره راه و روش صوفیان و عارفان و معرفی شخصیت‌های برجسته صوفی و عارف تدوین شد.



نسخه خطی اسلامی

۱. کتاب‌های چهارگانه الکافی از کلینی، من لا یحضره الفقیه از شیخ صدوق، تهذیب الاحکام و الاستبصار از شیخ طوسی

هنر و معماری: هنر نیز مورد توجه مسلمانان بود و هنر اسلامی به تدریج رو به تکامل نهاد. عرب‌های جاهلی، از جلوه‌های هنری، بیشتر در شعر و خطابه دست داشتند؛ اما ملت‌های مجاورشان – همچون ایران، هند، روم و یمن – دارای پیشینه کهن‌تری در هنر و معماری بودند. بدین لحاظ، پس از انجام فتوحات، عرب‌های مسلمان، با جلوه‌های متنوع هنری آشنا شدند و از آن پس، مسلمانان توانستند در خلق آثار هنری، میان هنر شرقی و هنر غربی تلفیق ایجاد کنند. تلاش اصلی و دائمی هنرمندان اصیل مسلمان آن بود که هنر را وسیله‌ای برای بیان فرهنگ اسلامی قرار دهند.

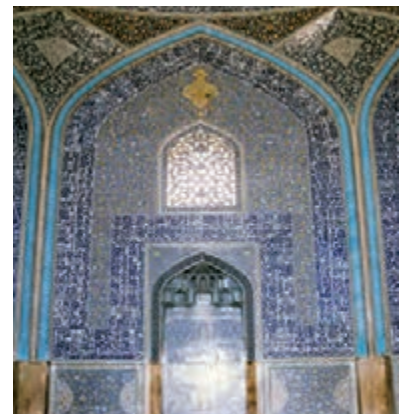
هنر اسلامی، در گونه‌های متنوعی همچون: خوشنویسی، کاشی‌کاری، آینه‌کاری، گچ‌بری، نقاشی، قالی‌بافی، کوزه‌گری، خاتم‌کاری و... جلوه کرده است.

از انواع جلوه‌های هنر اسلامی، معماری نمود برجسته و ماندگارتری داشته است به گونه‌ای که بعضی از آثار زیبای معماری، پس از گذشت بیش از هزار سال، هنوز پابرجا هستند. معماری اسلامی، عمدتاً در مساجد، قصرها و بازارها، و سپس در بقعه‌ها و آرامگاه‌ها و نیز ساخت شهرهای اسلامی، خود را نشان داده است. از برجسته‌ترین نمونه‌های معماری اسلامی به این موارد می‌توان اشاره کرد:

بازار	تبریز – قزوین
کاخ	هشام بن عبدالملک در نزدیکی اریحا
مساجد	مسجد النبی در مدینه – مسجد الحرام در مکه – مسجد جامع دمشق – مسجد جامع قرطبه
بقعه و آرامگاه	تاج محل در هند – گنبد سلطانیه در زنجان



گنبد سلطانیه در نزدیکی زنجان



کاشی‌کاری محراب مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان، دوره صفوی



مسجد موتی (اگرا هندوستان، قرن ۱۵ میلادی)



رحل قرآن کریم، ساخته حسن بن سلیمان اصفهانی، قرن ۸ ق.



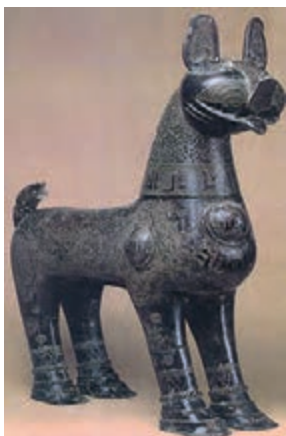
قالی با نقش شکارگاه (ایران – قرن ۱۰ ق)



بخشی از یک قالی ابریشمی ایرانی (هرات – قرن ۱۰ ق)



میناتور اصحاب کهف
اثر آقارضا اصفهانی (دوره صفوی)



عودساز — ایران
(قرن ۶ ق. عهد سلجوقی)



پارچ نقره کوب با تزیینات نقره بر روی
برنج — ایران (قرن ۶ و ۷ ق)



شمعدان برنجی (دوره صفویه)

بیشتر بدانید

خاندان بنی موسی

«بنی موسی» عنوانی است برای سه برادر با نام‌های محمد، احمد و حسن، فرزندان موسی بن شاکر خراسانی، که از آنان گاه با عنوان بنی شاکر نیز نام برده می‌شود. موسی بن شاکر جزء ملازمان مأمون بود که همراه او به بغداد آمد و به هندسه و نجوم پرداخت و از منجمان دربار مأمون شد. پس از مرگ او، فرزندان او با دانشمندان بغداد مأنوس شدند. آنان ثروت سرشار خود را صرف گردآوری نسخه‌های خطی یونانی و ترجمه آنها به زبان عربی کردند. آنان همچنین، مترجمان برجسته‌ای مثل حنین بن اسحاق و ثابت بن قزح را در استخدام خود داشتند. این برادران، علاوه بر ترجمه آثار یونانی، تحقیقات نفیسی را در ریاضیات، نجوم و مکانیک انجام دادند، ولی از آنجا که معمولاً به صورت گروهی کار می‌کردند تشخیص آثار شخصی هر یک از آنان مقدور نیست؛ اما گفته‌اند که محمد، اطلاعات وسیعی داشته، حسن در ریاضیات و احمد در مکانیک و مسائل فنی تبخیر بیشتری داشته است. به هر حال، این سه برادر نقش بسیار مهمی در شکوفایی تمدن اسلامی در قرن سوم هجری داشته‌اند و آوازه علمی آنان به اروپا نیز رسیده است. آثار بسیاری توسط آنان، ترجمه و تألیف شد که مهم‌ترین اثر باقی مانده از آنان، کتاب الحیل است. در این کتاب که نخستین اثر مدون شناخته شده در علم مکانیک در جهان اسلام به شمار می‌رود، یک صد دستگاه شرح داده شده است که بیشتر آنها به صورت خودکار و با استفاده از خواص مکانیکی سیالات کار می‌کرده‌اند، این وسایل، شامل انواع فواره‌های خودکار، ساعت‌های آبی، انواع بالابرها، آب و چرخ‌های چاه، آفتابه‌های خودکار و وسایلی مانند اینها هستند. این برادران، پانصدسال جلوتر از اروپاییان، برای نخستین بار، میل لنگ را در حوزه دانش‌های فنی به کار برده‌اند.^۱

۱. برای اطلاعات بیشتر درباره بنی موسی، بنگرید به: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۲، ص ۶۹۹-۶۸۶؛ دایرةالمعارف مصاحب، ج ۱، ص ۴۵۵؛ ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۱، ص ۱۹۲-۱۸۹

علم	دانشمندان مسلمان	دانشمند مسلمان	کتاب
ریاضیات	ابوریحان بیرونی، محمد بن موسی خوارزمی، غیاث الدین جمشید کاشانی	احمد، محمد و حسن فرزندان موسی بن شاکر	الحیل
نجوم	ابوالعباس لوکری، خیام نیشابوری، خواجه نصیرالدین طوسی، ابن هیثم، خوارزمی و بنو صباح	محمد بن زکریای رازی	سرالاسرار و الحاوی
فیزیک و مکانیک	احمد، محمد و حسن فرزندان موسی بن شاکر، بدیع الزمان جزری، ابو عبدالله قرطبی، ابوالفتح خازنی و حدین احمد بیرونی	ابن سینا	قانون
شیمی	جابر بن حیان و محمد بن زکریای رازی	یعقوبی	البلدان
طب	سید اسماعیل جرجانی، ابن سینا و محمد بن زکریای رازی	ابن خرداد به	المسالك و الممالك
فلسفه	امام فخر رازی، شهاب الدین سهروردی، ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی، محمد بن زکریای رازی، فارابی و ابن سینا	شیخ طوسی	تبیان، الخلاف و تجرید الاعتقاد
منطق	کندی، فارابی، ابن سینا، بهمنیار، خواجه نصیرالدین طوسی و ملاصدرا	طبرسی	مجمع البیان
تاریخ	ابوالفضل بیهقی، ابن اسحاق، یعقوبی، طبری، مسعودی، شیخ مفید و ابن مسکویه	فخر رازی	مفاتیح الغیب
جغرافیا	ابوریحان بیرونی، یعقوبی، ابن خرداد به و اصطخری	طبری	تفسیر طبری و تاریخ طبری
ادبیات	سنایی، انوری، خاقانی، عطار نیشابوری، کمیت اسدی، سید حمیری، دعبل خزاعی، رودکی، ابوالقاسم فردوسی	سیوطی	تفسیر الدرر المنثور
تفسیر	پیامبر ﷺ، امامان شیعه علیهم السلام، عبدالله بن عباس، ابو حمزه ثمالی، قمی، عیاشی، شیخ طوسی، طبرسی، طبری، فخر رازی و سیوطی	شیخ صدوق	المقنع
حدیث	امیر المؤمنین علی علیه السلام، محمد بن یعقوب کلینی، محمد بن علی بابویه (صدوق) و محمد بن حسن طوسی، محمد بن اسماعیل بخاری، مسلم بن حجاج نیشابوری، احمد بن شعیب نسائی، ابو داود سلیمان، ابوعیسی محمد ترمذی و محمد بن ماجه قزوینی	شیخ مفید	المقنعه و اوائل المقالات
فقه	شیخ صدوق، شیخ مفید، شیخ طوسی، مالک بن انس، قاضی ابویوسف و احمد بن حنبل	مالک بن انس	الموطا
اصول فقه	امام باقر علیه السلام، امام صادق علیه السلام، هشام بن حکم، شیخ مفید، شیخ طوسی، علامه حلی و شیخ انصاری	قاضی ابویوسف	الخراج
کلام	هشام بن حکم، هشام بن سالم، یونس بن عبدالرحمان، ابوسهل نوبختی، شیخ مفید، سید مرتضی، خواجه نصیرالدین طوسی، حسن بصری، ابو حامد غزالی، شهرستانی	احمد بن حنبل	المسند
تصوف و عرفان	خواجه عبدالله انصاری، خرگوشی نیشابوری، ابو حامد غزالی و شهاب الدین سهروردی	خواجه عبدالله انصاری	منازل السائرین
		خرگوشی نیشابوری	تهذیب الاسرار
		ابو حامد غزالی	کیمیای سعادت
		شهاب الدین سهروردی	عوارف المعارف

پرسش‌های نمونه

- فرهنگ و تمدن را تعریف کنید.
- دوره‌های تمدن اسلامی را ذکر کنید.
- عوامل زمینه‌ساز پیدایش و شکوفایی تمدن اسلامی را بیان کنید.
- آموزه‌های فرهنگی – تمدنی قرآن و سنت چه نقشی در ایجاد و شکوفایی تمدن اسلامی داشت؟
- مراکز آموزشی در تمدن اسلامی را نام برده و یکی از آنها را توضیح دهید.
- پیشینه‌ی واژه‌ی خلافت در قرآن و سنت نبوی را بیان کنید.
- تبدیل خلافت به سلطنت توسط چه کسی به وقوع پیوست؟
- کارکرد دیوان‌های جُند و استیفاء را شرح دهید.



فرهنگ و تمدن اسلامی در دوران با شکوه خود توانست به کشورهای اروپایی نفوذ کند و آنجا را تحت تأثیر قرار دهد. این پدیده، عواملی داشت که در این درس گفته خواهد شد. از دیگر موضوعات این درس، بیان علل رکود تمدن اسلامی، پس از رشد و شکوفایی است؛ همچنین عوامل رشد و خیزش مجدد تمدن اسلامی، پس از دوره رکود نیز بیان خواهد شد.

تأثیر و نفوذ تمدن اسلامی در اروپا

بی‌تردید، اروپاییان مدیون پیشرفت‌های تمدنی مسلمانان در سده‌های اولیه‌اند. آنان خود به این حقیقت انکارناپذیر، آگاه و معترف‌اند. این تأثیرگذاری، ناشی از زمینه‌ها و عواملی بود که عرصه را برای انتقال دستاوردهای تمدنی اسلام به اروپا آماده و مهیا می‌ساخت و عبارت‌اند از:

۱ انحطاط فرهنگی و تمدنی اروپاییان: اروپای معاصر با ظهور اسلام، به عللی، دچار انحطاط فرهنگی و عقب ماندگی تمدنی بود؛ عللی همچون: اختلافات طبقاتی و شکاف عمیق میان فقیران و ثروتمندان، وجود نظام برده‌داری و نژادپرستی، رفتارهای غیرانسانی اشراف در برخورد با بردگان و فرودستان – همچون درگیر کردن گلابیاتورها^۱ با هم، برای تفریح اشراف –، همراهی رهبران کلیسا با طبقات اشراف و نیز مقابله آنان با نوآوری‌های علمی دانشمندان، به بهانه پایبندی به تعالیم کتاب مقدس مسیحیان؛ زیرا بر اساس اعتقادات رهبران کلیسا، در صورت تعارض آموزه‌های کتاب مقدس با عقل و علم، آنچه مقدم می‌شد کتاب مقدس بود. این در حالی است که قرآن کریم، کتاب مقدس مسیحیان را تحریف شده معرفی کرده است.

۲ پویایی و اعتلای فرهنگ و تمدن اسلامی: از آنجا که پشتوانه فرهنگی و تمدنی مسلمانان، کتاب آسمانی قرآن و آموزه‌های دینی رسول خدا ﷺ بود و هیچ یک – بر خلاف مسیحیت – مخالفتی با عقل و علم نداشت، بنابراین، مسلمانان توانستند در مدت کوتاهی به پیشرفت‌های شگفتی دست یابند. اروپاییان نیز که محتوای آموزه‌های دین اسلام را برتر از تعالیم کلیسا می‌یافتند، به مرور، علاوه بر تأثیرپذیری دینی از مسلمانان^۲، در پیشرفت‌های تمدنی نیز به این سو روی آوردند.

۱. گلابیاتورها، بردگان و زندانیانی بودند که در آملی تئاترها، برای تفریح طبقه اشراف، دو به دو وادار به جنگ با یکدیگر می‌شدند و معمولاً طرف مغلوب، کشته می‌شد (دائرةالمعارف مصاحب، ج ۲، ص ۲۴۰).

۲. به عنوان مثال، الپیندوس – اسقف شهر طلیطله در اسپانیا – تحت تأثیر عقاید اسلامی، خدا بودن حضرت عیسی علیه السلام را انکار کرد و گفت: عیسی علیه السلام بشر و فرزند خوانده خداست.

۳ فتح اندلس و جنگ‌های صلیبی : رخداد فتح اندلس و تشکیل حکومت مسلمانان در آنجا به مدت چند سده، و نیز حملات مسیحیان به قلمرو اسلامی در جنگ‌های صلیبی^۱، زمینه‌آشنایی هر چه بیشتر مسیحیان اروپا با مسلمانان و پیشرفت‌های علمی و تمدنی آنان را فراهم ساخت. سخن مونتگمری وات در این باره چنین است :

«از نظر فرهنگی، جنگجویان مسیحی در شرق، برخی از جنبه‌های زندگی اسلامی را تجربه و سعی کردند هنگامی که به اروپا بازگشتند از آن تبعیت نمایند و تعداد کمی از کتاب‌های عربی نیز در مناطق مسیحی نشین به لاتین ترجمه شد»^۲.

۴ مهاجرت‌ها و روابط تجاری مسلمانان و مسیحیان : مهاجرت مسلمانان به سرزمین‌های مسیحی نشین از همان آغاز ظهور اسلام، با هجرت جعفر بن ابی طالب و بیش از ۱۰۰ مسلمان به حبشه آغاز شد. با گسترش قلمرو اسلامی و فتح مناطق تحت قلمرو رومیان - همچون سرزمین شام - روابط مسلمانان و مسیحیان گسترده‌تر شد. فتح اندلس نیز بر دامنه این روابط افزود؛ و در نتیجه، این مهاجرت‌ها و روابط متقابل تجاری، زمینه خوبی را برای انتقال فرهنگ اسلامی و تجربیات تمدنی به اروپا فراهم ساخت.

۵ ترجمه آثار اسلامی به زبان‌های اروپایی : در درس‌های پیشین خواندید که در جریان نهضت ترجمه، بسیاری از آثار غریبان به عربی ترجمه شد. اما پس از گذشت چند سده، این اروپاییان بودند که خود را نیازمند ترجمه آثار مسلمانان به زبان‌های خودشان می‌دیدند؛ زیرا :

الف) پیشرفت‌های علمی و فرهنگی مسلمانان موجب رغبت اروپاییان به ترجمه این آثار شد.

ب) دانشمندان مسیحی اکنون، خود را از ترجمه آثار دانشمندان یونانی عاجز می‌دیدند؛ زیرا میان آنان و زبان اصلی این کتاب‌ها فاصله افتاده بود؛ از این رو، ناچار بودند از ترجمه‌های عربی این آثار استفاده کنند.

عرصه‌های تأثیرپذیری اروپاییان از تمدن اسلامی

تعیین دقیق میزان و چگونگی ورود و نفوذ فرهنگ و تمدن اسلامی به اروپا امکان‌پذیر نیست؛ زیرا این رخداد به صورت تدریجی، طی چند سده انجام یافته است. اما شاید بتوان بعضی از عرصه‌های علمی و تمدنی که به صورت محسوسی به اروپا انتقال داشته را شناسایی کرد. این عرصه‌ها عبارت‌اند از : علوم عقلی و فلسفه، الهیات، طب، نجوم، ریاضیات، شیمی، ادبیات، جغرافیا، دریانوردی، تجارت، صنعت، مهندسی، هنرهای معماری، خوشنویسی، حجاری، منبت کاری و فلزکاری.

ویل دورانت - مؤلف شهیر تاریخ تمدن - در این باره چنین گفته :

«اسلام در جهان مسیحی، نفوذ گوناگون و بسیار داشت. اروپای مسیحی، غذاها، شربت‌ها، دارو و درمان، اسلحه و استفاده از نشان‌های مخصوص خانوادگی، سلیقه و ذوق هنری، ابزار و فنون، صنعت و تجارت و قوانین و راه‌های دریایی را از اسلام فراگرفت و غالباً لغات آن را نیز از مسلمانان اقتباس کرد»^۳.

مونتگمری وات نیز گفته است :

«هنوز هم نشانه‌هایی در زبان اسپانیایی وجود دارد که اشاره به این نکته است که عرب‌ها مسئولیت عمده معماری و خانه‌سازی را در اسپانیا بر عهده داشته‌اند»^۴.

۱. سلسله جنگ‌هایی که طی سده‌های ۱۲ و ۱۳ میلادی (۷۶۰ ق) توسط مسیحیان اروپا بر ضد مسلمانان، به بهانه آزادسازی زادگاه حضرت مسیح (ع) در فلسطین، ترتیب داده شد.

۲. وات، مونتگمری، تأثیر اسلام در اروپای قرون وسطی، ص ۱۰۲.

۳. دورانت، ویلیام جیمز، تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۴۳۳.

۴. وات، مونتگمری، تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی، ص ۵۳.

«قدر مسلم این است که پدیده‌ای درخشان و چراغی نورافشان به نام تمدن اسلامی، قرن‌ها در جهان وجود داشته و سپس این پدیده، کم فروغ و سرانجام چراغ خاموش شده است و امروز مسلمانان در مقایسه با بسیاری از ملل جهان و نسبت به گذشته پرافتخار خودشان، در حال انحطاط و وضع رقت باری به سر می‌برند. طبعاً این پرسش پیش می‌آید که چطور شد مسلمانان پس از آن همه پیشرفت و ترقی در علوم و معارف و صنایع و نظامات، به قهقرا برگشتند؟ مسئول این انحطاط و سیر قهقرایی چیست و کیست؟»^۱

چنان‌که در سخنان شهید مطهری اشاره شده، تمدن اسلامی پس از پیدایش و رسیدن به دوره شکوفایی و رشد، متأسفانه بر اثر عواملی، گرفتار ضعف، رکود و ایستایی شد. این سخن به معنای نابودی این تمدن نیست؛ زیرا مظاهر تمدن اسلامی گسترده و فراگیر بود و هرگز نابود نشد، اما در ادامه حیات خود، نه تنها آن سیر صعودی را ادامه نداد؛ بلکه در برخی عرصه‌ها دچار سیر نزولی نیز شد. درک گستره این رکود و عوامل واقعی آن چندان آسان نیست؛ زیرا میان ما و آن عصر، فاصله زیادی وجود دارد، اما در مجموع می‌توان مهم‌ترین عوامل را شناسایی کرد. نویسندگان تاریخ تمدن اسلامی معمولاً این عوامل را در دو بخش داخلی و خارجی بررسی می‌کنند. اما بر اساس آموزه‌های قرآنی، پیش از تأثیرگذاری عوامل خارجی، این خود انسان‌ها هستند که با رفتارها و خصلت‌های درونی‌شان، زمینه‌های صعود یا سقوط خود را فراهم می‌سازند:

«... همانا خداوند آنچه را که گروهی دارند [از نعمت‌ها]، دگرگون نمی‌کند تا آن‌گاه که آنچه را در خودشان است؛ یعنی صفات و اعمال خود را دگرگون کنند».^۲

عوامل رکود تمدن اسلامی

الف) عوامل داخلی رکود تمدن اسلامی

- ۱ **دنیاگرایی، تجمل طلبی و دوری از اسلام اصیل:** اسلام دارای جذابیت‌های ذاتی است و توان ایجاد تمدن بزرگ جهانی را در راستای خداپرستی و عدالت داراست، اما متأسفانه، مسلمانان و حکومت‌های آنان، پس از رحلت رسول خدا ﷺ گرفتار انحرافی تدریجی گشتند. اصول و فروع دین گرفتار تحریف شد، حکومت‌های اموی و عباسی به تجمل و عشرت طلبی روی آوردند و عالمان دینی نیز با حکومت‌ها همراه گشته، و مخالفان نیز به بند کشیده شدند. بدین ترتیب، نه تنها شرایط پدید آمدن تمدن فراگیر جهانی فراهم نشد؛ بلکه همان تمدن پدید آمده نیز دچار سستی و رکود شد.
- ۲ **ظلم و استبداد حکومت‌ها:** حکومت‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس، و نیز برخی از حاکمیت‌های کوچک، گرفتار استبداد، ظلم و خودکامگی بودند. سیاست مدارا و تحمل مخالفان وجود نداشت؛ از این رو، به مرور، نارضایتی عمومی و بی‌ثباتی حکومت‌ها و جوامع پدید آمد. در چنین فضایی، نباید انتظار تمدنی رو به پیشرفت و گسترش را داشت.
- ۳ **جنگ‌های داخلی و تجزیه قلمرو اسلامی:** در طول دوره حاکمیت عباسیان، ضعف و فساد آنان موجب شد نقاط مختلف قلمرو اسلامی درگیر جنگ‌ها و هرج و مرج‌های شدیدی شود که تشکیل حکومت‌های کوچک و بزرگی در نواحی گوناگون را به دنبال داشت. تجزیه قلمرو اسلامی تا اواخر قرن پنجم هجری ادامه داشت.

۱. مطهری، مرتضی، انسان و سرنوشت، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۲۵۰.
 ۲. «... إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...»؛ سورة رعد، آیه ۱۱.

ب) عوامل خارجی رکود تمدن اسلامی



مقبره صلاح الدین ایوبی، قهرمان جنگ‌های صلیبی در دمشق

۱ جنگ‌های صلیبی: در سده‌های ۱۲ و ۱۳ م. ۶/ و ۷ ق. سلسله جنگ‌هایی با عنوان جنگ‌های صلیبی از سوی مسیحیان اروپا و با تحریک رهبران کلیسا بر ضد مسلمانان به وقوع پیوست. وجود آشفته‌گی، هرج و مرج و فقر در اروپا از عوامل روی آوردن مسیحیان به این جنگ‌ها بود. آنان در نوامبر سال ۱۰۹۵ م. با تحریک پاپ اوربانوس دوم حملات خود را آغاز کردند. وی، طی خطابه‌ای، تعدی ترکان سلجوقی نسبت به زائران مسیحی را بهانه دعوت مسیحیان به جنگ قرار داد.

او به مسیحیان وعده داد که عزیمت به این جنگ، به منزله توبه و کفاره گناهان خواهد بود. در طی این جنگ و جنگ‌های بعدی، کشتارهای وسیعی صورت گرفت؛ به عنوان مثال، مسیحیان پس از تصرف بیت المقدس به پاپ چنین خبر دادند: «اگر می‌خواهید بدانید بر سر دشمن ما چه آمد، همین بس که اسب‌های ما در ایوان سلیمان و معبد او، تا زانو در خون مسلمین شناور بود.»

گفتنی است در سومین جنگ صلیبی، صلاح الدین ایوبی موفق شد در سال ۱۱۸۷ م. ۵۸۳ ق. بیت المقدس را از دست مسیحیان خارج سازد. در مجموع، جنگ‌های صلیبی برای اروپاییان - به لحاظ تمدنی - بسیار پر سود بود؛ زیرا از دنیای وحشیانه و پرظلمت و جهالت اروپا توانستند با تمدن درخشان اسلامی آشنا شده و این تجربیات را با خود به اروپا ببرند.

۲ حملات مغولان: همان‌طور که در درس ۱۱ خواندید مغولان از اوایل سده هفتم هجری، حملات خود به سرزمین‌های اسلامی را آغاز کردند. متأسفانه، خوی وحشیگری و ضد تمدنی این مردم بیابان‌نشین سبب شد علاوه بر قتل عام گسترده ساکنان سرزمین‌های اسلامی، آثار فرهنگی و تمدنی مسلمانان را نیز به نابودی کشند. بسیاری از کتابخانه‌ها را به آتش کشیدند و آثار هنری و معماری را از بین بردند. سرانجام حکومت بنی عباس را نیز در سال ۶۵۶ ق. ساقط کردند.

یک توضیح

از آنجا که مغولان، قومی وحشی و بیابان‌گرد بوده و با فرهنگ و تمدن بیگانگی داشتند، کتابخانه‌های بسیاری را در محدوده تمدن اسلامی، نابود کردند. به یک گزارش در این باره توجه کنید:

«[پس از فتح قلعه الموت] مغولان داخل آشیانه اصلی حسن صباح و پیروان او شدند و آلات جنگی و منجنیق‌ها را شکستند و اموال و خزاین ایشان را به تاراج بردند، مخصوصاً بر کتابخانه بسیار نفیسی که اسماعیلیان در طی سال‌های متمادی در الموت تأسیس کرده بودند و آوازه اشتهار و اهمیت آن در عالم پیچیده بود، دست یافتند و هلاکو امر به نابود کردن آن داد. عظاملک جوینی که در این سفر همراه بود، از هلاکو اجازه گرفت که به مطالعه آن کتب پردازد تا نفایس و کتب مفیده آن را جدا کند و بقیه را که متعلق به اصول و فروع دین اسماعیلی است بسوزاند و چنین نیز کرد!»^۱

۳ سقوط اندلس: اندلس، نامی است که مسلمانان به بخشی از شبه جزیره ایبری، واقع در جنوب اسپانیا و جنوب شرقی پرتغال و گاه به تمام آن داده اند. مسلمانان در اواخر سده اول هجری این منطقه را فتح کردند. حکومت مسلمانان در اندلس را می توان به سه دوره تقسیم کرد:

۱ دوره حاکمیت والیان دست نشانده امویان (۱۳۸-۹۳ ق.)

۲ دوره حاکمیت مستقیم امویان پس از سقوط خلافت امویان در دمشق و فرار بقایای آنان به اندلس (۴۲۲-۱۳۸ ق.)

۳ دوره معروف به حاکمیت ملوک الطوائفی (۸۹۷-۴۲۲ ق.)

دوره حاکمیت مسلمانان در اندلس با پیشرفت های شگرف علمی و تمدنی همراه بود. اما متأسفانه سقوط دولت های مسلمان اندلس و تصرف مجدد آن به وسیله مسیحیان اروپا، تنها خاطرات و آثار محدودی از مظاهر تمدن اسلامی را بر جای نهاد.^۱

فکر کنیم و پاسخ دهیم

درباره عوامل داخلی و خارجی رکود تمدن اسلامی - بر اساس آموخته هایتان - بیشتر فکر کنید. آیا عوامل دیگری در این رخداد مؤثر بوده اند؟ از این حقیقت تلخ چگونه برای وضع کنونی امت اسلامی می توان درس گرفت؟

خیزش و رکود مجدد تمدن اسلامی

چنان که قبلاً اشاره شد، تمدن اسلامی پس از پیدایش و شکوفایی، هرگز نابود نشد، اما دوره هایی از رکود و ضعف را سپری کرد. از شواهد این مدعا آنکه مغولان هر چند خسارات زیادی به تمدن اسلامی وارد ساختند، اما پس از چندی خود آنان به اسلام گرویدند و برخی از آثار تمدنی را پدید آوردند.^۲ از سده هشتم هجری به بعد، در سه نقطه مهم از قلمرو اسلامی، سه دولت مقتدر پدید آمد که هریک، سهم بسزایی در احیای مجدد تمدن اسلامی داشت: دولت عثمانی در ترکیه امروزی و ممالک همجوار، دولت صفویه در ایران، و دولت گورکانی در هند. (با این ۳ دولت به طور مشروح در سال آینده آشنا خواهید شد).



کاخ عالی قاپو در اصفهان (عصر صفوی)



مسجد ایاصوفیه در استانبول

۱. بنگرید به: رائف، احمد، خاطره سقوط اندلس، ترجمه محمدرضا انصاری

۲. از نمونه های مثال زدنی در این باره، گنبد سلطانیه است که در زمان سلطان محمد خداپسند - از سلاطین مسلمان و شیعه شده مغولی - بنا شد.

نقش تمدنی ایرانیان

هر چند ظهور اسلام در جزیره العرب بود اما این آیین پس از نفوذ به دیگر مناطق - از جمله ایران - توسط اقوام غیر عرب پذیرفته و ترویج شد. ایرانیان در این میان، نقشی انکار ناپذیر داشته‌اند. بیشترین گسترش اسلام به سوی شرق بود که عمده‌تاً ایران بزرگ عصر ساسانی را شامل می‌شد. مردم ایران پس از آنکه به تدریج اسلام را پذیرفتند، خود به عامل مهمی در تعمیق آموزه‌های اسلامی و گسترش و ترویج آن تبدیل گشتند. بسیاری از دانشمندان حوزه تمدن اسلامی، ایرانی بودند که با تدوین آثار فراوان علمی، تمامی مسلمانان را مدیون خود ساختند. تنها به عنوان یک نمونه می‌توان به مؤلفان مهم‌ترین آثار حدیثی شیعه (کتاب اربعه) و اهل سنت (صحاح سته) اشاره کرد که تمامی آنها ایرانی بوده‌اند.

با سقوط دولت‌های صفوی و گورکانی و سپس عثمانی، تمدن اسلامی مجدداً با ضعف و رکود همراه شد و دیگر نتوانست به شکوه پیشین خود بازگردد. این رخداد ناشی از چند عامل بود:

- ۱ پیدایش دولت‌های استعمارگر غربی و دست‌اندازی آنها به کشورهای اسلامی؛
- ۲ بی‌لیاقتی حاکمان کشورهای اسلامی و مرعوب شدن آنها در برابر استعمار؛
- ۳ تجزیه قلمرو اسلامی به کشورهای کوچک و ایجاد نزاع و دشمنی بین آنها توسط استعمار.

رخداد انقلاب اسلامی ایران؛ تحرکی در تمدن اسلامی

خوشبختانه رخداد انقلاب اسلامی ایران در قرن اخیر، زمینه‌های مساعدی را برای شکوفایی استعدادهای نهفته جوانان مسلمان این مرز و بوم فراهم کرد. تمدن اسلامی به برکت این انقلاب در آستانه خیزشی جدید است که مرزهای ایران را درنور دیده و به دیگر کشورهای اسلامی سرایت کرده است. این انقلاب در جهان با نام امام خمینی و کشور ایران - با اکثریت شیعی دوازده امامی - شناخته شده است و امید می‌رود که این تمدن جدید اسلامی به حکومت موعود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف متصل شود.

پرسش‌های نمونه

- ۱ عوامل انتقال تمدن اسلامی به اروپا چه بود؟ آنها را نام برده و یکی را توضیح دهید.
- ۲ عوامل داخلی و خارجی رکود تمدن اسلامی را ذکر کرده و یکی از آنها را توضیح دهید.
- ۳ خیزش مجدد تمدن اسلامی در چه دوره‌ای و به وسیله چه حکومت‌هایی انجام گرفت؟ به طور کوتاه توضیح دهید.
- ۴ چرا تمدن اسلامی، پس از خیزش مجدد، گرفتار رکود مجدد شد؟
- ۵ انقلاب اسلامی چه تأثیری در ارتباط با تمدن اسلامی داشته است؟



ق ۵۹۰ ق ۶۲۸ ق ۶۵۴



ق ۷۱۱ ق ۷۳۶



ق ۹۰۷

ق ۱۱۳۵



م ۱۲۰۳/ق ۶۰۰

م ۱۳۰۰/ق ۷۰۰

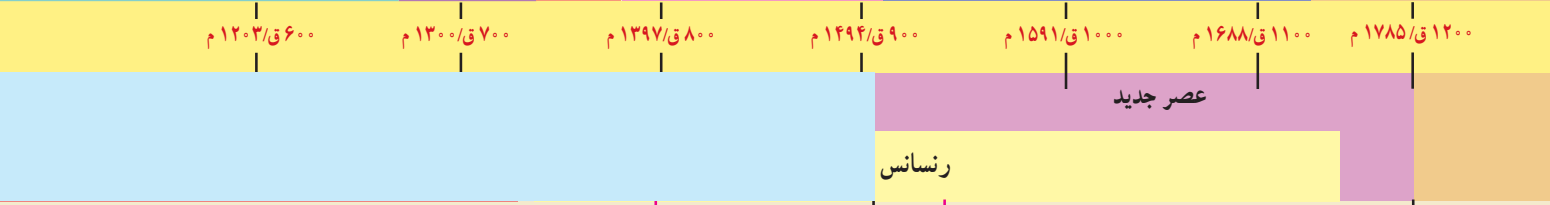
م ۱۳۹۷/ق ۸۰۰

م ۱۴۹۴/ق ۹۰۰

م ۱۵۹۱/ق ۱۰۰۰

م ۱۶۸۸/ق ۱۱۰۰

م ۱۷۸۵/ق ۱۲۰۰



م ۱۲۹۱/ق ۶۹۰

م ۱۵۰۰

م ۱۸۰۰





قرون وسطا



۱۰۹۶ م / ۴۹۰ ق

- آلوسی، محمود شکری، مختصر التحفه الاثنی عشریه. قاهره، مطبعه سلفیه، کتابخانه دیجیتال نور.
- ابن اثیر، عزالدین علی، الکامل فی التاریخ، ترجمه، ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، بیروت، دارصادر، ۱۳۸۵ ق.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، نجف، حیدریه، ۱۳۷۶ ق.
- ابن شعبه حرّانی، ابو محمد حسن بن علی، تُحف العقول، تصحیح، علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۳ ش.
- ابن طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا، الفخری فی آداب السلطانیه و الدول الاسلامیه، بیروت، داربیروت، ۱۹۶۶ م.
- ابن هجر هیتمی، احمد بن محمد، الصواعق المحرقه فی الرد علی اهل البدع و الزندقه، کتابخانه دیجیتال نور.
- الله اکبری، محمد، عباسیان از بعثت تا خلافت.
- اربلی، ابن ابی الفتح، کشف الغمّه فی معرفه الاثمه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۵ ق.
- ابوزهره، محمد، الامام الصادق (علیه السلام) حیات و عصره و آراؤه و فقهه، قاهره، دارالفکر العربی، بی تا.
- ابن کثیر، عمادالدین اسماعیل، البدایه و النهایه، تحقیق، علی شیر، کتابخانه دیجیتال مکتبه الشیعیه.
- باغستانی، اسماعیل، دانشنامه جهان اسلام، مدخل امام جواد (علیه السلام).
- برنجکار، رضا، آشنایی با فرق و مذاهب اسلامی، کتابخانه دیجیتال قائمیه اصفهان.
- بهبودی، محمدباقر، مقاله طلوع و غروب اصحاب اجماع، مجله کاوشی نو در فقه، تابستان ۱۳۷۴.
- پاک‌نیا، عبدالکریم، نگاهی به شیوه‌های رهبری امام هادی (علیه السلام)، کتابخانه دیجیتال قائمیه اصفهان.
- پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، قم، مؤسسه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۷ ش.
- پیرنیا، حسن و عباس اقبال، ایران از آغاز تا انقراض قاجار، بی جا، خیام، ۱۳۸۰ ش.
- جباری، محمدرضا، سازمان و کالت و نقش آن در عصر ائمه (علیهم السلام)، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (علیه السلام)، ۱۳۸۲ ش.
- جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری، قم، انصاریان، ۱۳۸۰ ش.
- _____، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه (علیهم السلام)، قم، انصاریان، ۱۳۷۹ ش.
- حیدر، اسد، امام صادق (علیه السلام) و مذاهب چهارگانه، ترجمه حسن یوسفی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۹ ش.
- حسین، جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (علیه السلام)، ترجمه محمد تقی آیت اللهی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷ ش.
- خضری، احمدرضا، تاریخ تشیع، تهران، سمت، ۱۳۹۱ ش.
- _____، تاریخ خلافت عباسی، از آغاز تا پایان آل بویه، تهران، سمت، ۱۳۷۹ ش.
- رائف، احمد، خاطره سقوط اندلس، ترجمه محمدرضا انصاری تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۰ ش.
- رفیعی، علی، تحلیلی از تاریخ دهمین خورشید امامت، امام هادی (علیه السلام)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰ ش.

- زنجیر، محسن، نقش امام سجاد (ع) در رهبری شیعه، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)، ۱۳۸۰ ش.
- زرین کوب، عبدالحسین، بامداد اسلام، داستان آغاز اسلام و انتشار آن تا پایان دولت اموی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۹ ش.
- ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، الامامة والسياسة، قم، منشورات الرضى، ۱۳۶۳ ش.
- ویل دورانت، تاریخ تمدن ترجمه ابوطالب صارمی و همکاران، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱ ش.
- دریایی، محمد رسول، امام هادی (ع) و نهضت علویان، تهران، رسالت قلم، ۱۳۶۱ ش.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، تاریخ الخلفاء، تحقیق صالح ابراهیم، بیروت، دارصادر، کتابخانه دیجیتال نور.
- شهرستانی، ابوالفتح محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، قم، شریف رضى، ۱۳۶۴ ش.
- شوشتري، محمدتقی، قاموس الرجال، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، عیون اخبار الرضا (ع)، ترجمه حمیدرضا مستفید و علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷ ش.
- _____، کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ ش.
- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، تحقیق شیخ عبدالرحیم ربانی شیرازی، ۱۴۰۳ ق.
- طباطبائی، سید محمد کاظم، تاریخ حدیث، کتابخانه دیجیتال نور.
- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ترجمه بهزاد جعفری، کتابخانه دیجیتال مدرسه فقهات.
- _____، إعلام الوری بأعلام الهدی، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۷ ق.
- طبسی، محمد جواد، با خورشید سامرا، تحلیلی از زندگانی امام حسن عسکری (ع)، ترجمه عباس جلالی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ ش.
- طبسی، محمد حسن، امام رضا (ع) به روایت اهل سنت، قم، دلیل، ۱۳۸۸ ش.
- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تصحیح حسن موسوی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
- طقوش، محمد سهیل، دولت امویان، ترجمه حجت الله جودکی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵ ش.
- _____، دولت عباسیان، ترجمه حجت الله جودکی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵ ش.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷ ق.
- عامل، سید جعفر مرتضی، زندگانی سیاسی هشتمین امام، ترجمه خلیل خلیلیان، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۱۶ ش.
- _____، نگاهی به زندگانی سیاسی امام جواد (ع)، ترجمه محمد حسینی، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۵ ش.
- عطاردی، عزیزالله، مسند الامام کاظم (ع)، مشهد، الروضة الرضویة المقدسة، کتابخانه دیجیتال مدرسه فقهات.
- قرشی، باقر شریف، موسوعه سیره اهل بیت (ع)، جلد ۳۲، نجف، دارالمعروف مؤسسه الامام الحسن (ع)، ۱۴۳۳ ق.
- قزوینی، سید محمد کاظم، موسوعه الامام الجواد (ع)، قم، موسسه ولی عصر (ع)، کتابخانه دیجیتال مکتبه الشیعه.
- کُشی، محمد بن عمر، رجال الکشی، به تحقیق حسن مصطفوی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.

- کلینی، محمد بن یعقوب، روضة الکافی، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، کتابخانه دیجیتال نور.
- _____، الکافی، به تحقیق علی اکبر غفاری، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
- مشکور، محمد جواد و کاظم مدیر شانه‌چی، فرهنگ فِرَق اسلامی، کتابخانه الکترونیکی مدرسه فقاہت.
- مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیہ، کتابخانه دیجیتال نور.
- مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ترجمه ابوالقاسم پاینده، به تحقیق اسعد داغر، قم، دارالحجره، ۱۴۰۹ ق.
- مقدسی، محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، قاهره، مکتبه مدبولی، ۱۴۱۲ ق.
- مصاحب، غلامحسین، دائرة المعارف فارسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۷ ش.
- منتظرالقائم، اصغر، تاریخ امامت، تهران، نشر معارف، ۱۳۸۶ ش.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، ترجمه و شرح سید هاشم رسولی محلاتی، ۱۳۷۸ ش.
- _____، الاختصاص، بی‌جا، دارالمفید، ۱۳۸۸ ش.
- حکیم سید منذر سید عبدالرحیم موسوی، پیشوایان هدایت، حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام)، ترجمه کاظم حاتمی طبری، تهران، مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۳۸۴ ش.
- _____، پیشوایان هدایت، حضرت امام کاظم (علیه السلام)، ترجمه کاظم حاتمی طبری، تهران، مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۳۸۴ ش.
- ناظمیان فرد، علی، معتصم و سیاست انتقال پایتخت، ش ۱۱، مجله پژوهش‌های تاریخ ایران و اسلام.
- حکیم سید منذر و سام بغدادی، پیشوایان هدایت، حضرت امام جواد (علیه السلام)، ترجمه سید حسین اسلامی اردکانی، تهران، مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام)، ۱۳۸۴ ش.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، مؤسسه نشر اسلامی، کتابخانه الکترونیکی مدرسه فقاہت.
- نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، کتابخانه الکترونیکی نور.
- ناشناس، اخبارالدولة العباسیه، به کوشش عبدالعزیزالدوری و عبدالجبار مطلبی، بیروت، بی‌تا، ۱۹۷۱ م.
- نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، کتابخانه الکترونیکی مکتبه الشیعه.
- نهج البلاغه، به تحقیق صبحی صالح، بیروت، بی‌تا، ۱۳۸۷ ق.
- یعقوبی، احمد بن واضع، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، بیروت، دارصادر، بی‌تا.
- ولایتی، علی اکبر، یوایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲ ش.
- وات، ویلیام مونتگمری، تأثیر اسلام بر اروپای قرون وسطی، ترجمه حسین عبدالحمیدی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله)، ۱۳۷۸ ش.



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی بر خط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نونگاشت، کتاب‌های درسی را در اولین سال چاپ، با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه تحلیل محتوای آموزشی و پرورشی استان‌ها، گروه‌های آموزشی و دبیرخانه راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیران و هنرآموزانی که تلاش مضاعفی را در این زمینه داشته و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند به شرح زیر اعلام می‌شود.

اسامی دبیران و هنرآموزان شرکت‌کننده در اعتبارسنجی کتاب تاریخ اسلام ۲ – کد ۱۱۱۲۳۳

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت	ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	پرشنگ بابایی	کردستان	۱۹	نیره قوامی	قزوین
۲	زینب علی زاده جورکویه	خراسان رضوی	۲۰	هدایت بهنام	لرستان
۳	خیام علیزاده اقدم	آذربایجان شرقی	۲۱	داود رضایی	شهرستان‌های تهران
۴	عصمت قلی پور شهرکی	چهارمحال و بختیاری	۲۲	شمسی شعبانی	کرمانشاه
۵	فرانک ستاری	کردستان	۲۳	مهدی کاردان	شهر تهران
۶	غلامعلی ابراهیمی	سیستان و بلوچستان	۲۴	طهماسب طالبی	قزوین
۷	مهدی بخشی	خراسان جنوبی	۲۵	زهره سلیمانی	آذربایجان غربی
۸	حیدر امیری	بوشهر	۲۶	محمدعلی شیوانسب	گلستان
۹	بهرام امدادیان	هرمزگان	۲۷	طاهره صفری فروشانی	خوزستان
۱۰	قاسم فتاحی	چهارمحال و بختیاری	۲۸	امید صادق پور	همدان
۱۱	مریم حیدری	بوشهر	۲۹	بهنام علی پور	کهگیلویه و بویراحمد
۱۲	لیلا محمدنیاکان	ایلام	۳۰	زرین شریفیان پور	اصفهان
۱۳	شهین مقصودی	فارس	۳۱	کوروش زمانی	هرمزگان
۱۴	محمد لطفی	البرز	۳۲	علی یزدی پسند	مرکزی
۱۵	ماندانا فرهمند	ایلام	۳۳	فریبا صالحی	هرمزگان
۱۶	حسین اسکندری	فارس	۳۴	معصومه سعیدی	آذربایجان غربی
۱۷	هایده صادقی اصل	شهر تهران	۳۵	حیدر احسانی	خراسان شمالی
۱۸	طیبه خسروی	خراسان جنوبی			